پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی
سال چهارم، شماره نه (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸
شاپا: ۶۲۹۸-۲۵۳۸

ظرفیت نو شبکه‌های اجتماعی مجازی در گفتمان‌سازی ایمان به وعده‌های الهی
روح‌الله آهنگران، شبنم رضایی عباسی

تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها
سیدمهدی هاشمی فیض‌آبادی، اکرم فیض‌آبادی

تحلیل پوسترهای استفان زاگ مستر از منظر فلسفه هنر نیچه
پریسا طاهری راد، محسن صحتی، نادیا معقولی

مطالعه تطبیقی حامیان هنری دوره‌های ایلخانی و تیموری
الهام کشاورزی

جغرافیای تاریخی خراسان در ادوار تاریخ
شهرام بی‌باک

تعیین بهترین کانسپت طراحی پلان خانه‌های مسکونی اقلیم گرم و خشک بر اساس فرم‌های معماری سنتی شهر سمنان
محمدحسین باغبان

از نارسایی تعریف اختلاس تا ناکارآمدی شروط تحقق آن
شیما سادات حسینی مقدم

بررسی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه
ملوک صفرپورفیضی

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی
سال چهارم، شماره نه (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸
شاپا: ۶۲۹۸-۲۵۳۸

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:
میلاد فتحی

سردبیر: امیرحسین یوسفی

مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی نشریه:

سرکار خانم دکتر پریسا آروند، دانشگاه گیلان
جناب آقای دکتر حسنعلی آقاجانی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر سجاد اکبری، دانشگاه ارومیه
جناب آقای دکتر علیرضا اکرمی، دانشگاه گیلان
جناب آقای دکتر بهرام ایمانی، دانشگاه محقق اردبیلی
جناب آقای دکتر اعظم بابکی راد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
جناب آقای دکتر محمد باقری، دانشگاه زنجان
سرکار خانم دکتر مرضیه تراجی، دانشگاه گیلان
سرکار خانم دکتر نغمه خرازیان، دانشگاه زنجان
جناب آقای دکتر روح‌الله رحیمی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر احمد جعفری صمیمی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر داود رضائی، دانشگاه زنجان
جناب آقای دکتر بهادر زمانی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
سرکار خانم دکتر مینو شفائی، دانشگاه هنر اصفهان
جناب آقای دکتر جواد شکاری نیری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
جناب آقای دکتر ناصر صنوبر، دانشگاه تبریز
جناب آقای دکتر محمدرضا طبیبی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر مظفر عباس‌زاده، دانشگاه ارومیه
جناب آقای دکتر علی عمرانی‌پور، دانشگاه کاشان
جناب آقای دکتر افشین عموزاده، دانشگاه گیلان
سرکار خانم دکتر غزال کرامتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
جناب آقای دکتر امیررضا کریمی آذری، دانشگاه گیلان
جناب آقای دکتر محسن کشاورز، دانشگاه شهید باهنر کرمان
جناب آقای دکتر محمدمهدی گودرزی، دانشگاه آزاداسلامی‌همدان
جناب آقای دکتر مهرداد متین، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
جناب آقای دکتر بهزاد محبی، دانشگاه محقق اردبیلی
جناب آقای دکتر علیرضا محمدی، دانشگاه محقق اردبیلی
جناب آقای دکتر حسین مدی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
جناب آقای دکتر مهدی مقیمی، دانشگاه زنجان
جناب آقای دکتر علیرضا مهدی‌زاده، دانشگاه شهید باهنر کرمان
جناب آقای دکتر سید محسن موسوی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر کیانوش ناصرالمعمار، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
جناب آقای دکتر امیرهوشنگ نظر پوری، دانشگاه لرستان

۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷
۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹
۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی
تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳ تلفن: ۰۲۱ ۳۳ ۸۴۰۷ ۹۲

پژوهش در هنر و علوم انسانی

فراخـوان پذیـرش مقـاله

نقش علوم انسـانی و هنر با کارکرد انتقادی در خصـوص طرح سوالات بنیادین در فلسـفه و مبانی علمی به عنوان ابزاری برای دسـتیابی به تفکر نواندیش، خلاق و کارآفرین در زیرساخت‌های سایر علوم و دستاوردهای آن نیز از اهمیت بسـیاری در فرآیند توسعه برخوردار اسـت . از اینرو می‌توان گفت دسـتیابی به توسـعه بومی، همه جانبه و پایدار، جز با بذل توجه به پژوهش و مطالعه در حوزه علوم انسانی و هنر میسر نخواهد شد.

ارتقاء کیفیت پژوهش‌ها و مطالعات علمی، از مسیر انتشار نتایج مطالعات علمی و تحصصی پژوهشگران می‌گذرد . با این نگاه نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی توسط موسسه تحقیقانی مدیریت دانش شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشـور به انتشـار مقالات علمی در زمینه پژوهش هنر و مطالعات علوم انسانی می‌پردازد.

از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان، پژوهشگران و علاقمندان به مطالعات علوم انسـانی و هنر دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود به از طریق وب‌سایت نشریه به نشانی www. rahs.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

محورهای نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی:

مطالعات هـنر:

۱- هنرهای پژوهشی و پژوهش در هنر
۲- هنرهای نمایشی و سینما
۳- مرمت، احیا و بازسازی
۴- هنرهای تصویری و طراحی
۵- موسیقی
۶- معماری و شهرسازی
۷ - هنرهای تجسـمی و موضوعات دیگر در هنر
۸ - دیگر موضـــوعات در مطالعات هنر و پژوهش‌های میان رشته‌ای

پژوهش‌های علوم انسانی:

۱- علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
۲- زبان شناسی، ادبیات و آموزش
۳- علوم جغرافیایی
۴- علوم تاریخ و باستان‌شناسی
۵- فلسفه، الهیات و معارف اسلامی
۶- روانشناسی و علوم تربیتی
۷- حقوق
۸- علوم سیاسی و روابط بین‌الملل
۹- حسابداری، مدیریت و علوم اقتصادی
۱۰ - دیگر موضوعات در علوم انسـانی و پژوهش‌های میان رشته‌ای

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

فهرست مقالات

عنــوان مقــاله	صفحه
ظرفیت نو شبکه‌های اجتماعی مجازی در گفتمان‌سازی ایمان به وعــده‌های الهــی روح‌الله آهنگران، شبنم رضایی عباسی	۱
تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها سیدمهدی هاشمی فیض‌آبادی، اکرم فیض‌آبادی	۱۱
تحلیل پوسترهای استفان زاگ مستر از منظر فلسفه هنر نیچه پریسا طاهری راد، محسن صحتی، نادیا معقولی	۲۱
مطالعه تطبیقی حامیان هنری دوره‌های ایلخانی و تیموری الهام کشاورزی	۳۱
جغرافیای تاریخی خراسان در ادوار تاریخ شهرام بی‌باک	۴۵
تعیین بهترین کانسپت طراحی پلان خانه‌های مسکونی اقلیم گرم و خشک بر اساس فرم‌های معماری سنتی شهر سمنان محمدحسین باغبان	۵۳
از نارسایی تعریف اختلاس تا ناکارآمدی شروط تحقق آن شیما سادات حسینی مقدم	۶۱
بررسی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه ملوک صفرپورفیضی	۷۱

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

ظرفیت نو شبکه‌های اجتماعی مجازی در گفتمان‌سازی ایمان به وعده‌های الهی

روح‌الله آهنگران[۱]، شبنم رضایی عباسی[۲]

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۱
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۳
کد مقاله: ۴۰۳۴۲

چکـیده

در راستای گسترش چشمگیر فضای مجازی در کلیه وجوه زندگی بشر، تولید شبکه‌های انسانی نیز عامل مهم دیگری در افزایش تعاملات مجازی بین افراد گردید. شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وب‌سایت‌ها هستند که این روزها کانون توجه کاربران شبکه جهانی (اینترنت) قرار گرفته است. یکی از کارکردها و ظرفیت‌های این رسانه‌های نوظهور مجازی ایجاد تعامل و گفتمان سازی می‌باشد. با توجه به رشد فضای مجازی و ورود جنبه‌های مختلفی از دین و شکل‌گیری مذهب در فضای مجازی، گفتمان‌های گوناگونی از مفاهیم قرآنی و معارف دینی می‌تواند شکل بگیرد. یکی از آن مفاهیم که کمتر به آن پرداخته شده و لازم است بیشتر به آن توجه شود موضوع ایمان به وعده‌های الهی می‌باشد.
مراحل گفتمان سازی عبارت‌اند از آگاه‌سازی، آرمان سازی و هدایت‌گری که با وجود ظرفیت‌های نوشبکه‌های اجتماعی می‌توان در مرحله آگاه‌سازی مخاطب نسبت به مفهوم وعده‌های الهی، اقسام آن و درکل به نقاط ضعف و قوت گروه‌ها در این موضوع آگاهی یافت و در مرحله آرمان سازی نیز می‌توان با تعریف نقاط آرمانی به‌خصوص وعده‌های مرتبط با مسائل آخرالزمان و حکومت مهدوی برای ایجاد انگیزش در راستای حرکت جمعی به مقصد دست یافت و پس از این دو مرحله مقدماتی که متناظر با کلیت موضوع وعده‌های الهی است؛ گفتمان سازی وارد مرحله هدایت‌گری خواهد شد. هدف از انجام این پژوهش بررسی ظرفیت نوشبکه‌های مجازی در گفتمان سازی ایمان به وعده‌های الهی می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، روش تحلیلی–استنباطی است و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. همچنین نحوهٔ گردآوری اطلاعات، روش اسنادی به روش فیش برداری می‌باشد.

واژگـان کلـیدی: ظرفیت، نوشبکه‌های مجازی، گفتمان سازی، وعده، وعید، شبکه‌های اجتماعی، رسانه مجازی

۱- دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد تهران واحد تهران مرکزی، (مسئول مکاتبات)
R.ahangaran@chmail.ir
۲- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد تهران واحد تهران مرکزی

۱- مقدمه

تبلیغ دین خدا و ارزش‌های الهی، با تلاش پیامبر (ص) آغاز شد و به همت امامان معصوم (علیهم السلام) ادامه یافت. در زمان غیبت کبری، این مهم بر دوش عالمان دین نهاده شد و آنان مأمور به ابلاغ رسالت‌های الهی شد. در این راه، آشنایی مبلغ با سیره و روش تبلیغی پیامبر اکرم و امامان معصوم، وی را از کوتاه‌ترین راه به هدفش می‌رساند؛ یعنی پیام داعی‌الی اللّه را بر جان مخاطبان می‌نشاند. عالمان دین با عمل و تخلق به اخلاق الهی، با تبلیغ چهره به چهره، به بهترین شکل به تبلیغ رسالات الهی برخاسته و بیشترین موفقیت را نیز به دست آورده‌اند. از سوی دیگر، در عصر جدید، برای پیشبرد اهداف مجموعه‌ها، گروه‌ها، احزاب و... ابزارهای ارتباطی، عاملی بسیار قوی هستند. رسانه‌های جهان گستر، زمینه مناسبی برای پراکنش محتوای تعالیم ادیان گوناگون و نحوه فعالیت و تبلیغ آنها فراهم می سازد (جـوکـارقمی، ۱۳۹۵: ۳). رسانه یا وسیله ارتباطی به جریان انتقال از طریق وسایل ارتباطی اشاره دارد و ابزارهایی را در برمی گیرد که کارکرد ارتباطی دارند. دنیای امروز به ارتباط مستمر یا کنش متقابل میان مردمی وابسته است که بسیار جدا و دور از یکدیگر هستند (گیدنز[1]، ۱۳۸۳،۴۷۲). رسانه اجتماعی، رسانه ای است که برای تعامل و انتشار محتوا در محیط اینترنت از طریق تعامل اجتماعی طراحی شده، دسترسی پذیری بسیار بالایی دارد و از فنون انتشار مقیاس پذیر در آن استفاده شده است. انجمن های تبادل نظر، تابلوهای پیام، پادکست- ها، بلاگ ها و ویکی ها، ازجمله انواع رسانه‌های اجتماعی هستند (خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰،۷۲). شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از رسانه ها و پایگاه هایی هستند که این روزها در کانون توجه کاربران اینترنت قرار گرفته اند.این گونه پایگاه ها بر مبنای تشکیلات آنلاین فعالیت می کنند و هر کدام دسته ای از کاربران اینترنتی با ویژگی خاص را گرد هم می آورند (فرهادی، ۱۳۹۴: ۱۰).

به عقیده برخی از متخصصان ارتباطات، این شبکه‌های اجتماعی مجازی تجلی «زندگی دوم»[2]هستند. از این نوع زندگی با عناوینی چون «زندگی آنلاین»، «زندگی هیجانی» و «زندگی الکترونیکی» نیز یاد می کنند. شبکه‌های اجتماعی می توانند ذائقه و سبک زندگی کاربران را دستخوش دگرگونی نمایند. همان گونه که فلسفه وجودی شبکه‌های اجتماعی واقعی، تشکیل و پیوند گروه های اجتماعی بر محور مشترکات اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، بسیاری از شبکه‌های اجتماعی در اینترنت نیز با انگیزه سازماندهی کردن گروه های اجتماعی مجازی با تکیه بر اشتراکات مختلف شکل می گیرند. پیدا است که اعضای این اجتماعات مجازی با پیوندهایی که با یکدیگر دارند، در مجموع به دنبال تحصیل یک هدف مشترک در دنیای واقعی که غالباً هدفی سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی است، هستند (سلیمانی پور، ۱۳۸۹: ۱۴). از دیدگاه پست مدرن ها، گفتمان، محور شناخت و حتی وسیله ای برای تولید دانش است (آهنچیان، ۱۳۸۲: ۳۴). رسانه ها و شبکه- های نوظهور مجازی با توجه به ویژگی گفتمان و در اختیار داشتن فرارسانه‌هایی چون: رایانه، اینترنت، ماهواره ها و سایر رسانه‌های دیجیتالی نوین می‌تواند در فرایند تربیت دینی، به نهادینه کردن و ترویج سبک زندگی اسلامی، مخصوصاً مقولهٔ ایمان به وعده‌های الهی که بسیار ضروری است، منجر شود.

در زمان کنونی نیز که عرصه تبلیغ دین بر عهده مبلغان و اندیشمندان دینی می‌باشد، ضروری است که با استفاده از روش ها و سازوکارهای تبلیغی روزآمد و متناسب با انتظارات مخاطب نسبت به ارائه معارف دینی و مفاهیم قرآنی – روایی بپردازند. با توجه به استقبال ویژه جوانان از نوشبکه‌های اجتماعی و جذب روز افزون کاربران فضای مجازی به این ابزار ارتباطی، بدیهی است که غفلت از این فضا و عدم بهره مندی از ظرفیت‌های آن، می‌تواند این شبکه‌ها را به تهدیدی برای فرهنگ و مذهب تبدیل نماید و چالش هایی را متوجه نگرش و التزام نظری و عملی آن‌ها به ابعاد و نشانه های دینداری کند. بنابراین با بهره مند گشتن از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی در راستای تبلیغ دین مبین اسلام، امری لازم است. مسأله ی اصلی پژوهش حاضر شناسایی ظرفیت‌های نو شبکه‌های اجتماعی مجازی در گفتمان سازی مباحث مهم دینی از جمله مفهوم و انگاره‌ی وعده‌های الهی است. این سوال پدید می آید که آیا ظرفیت‌های لازم در نوشبکه‌های اجتماعی وجود دارد که بتوان مفاهیم و معارف دینی به خصوص وعده‌های الهی را در آن ارائه داد و این گفتمان سازی با چه سازوکاری در این شبکه‌ها انجام خواهد پذیرفت. پژوهش حاضر به روش تحلیلی- استنباطی بوده و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. همچنین نحوهٔ گردآوری اطلاعات، داده های مورد نیاز اسنادی به روش فیش برداری از منابع مختلف می‌باشد.

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- شبکه‌های اجتماعی مجازی

انقلاب ارتباطات، نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را که خالی از روح حاکم بر روابط واقعی اجتماعی است، به وجود آورده است. از طریق ماهواره یا اینترنت، جهان جدیدی به موازات جهان واقعی به وجود می آید. رسانه‌های الکترونیکی، مخاطبان وسیع و

1 Giddens
2 Second Life

متکثری دارند که مجموعه هایی از حیث محتوای نمادین را به این مخاطبان عرضه می کنند. در چنین شرایطی، فضای مجازی شکل می گیرد و فرهنگ– ها همه از طریق واسطه های الکترونیکی منتقل می شوند و مفاهیم زمان و مکان معانی تازه ای پیدا می کنند. فواصل زمانی و مکانی، عملاً از میان برداشته می شوند و انتقال اطلاعات، داده ها و سرمایه ها و امکان ارتباط هم زمان میان افراد در نقاط مختلف به وجود می آید (مطهری کلور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷).

شبکه‌های اجتماعی ساختاری اجتماعی است که از گروه هایی تشکیل شده است. این گروه ها توسط یک یا چند وابستگی به هم متصل اند. شبکه‌های اجتماعی در بستر یک جامعهٔ اطلاعاتی پیچیده، کارکرد مؤثر شبکه را تصویر می کند. به عبارت دیگر، شبکهٔ اجتماعی الگویی از روابط است که کنشگران را به هم متصل می کند. از این رو شبکهٔ اجتماعی را می توان مجموعه هایی از افراد یا سازمان ها یا مجموعه هایی دیگر دانست که از طریق روابط اجتماعی مانند دوستی، همکار بودن یا تبادل اطلاعات، با یکدیگر مرتبط می شوند. شبکهٔ اجتماعی الگویی ارتباطی است که مردم را به هم متصل می کند یا پیوندهایی است که افراد را با گروه هایی از مردم مرتبط می سازد (افراسیابی، ۱۳۹۲ :۳۰). شبکه‌های اجتماعی موجود در فضای مجازی، به ویژه آن دسته که کاربردهای عمومی و غیرتجاری دارند، مکان هایی در دنیای مجازی هستند که افراد می توانند خود را معرفی و دوستان جدیدی پیدا کنند، با دیگران در زمینه های مورد علاقه ارتباط برقرار نمایند، عقاید و نظرات خود را به اشتراک بگذارند و در یک کلام، اجتماعی جدید را تجربه کنند. در کنار شبکه‌های عمومی، که تعداد آنها بسیار زساد است، شبکه‌های تخصصی متعددی نیز به وجود آمده اند که علاوه بر مزایای عمومی اجتماعات مجازی برای کاربران، امکان برقراری ارتباط بین متخصصین یا علاقه مندان یک یا چند حوزه علمی یا هنری را نیز به وجود آورده اند. حضور افرادی با علایق مختلف و تخصص های گوناگون در یک شبکه و به اشتراک گذاشتن اطلاعاتشان، حجم زیادی از اطلاعات را به وجود می آورد که می‌تواند برای متولیان حوزه های سیاست، تجارت، فرهنگ و ... بسیار ارزشمند باشد (قیصریان، ۱۳۹۲: ۴۰). شبکه‌های اجتماعی که می‌تواند شامل برنامه های متناسب با سیستم عامل های موبایل طراحی گردد و کاربران با عضویت در آن شبکه‌های اجتماعی در پیرامون اهداف تعیین شده و سیاست های آن برنامه، جمع گردیده و به اصطلاح اجتماع برخط و آنلاینی را شکل و سازماندهی نمایند. تعداد شبکه‌های اجتماعی فعال بیش از ۵۰ برنامه معرفی گردیده که هرکدام قابلیت های خاصی را داراست. گاهی به انگیزه های شغلی و حرفه راه اندازی شده و گاهی نیز بدلیل علایق مشترک مانند سینما، ورزش و موسیقی ساخته گردیده و یا به جهات مختلف مانند دوست یابی، زبان و قومیت و ملیت های مشترک، دین مشترک، ایجاد حس تعاون و انتقال تجربه های ملل در میان آحاد مردم دنیا از جمله اهداف راه اندازی و ساخت این گونه شبکه‌ها اجتماعی می‌باشد.

این برنامه ها در سال‌های اخیر جایگاه قابل توجهی در اینترنت و فضای سایبری پیدا کرده‌اند و به رده‌ی پربیننده‌ترین‌های فضای مجازی راه یافته‌اند. آمارهای مربوط به رفتار کاربران اینترنتی نشان می‌دهد گرایش به سایت‌های شبکه‌ی اجتماعی در سراسر دنیا همچنان رو به رشد است و این سایت‌ها در دنیای آینده‌ی اینترنت نقش بیشتری خواهند داشت. شبکه‌های اجتماعی یکی از انواع رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. رسانه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر در زندگی آنلاین و آفلاین کاربران اینترنتی آنچنان تاثیرگذار بوده‌اند که شکل‌های ارتباطات اجتماعی نیز از این رسانه‌های جدید تاثیر پذیرفته است.

در چنین فضایی است که می‌تواند باعث شدت و ضعف کرامات انسانی شود و حالتی از اندیشه که توسط افراد در ارتباط به وسیله بازنمایی های دیجیتال زبان و تجربه حسی، به اشتراک گذارده می شود. افرادی که از نظر زمان و مکان جدا از یکدیگرند ولی به وسیله شبکه‌هایی از ابزار فیزیکی دسترسی، به یکدیگر متصل اند .در این فضا اگر اخلاق اسلامی و اخلاق وجدانی در نظر گرفته نشود به مراتب بیشتر از فضای واقعی تهدید برانگیز است.باید توجه داشت که مفهوم شبکه بر این واقعیت تأکید دارد که افراد به دلائل و علائق گوناگون به یکدیگر پیوند خواهند خورد و با تمهیدات شرکت های مادر و میزبانان در شبکه‌های اجتماعی یک نوع بستر سازی برای حضور این افراد پیوند خورده خواهد گردید و محلی برای تبلور مجموعه پیوند ها و گره ها خواهد بود(آهنگران، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

۲-۲- گفتمان سازی

واژه گفتمان[1] از مفاهیم کاربردی و اساسی در تفکر فلسفی، اجتماعی و علمی غرب است که به ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی به این سو اهمیت روز افزونی یافته است. (عضدانلو و لینکن، ۱۳۹۴: ۱۶). این واژه در لغت به چند معنی ذکر شده که نمونه آن می توان به کلماتی همچون مباحثه و مجادله، مسیر و جریان و راه و روش، گفتگو و مکالمه، عمل، قانون،پرده نمایش، نماد، قدرت، توان و استعداد تفکر اشاره نمود. (Philip,1981:541)اما این واژه همین که وارد متون تخصصی می شود و مفهوم اصطلاحی به خود می گیرد، پیچیده تر و گسترده تر می شود .امیل بنونیست[2] از زاویه زبان شناسی به این کلمه نظر انداخته است. طبق گفته او،

1 Discourse
2 Émile Benveniste

«گفتمان» را باید از زاویه«ارتباطات اجتماعی» در نظر گرفت.(Michael,1966: 144-146) از این دیدگاه، گفتمان سبب «عینیت بخشیدن» به واژه ها می شود، یا به بیان دیگر وجود عینی آنها برای ما درک می شود. او و سایر زبان شناسان اعم از ساختارگرایان و دیگران از زوایای دیگر نیز به این موضوع پرداخته اند. همچنین از دیدگاه فلسفی نیز گفتمان مورد توجه افرادی چون دکارت، نیچه، کانت، هوسرل و هابرماس و امثال آنان قرار گرفته است.(امینی، ۱۳۹۰: ۳۶)

تحلیل گفتمان، ریشه در زبان شناسی داشته و نخستین بار در بهره برداری از این اصطلاح در سال ۱۹۵۲ در مقاله ای از زبان شناس معروف به نام زلیک هریس[1] به کار رفته است. (میرفخرایی،۱۳۸۳: ۱۱) ون دایک[2] متفکر دیگری است که به این مفهوم پرداخته است. او تأکید دارد که بخش بزرگی از محتوای یک متن ممکن است به صراحت در متن بیان نگردد و به عبارت دیگر، تحلیل و ناگفته ها و اموری که گفتمان درباره آن‌ها سکوت می کند مهم تر از تحلیل گفته های گفتمان است.(ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۷) بنابراین مفهوم گفتمان در علوم و رویکردهای بسیار متفاوتی همچون زبان شناسی, ادبیات و فلسفه به کار می رود. در مفهومی فنی تر, تحلیل گفتمان به مجموعه خنثایی از ابزارهای روش شناختی برای تجزیه و تحلیل گفتار, نوشتار, مصاحبه, مکالمه و جز آن اشاره دارد.(آقا گل زاده، ۱۳۹۰: ۶۸/۱) با وجود تعاریف گوناگون می توان اذعان داشت که میشل فوکو[3] سه تعریف اصلی از گفتمان بیان کرده است: نخستین تعریف او، حیطه کلی همه احکام و پاره گفتارها یا متن هایی که معنی دارند و همه پاره گفتارها یا متن هایی که تأثیرها یا جلوه هایی در جهان واقعی دارند را گفتمان می گویند. در تعریف دیگری اذعان دارد که مجموعه متمایزی از احکام یا تعاریفی که هنگام صحبت از ساختارهای خاص درون گفتمان‌ها به کار می رود. در این تعریف، مسئله این است که بتوان گفتمان‌ها، یعنی گروهی از پاره گفتارها را که به نظر می رسد به نوعی ضابطه‌مند شده اند و به طور مشترک انسجام نیرو دارند شناسایی و بهم مرتبط کرد. همچنین در تعریف دیگری نیز بیان می دارد که رویه ضابطه‌مندی که شماری از احکام را توضیح می دهد. توجه به قواعد و ساختارهایی که پاره گفتارها و متن های خاص را تولید می کند و توجه کمتر به پاره گفتارها و متن های واقعی و بالفعل، ماهیت قاعده مند گفتمان است که در این تعریف اهمیت عمده دارد.(میلز، ۱۳۸۲: ۱۴)

افزون بر این دیدگاه، با سیری در نظریات لاکلائو[4] و موفه[5] می توان چند آموزه کلی را دریافت و بیان نمود: ۱- گفتمان مجموعه ای معنادار از علائم و نشانه های زبان شناختی و فرا زبان شناختی می‌باشد. ۲- گفتمان در این مفهوم تأکیدی بوده و بر این واقعیت که پیکره بندی اجتماعی دارای معنی است. ۳- گفتمان در این بیان نه تنها جای ایدئولوژی بلکه جای اجتماع نشسته و آن را به مثابه یک متن تصویر و تحلیل می کند. ۴- برخلاف سوسور[6] گفتمان هرگز به مثابه سیستمی بسته از تمایزات فهم نمی شود. ۵- هویت اجتماعی و سیاسی محصول گفتمان‌ها می باشند.(تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۰)

۲-۳- ایمان

ایمان از نظر معنایی مصدر باب اِفعال از ریشه «آمِنَ یُؤْمِنُ» به معنای: گرویدن، ایمن گردانیدن و باور داشتن است.(ازهری،۱۴۲۱: ۳۶۸/۱۵) برخی لغویون همانند ابن فارس اصل لغت ایمان را در دو چیز تلخیص می کنند که نخست آن سکون و آرامش و دیگری تصدیق می‌باشد.(ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۳۳/۱) ایشان سپس بیان می دارد که یکی از اسماء الهی «مومن » است. این اسم را در مورد خدای متعال، دو گونه می توان معنا نمود . یکی اینکه خداوند مومن است یعنی وعده‌هایی که به بندگان داده را تصدیق عملی می بخشد . دیگر اینکه معنای آن این است که خداوند اولیاء خودش را نسبت به عذاب در امن قرار می دهد. (همان، ۱۳۵) برخی دیگر اذعان دارند: ایمان یعنی در امنیت و سلامت قرار گرفتن . ایمان هم خود متعدی است و هم متعدی به حرف می شود.(فیومی،۱۴۱۴: ۲۴) همچنین حاصل نظر مرحوم طبرسی در تعریف لغوی واژه ایمان، معنای تصدیق ، وثوق و سکون و آرامش وجود دارد.(طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۰/۱) ایمان از مهمترین مفاهیم دینی و قرآنی است. وحی از مخاطبان خود ایمان می‌طلبد. پرسش از چیستی ایمان، ماهیت، ارکان، شرایط و تحول پذیری آن از مسائل عمده‌ای است که مفسران، اهل حدیث، متکلمان، فیلسوفان و عرفا، از آن سخن گفته‌اند. امروزه دین پژوهان تجربی، مانند روانشناسان دین نیز به بحث از آن می‌پردازند. اگرچه بحث از ایمان و نسبت آن با عمل از نخستین مسائل کلامی است اما در منابع کلاسیک غالبا ایمان را در بحث از احکام و اسماء از مباحث ثواب و عقاب در بخش معاد می‌آوردند. همان گونه که برخی از معاصران به آن توجه کرده‌اند، اساسا بحث از ایمان را باید سرآغازمباحث کلامی دانست.(مطهری، ۱۳۷۶: ۵۱/۱) در واقع ایمان به عنوان گوهر شریعت الهی و اساس بندگی خدای متعال مسائل تفسیری و کلامی فراوانی را نزد دانشمندان برانگیخته است

در میان متفکران اسلامی درباره معنای اصطلاحی ایمان اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی معتقد هستند که ایمان در شرع به همان معنای لغوی به کار رفته است و نقلی در این باره وارد نشده است با این تفاوت که دایره متعلق آن در شرع ضیق

1 Zellia Harris
2 Teun Adrianus van Dijk
3 Paul Michel Foucault
4 Ernesto Laclau
5 Chantal Mouffe
6 Ferdinand de Saussure

می‌باشد. اما بسیاری از اندیشمندان این دیدگاه را برگزیده اند و آنچه باعث اختلاف بوده در معنای تصدیق است . برخی مراد از تصدیق در ایمان را ، تصدیق علمی دانسته اند یعنی می گویند علم پیدا نمودن به وجود خداوند و نبوت و مانند آن باعث مومن شمردن فرد است . اما برخی دیگر تصدیق را به معنای تسلیم نفس و اذعان قلبی دانسته اند. ایمان در حقیقت شرعی خود بر جنبه‌های کامل اسلام اطلاق می‌گردد، یعنی معرفت، تصدیق قلبی آن، اقرار زبانی و عمل به مقتضای آن که عبارت است از اعتقاد به یگانگی خدا و بر آن دینی که تشریع و ابلاغ کرده و رسول خدا و اینکه او فرستاده خداست. اوامر او، اوامر خدا، نواهی او، نواهی خدا و حکم او حکم خداست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۵/۱۵)

بنابراین ایمان همان باور قلبی یا عمل دل است؛ تصدیق قلبی خدا، رسالت پیامبر اسلام (ص) و تعالیم او(شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۶۲/۲). مؤمن کسی است که آنچه را پیامبر (ص) آورده است، با دل بپذیرد، امّا اقرار زبانی لازم نیست و نه رکن ایمان است و نه شرط آن. برخی هواخواهان این دیدگاه معتقدند که اگر کسی اصول دین را به دل پذیرفته باشد، حتی انکار زبانی خدا نیز به ایمان او خللی وارد نمی‌سازد.(طوسی، ۱۳۶۲: ۲۹۳) ایمان بمعنی گرویدن و تصدیق و وثوق و اطمینان و مقابل کفر است و بمعنی خضوع و انقیاد و تصدیق مطلق و ثبات و فضیلت نیز آمده است.(سجادی، ۱۳۷۳: ۳۶۴/۱) همچنین در شریعت عبارتست از سر فرود آوردن بآن و پذیرش آن و اعتقاد و تصدیق به آنچه پیامبر(ص) آورده است. بنابراین کسی که باور کند و شهادت دهد و عمل کند بدون شک مؤمن است و کسی که باور کند و شهادت دهد اما عمل نکند فاسق است و کسی که شهادت دهد و عمل کند اما باور نکند منافق است.(خاتمی، ۱۳۷۰: ۷۲) همچنین از نظر فقهی، اسلام کلمه ای عام بوده و ایمان اخص آن می‌باشد و به معنای اعتقاد داشتن به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد.(مشکینی، بی تا: ۷۱) بنابر دیدگاه بسیاری از متکلمین به کسانی مؤمن می گویند که به دل تصدیق کند و بر زبان بیاورد که خداوند یگانه است و شریک ندارد و پیامبران بر حقّ‌اند.(محقق طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۹) ایمان با مشتقاتش حدود هشتصد بار در قرآن کریم به کار رفته است(آشوری، ۱۳۸۳: ۱۸۳) و هر جا که از ایمان سخن به میان آمده آن را در قلب مستقر و به آن رنگ اعتقادی بخشیده است.(مجادله:۲۲؛ حجرات: ۱۴) پس این اعتقاد انسان در دل او جای خواهد گرفت و در آن شک و تردید جریان نخواهد داشت و از گذر آن به نوعی امنیّت و آرامش درونی خواهد رسید.(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۵/۱)

۲-۴- «وعد» و «وعید»

وعد (بر وزن برگ) در لغت به معنای وعده دادن و نوید دادن برای انجام کاری در زمان و مکان مشخص در آینده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۵۲۳/۱۴) همچنین وعد به معنای عهد(قرشی،۱۳۷۱: ۵۹/۵) و معروف(ابن درید،۱۹۸۸: ۶۶۸/۲) نیز بیان شده است، مصدر آن «الوَعد» و «العِدَة» می‌باشد که مصدر نخست آن جمع نمی گردد اما مصدر «العده» به صورت «عِدَات» خوانده می شود.(ازهری، ۱۴۲۱: ۸۵/۳) و به موقعیت زمانی یا موضعی در مکان وعد نیز «المیعاد» می گویند.(طریحی، ۱۳۷۵: ۱۶۳/۳)همچنین الفاظ وَعْداً و مَوْعِداً و مِیعَاداً– که سه مصدر دارد یعنی او را به سود و زیان وعده دادم که ریشه های این الفاظ از «وَعد» می‌باشد.(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷۵). بنابراین؛ وعده کلمه ای صحیح است، برای بیان امید به چیزی مانند وَعَدتُه وعداً(امید به چیزی را به او دادم)، اَعِدَه وَعداً(امید به چیزی را به او می دهم) و این نوع واژه ها هم در کار خیر کاربرد داشته و هم در شرّ.(ابن فارس،۱۴۰۴: ۱۲۵/۶) همچنین«وَعید» در اشتقاق لغوی مانند «وَعد» است جز آنکه «وعید» تنها در امور شرّ کاربرد دارد. به بیان دیگر، وعید مخصوص تهدید یا همان وعده به امور شرّ است، اما وعده (وعد) صلاحیت دارد که علاوه بر وعده در امور خیر در امور شرّ نیز به کار رود و در صورتی که به صورت مطلق در کلام آورده شود اختصاص فقط به امور خیر دارد.(عسکری، ۱۴۱۲: ۵۷۴) فرق دیگری که بین "وعد" و "وعید" وجود دارد این است که خُلف وعد، قبیح است و صدور آن از خداوند محال است (طیب، ۱۳۷۸: ۳۶۰/۱۰) ، ولی خُلف وعید در مواردی، نه تنها قبیح نیست بلکه حُسن هم دارد چون این کار او اظهار کرم است.(همان،۲۹۹/۱) همچنین وعده از راه تفضل خداوند بر بندگان است نه استحاق بندگان، زیرا مؤمن هرچه ایمانش کامل‌تر باشد و کثرت اعمال صالحه داشته باشد، نمی‌تواند شکر کمترین نعمت های الهی را اداء نماید تا مستحق دریافت آن وعده‌ها گردد، ولی وعید از راه استحقاق عباد است و خداوند زائد بر استحقاق، کسی را عذاب نمی کند، بلکه چه بسا عفو نموده و گذشت کند.(همان، ۲۷۵/۹)

در اصطلاح نیز وعد عبارت است از خبردادن درباره رسیدن نفع به دیگری یا دفع ضرر از او دز آینده از سوی مُخبر را می گویند و همچنین وعید، عبارت است از هر خبری که در آینده متضمن رساندن ضرری به غیر و یا گرفتن نفعی از او باشد خواه خوب و شایسته باشد خواه زشت و ناپسند باشد. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۲) همچنین کاربرد این دو واژه در قرآن کریم نیز «وعد» هم برای خیر (مائده:۹) و هم برای انذار (توبه:۶۸) از شرّ به کار رفته است؛ اما وعید، مختص انذار از شرّ و عاقبت بد است.(ق: ۱۴)

۳- ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی

از ویژگی های چشمگیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در جهان این است که در مقیاس بیش از پیش، ارتباطات جهانی گشته، پیامها از فواصل بسیار دور و به آسانی ارسال می شود، افزون بر این، با جدایی مکان و زمان از طریق رسانه‌های الکترونیکی، دسترسی به پیامهای صادره از منابع دور از نظر مکانی می‌تواند آنی باشد. فاصله یا مسافت با رشد فزایندهٔ شبکه‌های ارتباطی مجازی در عمل محو شده است. افراد می توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند یا در چارچوب های شبه تعامل با واسطه (رسانه ای) به کنش بپردازند (تامپسون، ۱۳۸۰،۴۳). تورنتون جنبه های مؤثر این رسانه‌های نوین بر حوزهٔ عمومی چنین بر می شمارد: توانایی گروه های ذینفع کوچک برای یافتن یکدیگر و برقرار کردن ارتباط، توانایی افراد و گروه های کوچک برای معرفی خود و ارئه نقطه نظرات گوناگون، بقا و ماندگاری اطلاعات و تعاملی بودن که باعث شکل گیری ارتباط دوسویه بین فرستنده و دریافت کننده می شود. پس تعاملی بودن یکی از مهمترین کارکردهای رسانه‌های نوین است (یزد خواستی و همکاران، ۱۳۹۲، ر.ک: جوکارقمی، ۱۳۹۵: ۲۸). شبکه‌های اجتماعی بعنوان یک واسطه به ارائه خدمات پرداخته که دو دسته عمده در این فضا مشغول به بهره برداری می باشند. دسته نخست آن تولیدکنندگان و ارائه دهنده محتوا و دسته دیگر کاربران و مصرف کنندگان این محتوا می باشند. مقصود از تولید کنندگان محتوا در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به دسته ای از افراد تلقّی گردد که اقدام به تولید محتوا و ذخیره آن در شبکه‌های اجتماعی کرده و با اسناد تصویری و فیلم و متن، محتوایی را در بستر آن شبکه بارگزاری می نماید. معمولا هر تولید کننده محتوایی در شبکه‌های اجتماعی خودش به عنوان کاربر شناخته می گردد. اما مقصود از کاربران به گروهی تعلق می گیرد که حداقل سن او به دوسال رسیده و طی مدت یکماه گذشته حتی برای یکبار نیز به چنین شبکه‌هایی رجوع کرده و حساب کاربری در آن شبکه به ثبت رسانده باشد. در دیدگاه تخصصی و فنی، کاربران به سه گروه تقسیم می گردند که نخست آن کاربران ابتدایی و گروه دوم، کاربران تخصصی و گروه سوم نیز به کاربران نهایی اطلاق می گردد. (نیوتون، ۱۳۸۸: ۹۴۴)

۴- مزایای شبکه‌های اجتماعی

نخستین امتیاز شبکه‌های اجتماعی مجازی، غیر شخصی بودن و یکنواخت بودن پیامهای ارتباطات جمعی آن است. امروزه انتقال جمعی پیامها از طریق وسایل فنی جدید، با هرگونه ارتباط مستقیم و هرگونه انتقال که مستلزم تماس چهره به چهره باشد، مغایر است. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، انتقال یک پیام واحد را به تعداد بسیار زیادی از افراد در زمان واحد امکانپذیر می‌سازند و تعداد افراد پیام گیرنده به هیچ وجه پیام منتقل شده را دگرگون نمی‌کند.

از دیگر مزیت های آن نیز نهادی بودن ارتباطات شبکه‌های اجتماعی مجازی است. یعنی بر خلاف ارتباطات سنتی، تکنیکهای ارتباط جمعی امروز به طور ارادی و عمدی در چارچوب نهادهای خاص اجتماعی کار خود را دنبال میکنند .شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز به تمام معنی «نهاد های اجتماعی» هستند زیرا همه آنها به موجب اصول معینی سازمان یافتهاند .موسسه های جدید و مدرن ارتباطات جمعی از لحاظ آنکه خود، موضوع منازعه اجتماعی و سیاسی هستند و حکومتها و احزاب آنها را وسیله و دستاویز مبارزات خود قرار میدهند در حوزه نهادهای خاص با ظرفیت بالا محسوب می شوند. (دانایی، ۱۳۸۸: ۲۱۲-۲۱۳) برخلاف تصور، رسانه‌های اجتماعی ویژگی ها و ساختارهایی حرفه ای دارند. ویژگی و مزایای شبکه‌های اجتماعی مجازی عبارت‌اند از:

۱- گفت و گویی دو طرفه اساس رسانه‌های اجتماعی را تشکیل می دهد؛
۲- گفت و گوها را مخاطبان تولید می کنند.
۳- رگیر بودن کاربران در این شبکه‌ها، یکی از راه های بازگشت آن ها به این رسانه هاست.؛
۴- شبکه‌های اجتماعی کاربران خود را به مشارکت در فرایندها تشویق می کنند.؛
۵- تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی در مقایسه با رسانه‌های جمعی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله، بسیار ارزان تمام می شود؛ به عبارت بهتر، تولید محتوا رایگان است.؛
۶- امکانات این شبکه‌ها برای تمام کاربران یکسان است و فضایی را برای ایجاد اعتبار توسط اشخاص، شرکت ها و سازمان ها محسوب می شوند.؛
۷- محتوای مهم رسانه‌های جمعی و سایر رسانه ها در شبکه‌های اجتماعی انتشار می یابد و تولید محتوا توسط کاربران باعث ایجاد حس مالکیت می شود.؛
۸- در این شبکه‌ها اخبار و اطلاعات سریع و آزادانه انتشار می یابد و امکان بیان ایده ها به صورت آزادانه و آشنایی با ایده‌ها، افکار و سلیقه های دیگران در این شبکه‌ها وجود دارد و این باعث تقویت قدرت تخیل و روحیهٔ انتقادی می شود.؛

۹- امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد، جوامع و فرهنگ های دیگر را به کاربران می دهند و در این شبکه‌ها خرد جمعی شکل می گیرد و تقویت می شود. همچنین، ضمن افزوده شدن نیروی تفکر و ذهن کاربران، نیرویی عظیم باقدرت پردازشی بالا به وجود می آید (آرامون و شاه محمدی، ۱۳۹۳: ۳۱).

۵- کارکردهای شبکه‌های اجتماعی

همان گونه که فلسفه وجودی شبکه‌های اجتماعی واقعی، تشکیل و پیوند گروه های اجتماعی بر محور مشترکات اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، بسیاری از شبکه‌های اجتماعی در اینترنت نیز با انگیزهٔ سازماندهی کردن گروه های اجتماعی مجازی با تکیه بر اشتراکات مختلف شکل می گیرند. پیدا است که اعضای این اجتماعات مجازی با پیوند هایی که با یکدیگر دارند، در مجموع به دنبال تحصیل یک هدف مشترک در دنیای واقعی که غالباً هدفی سیاسی، اجتماعی، دینی یا فرهنگی است، هستند؛ بنابراین می توان کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی را به سه دستهٔ کارکرد اجتماعی، کارکرد فرهنگی و کارکرد دینی تقسیم نمود. (نظربیگی، ۱۳۹۳)

عضویت در گروه های دینی می‌تواند هویت ثابت و مشخصی را برای افراد پدید آورد که در مقایسهٔ با سایر گروه های صنفی کمتر ابزاری و آنی بوده و می‌تواند روابط مداوم، ثابت، غیر حسابگرانه و هنجارین را برای افراد به ارمغان آورد. بدین ترتیب وی معتقد است: دین در گروه های دینی کارکرد انسجام بخشی و مشروعیت دهی به هنجارهای گروهی را به بار خواهد آورد. در واقع در شبکه‌های اجتماعی به دلیل تعلق فرد به گروه و پایبندی وی به آن، کارکرد معنابخشی دین تقویت شده و فرد به دلیل پایبندی به گروه دینی، به میزان بیشتری به معرفت بخشی دین مربوطه ایمان می آورد. هر نظام دینی علی رغم ویژگی تضاد با سایر ادیان و دیگر نظام های نظری، انسجام درون گروهی را می‌تواند افزایش داده و موجبات پایبندی افراد به هنجارها و ارزش های گروهی را فراهم آورد (سراج زاده و همکاران، ۱۳۹۱،۱۰۸).

اخبار شبکه‌های اجتماعی بدون سانسور منتشر می‌شوند. البته امکان مقایسه و تحلیل اطلاعات برای مخاطبان وجود دارد و به مبلغان این امکان را می‌دهد تا بتوانند روی‌دادهای دنیای اسلام را آزادانه در اختیار دیگران بگذارند (قیصریان، ۱۳۹۲،۴۴).

یکی از کارکردهای منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی، تبلیغات ضد دینی و القای شبهات است. در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نیز مانند سایر رسانه ها، افراد و گروه های مغرض با اهداف از پیش تعیین شده و با شیوه های مخصوص، اقدام به تبلیغات ضد دینی و حمله به اعتقادات مذهبی می نمایند (سلیمان پور، ۱۳۸۹،۱۸).

اگرچه برای تولید محتوای اسلامی در شبکه‌های اجتماعی نیازمند به فرآیندی از جمله مخاطب شناسی، نقد شناسی، ارزش شناسی، زمان شناسی و ملاحظه کردن در آداب نگارش می باشیم که برای اثرگذاری هرچه بهتر لازم است شایستگی و ظرفیت مخاطب، سنجیده بودن مطالب، رعایت اختصار در مطالب و همچنین آگاه کردن مخاطب از منابع محتوا ملاحظه گردد.(آهنگران، ۱۳۹۵: ۸۷)

از جمله علل اهمیت شبکه‌های اجتماعی برخلاف سایر رسانه ها آن است که مرز میان مخاطب و تولید کننده محتوا کم‌رنگ می شود و به سختی می توان نقطه ای را مشخص کرد که در آن مخاطب از تولید کننده جدا باشد. بنیان اصلی شبکه‌های اجتماعی بر تولید محتوا توسط کاربران قرار گرفته است. اگر پیش تر انتقال پیام از رسانه برای همه صورت می پذیرفت، اما یک طرفه بود ولی با وجود شبکه‌های اجتماعی این امکان تحقق می یابد که مخاطب کاربر خودش بتواند تولید کننده و ارائه کننده محتوا باشد. افرادی که خواهان تولید محتوای دینی و ارائه آن به مخاطب هستند، می توانند مخاطبین خود را در اقصی نقاط جهان در فضای مجازی پیدا کرده و با برقراری ارتباط می توانند از متون، تصاویر، فیلم‌ها، سلایق و عقائد طرفین بهره جسته و به اشتراک بگذارند. بنابراین کارکرد دینی بایسته بر تولید محتوای دینی خواهد بود که در کنار تولید و انتشار محتوا لازم است که همراه با رعایت آداب و اخلاق اسلامی‌باشد. اهتمام ورزیدن در چارچوب شرع برای ایجاد اعتماد، صمیمیت و صداقت در فضای گفتگو ، و از طرفی دیگر نیز ضروری است در مدار جاذبه‌ی افراد، تلاش بر توسعه آموزش و نهادینه کردن ارزش های مقدس اسلام باشد.

۶- شبکه‌های اجتماعی مجازی و گفتمان سازی ایمان به وعده‌های الهی

گسترش فضای مجازی و پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی سبب شده است فضای مجازی در تمامی مسائل زندگی روزمره رخنه کند و استفاده واقعی آن هر روز بیشتر و بیشتر شود. نمونه عینی آن را می‌توان در ارائه مطالب و معارف دینی مشاهده کرد (بیچرانلو و حاج محمدی، ۱۳۹۴،۴۵). با این گستردگی شبکه‌های اجتماعی و پیشرفت فناوری‌های جدید رسانه‌ای، می توان با فراگیر نمودن مفاهیم و موضوعات جدید با روشن نمودن زوایای پنهان، گفتمان سازی در موضوعات مختلف از جمله ایمان به وعده‌های الهی نمود. گفتمان سازی تلاشی است در جهت همگانی سازی یا عمومیت بخشی به پدیده ها و انگاره های دینی که از این طریق بتوان باور های اصیل دینی را در جامعه نهادینه کرد.

در گذشته انواع سایت‌ها و فضاهای ارتباطی برای مشارکت و ارائه معارف دینی شکل گرفت و مبلغان دینی و مخاطبان مذهبی، محیط و فضاهای جدیدی را تجربه کردند و در برخی مواقع، این تجربه‌ها با تجربه‌های مذهبی معمول متفاوت و متمایز شدند. در دهه نخست شکل‌گیری اینترنت، تمایز آشکاری میان وب‌سایت‌های مذهبی وجود نداشت؛ زیرا وب‌سایت‌ها فقط به ارائه اطلاعات مذهبی بسنده می‌کردند، ولی با گسترش فضای مجازی و فناوری‌های رسانه‌ای جدید، دگرگونی‌هایی در عرصه دین و معارف دینی در اینترنت شکل گرفت؛ به طوری که افراد به طور آزادانه می‌توانند افزون بر به دست آوردن اطلاعات، خود نیز در ارائه مطالب و معارف دینی مشارکت داشته باشند و به طور تعاملی درباره دین و مسائل دینی بحث و گفت‌وگو کنند. این مسئله از تحولات فضای وب از وب ۱ به وب ۲ سرچشمه می‌گیرد. (Hojsgaard & Warburg,2012 : 168)

با توجه به رشد فضای مجازی و ورود جنبه‌های مختلفی از دین و شکل‌گیری مذهب در فضای مجازی، گفتمان‌های گوناگونی از مذهب شکل گرفته است. شناسایی این گفتمان‌ها می‌تواند برای مطالعه و فهم آینده‌نگاری پیچیده دین و معارف دینی سودمند باشد. به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی دین و رسانه‌های جدید نیازمند سنخ‌شناسی گفتمان مذهبی در فضای مجازی است و با مشخص کردن آن، می‌توان تصویر درستی از دین و معارف دینی با رسانه به دست آورد. گفتمان مذهبی در فضای مجازی می‌تواند شکل‌های گوناگون بسیاری به خود بگیرد. هر صفحه وب، گفتمانی خودمختار و مستقل است و تصاویر همانند زبان کلامی به شیوه‌های مختلف برساخته می‌شوند و مقوله‌های متمایزی را پدید می‌آورند. همچنین، صفحات وب نقش دوچندانی دارند. آنها وسیله ارتباط و اعمال‌های مهمی هستند که از نمادهای تصویری قدرتمند و قوی بهره می‌برند تا تقویت پیام فرستاده‌شده آنها را به بالاترین درجه برساند. (Bakardjieva, 2010: 34) هر قدر فناوری‌های جدید و فضای مجازی گسترش می‌یابد، به همان اندازه نیز گفتمان مذهبی نیز تغییر پیدا می‌کند و دید جدیدی از گفتمان مذهبی و ارتباط آن با فضای مجازی به دست می‌دهد (بیچارنلو و حاج محمدی، ۱۳۹۴: ۴۶).

فضای مجازی خصوصاً رسانه‌های نوظهور مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند بستری را برای گفتمان سازی مفاهیم دینی و مذهبی مخصوصاً مفهوم ایمان به وعده‌های الهی فراهم کند. شبکه‌های اجتماعی مجازی، نه تنها فضایی را برای انتقال اطلاعات در مورد ایمان به وعده‌های الهی فراهم می کند؛ بلکه محیطی را برای مشارکت و تعامل و پرسش و پاسخ دربارهٔ این مفهوم فراهم می کند. می توان با تولید محتواها و ایجاد بحث هایی در مورد مفهوم ایمان به وعده‌های الهی گفتمان هایی ایجاد کرد و در آن علاقه مندان به این موضوع را به مشارکت در بحث ها و گفت و گوها تشویق نمود و از این طریق هم به کارکرد تبلیغی این شبکه‌ها رسید و هم آگاهی های آن‌ها را در این مورد افزایش داد.

گفتمان سازی طی سه مرحله ترغیبی«آگاه‌سازی، آرمان سازی و هدایت‌گری» صورت می گیرد. در مرحله آگاه‌سازی مخاطب نسبت به مفهوم وعده‌های الهی، اقسام آن و درکل به نقاط ضعف و قوت خود در این موضوع آگاهی می یابد. در مرحله آرمان سازی نیز تعریف نقاط آرمانی به خصوص وعده‌های مرتبط با مسائل آخرالزمان و حکومت مهدوی می‌تواند مقصد حرکت جمعی برای ایجاد انگیزش تحقق یابد. پس از این دو مرحله مقدماتی که متناظر با کلیت موضوع وعده‌های الهی است؛ گفتمان سازی وارد مرحله هدایت‌گری می شود. که در این مرحله، رفتارها هدایت و به سوی رفتارهای مطلوب جهت دهی می شوند. بهره گیری از پیام های شناختی و احساسی در مرحله هدایت‌گری توأماً صورت می گیرد. وجه غالب پیام در مرحله آگاه‌سازی، انتقادی است و در مراحل بعد به صورت ایجابی نمایان می شود. می‌تواند جامعه هدف اساسی در مرحله آگاه‌سازی، گروه های خاص؛ در مرحله آرمان سازی، عموم مردم؛ و در مرحله هدایت‌گری به تفکیک گروه های خاص و عام صورت پذیرد. گفتمان سازی در شبکه‌های اجتماعی برای هر موضوعی به دو شیوه اقناع شناختی و اقناع احساسی شکل می گیرد. بُعد عاطی ترغیب شوندگان، نقش اساسی تری در فرآیند اقناع ایفا می کند. پس بهتر است که با شیوه های جدید در انتقال مفاهیم و با ابزارهای موجود و مرتبط با شبکه‌های اجتماعی در پیشبرد این نوع اقناع کوشا بود. همچنین اقناع شناختی برای تغییر نگرش ها با اقدامات آگاهی بخش صورت می گیرد. بیان آرمان ها و افق های مطلوب به عنوان یک اقدام آگاهی بخش در تحول انگاره های سابق مؤثر و کارآمد است. اقناع احساسی نیز با ترسیم عدم مطلوبیت نقاط ضعف و همچنین هیجان آفرینی با تمرکز بر نقاط آرمانی صورت می گیرد. تحریک احساسات و عواطف با ابزار شبکه‌های اجتماعی که فراگیر می‌باشد و می‌تواند برای پذیرش ضرورت تغییر و اثبات انگاره وعده‌های الهی با پشتوانه ادله های عقلی و نقلی مستحکم کارایی و مفید واقع شود.

۷- نتیجه‌گیری

رسانه‌های جهان گستر، زمینه مناسبی برای پراکنش محتوای تعالیم ادیان گوناگون و نحوهٔ فعالیت و تبلیغ آنها فراهم می سازد. یکی از آثار عصر اطلاعات، آسان تر شدن دست یابی به اطلاعات دربارهٔ تعالیم، آموزه ها و فعالیت های مذاهب است. شبکه‌های اجتماعی قوی ترین ابزارها برای طرح و رواج اندیشه ها و کارآمدترین وسایل برای نفوذ فرهنگ ها و نگرش ها به قلب جوامع اند. شبکه‌های اجتماعی متشکل از افرادی است که به وسیلهٔ وابستگی های خاص به یکدیگر مرتبط شده اند. می توان یکی از

کارکردهای رسانه‌های نوظهور را ایجاد تعامل و گفتمان سازی در مورد موضوعات مختلف برشمرد. با توجه به ظرفیت‌های موجود در نوشبکه‌های اجتماعی مجازی، می توان بستری مهم در راستای اقناع احساسی و شناختی در گفتمان سازی ایمان به وعده‌های الهی پدید آورد. در واقع با استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، می توان بستر گفتمان سازی را فراهم نمود تا افراد با علایق متنوع و سطح آگاهی های متفاوت تجمیع شده و در مورد این موضوع به تعامل و مشارکت بپردازند و از این طریق سطح آگاهی ها در مورد این موضوع افزایش یابد. بنابراین لازم است نهادهای زیربط برنامه ریزی مطلوبی را برای استفاده هر چه بهتر از این ظرفیت ها را انجام دهند.

مراجع

۱. قرآن کریم
۲. آرامون، زهرا و شاه محمدی، زهرا (۱۳۹۳)، شبکه‌های اجتماعی مجازی در خدمت آموزش، رشد تکنولوژی آموزشی، دورهٔ ۳۰، ش ۳.
۳. آشوری، حجت الله (۱۳۸۳)، اشتداد پذیری ایمان، مجله مقالات و بررسی های دانشگاه تهران، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، دفتر اول، شماره ۸۲
۴. آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، نشر علمی فرهنگی، چاپ دوم
۵. آهنچیان، محمدرضا (۱۳۸۲)، آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن، تهران: انتشارات طهوری.
۶. آهنگران، روح الله (۱۳۹۵)، آداب اسلامی در شبکه‌های اجتماعی، قم، نشر ابتکار دانش، چاپ اول
۷. آهنگران، روح الله (۱۳۹۸)، بازپژوهشی فقهی و حقوقی پیرامون مسئولیت های مدنی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، مجله آفاق علوم انسانی، سال سوم، آبان ماه ۱۳۹۸، شماره ۳۱
۸. ابن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول
۹. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، جمهرهٔ اللغهٔ، بیروت، نشر دارالعلم للملایین، چاپ اول
۱۰. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغهٔ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول
۱۱. افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۲)، مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان، تهران: انتشارات سیمای شرق، چاپ اول
۱۲. امینی، علی اکبر (۱۳۹۰)، گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب، تهران، نشر اطلاعات، چاپ اول
۱۳. بیچارانلو، عبدالله و حاج محمدی، علی (۱۳۹۴)، تعامل دین و رسانه در فضای نوین رسانه ای، تهران: مرکز پژوهش های اسلامی.
۱۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان، پادگفتمانی و سیاست، تهران، نشر موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول
۱۵. تامپسون، جان بی (۱۳۸۰)، رسانه ها و مدرنیته، ترجمهٔ مسعود اوحدی، تهران: سروش.
۱۶. جوکار قمی، حسن (۱۳۹۵)، بررسی رابطهٔ شبکه‌های اجتماعی مجازی و دین گریزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
۱۷. خاتمی، سید احمد (۱۳۷۰)، فرهنگ علم کلام، تهران، انتشارات صبا، چاپ اول
۱۸. خانیکی، هادی و بابایی، محمود (۱۳۹۰)، فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، مفهوم و کارکردها، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی
۱۹. دانایی، نسرین (۱۳۸۸)، رسانه شناسی، تهران، نشر مبنای خرد، چاپ اول
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر روزنه
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول
۲۲. سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم
۲۳. سراج زاده، سید حسین، رضوان قصابی، سولماز چمنی (۱۳۹۱)، بررسی رابطه دینداری و بیگانگی اجتماعی(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۵
۲۴. سلیمانی پور، روح الله (۱۳۸۹)، شبکه‌های اجتماعی؛ فرصت ها و تهدیدها، فصلنامهٔ ره آورد نور، شمارهٔ ۳۱.
۲۵. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵)، رسائل الشریف المرتضی، قم، نشر دارالقرآن الکریم، چاپ اول
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر مکتبهٔ النشر الإسلامی، چاپ پنجم
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم

۲۸. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶)، مجمع البحرین، تهران، نشر مرتضوی، چاپ سوم
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۲)، تمهید الاصول فی علم الکلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۳۰. عضدانلو، حمید؛ بروس لینکن (۱۳۹۴)، گفتمان و جامعه، تهران، نشر نی، چاپ سوم
۳۱. عسکری، أبوهلال (۱۴۱۲)، معجم الفروق اللغویهٔ، تنظیم الشیخ بیت الله بیات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
۳۲. فرهادی، زهرا (۱۳۹۴)، بررسی دینی شبکه‌های اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم قرآنی میبد.
۳۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، نشر موسسه دار الهجرهٔ، چاپ دوم
۳۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ ششم
۳۵. قیصریان، محمدعلی (۱۳۹۲)، بررسی ظرفیت ها و چالش های شبکه‌های اجتماعی مجازی در زمینهٔ تبلیغ دین و ارائه الگوی مناسب، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه باقرالعلوم.
۳۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: انتشارات نی.
۳۷. مطهری، مرتضی(۱۳۷۶)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا
۳۸. مطهری کلور، محمدطاهر؛ هاشم زاده علی آباد، آرش؛ عطایی، محمدرضا و نجفی، عباس (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر و نقش فضای مجازی در سبک زندگی اسلامی، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.
۳۹. مشکینی، علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی نا، بی جا
۴۰. محقق طوسی، خواجه نصیر الدین، محمد بن محمد (۱۴۰۷)، تجرید الاعتقاد، تحقیق حسینی جلالی، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
۴۱. میلز، سارا (۱۳۸۲)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، تهران، نشرهزاره سوم
۴۲. نظربیگی، سحر (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین ناگویی خلقی، ابراز وجود و احساس تنهایی با نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه ازاد اسلامی ، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات
۴۳. نیوتون (۱۳۸۸)، هری، فرهنگ تشریحی کامپیوتر، ترجمه: محمد حسن مهدوی، تهران، نشرهزاره، چاپ سوم.
۴۴. ون دایک، تئو ان (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستورمتن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ اول
۴۵. یزدخواستی، بهجت، صمد عدلی پور، آسیه سپهری(۱۳۹۲)، تحلیل محتوای صفحات و گروه‌های شبکه اجتماعی فیس‌بوک با نظریه حوزه عمومی هابرماس، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران، دوره دوم، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱
46. Bakardjieva, M. (2010). The Internet in everyday life: Exploring the tenets and contributions of diverse approaches. The handbook of Internet studies, 59-82.
47. Hojsgaard, M., & Warburg, M. (Eds.). (2012). Religion and cyberspace. Routledge
48. Michael Payne (1966),A Dictionary of Cultural and Critical Theory.first Published in UK & U.S.A Blackwell publishers
Philip Babcock Gove(1981).Webster"s Third New International Dictionary U.S.A

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها

سید مهدی هاشمی فیض‌آبادی[۱]، اکرم فیض‌آبادی[۲]

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۱
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۲
کد مقاله: ۲۸۶۱۷

چکـیده

سوگیری‌های شناختی مدیریتی، به‌ویژه بیش اطمینانی مدیران، همواره به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر فرآیندهای پژوهش و توسعه و نوآوری شرکت شناخته شده است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها می‌پردازد. بدین منظور، برای سنجش بیش اطمینانی مدیر از دو سنجه مبتنی برتصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده شده است. فرضیه تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۵۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ و با بهره‌گیری از مدل رگرسیون چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیریت، میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت را افزایش می‌دهد.

واژگـان کلـیدی: بیش اطمینانی مدیریت، نوآوری، هزینه‌های پژوهش و توسعه

۱- معاون مالی و اقتصادی شرکت خدمات اداری شهر(وابسته به شهرداری تهران)، (مسئول مکاتبات) *hashemi-f@tehran.ir*
۲- کارشناس تحلیل و بازخورد شهرداری منطقه ۲

۱- مقدمه

مطابق با نظریه اقتصاد مالی سنتی، تصمیم‌گیرندگان رفتار عقلایی داشته و همواره به دنبال حداکثر ساختن مطلوبیت خود هستند؛ اما شواهد تجربی نشان می‌دهد که گاهی اوقات برای یافتن پاسخ معماهای مالی، باید این احتمال پذیرفته شود که ممکن است تصمیم‌گیرندگان به‌طور کامل عقلایی رفتار نکنند. به‌بیان‌دیگر،ویژگی‌های شخصیتی مدیران نیز جزء عوامل مهم در تصمیم‌گیری آنان محسوب می‌گردد (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳). به‌طوری که تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مدیران سازمان‌ها توجه بسیاری از پژوهشگران را در بازارهای توسعه‌یافته به خود جلب نموده است (هیرشیفر و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر افزایش رقابت، بسیاری از سازمان‌ها را بر آن داشته که فعالیت‌های خود را بر تولیدات اساسی و توانمندی‌های محوری متمرکز نمایند که این امر مستلزم سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پژوهش و توسعه و ایجاد نوآوری هست(محمد زاده و کامیاب، ۱۳۹۳).

انجام فعالیت‌های پژوهش و توسعه در سازمان‌ها باهدف حمایت از نوآوری صورت می‌گیرد و این فعالیت‌ها جهت بهبود عملکرد و انگیزه بقاء، فرصت‌های کسب‌وکار جدیدی خلق نموده و یا کسب‌وکار فعلی سازمان را متحول می‌کند(وانگ و همکاران، ۲۰۱۸). بر پایه ادبیات موجود، سوگیری‌های شناختی مدیریتی، خصوصاً بیش اطمینانی مدیریتی)که گاهی اوقات از آن به‌عنوان جسارت مدیریتی نیز تعبیر می‌شود(، به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان نوآوری و کار آیی شرکت‌ها محسوب می‌شوند(هیرشیفر و همکاران،۲۰۱۲؛ تانگ و همکاران، ۲۰۱۵). به‌زعم پژوهش‌های اخیر، با توجه به ریسک قابل‌توجهی که فعالیت‌های مرتبط با نوآوری در سازمان‌ها وجود دارد، به‌کارگیری مدیران بیش اطمینان برای این‌گونه سازمان‌ها به‌منظور کاهش این ریسک، مناسب‌تر به نظر می‌رسد(گالاسو و سیمکو، ۲۰۱۱؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۸). بر این اساس، انتظار می‌رود که بیش اطمینانی مدیران باعث افزایش میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها گردد. بااین‌وجود، در ایران که از جمله کشورهای در حال توسعه هست؛ علیرغم وجود ظرفیت ها و سرمایه انسانی مناسب خالء پژوهشی و عدم توجه به هزینه‌های پژوهش و توسعه در گزارشهای مالی شرکت‌ها مشهود است. لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن است که تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر میزان هزینه پژوهش و توسعه شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا بین بیش اطمینانی مدیران ومیزان هزینه پژوهش وتوسعه شرکت‌ها رابطه معناداری وجوددارد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع رابطه چگونه هست؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

بیش اطمینانی مدیران بیش اطمینانی یا اعتماد بیشازحد به خود را میتوان اعتقادی بی اساس درباره توانایی های شناختی، قضاوت ها و استدالال شهودی فرد تعریف نمود. مفهوم بیش اطمینانی به طور گسترده در آزمایش های روانشناسی بررسی شده که نشان می دهد افراد هم درباره توانایی هایشان در پیش بینی و هم درباره دقت اطلاعاتشان، برآوردی بیش ازاندازه دارند. همچنین در تخمین احتمالات ضعیف عمل می کنند و اغلب رویدادهایی با احتمال وقوع بسیار کمتر از صد درصد راحت می دانند(اسکالا، ۲۰۰۸).

یکی از اولین کاربردهای مفهوم بیش اطمینانی، درادبیات مالی توسط رل (۱۹۸۶) مطرح شد کند بیش اطمینانی مدیریت یکی از علل درگیر شدن مدیران در فرآیندهای تحصیل نامناسب و بیش پرداخت برای شرکتهای هدف است. هیتون (۲۰۰۲) نشان داد که مدیران خوش بین، پروژه ها وحقوق صاحبان سهام شرکت را بیش ارزش گذاری می کنند. بیش اطمینانی می تواند منجر به اتخاذ تصمیم آینده نادرست شده و با تحریف از سیاستهای مناسب سرمایه‌گذاری، تأمین مالی یا حسابداری،هزینه‌های گزافی بر شرکت تحمیل کند؛ اما بیش اطمینانی مدیریت می تواند دربرخی شرایط منافعی داشته باشد. برای مثال، در شرکت‌هایی که فعالیت‌های نوآورانه دارند، انگیزش مدیران بیش اطمینان برای پذیرش ریسک، کم هزینه تراز سایرمدیران است(رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳).

هزینه پژوهش و توسعه سازمان همکاری و توسعه اقتصاد، پژوهش و توسعه را انجام کارهای خالق و ابتکاری می داند که بر اساس یک روش اصولی و نظام مند صورت پذیرفته است و از نتایج آن به منظور افزایش گنجینه دانش انسانی، فرهنگی، اجتماعی و ابداع کاربردهای جدید استفاده می‌شود. به طور مشابه، یونسکو از پژوهش و توسعه به‌عنوان فرایندی پویا و به هم پیوسته از پژوهش ها پایه، کاربردی و توسعه یاد می‌کند که نتایج علمی هر مرحله به صورت ذخیرهای از دانش در طول زمان گردآوری می‌شوند و این ذخایر به‌عنوان ورودی مهم و باارزشی است که منشاء ایده ها و اختراعات جدید در مرحله عمل می‌شود(برزگری خانقاه و همکاران، ۱۳۹۶).

هزینه پژوهش و توسعه جدا از وابستگی مشخص، با توسعه تکنیکی و علمی دارای معنای اقتصادی ویژه نیز است. هزینه پژوهش و توسعه بازتاب یک حرکت سازمانی یا دولتی در جهت فراتر رفتن از سود، بازدهی فعلی، بهبود عملکرد و بازدهی در آینده است. تا قبل از ظهور هزینه پژوهش و توسعه، شرکت‌ها با مشکلاتی چون بالا بودن هزینه‌های تولید و پایین بودن کیفیت و کمیت

تولیدات مواجه بودند که امروزه به کمک هزینه پژوهش و توسعه و رفع این مشکلات، نوآوری و عملکرد شرکت‌ها افزایش یافته است(کادیر، ۲۰۱۷).

۳- بیش اطمینانی مدیر و هزینه‌های پژوهش و توسعه

ویژگی‌های شخصیتی مدیران برتصمیمات آنها و پیامدهای آن تأثیرگذاراست (همبریک و ماسون، ۱۹۸۴). یکی از این ویژگی ها که توجه زیادی را به خود معطوف داشته است؛ بیش ازاندازه مدیراست که به اعتقاد پژوهشگران بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت اثرگذار است(مالمندیر و تات، ۲۰۱۵) بیش ازاندازه مدیران منجربه خود ارزیابی بیش ازاندازه و در نتیجه باوراغراق گو نه به قضاوت شخصی مدیران می گردد(تانگو و همکاران، ۲۰۱۵). بیش اطمینانی اغلب زیان هایی را برای شرکت به همراه خواهد داشت .به‌عنوان مثال، این ویژگی ممکن است که با تأثیر منفی بر روی سیاستهای سرمایه‌گذاری(هایوارد و همبریک، ۱۹۹۷)، تامین مالی (مالمندیر و تات، ۲۰۰۵) و ریسک پذیری مدیران(لی و تانگ، ۲۰۱۰) همراه باشد. با این وجود، نکته قابل توجه این است که در خصوص هزینه‌های پژوهش و توسعه و فعالیت‌های مرتبط با نوآوری شرکت، عکس این مسئله صادق است. ازآنجا که نوآوری همواره با ریسک بالایی همراه است، لذا بیش اطمینانی برای مدیران می تواند مفید نیزباشد. به بیان دیگر، مدیرانی که اطمینان بیش از حد به توانایی های خود دارند، بیشتراز سایرمدیران اقدام به اتخاذ ریسک برای انجام نوآوری می نمایند. دلایل متعددی برای پشتیبانی از این دیدگاه وجود دارد :نخست، مدیران بیش اطمینان برآورد بیش از حدی ازتوانایی خود در حل مسئله داشته ودرنتیجه، انتظار بازده بیشازحد از سرمایه‌گذاری در هزینه‌های پژوهش و توسعه و فعالیت‌های مرتبط با نوآوری شرکت دارند (تانگ و همکاران، ۲۰۱۵). این گونه مدیران ریسک های بیشتری را متحمل شده و اقدام به پذیرش پروژه هایی می نمایند که ازنظر سایر مدیران احتمال موفقیت درآنها بسیار پایین است(گالاسو و سیمکو، ۲۰۱۱؛ هیرشیفر و همکاران، ۲۰۱۲). دوم اینکه، مدیران بیش اطمینان خود را افرادی باقدرت بالا در انجام کارهای نسبتاً دشوارمی دانند(تانگ و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بنابراین، ازآنجا که ازنظر سایرین موفقیت درانجام پروژه های سرمایه‌گذاری نوآورانه، بیانگربینش و توانایی مدیریتی قوی محسوب می‌شود، لذا مدیران بیش اطمینان معتقدند که انجام پروژه های مستلزم استعداد و بینش خاص، باعث افزایش جایگاه و وجهه شغلی آنها می‌شود(گالاسو و سیمکو، ۲۰۱۱). از اینرو، مدیران بیش اطمینان بیشتر از سایر مدیران قادر به سرمایه‌گذاری در هزینه‌های پژوهش و توسعه و فعالیت‌های نوآورانه هستند(تانگ و همکاران، ۲۰۱۵). سوم اینکه، مدیران بیش اطمینان ازمنبع کنترل درونی بسیارقوی برخوردارند و معتقدند که پیامدهای رفتارشان نتیجه تالش های خود آنهاست(راتر، ۱۹۶۶). درمقایسه با افرادی با منبع کنترل بیرونی، مدیران بیش اطمینان معتقدند، توانایی آنها محیط اطرافشان را تحت تأثیر قرار می دهد. درنتیجه تمایل بیشتری به فعالیت‌های کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در هزینه‌های پژوهش و توسعه دارند(تانگ و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به دالیل فوق، چنین استدلال می‌شود که بیش اطمینانی مدیران میتواند باعث افزایش هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت گردد. پیشینه پژوهش نتایج پژوهش وانگ و همکاران(۲۰۱۸). که به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی و بیش اطمینانی مدیران بر میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکتهای حاضر در بورس سهام چین پرداختند، حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیران شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پژوهش و توسعه آنها را افزایش می دهد. علاوه بر این، بر خلاف پژوهش‌های قبلی نتایج نشان داد که ارتباطات سیاسی موجب کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها می‌شود .به طور مشابه، تانگ و همکاران(۲۰۱۵) نیز تأثیر بیش اطمینانی مدیر بر نوآوری شرکت‌ها را برای نمونه ای متشکل از ۲۸۲۰ شرکت– سال مشاهده مورد بررسی قراردادند و دریافتند که بیش اطمینانی مدیر با نوآوری شرکت ارتباط مثبت دارد. همچنین، مالمندیر و تات(۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و سرمایه‌گذاری بیش ازحد شرکتهای آمریکایی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ پرداختند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیران سرمایه‌گذاری بیش ازحد را، زمانی که ظرفیت تأمین مالی شرکت پایین است، کاهش می دهد. علاوه براین، هرز و همکاران (۲۰۱۴) طی پژوهشی، تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر فعالیت‌های نوآورانه شرکت را بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که بیش اطمینانی مدیران، تمایل آنان به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه شرکت‌ها را افزایش می دهد. نتایج پژوهش گنتری و شن (۲۰۱۳) نیز که به بررسی تأثیرعملکرد متاثر از پیش بینی تحلیلگران بر میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکتهای آمریکایی طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵ پرداختند، نشان داد که مدیران زمانی که تحت فشار قرار می گیرند، تمایل دارند که هزینه‌های پژوهش و توسعه را کاهش دهند تا پیش بینی های تحلیلگران را برآورده سازند. هیرشلیفر و همکاران (۲۰۱۲) ارتباط بین بیش اطمینانی مدیران و نوآوری شرکت‌ها را طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که شرکت‌هایی که مدیران بیش اطمینان دارند، دارای نوسانات بالاتر بازده سهام و سرمایه‌گذاری بیشتر در هزینه‌های پژوهش و توسعه هستند. همچنین، بیش اطمینان مدیران به بهره برداری از فرصت های نوآورانه شرکت کمک می‌کند.

قادری و همکاران (۱۳۹۷)ارتباط بین اطمینان بیش ازحد مدیران و اثربخشی مدیریت ریسک شرکت‌ها را برای نمونهای متشکل از ۱۱۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که شیوه های مدیریت

ریسک سازمانی متأثر از سوگیری‌های رفتاری و بیش اطمینانی مدیران بوده و اثربخشی خود را از دست خواهد داد، لذا اثر اطمینان بیش ازحد مدیران برمدیریت ریسک پذیرفته می‌شود. در پژوهشی مشابه، بشکوه و کشاورز (۱۳۹۷) رابطه بین بیش اعتمادی مدیریت وریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که بیش اعتمادی مدیران با معیار پیش بینی سود و رشد غیرعادی دارایی ها بر ریسک سقوط قیمت سهام بر اساس نوسان باال به پایین و سیگمای حداکثری تأثیر مستقیم ومعناداری دارد.

همچنین، عباس زاده و همکاران(۱۳۹۶) به بررسی اثر میانجی مدیریت سود بر رابطهٔ میان هزینه‌های پژوهش و توسعه و حق الزحمهٔ خدمات حسابرسی پرداختند. نتایج آزمون فرضیه های پژوهش نشان داد که هزینه‌های پژوهش و توسعه ارتباط مثبت و معناداری با حق الزحمهٔ حسابرسی دارند؛ علاوه براین مدیریت سود نیز موجب افزایش این رابطه می‌شود. مهرانی و طاهری (۱۳۹۶) تأثیراطمینان بیش ازحد مدیران بر خطای پیش بینی سود توسط آنها را بررسی نمودند. در این پژوهش، برای اندازه گیری اطمینان بیش ازحد با توجه به ادبیات ازدو معیار CAPEX و Invest-Over که مرتبط با سرمایه‌گذاری می باشند، استفاده گردید. نتایج حاکی از آن است که بین هر دو معیارمذکوربا خطای پیش بینی رابطه مستقیمی وجود دارد. در پژوهشی دیگر، علی نژاد سارو کلائی و صبحی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر ارزش دفتری و ارزش بازار ساختار سرمایه شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی ازاین است که میزان بیش اعتمادی مدیران تاثیری برارزش دفتری ساختار سرمایه ندارد،این در حالی است که دراین پژوهش تأثیر بیش اعتمادی بر روی ارزش بازار ساختار سرمایه مشاهده شد. علاوه براین، نتایج پژوهش حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۴) در خصوص بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر حق الزحمهٔ حسابرسی شرکت‌ها، حاکی ازآن است که بین بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمهٔ حسابرسی ارتباط منفی معناداری وجود دارد. همچنین بر اساس بررسی های بیشتر، بیش اطمینانی مدیریت بر استفاده ازحسابرس متخصص صنعت، تأثیرمعناداری ندارد.

۴- فرضیه پژوهش

بیش اطمینانی مدیران میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها را افزایش می دهد.

۵- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده ها از نوع پژوهش‌های نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل های اقتصاد سنجی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ تشکیل می دهد و نمونه انتخابی پژوهش نیز شرکت‌هایی می باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱. شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آنها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۱ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۵ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند
۲. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
۳. طی سال‌های مذکور تغییر فعالیت نداده باشند
۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه گری مالی نباشند(شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند)
۵. میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه آنها در یادداشت های توضیحی صورت های مالی افشاء شده باشد.

پس از اعمال محدودیت های فوق تعداد ۵۱ شرکت به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده های پژوهش حاضر با مراجعه به صورتهای مالی و یادداشت های توضیحی همراه صورت های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نرم افزار ره آورد نوین استخراج گردید. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده ها نیز از نرم افزارهای اقتصادسنجی Eviews و Stata استفاده شده است.

۶- مدل و متغیرهای مورد استفاده

به منظور آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره زیر استفاده شده است:

$$R\&Di,t = \beta0 + \beta1\ OCDi,t + \beta2\ Sizei,t + \beta3\ ROEi,t + \beta4\ GWTHi,t + \beta5\ Agei,t + \varepsilon i,t \quad (1)$$

R&Di,t، هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت i در سال t ؛ OCDi,t ، بیش اطمینانی مدیریت شرکتi در سال t؛ Sizei,t ،اندازه شرکت، معادل لگاریتم دارایی های پایان دوره شرکتi در سال t, R&Ei,t ، سودآوری شرکت i در سال t ؛ t,GWTHi

،فرصت های رشد شرکت i در سالt ؛ Agei,t ،سن شرکت i در سالt و t,εi ،جزء خطای مدل رگرسیون هست. در ادامه به معرفی هر یک از متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود.

متغیر وابسته هزینه‌های پژوهش و توسعه (D&R) به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش در نظر گرفته شده که برای محاسبه آن به پیروی از عباس زاده و همکاران (۱۳۹۶) و کری شنان و ونگ (۲۰۱۳) از لگاریتم میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت استفاده می‌شود. اطلاعات هزینه‌های پژوهش و توسعه، از یادداشتهای همراه صورت های مالی استخراج شده است .متغیر مستقل بیش اطمینانی مدیر (OCD) به‌عنوان متغیر مستقل پژوهش حاضر در نظر گرفته شده که برای اندازه گیری آن مطابق با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۸) حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۴)و رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) از دو سنجه زیر استفاده شده است. اولین سنجه مبتنی بر سرمایه‌گذاری برای بیش اطمینانی (CAPEX) یک متغیر مجازی است که اگر مخارج سرمایه ای شرکت در دوره معین، تقسیم بر کـل دارایی های ابتدای دوره، بـزرگتـر از سـطح میانـه آن بـرای صـنعت مربـوط در آن سـال باشـد؛ شرکت دارای مدیر بیش اطمینان بوده و مقدار آن یک و در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته می‌شود. این معیار مبتنی بر یافته های بن دیوید و همکاران (۲۰۱۰)و مالمندیر و تات (۲۰۰۵) اسـت که نشان دادند مخارج سرمایه ای در شرکت‌هایی با مدیران بیش اطمینان، بزرگتر اسـت. از آنجا که تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت، حاوی اطلاعاتی درباره اعتماد بیش از حد مدیریتی است، لذا دومین سنجه بیش اطمینانی مدیر، مازاد سرمایهگذاری (INV OVER) هست. استفاده از این سنجه بر این مبناست که در شرکت‌هایی که دارایی ها با نرخ بیشتری نسبت به فروش رشد می کنند، مدیران در مقایسه با همتایان خود در شرکت بیشتر سرمایه‌گذاری می کنند. بدین منظور ابتدا مدل رگرسیونی زیر بهصورت مقطعی برآورد می‌شود و پس از آن در هر سال مقادیر باقیمانده مدل محاسبه می گردد. سپس چنانچه باقیمانده مدل برای شرکتی بزرگتر از صفر اشد؛ به این معناست که در آن شرکت بیش از حد سرمایه‌گذاری شده است؛ بنابراین، اطمینان بیش ازحد مدیریتی متغیرمجازی است که اگر باقیمانده مدل مزبور برای هر شرکت– سال بزرگتر از صفر باشد، برابر با یک و در غیراین صورت صفر در نظر گرفته می‌شود

$$ASSETGRi,t = \beta0 + \beta1SALEGRi,t + \varepsilon i,t \quad (۲)$$

ASSETGRi,t: رشد دارایی های شرکت i در سال t است که از تفاوت میزان تغییرات دارایی ها نسبت به سال گذشته شرکت محاسبه می‌شود، SALEGRi,t رشد فروش شرکت i در سال t که از تفاوت میزان تغییرات فروش نسبت به سال گذشته شرکت بدست می آید.

۷- متغیرهای کنترلی

شرکت‌های بزرگتر و سودآورتر به دلیل دسترسی بیشتر به منابع مالی مورد نیاز برای فعالیت‌های پژوهش و توسعه، انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در این فعالیت‌ها دارند (شفر و فرنکل، ۲۰۰۵) همچنین، از آنجا که فرصت های رشد موجب تداوم فعالیت شرکت می گردد؛ لذا شرکت‌های با فرصت های رشد بالاتر به منظور بقا حفظ مزیت رقابتی، تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پژوهش و توسعه دارند (چوی و همکاران، ۲۰۱۴) علاوه براین، شواهد تجربی گریفیتس و وبستر (۲۰۱۰) و وانگ و همکاران (۲۰۱۸) نشان می دهد که شرکت‌های جوانتر نسبت به سایر شرکت‌ها سرمایه‌گذاری بیشتری در فعالیت‌های پژوهش و توسعه دارند. لذا در پژوهش حاضر متغیرهای فوق به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شدند که نحوه اندازه گیری آنها به شرح زیر هست:

اندازه شرکت: برای سنجش اندازه شرکت، همانند پژوهش‌های گریفیتس و وبستر (۲۰۱۰ ،) لی (۲۰۰۹) مهرانی و طاهری (۱۳۹۶) و فخاری و همکاران (۱۳۹۵) از لگاریتم دارایی های پایان دوره شرکت استفاده شده است.

سودآوری: از تقسیم سود خالص بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت محاسبه شده و در پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۸) نیز کنترل شده است.

فرصت های رشد: در پژوهش حاضر، به پیروی از تریبو و همکاران(۲۰۰۷) و دانگ و گو (۲۰۱۰) نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به‌عنوان معیار فرصت های رشد و یکی دیگر از متغیرهای کنترلی وارد مدل شده است. **سن شرکت:** این متغیر که بر اساس فاصله زمانی بین تاریخ پذیرش شرکت در بورس تا پایان دوره زمانی پژوهش اندازه گیری می‌شود، در پژوهش‌های گریفیتس و وبستر (۲۰۱۰)و وانگ و همکاران (۲۰۱۸)نیز به‌عنوان متغیر کنترلی در نظرگرفته شده است.

از آنجا که در این پژوهش برای سنجش بیش اطمینانی مدیریت از دو سنجه (CAPEXوOVER INV) استفاده شده است، لذا مدل فوق برای هر یک از سنجه های بیش اطمینانی به صورت جداگانه برآورد می گردد. به منظور برآورد مدل های پژوهش از تکنیک داده های ترکیبی استفاده شده است.

۸- یافته های پژوهش

۸-۱- آمار توصیفی

جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص های مرکزی و پراکندگی هست را برای نمونه ای متشکل از ۲۵۵ شرکت- سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۱- ۱۳۹۵ نشان می دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
هزینه‌های پژوهش و توسعه	*R&D*	۹/۰۹۸	۹/۱٤۷	٦/۳۰۱	۱۰/۹۹۹	۰/۷۸٦
اندازه شرکت	*Size*	۱۲/۳٦۷	۱۲/۲۰۷	۱۱/۰۲٤	۱٤/۳۱۷	۰/٦۷٦
سودآوری	*ROE*	۰/۰۷٤	۰/۱۰۲	-۱/۲۱٤	۰/٦٤۱	۰/۱۹۸
فرصت‌های رشد	*GWTH*	۳/٤۹٤	۲/۸۱۱	-۳/۹۹۱	۱۷/۱٥۹	۲/٥٥۸
سن شرکت	*Age*	۱٦/۱۱۸	۱۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۳٦/۰۰۰	٥/۸۲٤

همانگونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، میانگین هزینه‌های پژوهش و توسعه برابر با ۹/۰۹۸ بوده که کمتر از مقادیر گزارش شده در پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۸) هست. سود خالص شرکت‌های نمونه نیز به طور متوسط، معادل ۷ درصد ارزش بازار حقوق صاحبان سهام آنهاست .ضمن اینکه متوسط عمر شرکت‌های مورد بررسی حدود ۱۶ سال است. جدول (۲) شاخص های درصد فراوانی و نما (مد) را برای متغیرهای مجازی ارائه می‌کند:

جدول ۲. درصد فراوانی و نما (مد) برای متغیرهای مجازی

متغیر	نماد متغیر	درصد فراوانی ۱	درصد فراوانی ۰	مد
سنجه اول بیش اطمینانی	*CAPEX*	٤۸/۲٪	٥۱/۸٪	۰
سنجه دوم بیش اطمینانی	*OVER INV*	۳٦/٥٪	٦۳/٥٪	۰

با توجه به جدول فوق می توان دریافت که اغلب شرکت‌های نمونه از مدیران بیش اطمینان برخوردار نیستند.

۸-۲- نتایج آزمون فرضیه

در داده های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده ها مشخص گردد. با توجه به نتایج بدست آمده که در جدول (۳) ارائه شده است، سطح معناداری آماره F لیمر برای هر دو مدل کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر آزمون رد شده و بیانگر آن است که برای تخمین مدل های پژوهش باید از روش داده های تابلویی استفاده شود.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش

مدل	سنجه بیش اطمینانی	مقدار آماره F	سطح معناداری	نتیجه
مدل (۱)	*CAPEX*	٦/٥٤۹	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل (۲)	*OVER INV*	٦/٥۹٦	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی

سپس با توجه به تابلویی بودن مدل، باید برای تعیین نوع داده های تابلویی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده شود. همانطورکه در جدول (۴) نیز ملاحظه می‌شود، با توجه به نتایج این آزمون و سطح معناداری آن، در تمامی مدل ها فرضیه صفر رد می‌شود. لذا لازم است که مدل ها به روش اثرات ثابت برآوردگردد.

جدول ٤. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	سنجه بیش اطمینانی	مقدار آماره χ^2	سطح معناداری	نتیجه
مدل (۱)	*CAPEX*	۱۷/۳۰۲	۰/۰۰۸	اثرات ثابت
مدل (۲)	*OVER INV*	۲۱/۰٥۸	۰/۰۰۲	اثرات ثابت

علاوه بر این، به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل نیز از آزمون جارک- برا استفاده گردید. از آنجا که نتیجهٔ احتمال آمارهٔ جارک- برا، برای مدل های پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل های مورد بررسی تایید می‌شود. نتایج آزمون نسبت درست نمایی(LR)برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در اجزای اخلال مدل نیز حاکی از وجود ناهمسانی واریانس بوده که برای رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای برآورد مدل ها استفاده شده است. در نهایت، به منظور آزمون همبستگی بین اجزاء خطای مدل از آماره دوربین- واتسن استفاده گردیدکه نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس هر یک از دو سنجه بیش اطمینانی، در جدول (۵) نشان داده شده است:

جدول ۵. نتایج برآورد مدل پژوهش بر اساس دو سنجه بیش اطمینانی

متغیر	*CAPEX*			*OVER INV*		
	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t
C	۰/٤١٤	۰/۰۹۳	٤/٤٤٩ **	۰/۳۸۱	۰/۰۹۱	٤/۱۸۹ **
CAPEX	۰/۱۲۷	۰/۰۵۷	۲/۲۱٦ *	–	–	–
OVER INV	–	–	–	۰/۱۰۸	۰/۰۵۱	۲/۱۳۳ *
Size	۰/۲۳۷	۰/۰۹۷	۲/٤۲۹ *	۰/۲۷۵	۰/۰۹٦	۲/۸٦۲ **
ROE	۰/۰۹۵	۰/۲۱۱	۰/٤٥٤	۰/۱۲۲	۰/۲۰۵	۰/۵۹۵
GWTH	۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	۲/۰۱۸ *	۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	۱/۹۸۸ *
Age	-۰/۱۲۸	۰/۱۸۷	-۰/٦۸٤	-۰/۰۷٦	۰/۱۹۲	-۰/۳۹۸
آماره F	۱٦/۹۳۸ **		آماره F	۱۵/۳۵۲ **		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/٦۱۲		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۹۳		
آماره دوربین واتسن	۱/۹٦٦		آماره دوربین واتسن	۱/۹۷۳		

* و ** به ترتیب بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۵ درصد و ۱ درصد می باشد.

ملاحظه مقادیر آماره های F در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدلهای رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد است. مقادیر آماره دوربین- واتسن نیز حکایت از عدم وجود مشکل خود همبستگی نمایشان جملات پسماند دارد. همانطور که در جدول فوق نیز ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آمارهt مربوط به هر دو سنجه بیش اطمینانی (CAPEX و OVER INV) مثبت و در سطح خطای ۵ درصد معناداربوده که حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین بیش اطمینانی مدیر و هزینه پژوهش و توسعه شرکت هست. بر این اساس، فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

۸-۳- تجزیه و تحلیل حساسیت

به منظور بررسی استحکام و قابلیت اتکای نتایج پژوهش، رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و هزینه پژوهش و توسعه شرکت‌ها براساس معیار جایگزین برای سنجش بیش اطمینانی، مجدداً مورد بررسی قرار گرفته. از آنجا که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید سود پیش بینی شد خود را افشا کنند، لذا از این معیار (FEPS) برای محاسبه بیش اطمینانی مدیران استفاده شده است؛به‌طوری که اگر مدیران سود پیش بینی شده را بیشتر از سود واقعی اعمال کرده باشند، دچار بیش اطمینانی هستند (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳) جدول (۶) نتایج آزمون فرضیه پژوهش براساس معیار جایگزین برای اندازه گیری بیش اطمینانی مدیریت را نشان می دهد. نتایج بیانگر آن است که بیش اطمینانی مدیر محاسبه شده بر اساس معیار مذکور، رابطه مثبت معناداری با هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها دارد که این یافته با نتایج اصلی پژوهش منطبق است؛ بنابراین، می توان نتیجه گرفت که نتایج پژوهش نسبت به استفاده از معیار جایگزین بیش اطمینانی حساس نبوده و از استحکام برخوردار است.

جدول ٦. نتایج آزمون فرضیه پژوهش بر اساس معیار جایگزین بیش اطمینانی مدیر

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t
C	۰/۳٦٦	۰/۰۹۳	۳/۹۳٥**
FEPS	۰/۰٤۹	۰/۰۲۲	۲/۱٥٦*
Size	۰/۲۳۸	۰/۰۹۸	۲/٤۱۳*
ROE	۰/۱٤۹	۰/۱۹۳	۰/۷۷۱
GWTH	۰/۰۷۹	۰/۰٥٥	۱/٤۱٦
Age	-۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	-۱/۹۷۷
آماره F	۱٥/٥۲۱ **	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/٦۰۱

* و ** به ترتیب بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۵٪ و ۱٪ می باشد.

نتیجه گیری و بحث

امروزه درک وضعیت نوآوری شرکت‌ها در بازارهای نوظهور توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف نموده است؛ به‌طوریکه نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می دهد، نگرش مدیران و ویژگی‌های شخصیتی آنان عاملی مؤثر درافزایش فعالیت‌های نوآورانه و سرمایه‌گذاری در هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها در چنین محیط هایی محسوب می‌شود. لذا در این پژوهش تأثیر بیش اطمینانی مدیریت به‌عنوان یک ویژگی مهم شخصیتی مدیران بر هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها موردبررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیریت، میزان هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها را افزایش می دهد. در خصوص تائید فرضیه مذکور می توان چنین استدلال نمود، از آنجا که موفقیت در انجام پروژه های سرمایه‌گذاری نوآورانه، بیانگر توانایی مدیریتی قوی محسوب شده و مدیران بیش اطمینان خود را افرادی با قدرت بالا درانجام کارهای نسبتاً دشوار می دانند؛ لذا اینگونه مدیران ریسک های بیشتری را متحمل شده و اقدام به پذیرش پروژه هایی می نمایند که از نظر سایر مدیران احتمال موفقیت درآنها بسیار پایین است. بدین ترتیب، مدیران بیش اطمینان در مقایسه با سایر مدیران تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در هزینه‌های پژوهش و توسعه و فعالیت‌های نوآورانه دارند. نتیجه به دست آمده در این پژوهش با یافته های پژوهش تانگ و همکاران (۲۰۱۵) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین بیش اطمینانی مدیران و هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها، مطابقت دارد. وانگ وهمکاران (۲۰۱۸) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی با این پژوهش دست یافته و اذعان داشتند که شرکت‌های دارای مدیران بیش اطمینان از هزینه‌های پژوهش و توسعه بیشتری برخوردارند.

براساس یافته های پژوهش حاضربه سرمایه گذاران و تحلیلگران مالی پیشنهاد می گردد که هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، در کنار سایر متغیرهای مالی، ویژگی‌های شخصیتی مدیران و نقش این ویژگی ها در تصمیم گیری های شرکت نظیر سرمایه‌گذاری در هزینه‌های پژوهش و توسعه را مدنظر قرار دهند . در فرآیند انجام پژوهش علمی، مجموعه شرایط یوجود دارد که خارج از کنترل پژوهشگر است ولی به طور بالقوه می تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از مهمترین محدودیت پژوهش حاضرآن است که در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های پیشین، متغیرهای کنترلی متعددی که بر هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها مؤثر بودند در نظر گرفته و در برآورد مدل لحاظ گردیدند؛ اما همانند سایر پژوهش‌های تجربی در حسابداری، همچنان احتمال وجود متغیرهای مرتبط حذف شده، وجود دارد که می تواند بر تعمیم نتایج تأثیر گذارد. به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود که تأثیر سایر ویژگی‌های شخصیتی نظیر توانایی مدیران بر هزینه‌های پژوهش و توسعه شرکت‌ها بررسی گردد.

منابع

۱. برزگری خانقاه، جمال؛ اخوان بهابادی، فاطمه؛ قائدی، سلیمه؛ زارع، امیرحسین؛ زارع حسین آبادی، حمید.(۱۳۹۶) تأثیر هزینهٔ پژوهش و توسعه بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری، ۴(۱۴)صص. ۱-۱۸.

۲. بشکوه، مهدی؛ کشاورز، فاطمه. (۱۳۹۷) بیش اطمینانی مدیران و ریسک سقوط قیمت سهام. راهبرد مدیریت مالی، ۶(۲)صص. ۲۱۷-۱۹۲.

۳. حساس یگانه، یحیی، حسنی القار، مسعود، مرفوع، محمد. (۱۳۹۴) بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمهٔ حسابرسی. فصلنامه علمی- پژوهشی بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۳) صص. ۳۶۳-۳۸۴ .

۴. رامشه، منیژه؛ ملانظری، مهناز. ۱۳۹۳). بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری حسابداری. مجله علمی- پژوهشی دانش حسابداری، ۵(۱۶) صص. ۵۵-۷۹
۵. عباس زاده، محمدرضا؛ قناد، مصطفی؛ غلامی، مقدم، فائزه. (۱۳۹۶) بررسی اثر میانجی مدیریت سود بر رابطهٔ میان هزینه‌های تحقیق و توسعه و حق الزحمه خدمات حسابرسی. مجله علمی -پژوهشی دانش حسابداری، ۸(۳۱)صص. ۸۵-۱۰۴ .علینژاد سارو کلایی، مهدی؛ صبحی، مریم. (۱۳۹۵) تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر ساختار سرمایه. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸(۳۱)صص. ۳۹-۱۰۹.
۶. قادری، کاوه؛ قادری، صلاح الدین؛ قادری، سامان. (۱۳۹۷) تأثیر عامل رفتاری اطمینان بیش از حد مدیران بر اثربخشی مدیریت ریسک. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۳۷). ۲۷۲-۲۴۳
۷. محمد زاده، امیر؛ کامیاب، محمد جواد. (۱۳۹۳) بررسی رابطه بین مالکیت نهادی، ساختار سرمایه و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، (۱۳۹۳) (ویژه نامه)، صص. ۹۱-۹۹.
۸. مشایخ، شهناز، بهزادپور، سمیرا. (۱۳۹۳) تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، (۲۱) ۴صص ۵۰۴-۴۷۵
۹. مهرانی، ساسان و طاهری، منصور. (۱۳۹۶) بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش بینی سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲۶(۴) صص. ۱۶۳-۱۴۷
10. Abbaszadeh, M. Ghannad, M. Golami Moghaddam, F. (2017). Effects of Earnings Management Mediator on the Relationship between R&D Costs and Audit Services Fees. Accounting Knowledge, 8(2), pp.85-104 (In Perisan).
11. Alinezhad Sarokolaei, M. Sobhi, M. (2016). The effect of managers' overconfidence on capital structure. Financial Accounting and Auditing Researches, 8(31), pp.93-109 (In Perisan).
12. Barzegari Khanagha, J. Akhavan Bahabadi, F. Ghaedi, S. Zare, A. Zare Hosseinabadi, H. (2017). The Impact of R&D Expenditure on the Performance of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. Journal of Iranian Accounting Review, 4(14), pp.1-18 (In Perisan).
13. Ben-David, I. Graham, J. & Harvey, C. (2010). Managerial Miscalibration. National Bureau of Economic Research, Working Paper Series No. 16215. Available in: http://www.nber.org/papers/w16215.
14. Beshkooh, M. keshavarz, F. (2018). The Relationship between the Managerial Overconfidence and Stock Price Crash Risk in Firms Listed in Tehran Stock Exchange. Financial Management Strategy, 6(2), pp.192-217 (In Perisan).
15. Choi, Y. R. Yoshikawa, T. Zahra, S. A. & Han, B. H. (2014). Market-oriented institutional change and R&D investments: Do business groups enhance advantage? Journal of World Business, 49(4), pp.466-475.
16. Dong, J. Gou, Y-N. (2010). Corporate governance structure, managerial discretion, and the R & D investment in China. Int. Rev. Econ. Financ. 19, pp.180– 188.
17. Galasso, A. Simcoe, T. S. (2011). CEO overconfidence and innovation. Manag. Sci. 57, 14691484.
18. Gentry, R. J. Shen, W. (2013). The impacts of performance relative to analyst forecasts and analyst coverage on firm R & D intensity. Strateg. Manag. J. 34, pp.121–130.
19. Ghaderi, K. Ghaderi, S. Ghaderi, S. (2018). The impact of behavioral factor of managers' overconfidence on the effectiveness of risk management. Financial Accounting and Auditing Researches, 10(37), pp.243-272 (In Perisan).
20. Griffiths, W. Webster, E. (2010). What governs firm-level R & D: internal or external factors? Technovation, 30, pp.471–481.
21. Hambrick, D. C. Mason, P. A. (1984). Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers. Acad. Manag. Rev. 9, pp.193–206.
22. Hasas Yeganeh, Y. Hasani Alghar, M. Marfou, M. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. Accounting and Auditing Review, 22(3), pp.363- 384 (In Perisan).
23. Hayward, M. L. A. Hambrick, D. C. (1997). Explaining the premiums paid for large acquisitions: evidence of CEO hubris. Adm. Sci. Q. 42, pp.103–127.
24. Heaton, J. (2002). Managerial optimism and corporate finance. Financial Management, 31, 33–45.
25. Herz, H. Schunk, D. Zehnder, C. (2014). How do judgmental overconfidence and overoptimism shape innovative activity? Games Econ. Behav. 83, pp.1–23.

26. Hirshleifer, D. Low, A. Teoh, S. H. (2012). Are overconfident CEOs better innovators? J. Financ. 67, pp.1457–1498.
27. Kadir, B. (2017). Market-Oriented R&D Commercialization at Public Universities and Government Research Institutes in Malaysia: Issues and Potential Research Areas. Journal of Engineering and Applied Sciences, 12(6), pp.1386-1392.
28. Krishnan, G.V. Wang, C. (2013). Are capitalized software development costs informative about audit risk? Accounting Horizons, 28(1), pp.39-57.
29. Lee, C-Y. (2009). Competition favors the prepared firm: firms' R & D responses to competitive market pressure. Res. Policy 38, pp.861–870.
30. Li, J. Tang, Y. (2010). CEO hubris and firm risk taking in China: the moderating role of managerial discretion. Acad. Manag. J. 53, pp.45–68.
31. Malmendier, U. Tate, G. (2005). Does overconfidence affect corporate investment? CEO overconfidence measures revisited. Eur. Financ. Manag. 11, pp. 649–659.
32. Malmendier, U. Tate, G. (2015). Behavioral CEOs: the role of managerial overconfidence. J. Econ. Perspect. 29, pp.37–60.
33. Mashayekh, S. Behzadpur, S. (2014). The effect of managers' overconfidence on dividend policy in the firms listed in Tehran stock market. Accounting and Auditing Review, 21(4), pp.485-504 (In Perisan).
34. Merani, S. Taheri, M. (2018). Managerial Overconfidence and Earning Forecast Errors. Empirical Research in Accounting, 7(2), pp.147-164 (In Perisan).
35. Mohammad Zadeh, A. Kamyab, M. (2015). Investigating of relation between institutional ownership, capital structure and investment based on R&D. Journal of Development & Evolution Mnagement, 1393(special issue), pp.91-99 (In Perisan).
36. Ramsheh, M. Molanzari, M. (2014). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. Accounting Knowledge, 5(16), 55-79 (In Perisan).
37. Roll, R. (1986). The hubris hypothesis of corporate takeovers. Journal of Business, 59 (2), pp.197–216.
38. Rotter, J. B. (1966). Generalized expectancies for internal versus external control of reinforcement. Psychol. Monogr: Gen. Appl. 80, pp.1–28.
39. Shefer, D. Frenkel, A. (2005). R&D, Firm Size and Innovation: An Empirical Analysis. Technovation. 25(1), pp.25–32.
40. Skala, D. (2008). Overconfidence in psychology and finance – an interdisciplinary literature review. Bank I Kredyt (4), pp.33-50.
41. Tang, Y. Li, J. Yang, H. (2015). What I see, what I do: how executive hubris affects firm innovation. J. Manag. 41, pp.1698–1723.
42. Tribo, J.A. Berrone, P. Surroca, J. (2007). Do the type and number of blockholders influence R & D investments? New evidence from Spain. Corp. Gov.: Int. Rev. 15, pp.828–842.
43. Wang, D. Sutherland, D. Ning, L. Wang, Y. and Pan, X. (2018). Exploring the influence of political connections and managerial overconfidence on R&D intensity in China's large-scale private sector firms, Technovation, 69, pp.40-53.

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

تحلیل پوسترهای استفان زاگ مستر از منظر فلسفه هنر نیچه

پریسا طاهری راد[۱*]، محسن صحتی[۲]، نادیا معقولی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۲
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۳
کد مقاله: ۴۹۰۹۷

چکـیده

در این مقاله بیشتر سعی بر این است که چه عواملی هنر خوب را خوب می‌سازد و چه نقشی هنر در زندگی دارد. آیا وجود هنر لازم است؟ یکی از فیلسوفانی که در این پژوهش تأثیرگذار بوده نیچه است که در بعضی از دوره اول تفکرات خویش متأثر از نظرات شوپنهاور می‌باشد. شوپنهاور و نیچه در بیشتر اوقات واژه‌ی هنر را تنها در معنی سنجیده و والای آن به کارمی برند. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای است. یکی از هنرمندانی که در آثار خود تأثیر بسزایی از دیدگاه نیچه گرفته زاگ مستر است. که این هنرمند به‌عنوان خالق هنر شناخته‌شده است. نمونه کارهای او دارای شکل‌های بسیار متفاوتی است که بیشتر تلاش برای نگاه کردن به محدودیت‌های خوب زندگی دارد. جامعه آماری بر اساس پوسترهای زاگ مستر است که با نگاه نیچه مورد بررسی قرارگرفته‌اند. از نتایج حاصل دریافت شد که او نیز مانند نیچه، هنر را وسیله‌ای برای زندگی و حاوی لذت روحی می‌داند.

واژگـان کلـیدی: پوستر، زبان غیررسمی، فلسفه هنر نیچه، پوستر زاگ مستر

۱- کارشناسی ارشد (مسئول مکاتبات) *www.parisataheri1373@yahoo.com*
۲- مدرس هنرهای تجسمی
۳- دکتری پژوهش هنر، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

۱- مقدمه

در این مقاله شناخت نیچه و فرضیات و عقاید آن در باب هنر مورد بررسی و ارزشیابی قرارگرفته‌اند. و هدف بیشتر شناخت فلسفه هنر نیچه است که چه تاثیراتی از خود به جا گذاشته و بر چه هنرهایی تأکید بسیار داشته تا آنجا که زندگی بشر بر پایه آن استوار بوده است.و همچنین چه تأثیری بر عقاید و دیدگاه و آثار هنرمندانی نظیر زاگمستر داشته است، فلسفه هنر نیچه یک فلسفه روشنی نیست بلکه در آن ابهامی وجود دارد که مهم‌ترین ابهام در فلسفه هنر نیچه، ابهام در خود فلسفه نیچه می‌باشد. «دیدگاه یک فیلسوف در باب هنر، در راستای اصول و مبانی فلسفه او و بر پایه مباحث کلی‌تری نظیر هستی‌شناسی یا ارزش‌شناسی او صورت می‌گیرد. » (پیروز،۱۳۹۴، ص: ۱۲).

«دیگر از ابهامات فلسفه هنر نیچه ، ابهام در محدود و ابعاد این فلسفه است. یکی از دغدغه آشکار و جدی نیچه، هنر است که به‌طور مشخص به یک بحث هنری اختصاص داشته‌اند. و بر همین اساس جهت فهم فلسفه هنر او ، آثاری نظیر (زایش تراژدی از روح موسیقی)، (قضیه واگنر) یا (نیچه علیه واگنر) را در کانون توجه قرار گرفته است. بی‌شک در اغلب آثار نیچه مطالب قابل توجهی در باب هنر مطرح شده است؛ مطالبی که غالبا در لابه لای نوشته های برجسته و گریخته وی جای گرفته اند. برخی مفسران، کل فلسفه نیچه را نوعی فلسفه هنر شناخته‌شده است، همچنین تفکر فلسفه نیچه نه مؤدی به نظام (متافیزیکی) بلکه ناظر به نظامی تخیلی، حسی، سیال و در کل استتیکی[1] است. در مباحث هنری، فکری نیچه تحولات بسیاری باعث سردرگمی مفسران می شود، به‌طور مثال اصطلاح (دیونیزوسی) که در آثار متقدم و متاخر نیچه معانی متفاوتی از آن دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین عواملی که معرفت نسبت به فلسفه هنر نیچه را با دشواری هایی همراه کرده است، نوع ادبیات نیچه یا سبک نوشتاری او که ناظر به مجمل نویسی،گزین گوئی و استفاده فراوان از صنایع ادبی است و بعضی آمیخته به شعر، حکایت و انواع صورت های هنری–ادبی بوده است و از همین رو مدعیات رو در حوزه‌های گوناگون از جمله هنر را گفته‌هایی چند پهلو تبدیل کرده است» (نیچه، ۱۳۷۵، ص: ۹۸).

۲- سوال پژوهش

۱- مضامین موجود در پوسترهای زاگ مستر در چه بخش هایی دسته بندی می گردد؟
۲- اندیشه موجود پوسترهای زاگ مستر چه تاثیراتی از آرا نیچه داشته‌اند؟
۳- فرم و تکنیک های به کار رفته شده در پوسترهای زاگ مسترچه بوده است؟

۳- پیشینه تحقیق

«کتاب حقیقت و زیبایی درس های فلسفه و هنر» نوشته بابک بیات توسط انتشارت نشر مرکز در سال ۱۳۹۷ به چاپ سی پنجم رسید. این کتاب جزو کتاب های مرجع است، قسمتی از این کتاب اختصاص داده شده به فلسفه هنر نیچه ، که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

«دانشنامه فلسفه استفورد هنر مفهومی و دست ساخته» نوشته الیزابت شلکنزو ریستو هیلپینن و به ترجمه بیتا شمسینی است این کتاب توسط انتشارات ققنوس در سال ۱۳۹۳ در تهران به چاپ رسید. در این کتاب به موضوعات و مسائل بدیعی پرداخته شده است. در قسمت زبان مفهومی این کتاب یکی از مراجع راهگشا این پژوهش بوده است.

کتاب «فلسفه هنر نیچه» به تالیف جولیان یانگ و ترجمه رضا باطنی ، سید رضا حسینی رسیده است. نشر ورجاند در سال ۱۳۹۰ این کتاب را به چاپ رساند. میتوان این کتاب را فلسفه هنر شوپنهاور با تفسیر نیچه دانست این کتاب دارای نگاه تحلیلی و صمیمانه نویسنده است که در روند این پژوهش مرجع مهمی محسوب می شود.

عبدالحسن پیروز نویسنده کتاب «مبانی فلسفه هنر نیچه زیبایی والایی، کمال » است این کتاب توسط نشر علم در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسید. عمده مطالب این کتاب سه عنصر کمال، والایی، زیبایی که زیر بنای دیدگاه های هنری نیچه است تحلیل و تشریح شده است که یکی از منابع فلسفه این پژوهش میباشد.

کتاب «هنر پوستر» نویسنده شارلوت ریورز و تالیف و ترجمه مهدی نوروزی مقدم رسیده است. نشر مارلیک در سال ۱۳۹۰این کتاب به چاپ رسیده است. عمده مطالب این کتاب در رابطه با پوستر و چاپ آن بوده است که این کتاب جزیی از منابع این پژوهش بوده است.

1 aesthetic

مقاله هنر مفهومی از Elisabeth Schellekens مترجم فهیمه سهیلی راد، در سال ۱۳۹۳ ثبت شده است که عمده مطالب این مقاله درباره فلسفه هنر مفهومی است.

مقاله بررسی پوسترهای بزرگداشت ایران از سال۱۳۴۰ تاکنون، نگارنده سارا باغستانی راد، در سال ۱۳۸۷ ثبت شده است، عمده این مقاله بر فرایند پوستر تأثیر گذاشته شده است.

آرمان داوودی آبکنار نویسنده کتاب زیبایی شناسی و کاربرد طراحی گرافیک است این کتاب توسط نشر نوردان در سال۱۳۹۱ به چاپ رسید. و عمده مطالب این کتاب درباره گرافیک و پوستر می‌باشد.

کتاب « تاریخ پوستر» نویسنده جان بارنیکت و به تالیف ترجمه مهدی نوری مقدم در انتشارات ماریک در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است که موضوع آن در رابطه با تاریخ پوستر بوده است که جزو یکی از منابع این پژوهش محسوب می شود.

۴- روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحقیقات بنیادین می‌باشد استفاده شده است و برای جمع آوری مطالب تاریخی و توصیفی از روش کتابخانه‌ای بهره برده است.

۵- مفاهیم و تعاریف

پوستر: «پوستر یک اثر چاپ و تکثیر شده است که برای هدفی مشخص طراحی شده و به منظور اطلاع رسانی به قشر گسترده ای از مخاطبین جامعه ارائه می شود. (آبکنار،۱۳۹۱،ص:۲۳-۲۴).

زبان غیر رسمی: « همه ما با تناسب دیفرانسیل بین اینکه ما می بینیم و دیگران چگونه می بینند مشکل داریم ما سعی میکنیم این مشکل را حل کنیم. حل کردن این مشکل به صورت جداگانه منجر به انزوا می شود، ولی می توان این مشکل را به صورت جمعی در چشم انداز موقعیت حل کرد » (شلکنز،۱۳۹۳،ص: ۲۵).

فلسفه هنر نیچه: «دیدگاه وی در مورد سرمنشاء هنر و این که چه عواملی هنرخوب را خوب و هنر بد را بد می‌سازد، و مهم تر از همه در مورد نسبت میان هنر و زندگی از نظراو. بهتر بگوییم، فلسفه های هنر نیچه؛ از آنجا که در فلسفه ی او دیدگاه واحدی در باب هنر(و بسیاری از مسائل دیگر) وجود ندارد می توان گفت که روند فلسفه ی او به دوره های گونا گونی تقسیم می شود» (یانگ،۱۳۹۰،ص:۴۰).

پوستر زاگ مستر: « استفان زاگ مستر یک طراح مشهور و نگارشناس گرافیک معاصر است که در آمریکا مستقر است. طرح های جذاب و تحریک آمیز وی وضعیت مجددی برای طراحان گرافیک تعریف کرد. » (زاگمستر،(نوامبر،۶،۲۰۱۹) برگرفته از لینک https://sagmeisterwalsh.com).

۶- جامعه آماری

تعداد ۷ پوستر از آثار زاگمستر جامعه آماری این پژوهش را شامل میشود. این آثار از بین تعدادکثیر پوسترهای این هنرمند به واسته وجود تأثیر تفکرات نیچه بر آن ها انتخاب شده است. وجه مشترک این پوستر ها استفاده از زبان غیر رسمی و تاثیرات بسزایی در آرامش روح انسان میتواند داشته باشد، است. و تمام این آثار با توجه به فرضیات نیچه و تاثیراتی که هنر در زندگی انسان داشته، مورد بررسی قرار گرفته است موضوع اکثر پوستر ها زندگی شخصی هنرمند قرار گرفته است.

۷- بحث و بررسی انواع رویکرد ها به فلسفه هنر نیچه

باتوجه به موانع شناخت فلسفه هنر نیچه دو رویکرد از نظرات هنری او اتخاذ شده است:

۱- رویکرد جزء بین ۲- رویکرد کل بین

در رویکرد جزء بین، «روش های فلسفی نیچه در طول زندگی او متفاوت بوده است و هیچگاه دیدگاه واحدی در باب هنر نداشته است به همین دلیل بهتر است به جای فلسفه هنر نیچه از عبارت فلسفه های هنر نیچه سخت گفت. در رویکرد کل بین، اندیشه های بنیادین یا اغراض و مضامین واحد و ثابت در نهاد فلسفه نیچه است. بر مبنای این رویکرد فلسفه هنر نیچه، فلسفه واحدی است که صرف نظر از انتظام و انسجام و فارغ از نقاط قوت و ضعفش، در بستر کلیات تفکر نیچه قابل بررسی و مطالعه است.» (پیروز،۱۳۸۰،ص:۲۵)

۸- نسبت کمال با هنرمند و اثر هنری

واژه هنر نزد نیچه،« هیچگاه آنگونه که معمول بوده مورد استفاده قرار نگرفته است و صرفا برای اشاره به قالب های هنری مرسوم، نظیر نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی و امثال آن ها به کار نرفته است بلکه همواره معنایی وسیع تر بر آن مرتبت بوده است»(schavht,2002,p:483). « در کتاب (زایش تراژدی از روح موسیقی) که اولین اثر چاپ شده نیچه در زمان حیات اش محسوب می شود، هنر، به کمال رساندن وجود است» (نیچه،۱۳۸۵، ص: ۵۴). و در کتاب« اراده معطوف به قدرت که مجموعه ای از آخرین نوشته های نیچه، هنر، چیزی جز کمال آفرینی نیست» (نیچه، ۱۳۷۷،ص:۸۲۱). در واقع آنچه اساس و بنیاد هنر است، همانا وجودی آن، توالی کمال و سرشاری توسط آن است؛ هنر اساسا تایید، تبرک و به خدائی رساندن وجود است. در هنر، محمل ایجاد کمال اشیاء هستند و روال خلق اثر هنری بدین نحو است که هنرمند به‌عنوان موجود کمال یافته و سرشار از نیرو، یا اشیاء معینی را وادار به کمال یابی می کند. «هنرمند به‌عنوان موجود سرشار ازکمال، نیروی کمال آفرین خود را بر اشیاء یا امور خاصی فرود می آورد و از این طریق هستی نوینی را به آن ها تحمیل می کند، همانگونه که نیچه این نیروی کمال آفرین تأکید دارد. از « نظر نیچه اثر هنری فقط رنگ، صوت و امثال این ها نیست بلکه اموری نظیر شخصیت یک فرد یا حتی خود انسان در حکم یک اثر هنری است. و به کمال رساندن خود کار بسیار دشواری است و تنها از عهده طبایع قوی بر می آید. که نقطه اوج خلاقیت هنری آنجاست که انسان همچون ماده اثر هنری فرض شود» (نیچه، ۱۳۷۷، ص: ۱۷و۱۲).

۹- مولفه‌های کمال

کمال، کلید واژه اصلی نیچه در تعریف اثر هنری و هنرمند باشد، در واقع واژه کمال در هستی‌شناسی نیچه، هستی هر موجود، همچون سطحی از قدرت تلقی می شود، نیچه ماهیت کمال را بیش از هر چیز همچون توسعه قدرت و کمال انسان را (که در ابر مرد متجلی می شود) همچون کسب قدرت بر طبیعت بعلاوه کسب قدرت بر خویشتن تعبیر کرده است. «در تفکر نیچه، هنر به معنای کمال آفرینی و هنرمند به معنای موجود کمال یافته است، بر این اساس ابر مرد به مثابه نموداری از کمال مطلق و هم کمال ترین هنرها است و هم نمونه کمال یافته هنرمندان است و در آخر الگوی نهایی هر هنرمند واقعی ابر مرداست» (هگل،۱۳۸۵،ص: ۳۹). «در نظر نیچه، حلقه های قدرت یا همان نیروهای توفنده، عظیم و اوج گیرنده زندگی با استعاره(نیروی دیونیزوسی) و انتظام و انسجام حلقه های قدرت با استعاره (خصائل آپولونی) نمایندگی می شوند » (پیروز،۱۳۹۴،ص:۴۵)

۱۰- هنر دیونیزوسی و آپولون

در تفکر نیچه، امر والا، امری کاملا دیونزوسی است. بسیاری از مفسران فلسفه هنر نیچه، نیروی دیونیزوسی را مترادف امر والا در تفکر وی قلمداد کرده اند» (nabais,2006,p:34). «و دیونیزوس، ناظر به حرکتی طوفانی، سرکش و ویرانگر است، در حالیکه گرایش آپولونی متوجه انسجام و انتظام و مهندسی نیرو های سازنده شی است. تقابل محتوای این دو گرایش موجب می شود تا در کنار هم قرار گرفتن آنها در شی کمال یافته، کاشف از وجود ستیزی در ذات اثر هنری باشد. ترکیب درستی که دو گرایش دیونیزوسی و آپولونی را به هم پیوند می زند و به صورت کمال شی متجلی می شود، ترکیبی است که در آن نیروی دیونیزوسی حکم فرمانروا و خصلت آپولونی، حکم فرمان پذیر را دارد» (نیچه،۱۳۷۷، ص: ۶۳۹).

۱۱- اسطوره، موسیقی و زبان

اسطوره نقش جایگاه معنی را در فرهنگ هایی ایفا می کند که از دستگاه مفهومی مدرنیته بی بهره اند. که نیچه از بسیاری لحاظ بر پایهٔ یک عبارت کلیشه ای رمانتیک استوارند، نه بر جوهر واقعی اندیشهٔ رمانتیک آغازین زبان از آن رو بیمار شده است که با تفکر مفهومی پیوند ناگسستنی یافته و همسبتگی اش را با احساس – و در نتیجه با «طبیعت» - از دست داده است. بنابراین، زبان صرفاً مثل یک ماشین عمل می کند و فقط موسیقی، که اکنون به‌عنوان بازگشت به طبیعت است» (نیچه ،۱۹۸۰، ص: ۴۵۶). نیچه اشاره می کند که هر چند ممکن است موسیقی موجب پیدایش تصورات ذهنی بسیار گوناگونی شود، اما برای خود تصورات و مفهوم ها امکان پذیر نیست که موسیقی بیافرینند، زیرا از لحاظ مرتبه و نوع با یکدیگر فوق العاده تفاوت دارند. در نتیجه او استدلال می کند که موسیقی را زبان احساسات انگاشتن کاری است خطا، و می گوید: «آنچه احساسات می نامیم همراه با بازنمایی های آگاهانه و غیرآگاهانه در اعماق وجودمان نفوذ می کنند و از تصورات ذهنی انباشته می شوند و بنابراین مستقیماً موضوع موسیقی نیستند، چه رسد به این که بتوانند خودشان زایندهٔ موسیقی باشند در واقع « احساسات تاریخچه ای دارند که در آن تفکیک و تمایز فرایندهٔ آنچه در اصل شاید تعارض ها عمدتاً رشد یافته- از نوع ذاتی نهفته در مفهوم «اراده»- باشد، جزئی از آنچه احساسات اند به شمار می آید» (نیچه، ۱۹۸۰ص: ۳۶۴).

۱۲- زیبایی شناسی، تفسیر و ذهنیت

نیچه ادعا می کند که زیبایی شناسی چیزی نیست جز فیزیولوژیکی کاربردی و موسیقی واگنر را به علت تاثیرات زیان آور جسمانی اش رد می کند: و به همین دلیل از خودم می پرسم به راستی کل جسم من از موسیقی اصلا چه می خواهد؟ زیرا روحی وجود ندارد. به گمان من جسم خواستار آسایش است: چنان است که گویی همه کارکردهای حیوانی باید در اثر ضرباهنگ (ریتم)های ظریف، متهورانه و سرزنده متکی بر اعتماد به نفس شتاب گیرند بهترین موسیقی آن است که بیشترین تناسب را با موجود زنده داشته باشد و زیبایی شناسی ارتباطی ناگسستنی با پیش شرط های زیست شناختی دارد.

نکته جالب توجه آن که او این عقیده را باز هم اصولا در ارتباط با موسیقی می بیند: به این ترتیب است که موسیقی با نت ها سروکار دارد. اما به سرنوشت اقوام و ملت ها نیز پیوسته است آنها مستعد گوناگون ترین تعبیر و تفسیرند.. بدیهی است که این احتیاج به هیچ روی با این عقیده سازگار نیست که زیبایی شناسی را می توان به فیزیولوژی تحویل کرد یعنی به علمی که فقط یک بعد از رابطه چند بعدی ما با جهان و با خودمان است پس مسئله این است که آیا این چشم اندازها اصولا فرقی دارند با پیش نگری های فیشته ای درباره جهانی که خودش هیچ تأثیر تعقلی مشخصی بر آنچه ما گمان می کنیم ندارد»(نیچه،۱۳۷۶،ص: ۳۵۹).

۱۳- اراده معطوف، نیچه

نیچه بر سر کتاب اراده معطوف به قدرت کار می کند، « دیدگاه او درباره رابطه هنر با طبیعت بدبینانه ترمی شود اما اهمیت زیباشناسی در واقع بسیار افزایش یافته است هنر به شیوه ای که در کتاب زایش تراژدی ذکر گردیده هرگونه علم و فلسفه را در برگرفته است اما در ترکیب عالی تری که همانند آنچه در برنامه نظام یا گفتار درباره اسطوره شناسی آمده است ما را با طبیعت در آمیزد. در عوض انسان به احتمال بسیار زیاد ذاتا دروغگوست با این حال بیش از هر چیز دیگری بی تردید هنرمند است و او از قماش این چیزها هم هست: متافیزیک، اخلاق، دین، علم که همه ابدعات اراده او در زمینه های هنر، دروغگویی گریز از حقیقت، و انکار حقیقت به شمار می روند. در برابر هستی بی معنی هنر هنوز انگیزه ای برای زندگی است البته مسئله این است که حقیقت چیست که انکار می شود در چنین نکاتی واضح به نظر می رسد که نیچه در واقع از تناقض عملی مربوط به طرح دعوی هائی درباره چیزی که استدلال او سد راهش می شود احساس لذت می کند اما اگر چنین باشد باز شخص نیاز دارد که به ماهیت تأثیر عملی پی ببرد. در اینجا دو مسیر اندیشه نیچه آشکار می گردند یکی از آن دو شالوده شکنانه است و می کوشد که بر دعوی های متافیزیکی غلبه کند برای این منظور ریشه تصور این امکان را سست می کند که آن دعوی ها هرگز بتوانند شالوده مطلقی برای دعوی های حقیقت جویی ما در ورای اعمال خودمان برای اثبات صدق آنها باشند مسیر دیگر که به اراده معطوف به قدرت مربوط می شود متافیزیکی است حتی اگر هدف هم شالوده شکنانه باشد این نکته در آنچه نیچه راجع به تفسیر می گوید آشکار می شود» (نیچه، ۱۹۸۰، ص:۱۹۳). «عقیده نیچه درباره زبان داری عنصر عمیقا مشکوکی است که در دعوی هائی مانند دعوی زیر نمایان می گردد. از این رو تفسیر نیچه بر دیدگاهی رنج گرایانه درباره طبیعت از نوعی که در شوپنهاوئر ملاحظه می کنیم بنیاد نهاد شده است تفسیر از پیش فرض های هستی شناسانه نیچه تأثیر می پذیرد و قاعدتا باید هم چنین باشد پیش فرض تفسیر او همانا نبرد قدرت ها بر سر هویت است که هم در عرصه طبیعی و هم در دنیای فرهنگی روی می دهد اراده معطوف به قدرت تفسیر می کند و در تشکیل هر عضو و دستگاهی مسئله ای برای تفسیر به شمار می رود» (نیچه،۱۹۸۰، ص:۱۳۹).

۱۴- نیچه و استفن زاگ مستر

یکی از هنرمندانی که در آثار خود تأثیر بسزایی از دیدگاه و نظریات نیچه گرفته زاگ مستر است. او طراح گرافیک است که در ۵۳ سالگی به یکی از معروف ترین طراح گرافیک در جهان تبدیل شده و در زمینه های ایجاد هویت بصری برای شرکت ها و کمپین های تبلیغاتی و آثار هنری و آلبوم هایی برای گروه های راک فعالیت دارد. یکی از نکاتی که در او قابل توجه بود دیگاه او بر موسیقی، که آن را احساسی ترین هنر ها می‌داندو برای اینکه بتواند تصویری را که احساسات از آن خارج کند نمی تواند در یک تصویر بسنده کند، که در این مقاله به بررسی آثار آن پرداخته شده است.

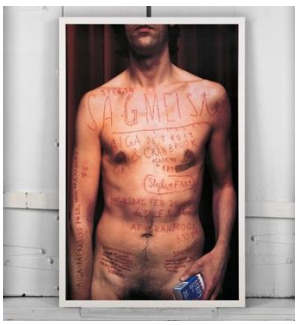

شکل ۱- پوستر سخنرانی AIGA Detroit در سال ۱۹۹۹ (منبع : eyeondesign.aiga.org)

۱۴-۱- توصیف پوستر سخنرانی

در پوستر سخنرانی همان طور که قابل رویت است زاگ مستر با به تصویر کشیدن جسم خود در قالب هنر که به عموم مردم نشان داده است با خراش دادن حروف بر روی تن خود توانسته آن حسی که در هنگام طراحی داشته است را بروز دهد که می توان در این پوستر در این به دیدگاه نیچه پی برد که پیرو اصل فردیت است و جهان پدیدار هر روزه جهان فرد است جهان اصل فردیت جهان دهشت و رنج است و به نظر نیچه و همان طور شوپنهاور حضور در آن نفرین است و نه رحمت و اراده که مسئول چنین دنیایی است. چنان که گویی و خصلت و نهاد درونی اراده در هراس ها و فجایع طبیعت تجسم است که در این اثر زاگ مستر تا حدی می توان با کشیدن نوشته هایی با تیغ روی پوست خود درد و رنج را دید.

شکل ۲- فیلم خوشحالی (منبع: eyeondesign.aiga.org)

۱۴-۲- توصیف پوستر فیلم خوشحالی

یکی دیگر از فعالیت بزرگ زاگمستر فیلم خوشحالی است که جزوه اولین ایده های او در این مسیر است او به محض اینکه به این ایده فکر کرد احساس گرمی درون خود داشت که همچین حسی را تا به اون لحظه تجربه نکرده بود او در ساخت این مستند دوباره به بالی رفت و تمام سعی بر این بود که کارهایی انجام دهد که تاحالا انجام نشده است و تمام مکان ها تنها بر اساس علایق انتخاب شده است. در تحقیقات او به این نتیجه رسیده است که انسان اگر در محیط زیبا قرار گیرد یک موجود زشت ، افتضاح و احمق تبدیل می شود ولی اگر در محیطی باشد که کمبود زیبایی را در آن حس کند به یک گل لاله تبدیل میشود زاگمستر ماه ها در مورد زیبایی و اهمیت آن فعالیت داشته است که زیبایی چیزی نیست که یک شخص بابت آن هزینه های زیادی را پرداخت کند زیبایی نه تنها تامل است بلکه با ارزش است. از نظر فلسفه تا قرن نوزدهم این موضوع جدی بود.

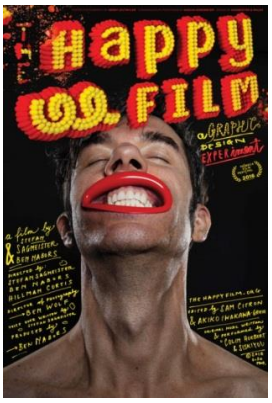

شکل ۳- پوستر فیلم خوشحالی (منبع: sagmeister.com)

۱۴-۳- توصیف پوستر فیلم خوشحالی ۲

یکی دیگر از فعالیت بزرگ زاگمستر فیلم خوشحالی است که جزوه اولین ایده های او در این مسیر است او به محض اینکه به این ایده فکر کرد احساس گرمی درون خود داشت که همچین حسی را تا به اون لحظه تجربه نکرده بود او در ساخت این مستند دوباره به بالی رفت و تمام سعی بر این بود که کار هایی انجام دهد که تاحالا انجام نشده است و تمام مکانها بر اساس علایق انتخاب شده است. در تحقیقات او به این نتیجه رسیده است که انسان اگر در محیط زیبا قرار گیرد یک موجود زشت ، افتضاح و احمق تبدیل می شود ولی اگر در محیطی باشد که کمبود زیبایی را در آن حس کند به یک گل لاله تبدیل میشود.

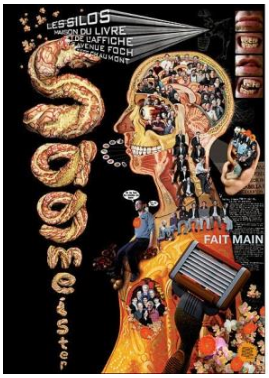

شکل ٤- Chaumont (منبع:sagmeister.com)

زاگمستر ماه ها در مورد زیبایی و اهمیت آن فعالیت داشته است که زیبایی چیزی نیست که یک شخص بابت آن هزینه های زیادی را پرداخت کند. زیبایی نه تنها تامل است بلکه با ارزش است. از نظر فلسفه تا قرن نوزدهم این موضوع جدی بود. در شکل (۳) طراحی پوستر با توجه به موضوع مستند که خوشحالی هایی ایجاد میشود که برای اولین بار حس میشود و چون در این مستند خود زاکمستر نقش اصلی آن را دارد از تصویر خود استفاده کرده است تا حال و حسی که در این مستند دارد بروز دهد. او در یک جبهه شخصی مستند خود را به پایان می رساند این مستند درباره خوشبختی است که ساخت آن بسیار طولانی و با دشواری‌های

بسیاری همراه بوده و در بعضی مواقع به بزرگترین منبع بدبختی و نارضایتی در زندگی او تبدیل شده است. ولی با تمام سختی در ساخت آن فیلم مبارک بسیار مفید و مناسب ارائه شده است. از لحاظ تجزیه تحلیل در این پوستر میتوان که در این فرآیند زاگ مستر که خالق کننده این گونه اثر بوده که تفکر نیچه ای خود توانست به بسیاری از دشواری هایی که در ساخت این مستند داشت به موفقیت برسد.

در این اثر زاگ مستر می توان سعی در خوب بودن هنر را دید که این در حقیقت برای مستندی که خود زاگ مستر آن را تولید کرده است در این راستای این فعالیت سعی بر نشان دادن ویژگی خوب بودن و اینکه هنر چه تأثیری بر انسان ها خواهد گذاشت که در این فرایند فعالیت گفته ها نیچه که به نظر او هنر خوب هنری است که در خدمت مردم باشد در مستند به انجام رسیده توسط زاگ مستر یکی از روش هایی که به خصوص در اینجا حیاتی است (فاصله) است. (فاصله هنری) با فاصله گرفتن از زندگی در می یابد که چیز های زیادی است که انسان نمی بیندو اگر قرار باشد آن ها را ببیند چیز های بسیاری است که چشمان ما باید به آن ها بیافزاید . فاصله به آن آزادی خلاق را اعطا می کند تا برای خود شخصیت دیگری بیافرینیم به ویژه همان طور در کار های زاگ مستر دیده می شود در این مستند باتوجه به دیدگاه نیچه ای که خواسته های صداقتمان را می نگاریم و از این رو در قبال همه چیز گونه ای آزادی، شاد، مواج، رقصان، هجو آمیز، کودکانه و آرامش بخش را خلق می کند که این یک سبکی وصف ناپذیر هستی. یک کلام (lalgayascienza) به نظر راه حل نیچه همین است، که این اثر با توجه به نظریات نیچه ، تلاش به ساخت شده است. اشاره به مستند happy film شده یکی از طراحی که در زمینه این مستند است (شکل ۲) مورد بررسی قرا گرفته که کاملا متفاوت به پوستر قبلی است در این پوستر همان طور که مشاهده می شود در جهت بهبود وضعیت انسان و خوشحالی و به گونه ای خندیدن را اخبار کرده است. در این اثر زاگ مستر سعی شده است تا حقیقت درونی زندگی و کلمات واقعیت بیرونی آن را به تصویر بکشد.

۱۴-۴- توصیف پوستر Chaumont

پوستر زاگ مستر در نمایشگاه Inc exhibit chaumont در فرانسه رو نمایی شد که در این تصویر ویژگی های معنادار از همه مردم است که در کارش قابل مشاهده است. این پوستر از لحاظ مفهموی بازگو کننده زندگی روزمره بشریت است. که با توجه از نگاه شوپنهاور و نیچه ، جهان فاقد حکمت الهی است و مسیرش شبیه دایره است و نه خط مستقیم که با توجه به فلسفه نیچه زاگ مستر و این پوستر توانسته است روزمره انسان را به تصویر بکشد که طبیعت نه تنها سنگدل است بلکه بی هدف هم است. در راستای همین افکار نیچه اتخاذ این دیدگاه پذیرفتن طرز فکری است که نیچه آن را سقراط گرایی می‌نامد. این دیدگاه نه تنها قابلیت شناخت وجود را دارد بلکه توانایی اصلاح آنرا دارد که در این پوستر از انسان‌ها استفاده شده است که بیشتر آن ها در تفکر به هستی، جهان هستند.

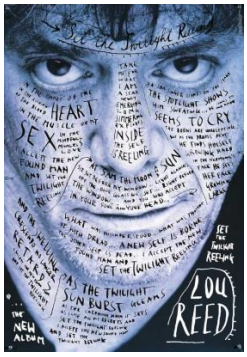

شکل ۵- lou you red

(منبع:postersagmeister.com)

۱۴-۵- توصیف پوستر lou you red

به گفته زاگ مستر این تصویر کاملا برجسته است که با دست نوشته ها سعی بر دور کردن فضای سرد شده است که این نمی تواند راه حلی برای هر پروژه باشد ولی می توان هر پروژه استراتژی های مختلفی داشته باشد که در این زمینه تنها داشتن محتوا کافی نیست بلکه علاقه هم نیز در آن نقش مهمی دارد. در این تصویر سعی بر بروز درد ها و تمایلات و بروز احساسات و حس ها شده است، حس هایی که از اطراف به انسان وارد می شود را نمایانگر است با توجه به نگاه نیچه ای در کارهای زاگ مستر این تصویر بازگو حرف نیچه است: هدف این بود که انرژی هامان را آن چنان از قیدو بد برهانیم که بتوانیم به از بین بردن علت های رنج نادل آییم به جای این که تاثیراتشان را تنها(تخدیر) کنیم.

شکل ٦- ADM gallery

(منبع:postersagmeister.com)

به‌طور خلاصه نیچه با یافتن ایمانی جدید در رد ایمان های دیرین اصرار ورزید، ایمان به علم و هنر وضعیت آینده ای این جهان و نه موقعیتی دیگر جهانی، رهایی بخش زندگی از دهشت و هراس است که از این طریق زندگی به‌عنوان پدیداری زیبا شناسانه برای ما هنوز قابل تحمل است زاگ مستر در همه کارهای خود سعی بر این دارد نه آثار هنری بلکه زندگی خود را می آفریند که با به روی آوردن خود در صفحه آن را فرا می گیرد و در صورتی عمل می کند که خود شاعر زندگی خود است.

۱۴-۶- توصیف پوستر ADM gallery

باتوجه به روی کرد های زاگ مستر به فلسفه هنر نیچه در این اثر می توان به این موضوع پی برد که هویت خویش را به‌عنوان یک فرد پنهان کرده و از جسم خود در پوستر استفاده شده است و سعی بر این داشته است تا کار خود را در راستای زندگی بشر قرار دهد که بتواند جز هنر خوب محسوب شود، که به گفته نیچه هنر خوب هنری است که در خدمت مردم باشد.

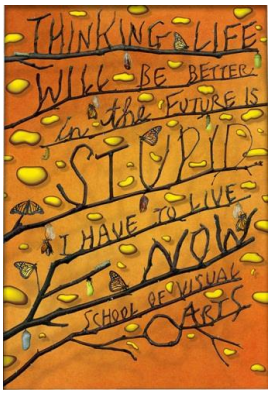

شکل۷- thinking life

(منبع:postersagmeister.com)

۱۴-۷- توصیف پوستر thinking life

پوستر thinking life برگرفته از تفکرات فلسفه هنر نیچه است که به معنی فکر کردن به اینکه زندگی در آینده بهتر خواهد شد احمقانه است . زاگ مستر با این فکر جلو رفت و به این نتیجه رسید که امروز باید زندگی کرد و لذت برد. نمونه ای از افکار خود را در این اثر پیاده کرده است که در برگیرنده چرخه زندگی کامل کرم ها و پروانه هایی که در بین شاخه ها زندگی می کنند. با توجه به متنی که در خود پوستر قابل رویت است کاملا نگاه نیچه ای را در کارهای زاگ مستر را نشان می دهد (فکر کردن به زندگی بهتر در آینده احمقانه است در لحظه زندگی باید کرد) تفکر زاگ مستر در این پوستر از آن جا استفاده شده است که حیاتی ترین مسئله فلسفه حدود تغییری جهان است که بعد ها به این نتیجه رسیده است که نه جهان بلکه تنها نگرش ما نسبت به جهان تغییر پذیر است تنها به این خاطر می توان به آینده امید داشت که نگرش سقراطی فرهنگ مدرن ما به هنر و امر متافیزیکی قابل تغییر است نه به خاطر امکان تغییر یافتن نهاد اصلی هستی انسان، هنر ما را به زندگی باز می گرداند با آرامشی نیک خواهانه و با وقار قادر به رویارو شدن با آن هستیم و ما را اجتناب ناپذیر رنج و مرگ با درک بطالت زندگی تخدیر می یابد و این چیزی است که هنر می تواند برای زندگی انجام دهد.

۱۵- نتیجه گیری

یکی از دغدغه های آشکار نیچه هنر است که در این پژوهش به آن پرداخته شده که در زمینه بحث هنری به آن اختصاص داده شده است که شامل فلسفه هنر، روح موسیقی و حقیقت و زیبایی بوده است. با توجه به تحقیقات بسیاری که در این زمینه داشته ام به این موضوع پی بردم که در تفکر فلسفه نیچه نه مودی به نظام متافیزیکی بلکه ناظر به نظامی تخیلی، حسی، سیال و در کل استیکی است. واژه هنر برای نیچه هیچ گاه آنگونه که معمول بوده است تنها برای کار های هنری مورد استفاده قرار نگرفته است بلکه برای او یک واژه بسیار والایی بوده است و همچنین هنرمند نزد او به‌عنوان نابغه و حتی به‌عنوان رمانتیک پیامبرانه و حتی به دیدگاه او به‌عنوان یک راهب گون است. که هنرمند در این راستا هنری می آفریند که با تخریب کردن و ویرانه کردن به ساختن و آفریدن می پردازد که به این پروسه عمل کرد خلق اثر هنری گفته می شود و دارای منزلت و ارزش بزرگی محسوب میشود. نیچه مدام جهام متن را با دنیای ذهنی هنرمند نابغه یکی میکند و هنرمند را جنبش های هنری معدودی، همانند هنر مفهومی با مباحثه و مجادله احاطه شده اند در حالی که هنر مفهومی تمایل دارد تا عکس العمل های شدید و شاید حتی شدیدترین واکنش ها را در مخاطبانش برانگیزد.

در این پژوهش به کلمه کمال تأکید بسیاری شده است و به معنی قدرت در تعریف اثر هنری و هنرمند در فلسفه شناخته‌شده است در تفکر نیچه امر والا کاملا برای او در رتبه دیونیزوسی قرار دارد به نظر او همه هنر ها دارای نیروی دیونیزوسی و آپولونی

هستند ولی برخی از انواع هنرها دارای وجه شدیدتر دیونیزوسی و برخی دیگر دارای نیروی آپولونی بیشتری هستند که شاخص ترین هنر دیونیزوسی یعنی موسیقی که با کمترین نیاز به شکل دهی، جهت دهی و انتظام بخشی خلق می شود. با توجه به هنری های که دارای نیروی دیونیزوسی هستند باعث دگرگونی در زندگی هراس آوری انسان ها میشود و بهترین موسیقی آن است که بیشترین تناسب را با موجود زنده داشته باشد البته لازم به ذکر است که هنری خوب شناخته میشود که در راستای خدمت به مردم است و زندگی را برای آنها راحتر کند و به بیان دیگر باعث دگرگونی در حال آن ها شود و زندگی را برای بشریت راحت تر میکند در واقع هنر وسیله‌ای محسوب می شود که به کمک آن پیام آزادی را، نه به صورت مجرد بلکه با وسایلی حسی، به همه قشر های جامعه ابلاغ می کند. در این راستا پیام هایی که به صورت تصویری که مردم ابلاغ میشود میتوان به آن زبان مفهومی گفت که از طریق آواز و رقص و .. به جهان او احساسی که دارند را منتقل میکنند که نسبت به زبان گفتاری برتری بسیاری دارد. به نظر نیچه، زبان دقیقا جهان را به چیزی تبدیل می کند که در نهایت انسان گونه است یعنی به پژواک بی نهایت بریده بریده صدایی اصلی به‌طوری که جهان صرفا به صورت باز تاب بشریت در می آید. در این راستا موسیقی که یک هنر دیونیزوس است بیشتر وسیله‌ای است که در جهت بهزیستی سازواره لذت شناختی که صرفا مایه شعف و شادی میشود همه این ارزیابی های متفاوت درباره موسیقی به رغم ناسازگاری متقابلشان در واقع می توانند نقشی در چگونگی ایجاد ارتباط مردم با موسیقی و چگونگی تأثیرگذاری موسیقی بر مردم ایفا کنند . فلسفه هنر نیچه به گونه بر ایده پردازی های هنرمندان تأثیر بسزایی داشته است که در این پژوهش به زاگ مستر اشاره شده است و بسیاری از اثار معروف آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است در این راستا در کل آثار او می توان شاهد این بود که تلاش او برای زندگی بهتر و برای خوشحالی بیشتر بشریت تلاش بسیاری کرده است با توجه به تحلیل های انجام شده و اطلاعاتی که از بسیاری آثار او به دست آمده است و همچنین پوسترهای او به این صورت است که یاد آوری کند طراحی پوستر یک چیز انسانی است نه کامپوتری از این رو دارای شخصیت و نواقص است.

در پاسخ به سوالات مطرح شده:

سوال اول: مضامین موجود در پوسترهای زاگ مستر در چه بخش هایی دسته بندی می گردد؟

زاگ مستر در ابتدای کار خود به طراحی آلبوم موسیقی پرداخته بود که جز ابتدایی های او به حساب می آید که در این کار علاقه بسیاری داشت که با توجه به این که بعد ها هنرمند معروفی شد باز هم به طراحی جلد آلبوم موسیقی ادامه داده است، او کارهای تبلیغاتی بسیاری انجام داده که به‌طوری دیدگاه های خود را در بیشتر مکان ها قابل رویت کرده است و همچنین به کار های فرهنگی نیز می پردازد که از آخرین فعالیت های او مستند خوشحالی به حساب می آید که توانسته بسیاری از دیدگاه ها را به خود جلب کند.

سوال دوم: اندیشه موجود پوسترهای زاگ مستر چه تاثیراتی از آرا نیچه داشته‌اند؟

اندیشه هایی که در پوسترهای زاگ مستر در اکثر فعالیت خود داشته است بر این موضوع بوده است که سعی بر بهتر شدن زندگی و تهیه هنر خوب باشد که زیرا هنر زمانی هنر خوب محسوب می شود که در خدمت بشریت باشد و تمام فعالیت زاگ مستر به این موضوع اشاره دارد.

سوال سوم: فرم و تکنیک های به کار رفته شده در پوسترهای زاگ مستر چه بوده است؟

زاگ مستر در اکثر پوسترهای خود از چهره و جسم و از دست نویس های خود استفاده کرده است تا تمام حالت و حساس و هیجان خود را به بیننده انتقال دهد که بیشتر تکنیک های آن از طریق عکاسی و فتومونتاژ بوده و از رنگ هایی در اکثر ما ها استفاده میشود که حس شوق و گرمی منتقل شود، او طراحی که انجام میدهد نشان گر یک فعالیت کامپوتری نباشد بلکه با روح خود به طراحی آن پرداخته است و هدف آن تأثیر بر مخاطب خود بوده است. در اکثر کار های او از عناصر و ایده هایی به کار رفته است تا راهی به انسان ها نشان دهد برای داشتن آرامش بیشتر برای زندگی راحتتر که از فضا های معمولی که در آن حضور دارند بیرون بیتیند تا بتوانند زندگی بهتری داشته باشند به گونه ای جنبه دیگری از زندگی را به تصویر می کشد.

منابع

۱. پیروز، دکتر عبدالحسن، (۱۳۹۴)، « مبانی فلسفه هنر نیچه: زیبایی، والایی، کمال»، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات مولف

۲. پیروز، عبد اللحسن (۱۳۸۰)، «ابر مرد»، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مولف

۳. شلکنزو هلپینن، الیزابت و ریستو (۱۳۹۳)، « هنر مفهومی و دست ساخته»، جلد ششم، انتشارات ققنوس، تهران

۴. نیچه، فردریش(۱۳۸۵)، « زایش تراژدی»، ترجمع رویا منجم،جلد سوم،انتشارات پرسش،آبادان

۵. نیچه، فردریش(۱۳۷۷)،« تبار شناسی اخلاق»، ترجمه داریوش آشوری، انتشارات آگاه، تهران

۶. نیچه، فردریش(۱۳۷۵)،« فراسوی نیک و بد»، ترجمه داریوش آشوری، انتشارات خوارزمی، تهران

۷. نیچه، فردریش(۱۳۷۷)،« اراده قدرت»، ترجمه مجید شریف، انتشارات جامی، تهران
۸. نیچه، فردریش(۱۹۸۰)،« میراث»، جلد اول ترجمه منوچهر اسدی، انتشاران پرسش، آبادان
۹. نیچه، فردریش(۱۳۷۶)،« چنین گفت زرتشت»، ترجمه داریوش آشوری، انتشارات آگاه، تهران
۱۰. یانگ،جولیان،(۱۳۸۰)،« فلسفه هنر نیچه »، ترجمه محمد باطنی، انتشارات آتیه، تهران
11. Schavht,Andrew(2002)Schelling and Modern European Philosophy(London: Routledge)
12. Banham , Gary.(2006), Art and symbol in Nietzsches

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

مطالعه تطبیقی حامیان هنری دوره‌های ایلخانی و تیموری

الهام کشاوری[۱]

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۶
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۷
کد مقاله: ۹۰۳۹۲

چکـیده

این پژوهش به مقایسه اقدامات، اهداف و نوع حامیان هنری دوره‌های ایلخانی و تیموری می‌پردازد. پرسش پژوهشی این تحقیق عبارت است از: به لحاظ نوع حامیان هنری، اقدامات و اهداف آنان چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان دو دوره وجود دارد؟ این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که، در دوره ایلخانی کار حمایت هنری بر عهده سه دسته وزرای دیوانی، دانشمند-روحانی و صاحب منصبان وابسته به دربار بود. هدف اصلی این وزرا حفظ فرهنگ، هنر و تمدن ایران بود و برای نیل به این هدف اقدامات مهمی را که تا آن زمان بی‌سابقه بود انجام دادند. در عهد تیموری شاهان، شاهزادگان، امیران و وزرای تیموری، که دو گروه حامی هنر این عصر بودند، در فرهنگ ایرانی رشد یافته بودند پس دیگر سعی در جهت حفظ این فرهنگ نداشتند بلکه تمام تلاش خود را بکار می‌بستند تا با حمایت از انواع هنرها و مبادرت ورزیدن به کارهای هنری به اهدافی نظیر جاودان‌سازی نام و نشان خود و نمایش قدرت برسند. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که میان اقدامات و اهداف حامیان دو دوره تشابهاتی وجود دارد اما تفاوت‌های میان نوع حامیان در این دوره‌ها، چشمگیرتر است.

واژگـان کلـیدی: حمایت هنری، حامیان هنری ایلخانی، حامیان هنری تیموری

۱- دانش‌آموخته رشته پژوهش هنر،دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران *mmojz350@yahoo.com*

۱- مقدمه

حمایت هنری مقوله‌ای تاثیرگذار در جهت خلق انواع مختلف آثار هنری است چراکه هنرمند به تنهایی قادر به تولید و شناساندن هنر خود به جامعه نخواهد بود. حامیان هنری اعم از سلطانی (شخص سلطان و شاهزادگان) یا غیرسلطانی (شامل امیران سپاه و وزرای دیوانی)، که گاه خود هنرمند بودند و از انواع هنرها سررشته داشتند و گاهی هم تنها به حمایت هنری می‌پرداختند و اطلاعی از هنرها نداشتند، نقش مهمی را در اعتلای هنرهای مختلف ایفا نمودند. اغلب آنان پس از به روی کار آمدن، اقداماتی را در امور فرهنگی و هنری انجام می‌دادند. این اقدامات در جهت تامین اهداف شاهان و حامیان عمل می‌کردند. اگرچه حامیان از انواع رشته‌های هنری حمایت به عمل می‌آوردند اما حمایت هنری غالبا در دو رشته هنری جلوه‌گر می‌شد یکی در معماری یعنی ساخت کاخ و مراکز مذهبی و دیگری کتاب‌آرایی. اغلب حامیان، بناها را در اندازه‌های بزرگ همراه با تزیینات بسیار می‌ساختند تا از این طریق بتوانند شکوه و عظمت خود را نشان دهند و تاثیری عمیق بر مردم بگذارند. اما برای حمایت هنری از کتاب‌آرایی، به تاسیس مراکزی موسوم به کارگاه-کتابخانه در جهت اجرای کارهای هنری و علمی می‌پرداختند. در کنار اینها اقدامات دیگری مانند ایجاد امنیت و ثبات سیاسی، رونق اقتصادی از طریق غارت منابع ممالک مفتوحه، آزادی مذهبی و اهتمام به تصوف، ساخت مدارس و کارگاه‌های علمی، دینی و هنری، تشکیل مجالسی با حضور هنرمندان و حامیان، جمع‌آوری هنرمندان از سراسر مملکت و همچنین از کشورهای فتح شده، دادن اختیار به وزرا و امیران برای انجام فعالیت‌های هنری، وقف و معافیت مالیاتی تامین کننده اهداف حامیان بود. اهدافی نظیر ماندگار نمودن نام و نشان خود در تاریخ، ایجاد مشروعیت در میان ایرانیان با فرهنگی درخشان، علاقه وافر شاهان به هنر و هنرمند بودن آنها و نمایش تمایلات دینی برای مردم مسلمان ایران. در این مقاله به بررسی اقدامات حمایتی، اهداف و نوع حامیان هنری و معرفی آنان در دو دوره ایلخانی و تیموری پرداخته خواهد شد.

پژوهش حاضر به بررسی مهم‌ترین وجوه تشابه و تفاوت اقدامات حامیان هنری در زمینه رشد و پرورش انواع هنرها، اهداف مورد نظر آنان و همچنین نوع هنرپروران دو دوره از ادوار مختلف تاریخ هنر ایران، یعنی ایلخانی و تیموری می‌پردازد. معرفی حامیان هر دوره نیز جزء امور مورد بررسی در این پژوهش است. پرسش اساسی این تحقیق عبارت است از اینکه: به‌لحاظ اقدامات، اهداف و نوع حامیان، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان دورهٔ ایلخانی و تیموری وجود دارد؟ به‌منظور یافتن پاسخ این سؤال و برای رسیدن به اهداف این پژوهش ابتدا در بخش پیشینهٔ تحقیقِ این مقاله به معرفی تحقیقاتی پرداخته‌ایم که پیش از این دربارهٔ این موضوع صورت گرفته است. سپس، به معرفی اقدامات صورت گرفته در راستای ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت‌های حمایتی از هنر توسط هنرپروران و نیز اهدافی که این اعمال تامین‌کننده آنها هستند، در هر دوره پرداخته می‌شود. در ادامه انواع حامیان عهد ایلخانی و تیموری و معرفی هنرپروران بررسی می‌شود. در پایان هر بخش تفاوت‌ها یا شباهت‌های میان مقولات مورد بحث مشخص شده است. هر دو دوره از نظر اقدامات تنها در موارد اندکی اختلاف دارند و در سایر موارد مشابه هستند. اهداف نیز وضعیتی مشابه اقدامات دارند و فقط اندک تفاوتی با هم دارند. اما از نظر نوع حامیان، این دو دوره تفاوت‌های اساسی با هم دارند. مهم‌ترین جنبه‌های مشترک و اساسی‌ترین موارد اختلاف در اقدامات حمایتی، اهداف و نوع حامیان این دوره‌ها به‌صورت تفصیلی در جمع‌بندی مقاله آورده شده است. اهمیت انجام این پژوهش از این منظر است که تقریبا پژوهشی که به حامیان هنری دو دوره بطور همزمان پرداخته باشد، وجود ندارد. البته ذکر این مطلب ضروری است که به دلیل آوازه بلند حامیان هنری عهد تیموری تحقیقاتی چند درباره آنان صورت گرفته است که تنها به ذکر نام و اعمال هنری آنان پرداخته است کمااینکه به دلیل ضرورت در این تحقیق نیز نویسنده مجبور به ارائه آنها شده است اما درباره حامیان هنری عهد ایلخانی و همچنین تطبیق این دو دوره از نظر نوع حامیان، اقدامات و اهداف آنان پژوهشی وجود ندارد.

۲- پیشینه تحقیق

در بررسی‌های انجام شده مقاله یا پایان‌نامه‌ای که به مطالعه تطبیقی حامیان هنری دو دوره ایلخانی و تیموری پرداخته باشد، یافت نشد. باوجوداین، برخی مقالات و پایان‌نامه‌ها هستند که به موضوع حامیان هنری در یکی از دوره‌های مدنظر این پژوهش پرداخته‌اند. به‌طور مثال، شیلا بلر (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوهای هنرپروری و آفرینش هنری در ایران دوره ایلخانیان» به نظام حمایتی خواجه رشیدالدین همدانی در دو بخش معماری و تهیه نسخ خطی می‌پردازد. اگرچه این مقاله در راستای معرفی حامیان هنری عهد ایلخانان است اما تنها به معرفی یکی از حامیان این زمان می‌پردازد. از این دست مقالات که تنها به معرفی یکی از حامیان هنری این عهد می‌پردازد، بسیار است. مثلا، علی غفرانی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با نام «رشیدالدین فضل‌الله و اندیشه آبادگری در قلمرو ایلخانان» به شرح امور صورت گرفته در زمینه‌های مختلف مخصوصا عمران و آبادی شهرها توسط رشیدالدین پرداخته است. درباره سایر وزرا و حامیان ایرانی زمان ایلخانان نیز از این دست مقالات بسیار است که البته کمتر به توصیف حمایت‌های آنان از هنر پرداخته‌اند. تحقیقاتی نیز درباره حامیان هنری عهد تیموری وجود دارند که به مراتب بیشتر از پژوهش‌های عهد ایلخانان در این زمینه است. این امر به دلیل اطلاعات بیشتری است که امروزه درباره این مقوله در عهد تیموری موجود است

و همچنین به دلیل حمایت‌های گسترده و تعداد حامیان بیشتر در این زمان است. یعقوب آژند (۱۳۸۱) در بخشی از مقاله‌ای تحت عنوان «هنرپروری و هنروری در دوره شاهرخ» به هنرپروران زمان سلطنت شاهرخ و شرح امور صورت گرفته توسط آنان پرداخته است. یعقوب آژند (۱۳۸۱) در مقاله دیگری با نام «سیاست‌های هنری تیمور» پس از معرفی تیمور و فتوحات وی و نیز امور سیاسی و لشگرکشی‌هایش به معرفی اقدامات هنری وی مخصوصا در زمینه ساخت بنا و حمایت از معماری می‌پردازد. درباره سایر حامیان هنری همچون بایسنقر میرزا، اسکندر سلطان، ابراهیم سلطان، سلطان حسین بایقرا و همچنین حامیان غیر سلطانی همچون علیشرنوایی مقالاتی وجود دارد که به بررسی نکات یا اقدامات خاصی از این حامیان می‌پردازد. به عنوان مثال، مهدی صحراگرد (۱۳۸۷) در مقاله «ابراهیم سلطان(بانی مجموعه دارالصفای شیراز)» به اثبات ساخت این بنا توسط ابراهیم سلطان و حمایت بی‌دریغ وی در این امر بر طبق وقف‌نامه‌ها و مدارک موجود می‌پردازد. سلطان حسین بایقرا حامی دیگر هنر در عهد تیموری بود که امر حمایت را به نحوی بی‌نظیر انجام می‌داد که محققین زمان وی را یکی از ادوار بی‌همتای هنر ایران دانسته‌اند. در تایید این مطلب یعقوب آژند (۱۳۸۱) مقاله‌ای با نام «کارگاه هنری سلطان حسین بایقرا» نگارش نموده است و به شرح فعالیت‌های این امیرزاده در باب هنر نموده است. ولی‌الله کاوسی (۱۳۸۶) در مقاله «علیشیرنوایی در مقام حامی هنر» به شرح کاملی از پشتیبانی نوایی از علما و هنرمندان و نیز هنرهایی چون ادبیات، موسیقی، معماری، نقاشی، هنرهای صناعی و خوشنویسی می‌پردازد. در مقاله دیگری با همین مضمون و با نام «نوایی در حکومت تیموریان» که توسط مهدی فرهانی منفرد (۱۳۸۱) نوشته شده است، به نوایی و اقدامات وی پرداخته شده است. بدیهی است هرکدام از تحقیقات مورد اشاره از نظرگاه خاص و نسبتاً محدودی موضوع حامیان هنری دوره های ایلخانی و تیموری را پشتیبانی می‌کنند ولی هیچ یک از آنها به مطالع تطبیقی انواع حامیان هنری دو دوره نمی‌پردازند. براین اساس، در این مقاله نگارنده سعی کرده است، ضمن معرفی حامیان هنری عهد ایلخانی و تیموری، تشابه و تفاوت آنها را در این دو دوره نشان دهد.

۳- روش تحقیق

این پژوهش قصد دارد ضمن مقایسه حامیان هنری دوره‌های ایلخانی و تیموری به بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها نیز بپردازد. بدین منظور روشی که در این مقاله به‌کار گرفته شده است، روش توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات لازم به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با جستجو در مقالات معتبر چاپ شده در نشریات داخلی و خارجی جمع‌آوری شده است. دلیل گردآوری داده‌ها به این روش آن است که اطلاعات موردنیاز درباره حامیان هنری تنها در کتب و مقالاتی اندک گرد آمده است.

۴- حمایت هنری

در سیر تولید یک اثر هنری همواره عوامل گوناگونی نظیر هنرمند، حامی و بسترهای فرهنگی و اقتصادی دخیل هستند. اگرچه در طول تاریخ هنرمند و قوه تخیل وی به عنوان مهمترین عنصر تولید هنری عنوان می‌شود اما حمایت هنری همواره نقشی چه بسا مهمتر ایفا نموده است. هرگز نمی‌توان نقش هنرپروران، بانیان و حامیان را در روند رشد و پیشرفت هنر نادیده گرفت همانگونه که نمی‌توان میزان تاثیرگذاری آنان را در این امور مشخص کرد. درواقع اینان موجبات ترقی هنر را در طول تاریخ هنر فراهم کردند اما نمی‌توان حکمی کلی درباره میزان اثرگذاری آنها داد. حمایت هنری گاه توسط شخص سلطان یا فرزندان و نوادگان وی و گاه توسط وزرا و درباریان یا حلقه‌ها و نهادهای جمعی صورت می‌گرفت. نظام حکومتی ایران نوعی هنرپروری متمرکز در دربار را پدید آورد که در این نظام، شاهان و شاهزادگان مهمترین سفارش دهندگان آثار هنری و نافذترین حامیان هنر بودند. در میان انواع هنرها، هنر تصویری ایران بالاخص هنر تولید و تهیه نسخ مصور، بیشتر با عنوان هنر درباری شناخته می‌شود تا هنری مردمی. حامیان هنری به منظور جلوه‌گری بیشتر هنر درباری به انجام اموری مبادرت می‌ورزیدند، از جمله این امور تاثیرگذار تأسیس کارگاه‌های کتاب‌آرایی درباری در مراکز حکومتی و تجمّع هنرمندان زبده در این مراکز بود (ماه‌وان، ۱۳۹۵: ۱۵۷). درکل، امر هنرپروری و بانیگری در تهیه و ساخت انواع آثار هنری به دلیل هزینه زیاد تنها از عهده بزرگان و ثروتمندان برمی‌آمد. قطعا تامین منابع مالی برای ساخت آثار هنری با این هزینه‌های سنگین، دلایلی را شامل می‌شود و اهدافی را برای حامیان تامین می‌کند. سلاطین هنرپرور علاوه بر تامین منابع مالی از سوی خود دست به اقداماتی برای تشویق و ترقیب صاحبان قدرت و ثروت در جهت حمایت‌های هنری می‌زدند. در این بخش به دلایل و اقدامات حامیان هنری در جهت حمایت هنری در عهد ایلخانی و تیموری پرداخته می‌شود.

ایجاد امنیت و ثبات سیاسی، رونق اقتصادی از طریق غارت منابع ممالک مفتوحه و ایجاد نظام گسترده داد و ستد در درون و بیرون از کشور، آزادی مذهبی و اهتمام به تصوف، حمایت از علوم و دانشمندان و ساخت مدارس و کارگاه‌های علمی، دینی و هنری، تشکیل مجالسی با حضور هنرمندان و حامیان (کاوسی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۶)، جمع‌آوری هنرمندان از سراسر مملکت و همچنین

از کشورهای فتح شده، بازگذاردن دست وزرا و امیران برای انجام فعالیت‌های هنری، وقف، معافیت مالیاتی، واگذاری زمین‌هایی موسوم به سیورغال[1]، توسعه کشاورزی و تهیه و ساخت آثار هنری در اندازه‌های عظیم از جمله اقداماتی بود که حامیان برای ایجاد بستری مناسب در جهت رشد هنر و فرهنگ در جامعه صورت می‌دادند. علیرغم تاثیرگذاری تمامی اقدامات عنوان شده، برخی معتقدند که وقف و تصوف نهادهای اصلی هنرپروری می‌باشند همانگونه که مهرداد بیدهندی (۱۳۸۷) در مقاله «حمایت و هنرپروری و زوایای پنهان در تاریخ هنر ایران» بطور مشخص به این دو نهاد اشاره کرده است. نمی‌توان گفت که تمامی اقدامات فوق بطور همزمان در همه ادوار هنرپروری تاریخ ایران صورت می‌گرفت اما برخی از آنها در دوره‌های مختلف با درجاتی از شدت و ضعف انجام می‌شد. در اینجا باید توجه داشت که این اقدامات به چه جهت صورت می‌گرفت؟ قطعا برای تامین اهدافی مشخص که در پشت پرده حمایت هنری وجود داشتند. این اهداف را می‌توان اینگونه ذکر کرد: علاقهٔ بسیار به ثبت وقایع تاریخی، شرح قدرت و عظمت خویش (ماه‌وان، ۱۳۹۵: ۱۵۹)، جاودان‌سازی نام و نشان خود، مشروعیت بخشیدن به قدرتشان، نشان دادن میزان ایرانیت (گرابار: ۱۳۹۰: ۷۷)، حمایت از دین و حفظ میراث گذشتگان و ترویج آنها (Hillenbrand,2002:137).

از زمان تشکیل حکومت ایلخانان و پس از آشنایی نسبی مغولان با فرهنگ، تمدن و هنر ایرانیان مسلمان اقداماتی حمایتی در زمینه‌های گوناگون آغاز گردید. اقداماتی همچون رواج سنت وقف، معافیت مالیاتی، مختار گذاشتن وزرای ایرانی برای انجام هر نوع امور فرهنگی و هنری، ایجاد ثبات سیاسی، رونق اقتصادی، جمع‌آوری هنرمندان از سراسر کشور و حتی سایر ممالک، نمایش و ساخت آثار هنری در اندازه‌های بسیار بزرگ، قدرت‌گیری صوفیان، و از همه مهمتر راه‌اندازی نهادی موسوم به کارگاه–کتابخانه. سنت وقف اولین بار در این زمان و به همت خواجه نصیرالدین طوسی پایه‌گذاری شد. علاوه بر این امر، وی با تاسیس رصدخانه مراغه، اولین کتابخانه این زمان، سنت کار گروهی را در ایران پایه‌گذاری کرد (پورچنگیز، ۱۳۹۵: ۹). با روی کار آمدن خواجه رشیدالدین اقدامات فوق به بهترین نحو ممکن انجام شد. جمع‌آوری هنرمندان (اگرچه این کار در زمان خواجی نصیرالدین طوسی نیز بصورت گسترده صورت می‌گرفت)، ثبات سیاسی و امن نمودن جاده‌ها، توسعه کشاورزی با ساخت روستا در مناطقی که قابلیت کشت داشتند، تامین آب و بذر و نهال، تامین مایحتاج روستاییان تا زمان برداشت محصول و از این طریق رونق اقتصادی می‌یافت (غفرانی، ۱۳۸۵: ۱۷۷–۱۸۵)، ساخت بزرگترین و مجهزترین شهرک فرهنگی، علمی و هنری. رشیدالدین مردم آسیب‌دیده را از پرداخت مالیات معاف می‌نمود. خواجه از اموال خود بصورت وقف در راستای انجام این اقدامات بهره می‌برد. وی توجهی خاص به علمای دینی نشان می‌داد چراکه از تاثیر آنها بر عامه مردم بخوبی آگاه بود. در این زمان صوفیان به دلایلی چون نفوذ دین بودا و تلاش بوداییان برای جذب پیرو و همچنین بازگشت به فرهنگ پیش از اسلام که ناشی از رکود و رخوت در جامعه بود، مورد توجه قرار گرفتند (بیانی، ۱۳۷۱: ۶۵۸). با گذشت زمان و قدرت گرفتن صوفیان از منظر سیاسی و اقتصادی، گرایش مردم که در میانشان هنرمندان نیز حضور داشتند، به سمت تصوف شدت گرفت که این خود زمینه‌ساز رشد فرهنگی و هنری گردید.

در این زمان اگرچه اغلب این اقدامات توسط وزرای ایرانی انجام می‌شد اما سلاطین ایلخانی آزادی عمل لازم برای انجام چنین اموری را به این وزرا اعطا می‌کردند. وضعیت هنر در زمان غازان، اولجایتو و ابوسعید نسبتا مشابه بود. آنان به جریان‌های هنری رایج در دربار علاقه نشان می‌دادند و بطور مستقیم بر عملکرد کارگاه‌های موجود در قلمرو ایلخانان نظارت داشتند (Carboni,2002: 198). در این میان تنها سلطان ابوسعید هنرمند بود، به امور هنری اشتغال و از هنر سررشته داشت (بیانی، ۱۳۷۱: ۵۰۳و۵۰۴). اندازه بزرگ در تهیه آثار هنری اعم از معماری و کتب[2] اقدامی بود که با جدیت توسط سلاطین دنبال می‌شد. یکی از دلایل اندازه بزرگ آثار هنری منابع مالی فراوانی است که غازان خان و وزیرش رشیدالدین با اصلاحاتی که بر نظام مالیاتی و عملکرد صاحب‌منصبان حریص ایجاد کردند، بدست آوردند. ابداعات و اختراعات جدیدی که در سایه این اصلاحات صورت گرفت نیز بر اندازه آثار هنری تاثیر گذارد همچون پیشرفتی که در تولید کاغذ در ایران انجام شد و موجب بزرگ شدن اندازه نسخ خطی مخصوصا مصاحیف قرآنی (Blair, 2003:27) و همچنین افزایش تعداد آنها گردید. تولید نسخ خطی مصور بطور رسمی از زمان انتقال پایتخت به مراغه و با نسخه علمی منافع‌الحیوان آغاز گردید (Carboni,2004: 661). اهدافی که سلاطین ایلخان از انجام اقدامات حمایتی دنبال می‌کردند اغلب به چند هدف مشخص ختم می‌شد، ایجاد پایگاهی مستحکم در میان ایرانیان با فرهنگی غنی، شرح قدرت تازه و فتوحات بدست آمده و همینطور نمایش بزرگی و قدرت خود نسبت به پیشینیانی چون خسروپرویز یا حریفان فعلی خود (Blair, 2003:27)، حمایت از دین و حفظ میراث گذشتگان و ترویج آنها و در نهایت جاودان‌سازی نام و نشان خود. اگرچه این اهداف توسط سلاطین تعریف شده بود اما وزرای ایرانی که در این زمان نقش حمایتی پررنگتری داشتند تنها هدف حفظ و حراست فرهنگ، تمدن و هنر ایران را دنبال می‌کردن و همواره سعی داشتند تا این فرهنگ درخشان را از خطر نابودی و دگرگونی حفاظت نمایند.

در عهد تیموری نیز اقداماتی در جهت رسیدن به اهداف شاهان و شاهزادگان و درکل هنرپروران صورت می‌گرفت که اصلی‌ترین آنها عبارتند از: ایجاد ثبات سیاسی، رونق اقتصادی، همگامی تصوف و تشیع، حمایت از دانشمندان و هنرمندان با ساخت مدارس و کارگاه‌ها و تشکیل مجالسی با حضور هنرمندان و حامیان. به غیر از این اقدامات اصلی، اقداماتی فرعی یعنی جمع‌آوری هنرمندان از از کشورهای فتح شده، بازگذاردن دست وزرا و امیران برای انجام فعالیت‌های هنری، وقف، معافیت مالیاتی، واگذاری

زمین‌هایی موسوم به سیورغال، توسعه کشاورزی و تهیه و ساخت آثار هنری در اندازه‌های بزرگ نیز صورت می‌گرفت. فرمانروایی درازمدت شاهان تیموری و اقتدار ایشان در اجرای برنامه‌های سیاسی موجب رسیدن به ثبات سیاسی گردید (کاوسی، ۱۳۸۹: ۲۲). رونق اقتصادی که در سراسر این عصر در وضعیت عالی باقی ماند. این رونق با انجام اعمالی همچون غارت ثروت اموال شکست‌خوردگان، ارتباط تجاری با سایر ممالک و ایجاد امنیت در معاملات داخلی و گسترش زراعت که به توسعه کشاورزی و درادامه به رشد اقتصادی منجر شد، تامین گردید. در عصر شاهرخ، امیران و فرمانروایانی از طرف وی به سراسر سرزمین حاکمه فرستاده شدند. به دلیل هنرمند بودن و هنردوست بودن این فرمانروایان جوی از هنرپروری و رقابت هنری در میان آنان به راه افتاد که خود عامل دیگری در نمو هنر بود. در سراسر عهد تیموری هنرمندان سرزمین‌های فتح شده توسط تیمور، به دستور وی به سوی سمرقند فرستاده می‌شدند و این خود موجب پیدایش و گسترش فضای هنری می‌شد. مجالس هنری در خانه‌های اعیان و اشراف و دربارهای سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیرنوایی علت دیگر این شکوفایی است. در این مجالس هنری بیشترین مباحث حول محور هنر و ادب می‌چرخید. این مجالس گاهی به حالت غیررسمی و گاهی به صورت رسمی تشکیل می‌گردید.

وقف اقدام دیگری بود که اغلب وزرا و صاحب‌منصبان درباری به‌منظور عدم پرداخت مالیات به آن مبادرت می‌ورزیدند. در زمان سلطان حسین بایقرا کسانی که به امور هنری و فرهنگی اشتغال داشتند از معافیت مالیاتی برخوردار بودند (Subtenly,1998, 989) همچنین کسانی که سیورغال داشتند[1] و به امور فرهنگی رسیدگی می‌کردند، از مالیات معاف می‌شدند (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۲). در عهد تیموری تصوف رشد و گسترش چشمگیری یافت. البته این به این معنی نیست که تمامی شاهان تیموری به صوفیان و اهل تصوف نگاهی خاص و ویژه داشتند مثلا شاهرخ نظر مساعدی به عرفان و تصوف نداشت (امیرخانی، ۱۳۹۳: ۳۴). به‌هرحال در جوی که تصوف و صوفیان مورد احترام واقع می‌شدند، هنرمندان آزادی عمل بیشتری برای بکارگیری هنر خود در جهت خدمت به عقاید صوفیانه داشتند. در این زمان، درنظر گرفتن اندازه بزرگ برای آثار هنری همچنان دنبال شد اگرچه به قوت گذشته نبود اما نمونه‌هایی از بناهای ساخته شده در عهد تیمور همچنان دارای این ویژگی هستند. همانگونه برنارد اُکین در مقاله « نظم، هندسه و آرابسک در تفسیرهای زیبایی‌شناسی تیموری»[2] اینگونه آورده است که اندازه بناهای ساخته شده به دستور تیمور تا آن زمان بی‌سابقه بود که برای نمایش جایگاه عالی وی ساخته شده بودند (1995:64). تمامی این اقدامات دلیلی واضح و مبرهن داشت و آن هنردوستی و هنرمندی حامیان هنری این عصر و تامین اهداف مورد نظر آنان بود. در این زمان حمایت هنری دیگر کاری تفننی نبود بلکه بخشی از امور مملکتی برشمرده می‌شد (آژند، ۱۳۸۷: ۲۸) و این امر موجب رسیدن شاهان، شاهزادگان و درباریان به اهدافی از قبیل ثبت وقایع تاریخی زمان و شرح قدرت و عظمت خویش (ماه‌وان، ۱۳۹۵: ۱۵۹)، ماندگار نمودن نام و نشان خود در تاریخ، ایجاد مشروعیت در میان جامعه غنی ایران به‌لحاظ فرهنگی، علاقه وافر شاهان به هنر و هنرمند بودن آنها و نشان دادن تمایل خود به دین برای مردم مسلمان ایران می‌شد. البته باید توجه داشت که حمایت دربار از هنر، نتایجی را به دنبال داشت از جمله مشروط شدن رشد هنر به اوضاع سیاسی، تأثیر مستقیم سلیقهٔ سفارش‌دهنده در تولید آثار، پیدایش سبک‌های رسمی و قراردادی و همچنین محدودیت هنرمند وابسته به دربار (پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۱) که هریک از این موارد در روند رشد و گسترش انواع هنرها تاثیرگدار بودند.

با توجه به توضیحات فوق می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که، کل اقدامات انجام شده در دوره‌های ایلخانی و تیموری شامل ایجاد ثبات سیاسی، شکوفایی اقتصادی، آزادی مذهبی و توجه به تصوف، ساخت کارگاه‌ها-کتابخانه‌ها، تشکیل مجالسی با حضور هنرمندان و حامیان، جمع‌آوری هنرمندان در کارگاه‌ها، مختاربودن شاهزادگان و وزرا در انجام فعالیت‌های هنری، وقف، معافیت مالیاتی، واگذاری سیورغال، توسعه کشاورزی و تولید آثار هنری در اندازه‌های بزرگ می‌شود. در عصر تیموری به جهت دوران طولانی حکومت هریک از سلاطین، ثبات سیاسی و همچنین رشد اقتصادی به سبب لشگرکشی‌های تیمور و توسعه بیشتر کشاورزی و واگذاری زمین‌هایی موسوم به سیورغال به نزدیکان دربار محسوس‌تر از عهد ایلخانان به‌نظر می‌رسد. گردآوری هنرمندان نیز با شدت بیشتری صورت می‌گرفت. شاهزادگان و وزیران در مناطق تحت تسلط خود آزادی عمل بیشتری برای حمایت‌های هنری و برگزاری مجالس هنری داشتند. اما در عصر ایلخانی مجالسی با حضور هنرمندان و حامیان تشکیل نمی‌شد درضمن سیورغال نیز اعطا نمی‌گردید. سنت وقف نسبت به زمان تیموری پرقدرت‌تر اجرا می‌شد ولی معافیت‌های مالیاتی کمتر صورت می‌گرفت. ساخت آثار هنری در اندازه‌های بزرگ در این زمان بیشتر مورد توجه بود.

در کل اقدامات صورت‌گرفته در عصر تیموری چه به لحاظ کمیت و چه کیفیت، برای آماده‌سازی بستر مناسب درجهت آفرینش‌های هنری، از شدت بیشتری برخوردار بود. به همین جهت آثار هنری بیشتر و بهتری در عصر تیموری تدارک دیده شد. اهداف مدنظر حامیان هنری که اقدامات فوق را برای نیل به این اهداف بکار می‌بستند، نسبتا مشابه هستند. شرح قدرت و عظمت خویش، ماندگار نمودن نام و نشان خود در تاریخ، ایجاد مشروعیت در میان جامعه غنی ایران و حمایت از دین، اهداف مشترک دو دوره بودند. اما در عصر تیموری ارضای حس هنردوستی حامیانی که همگی تفکرات مشابهی داشتند، هدف مهمی است که بسیاری از فعالیت‌های هنری برمبنای آن شکل گرفت. در حالیکه در عصر ایلخانی عدم همسویی شاهان و وزرای ایرانی هدف متفاوت

دیگری را شامل می‌شد که همان حفظ و حراست فرهنگ و هنر ایران از خطر نابودی بود. این هدف بیشتر از طرف وزرای ایرانی دنبال می‌شد.

۵- حامیان هنری عهد ایلخانی

در آرامش نسبی پس از حمله مغول و تشکیل حکومت ایلخانی، به سبب ناآشنایی مغولان با فرهنگ و تمدن ایرانی و از آن مهمتر عدم وجود فرهنگی درخشان در میان مغولان، توجه به تمدن ایرانی از هر نظر بالا گرفت. پس به منظور ایجاد مشروعیت در میان ایرانیان مسلمان می‌بایستی به مسائلی مختلفی توجه نشان می‌دادند که این امر بدون استعانت از خود ایرانیان ممکن نبود. بدین ترتیب مغولان ناچار به وارد کردن ایرانیان به دستگاه حکومتی خود شدند. درنتیجه وزرای ایرانی در صدر امور قرار گرفتند. با این کار حاکمان ایلخان می‌توانستند در روش خود تغییراتی بدهند و بر مملکت مفتوحه بهتر فرمانروایی کنند. دانشمندان، طبیبان و سیاستمدارانی که در بدو ورود به دستگاه سلطنت ایلخانی جایگاه خاصی نداشتند، با اثبات توانایی خویش به درجات بالایی در دستگاه حکومت رسیدند. با جایگیری آنان در مناصب حساس وضع ایران از هر جهت بهبود یافت. این روند از همان ابتدای فرمانروایی مغولان در ایران آغاز گردید آنچنان که در زمان هلاکوخان و اباقاخان خاندان جوینی و خواجه‌نصیرالدین‌طوسی و در زمان غازان‌خان رشیدالدین فضل‌الله همدانی و در زمان ابوسعید، غیاث‌الدین پسر رشیدالدین به عنوان وزارت رسیدند. تغییرات ایجادشده بواسطه وزرای ایرانی در هنر نمودی بارز پیدا کرد چراکه حمایت بی‌دریغ آنان از هنرمندان، ساخت بناهای مختلف با کاربری متنوع و تاسیس مراکزی برای تهیه نسخ مصور موجب رشد انواع هنرها مخصوصا معماری و کتاب‌آرایی گردید. در این زمان وزرای ایرانی در شهرهای بزرگ همچون تبریز و بغداد و صاحب‌منصبان وابسته به دربار در شهرهای دیگری چون یزد و بسطام نفوذی بارز یافتند. پس در این عهد سه گروه حامی هنری وجود داشت: گروه دیوانی، دانشمند–روحانی و صاحب‌منصبان وابسته به دربار. سرآمد گروه دیوانی خاندان جوینی و سرآمد گروه دانشمند–روحانی خواجه نصیرالدین طوسی بود. اما موثرترین وزیر دانشمند–روحانی ایرانی، رشیدالدین همدانی است که به سبب شرایط ویژه مملکتی ناشی از حکمرانی غازان خان، که به دین اسلام گروید و دین و زبان ایرانی را مورد توجه و عنایت قرار داد، توانست به این عنوان دست یابد. در این بخش به منظور تشریح تاثیرگذاری وزرای ایرانی در بدنه حکومتی ایلخانان، به معرفی حامیان و امور صورت گرفته توسط آنان پرداخته می‌شود.

وزرای دانشمند–روحانی، که هم دانشمند بودند و هم به امور دینی مبادرت می‌ورزیدند، در کنار پرداختن به امور سیاسی و اقتصادی به امور علمی، هنری و فرهنگی توجه نشان می‌دادند. نمونه اینگونه وزرا خواجه‌نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین همدانی بودند. خواجه نصیرالدین که دانشمندی روحانی مسلک بود اقدامات بسیاری را به منظور حفظ مذهب و فرهنگ ایرانی انجام داد. احداث بنایی بی‌همتا همچون رصدخانه مراغه که اولین مرکز علمی، تحقیقی و هنری همچنین گنجینه علوم و هنرهای ایران از آغاز تا آن زمان بود و به دستور هلاکوخان در سال ۶۵۶ه.ق تاسیس گردید (ترکمنی آذر، ۱۳۸۶: ۱۴)، مهمترین اقدام وی محسوب می‌شود. وی نمونه‌های تمدن روبه ویرانی نهاده ایران را از شهرهای مختلف گردآوری و حراست نمود. با تجمع بخششیدن به دانشمندان و هنرمندان خودی و بیگانه از هر قوم و گروهی در رصدخانه مراغه، افکار جدید شرق و غرب را با تمدن ایرانی ترکیب نمود و طرحی نو درانداخت (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۰۴). گذشته از این، کار دیگری که در جهت حفظ تمدن ایرانی انجام داد، نجات و گردآوری مغزهای فراری بود. خواجه منتظر نمی‌نشست تا متفکران و صاحبان هنر رو به درگاهش بیاورند بلکه خود به ممالک مختلف سفر می‌کرد و چهره‌های درخشان را از هر گوشه‌ای با خود به مراغه می‌آورد و به کاری می‌گمارد (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۰۵). هرکجا به کتاب‌ها و آلات و ادوات علمی و آثار هنری دست می‌یافت که از تاراج زمانه مصمون مانده بود، آنها را گرد می‌آورد و در کتابخانه‌های جدید و آزمایشگاه‌ها جای می‌داد (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۰۵). اگرچه در منابع نمونه‌هایی از آثار هنری همچون نسخ مصور[۴] یا بناهای مجلل و مزین به انواع هنرها، تحت حمایت خواجه نصیرالدین ذکر نشده است اما اقدامات وی به حفظ فرهنگ ایران و همچنین به وجود آمدن سنت‌هایی جدید کمک شایانی نمود.

رشیدالدین‌فضل‌الله همدانی وزیر دانشمند–روحانی دیگری است که برای حفظ تشکیلات اداری و فرهنگی ایران تلاش بسیار کرد. وی از زمان آباقاخان به عنوان پزشک وارد دستگاه سلطنتی شد. نظام هنرپروری خواجه در دو زمینه اهمیت داشت: تولید نسخ مصور و مقابر مجموعه‌ای. پس از آنکه مغولان اسلام آوردند سنت ساخت مقابر بسیار رایج گردید که بانی بسیاری از آنها خواجه رشیدالدین بود بطوریکه مقابر زیادی در بسطام، همدان، سلطانیه و یزد به‌پا کرد. از مهمترین این مقابر، مقبره شیخ صفی‌الدین در اردبیل، شیخ عبدالصمد در نطنز و مزار بایزید در بسطام بودند (بلر، ۱۳۸۷: ۳۲). اما معروفترین اثر معماری وی، مجتمعی در تبریز به نام ربع رشیدی[۵] بود که هم به اعتلای هنر معماری و هنرهای وابسته به آن نظیر گچبری، کاشی‌کاری و ... و هم به پیشرفت هنر کتاب‌آرایی و هنرهای وابسته به آن چون نقاشی، خوشنویسی، جلدسازی و ... کمک نمود. بطوریکه در وقف‌نامه رشیدی شاهد هستیم، این نهاد که نوعی کارگاه–کتابخانه محسوب می‌شد، همواره به تهیه نسخ مصور و قرآن‌های نفیس مشغول بود. بدین ترتیب ربع رشیدی یک مجتمع بین‌المللی بود که در بسط دانش و هنر اثر عمیقی گذارد. مجموعه رشیدیه، مصحف موصل،

مصحف همدان و مصحف بغداد از جمله کتب تولیدی در این مجتمع هستند (بلر، ۱۳۸۷: ۳۲). اما ماندگارترین نسخه‌ای که در این مکان تهیه دیده شد، کتاب جامع‌التواریخ بود. موضوع این کتاب درباره سلاطین مغول و نیاکان خان بود چراکه مغولان از این طریق می‌خواستند نام خویش را در تاریخ جاودان سازند. هرچند این کتاب به منظور بزرگداشت خاندان مغول تالیف گردید اما خواجه هیچگاه از گفتن حقایق در آن ابا نکرد و توانست چهره کم و بیش واقعی این دوران را به جهان نشان دهد (بیانی،۱۳۷۱: ۴۹۰). در ربع رشیدی علاوه بر هنرمندان و علما و صنعتگران ایرانی، از ممالک دیگر هم دعوت می‌شدند یا خود با شنیدن آوازه این مرکز بدانجا کوچ می‌کردند. به هر روی خواجه رشیدالدین و همراهانش نظامی از هنرپروری و ارتباط میان هنرمند و حامی را به راه انداخته بودند که محصول آنها آثار هنری بی‌نظیری بود که از طریق آنها اهداف تعلیمی و عقیدتی‌شان تامین می‌شد.

وزرای دیوانی که معمولا به کارهای سیاسی اشتغال داشتند کمک شایانی به حفظ و اعتلای فرهنگ و هنر ایران در کنار بهبود شرایط سیاسی نمودند. نمونه برجسته وزرای دیوانی، خانواده جوینی و غیاث‌الدین،پسر رشیدالدین، بودند. خاندان جوینی در زمان هلاکوخان و اباقاخان فعالیت می‌کردند. آنان از بدو تهاجم مغولان با پشتکار و زیرکی به احیای تشکیلات اداری و فرهنگی پرداختند. علاءالدین عطاملک جوینی که دانشمندان و هنرمندان را مورد حمایت قرار می‌داد، با برقراری نظم و آرامش در بغداد سبب شد که این شهر بار دیگر محل تجمع فضلا، ادبا و هنرمندان گردد (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۰۰). سعدی، شاعر پرآوازه و یاقوت مستصعمی همواره تحت حمایت‌های او بودند به‌گونه‌ای که مشهور است شمس‌الدین جوینی نزد یاقوت آموزش خط دیده است (دبیری‌نژاد، ۱۳۵۰: ۳۶). وی در این زمان کتاب تاریخ جهانگشای جوینی را بر مبنای مشاهدات خود در داخل و خارج ایران و منابع قدیمی تالیف نمود (پورصفر، ۱۳۸۳: ۱۳۲). همچنین به کمک افرادی چون خواجه نصیرالدین توانست سیاست ایرانی کردن تشکیلات اداری و فرهنگی را در حکومت ایلخانان اجرا کند پس مشاغل دیوانی در انحصار ایرانیان درآمد و مغولان تنها به کارهای سپاهیگری می‌پرداختند (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۸۹). شمس‌الدین محمد جوینی در دستگاه هلاکو صاحب دیوان یعنی رئیس امور مالی بود و پس از تشکیل سلسله ایلخانی وزیر اعظم کل مملکت شد. او از همان ابتدا اهل هنر و فرهنگ و علم را ارج نهاد (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۸۴ و ۳۸۶) و در همه حال مراقب بود تا از ویرانگری‌های مغولانه جلوگیری به عمل آورد و درحد امکان افراد و شهرها را از خشم سلاطین مصون دارد (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۹۱). اگرچه سرانجام خاندان جوینی همچون خاندان برامکه بود اما اگر اقدامات و تلاشهای ایشان نبود قطعا چیزی از فرهنگ، هنر و تمدن ایرانیان باقی نمی‌ماند.

غیاث‌الدین دیگر وزیر دیوانی ایران که پس از تاجگذاری ابوسعید فرزند اولجایتو، و مرگ پدرش، رشیدالدین، مقام وزارت را عهده‌دار شد. وی ربع رشیدی را مجددا احیا کرد. غیاث‌الدین از سرنوشت پدر درس گرفت و برای رهایی از تهمت یهودی‌گری خود را به شیوخ صوفیه نزدیک کرد. او با نزدیک شدن به طبقه شیوخ در زمانی که تصوف نیروی برتر جامعه محسوب می‌شد، هم موجب استحکام موقعیت خویش شد و هم خود را از تهمت یهودی‌گری رهانید. با این عمل تا آخر عمر ابوسعید در این شغل باقی ماند (بیانی، ۱۳۷۱: ۵۱۴). غیاث‌الدین تلاش کرد کشور را براساس اصول دینی اداره کند. اما بیشترین تاثیر وی در حمایت از دانشمندان، شیوخ صوفیه، شعرا، هنرمندان و موسیقیدانان بود. همین امر موجب شد که دربار ابوسعید به دوران طلایی خود دست یابد (Melvill,2002:59). غیاث‌الدین توانستند از ابوسعید فردی معتقد، فرهنگ‌دوست و مسلمان بسازند چنانکه در عنفوان جوانی خط نیکو می‌نوشت، موسیقی می‌دانست، عود می‌نواخت و شعر می‌سرود (بیانی، ۱۳۷۱: ۵۰۳ و ۵۰۴). به نظر می‌رسد ابوسعید از معدود سلاطین ایلخانی است که خود هنرمند و حامی هنر بود. شاهد این ادعا شاهنامه سترگی موسوم به شاهنامه کبیر مغولی است که از نظر تصویرگری و کتاب‌آرایی نظیر ندارد. پس غیاث‌الدین در کنار ابوسعید فضای فرهنگی–هنری وسیعی را در آخرین سال‌های عمر حکومت ایلخانی ایجاد کردند.

نوع دیگری از هنرپروران این عصر، صاحب منصبان دربار ایلخانان بودند که در شهرهایی به غیر از پایتخت، که نفوذ دربار بیشتر بود، ظهور یافتند. همچون خاندان نظامی یزد، از ساداتی که نصبشان به امام صادق(ع) می‌رسید (بلر، ۱۳۸۷: ۴۰). اگرچه در بسیاری از متون و منابع، تنها از تبریز و مراغه به عنوان مراکز فعالیت‌های فرهنگی و هنری در عهد ایلخانی نام برده شده است اما در شهرهای دیگری همچون همدان، یزد، نطنز، اردبیل، بسطام و سلطانیه نیز فعالیت‌هایی ازاین دست صورت می‌گرفت. در این شهرها بناهایی مقبره مانند ساخته شده است که بانیان آنها از طبقه روحانیون یا صاحب‌منصبان وابسته به حکومت ایلخانان بودند. ایشان گروه منسجمی را تشکیل می‌دادند و مظهر اصلی جریان حمایت از ساخت بناهای معماری در نیمه نخست قرن هشتم ه.ق بودند (بلر، ۱۳۸۷: ۳۶). این حمایت‌ها نه تنها از ساخت و تشکیل بنا صورت می‌گرفت بلکه در انواع دیگر هنرها رواج داشت. مثلا گچبری مجموعه بسطام کار خانواده دامغانی است یا هنرمندان سفالگر که تحت حمایت حامیان محلی به نقاط مختلف کوچ نمودند. از شباهت میان طرح‌های کاشی‌های لعاب‌دار تک‌رنگ مقبره نطنز و مقبره سلطانیه و کارهای هنرمندان کاشانی می‌توان به ابعاد حمایت هنری از این هنرمندان پی برد (بلر، ۱۳۸۷: ۳۶). درواقع حمایت از این سفالگران موجب انتقال جغرافیایی آنها از محل زندگی خودشان به سایر نقاط تحت فرمانروایی ایلخانان شد. از آنچه از متون و منابع بدست می‌آید، حمایت هنری در این مراکز و تحت حمایت این نوع از حامیان در معماری و هنرهای وابسته به آن و نیز هنرهایی همچون سفالگری صورت می‌گرفت و در کمتر

نقاطی دور از تبریز و بغداد حمایت از تولید نسخ مصور انجام می‌شد. در پایان ذکر این نکته لازم است اگرچه به عقیده برخی محققین آنچه به معماری و نقاشی ایلخانی معروف است نه در حمایت مغولان بلکه در حمایت مشاوران ایرانی بود که هدایتگر بلندپروازی‌های مغولان بود و الهام‌بخش ذوق آنان (بلر، ۱۳۸۷: ۳۲). اما اگر طبع هنردوست و هنرپرور سلاطین مغول نبود اجازه چنین فعالیت‌هایی بدانها داده نمی‌شد.

نتایج حاصل از توصیفات فوق بیان می‌دارد، حامیان اصلی فرهنگ و هنر ایران پس از حمله مغول و به قدرت رسیدن ایلخانان وزرای ایرانی در سه دسته دیوانیان، دانشمند–روحانی و صاحب‌منصبان منتسب به دربار بودند. خاندان جوینی و غیاث‌الدین در دسته دیوانیان و خواجه نصیرالدین طوسی و رشیدالدین فضل‌الله در گروه دانشمند–روحانی قرار داشتند. نوع سوم حامیان نیز در شهرهایی غیر از تبریز و بغداد و به دور از این دو مرکز مهم کار حمایت هنری را در انواع هنرها به عهده داشتند. در غالب این مراکز حمایت از معماری و هنرهای وابسته به آن صورت می‌گرفت و کمتر حمایت از کتاب‌آرایی را شاهد هستیم. علیرغم آنکه عدم توجه حاکمان ایلخانی به امور فرهنگی و هنری به عنوان امری ضروری و همچنین عدم اشتغال آنها به اینگونه امور اما این وزرا در تمام سال‌های حضورشان در در سمت‌های مختلف در بدنه سلسله ایلخانی در بغداد و تبریز نقش حمایتی خود را به نحو احسن انجام دادند و فرهنگ و هنر ایران را از خطر نابودی و انحلال حفظ کردند. این حامیان با انجام اموری چون تاسیس کارگاه–کتابخانه‌هایی چون رصدخانه مراغه، شنب‌غازان و ربع رشیدی به منظور تهیه آلات و نسخ علمی و هنری، ارج نهادن به هنرمندان با جمع‌آوری آنان از سراسر جغرافیای حکومتی و جمع‌آوری کتب و نسخ مختلف پیشین و حراست از آنها و ایجاد سنت کارگروهی با تاسیس کارگاه‌ها موجب حفظ فرهنگ و هنر ایرانیان گشتند.

۶- حامیان هنری عهد تیموری

در عهد تیموری به سبب رشد و پرورش حاکمان در قلمرو فرهنگ ایرانی–اسلامی (پورچنگیز، ۱۳۹۵: ۱۶) و همچنین کنجکاوی سیری‌ناپذیر شاهان برای شناخت و فهم هنر و علایق و سلایق متنوع آنان، موجب تلاش آنها درجهت رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر شد. نتایج این تلاش‌ها به کسب اعتبار سیاسی از طریق اعتبار فرهنگی کمک می‌کرد چراکه دستاوردهای هنری و علمی بر اعتبار هر درباری می‌افزود و در ادامه موجب تعالی و اعتبار سیاسی می‌گردید (آژند، ۱۳۸۷: ۲۸). در زمان پس از تیمور و دقیقا در عهد شاهرخ و فرزندانش حمایت هنری، جوی از ارزش‌های فرهنگی بوجود آورد که در آن مصورسازی کتب نقشی اساسی ایفا می‌کرد. اگرچه هنر مصورسازی نسخ یا همان کتاب‌آرایی در این زمان ارزش و اعتبار بالایی داشت اما نباید حمایت از سایر هنرها همچون موسیقی، معماری، خوشنویسی، فلزکاری و ... را نادیده گرفت، زیرا حمایت هنری از انواع هنرها صورت می‌گرفت بطوریکه در انواع هنرها هنرمندانی همچون عبدالقادر مراغی در موسیقی و استاد عبدالحی در نقاشی به شهرتی ماندگار رسیدند. در عهد سلطان حسین بایقرا به سبب شکوفایی فوق‌العاده هنرها حمایت از هنر علاوه بر شخص سلطان توسط وزیران و امرا صورت می‌گرفت. پس حامیان هنری این عهد به دو دسته شاهان (شاهزادگان)، که همگی از اعقاب تیمور بودند و علاوه بر شخص تیمور شامل شاهرخ و بایسنقر میرزا در هرات، الغ بیگ در سمرقند، ابراهیم سلطان و اسکندر سلطان در شیراز و سلطان حسین بایقرا در هرات و درباریانی چون امیرعلیشیرنوایی و امیرعلی‌برلاس می‌شدند. حامیان هنری این عهد یا خود هنرمند بودند و به انواع هنرها مشغول یا آنکه از هنر سررشته داشتند و هنر را بخوبی درک می‌کردند. در این به بخش به توضیح حمایت از امور هنری و معرفی حامیان هنری عهد تیموری پرداخته می‌شود.

حمایت هنری در گروه شاهان و شاهزادگان از زمان تیمور آغاز گردید و با فرزندان و نوادگانش ادامه یافت. اگرچه هنردوستی تیمور در تولید نسخ مصور نمود نیافت اما از زمان حکومت وی تعدادی آثار معماری و اندکی برگ مجزای دارای تصویر، برجای مانده است، که در کنار اقدامات مهمش شاهدی بر اهتمام وی به امور هنری و فرهنگی است. برخی علت عدم وجود نسخ مصور در زمان وی را بی‌سوادی وی و برخی نداشتن وقت کافی به جهت لشگرکشی‌های بسیار می‌دانند. اما به هرروی تیمور با سیاست‌گذاری‌های خویش کمک شایانی به پیشرفت هنر در این عهد نمود. وی در سیاست‌گذاری هنری دو راه را در پیش گرفت؛ اول اینکه برای تقویت بنیه مالی خود، هرآنچه از اموال منقول و غیرمنقول را از ایالات مختلف غارت می‌کرد، که بالطبع نسخ خطی نیز در میان آنها بود، همراه خود به پایتخت می‌برد و دوم، هنرمندان و صنعتگران را از نقاط فتح‌شده جمع کرده و آنان را همراه خانواده به سمرقند می‌فرستاد. بدینگونه توانست نیروی فرهنگی و هنری آینده خاندان تیموری را تقویت نماید (آژند، ۱۳۸۷: ۲۰و۲۱). در تایید این مطلب شرف‌الدین علی‌یزدی در ظفرنامه آورده است، تیمور پس از بازگشت از یورش به هند، چندهزار هنرمند و پیشه‌ور را از هند با خود به سمرقند آورد و دستور ساخت مسجدی با نام بی‌بی‌خانم را داد (ج۲: ۹۶). گردآوری هنرمندان پس از فتح بغداد و تبریز توسط تیموری آغاز شد (Kianush,1998:5). نگاهی به فهرست بناهای مسکونی، تجاری و مذهبی که تیمور در طول حکمرانی خود ساخت، نشان می‌دهد که وی توجه بسیاری به هنر معماری داشت. به غیراز بناهای فوق، تیمور در احداث راه‌ها، ارک‌ها و قلعه‌ها در جهت راحتی در لشگرکشی‌هایش کاردان و با برنامه بود. وی از این فعالیت‌ها قطعا انگیزه‌های مالی را دنبال نمی‌کرد بلکه هدف او جاودان‌سازی نام خود بود. او با بکارگیری هنرمندان جمع‌شده از مناطق تحت تصرفش، به معماری

جنبه بین‌المللی داد (آژند، ۱۳۸۱: ۴۸). مسجد جامع سمرقند، گورمیر و تعداد فراوان کاخ که اولین آنها در زادگاهش شهرکش ساخته شد، نمونه معماری باشکوه و عظیم تیمور است. پس تیمور با سیاستی سه‌وجهی، یعنی کامیابی‌های سیاسی و نظامی، سیادت و ثروت امپراطوری همچنین تعالی و تنظیم نیروی انسانی مخصوصا اهل فن و هنر، موجب رونق فرهنگ و هنر در سرزمین خویش گردید (آژند، ۱۳۸۷: ۲۲).

پس از تیموری، شاهرخ، آخرین پسرش، توانست بعنوان جانشین بر تخت سلطنت تیموریان بنشیند. شاهرخ متدین، علم‌دوست و هنرپرور بود. در عصر وی فرهنگ و هنر توسعه زیادی یافت چراکه او سراسر جغرافیای تیموریان را به دست شاهزادگان مختلف سپرد. شاهزادگان استقلال کامل برای انجام انواع امور از جمله امور هنری همچون تهیه نسخ مصور و ساخت بنا داشتند. علاوه برآن شاهرخ پایتخت را از سمرقند به هرات منتقل نمود و با این کار سنت‌های هنری سمرقند را به مرکز حکومت خود انتقال داد. تمرکززدایی از پایتخت و پراکندگی مراکز و نیز انتقال پایتخت موجب تولید آثار بیتایی گردید. در این زمان مقوله حمایت هنری به‌قدری مهم گردید که شاهزادگان در تولید و تهیه آثار هنری با هم رقابت می‌کردند (آژند، ۱۳۸۱، هنرپروری شاهرخ، : ۷۹). باید به خاطر داشت که بخش مهمی از دستاوردهای هنری و فرهنگی دوره شاهرخ بر اثر ثروت عظیمی است که از پدر به وی ارث رسیده بود (آژند،۱۳۸۷: ۲۷). به دستور او هرات دارای کتابخانه بزرگی گردید که محل تجمع دانشمندان، شعرا و هنرمندان شد. تعدادی از بهترین کتب تاریخی به دستور وی کتاب‌آرایی گردیدند (رهنورد، ۱۳۸۶: ۴۹). همزمان با شاهرخ، پسرش، بایسنقر میرزا در هرات به فعالیت‌های هنری دست زد به گونه‌ای که کتابخانه‌ای که وی در هرات ساخته بود پناهگاه هنرمندان شد (آژند، ۱۳۸۷: ۲۹) و عالی‌ترین نسخ را تصویرگری نمود. وی در شعر گفتن مهارتی بسزا داشت و اقسام خط مخصوصا ثلث را به نیکویی می‌دانست (رهنورد، ۱۳۸۶: ۵۱). علاوه بر زبان مادری‌اش یعنی ترکی به زبان فارسی و عربی مسلط بود و بدانها شعر می‌سرود. بیشتر اوقات خود را در بین هنرمندان و ادیبان صرف می‌کرد و از آنها حمایت می‌نمود (مسجدی و مهرابی، ۱۳۸۸: ۹۲). هنرمندانی که تحت حمایت بایسنقر قرار گرفتند پیش از این در خدمت اسکندر سلطان بودند درواقع اغلب هنرمندانی که در کارگاه–کتابخانه هرات گرد آمده بودند، مهاجرانی بشمار می‌آمدند که از سمرقند، تبریز و شیراز به این شهر نقل مکان کرده بودند (گودرزی، ۱۳۸۴: ۳۶). بنابراین سنت‌های هنری این شهرها به هنرستان بایسنغر وارد شدند و بدینگونه بود که هرات در این زمان با حمایت این شاهزاده شاهد زایش و پیشرفت هنرهای بسیاری بود.

میرزا الغبیگ فرزند ارشد شاهرخ، در تاریخ به حامی علم و نجوم شهرت دارد. او فردی دانشمند بود که از نسخ علمی، هندسه، نجوم و موسیقی حمایت می‌کرد (رهنورد، ۱۳۸۶: ۵۲) بطوریکه درصدد برآمد که تا پس از مشورت با دانشمندانی چون غیاث‌الدین جمشید کاشانی رصدخانه‌ای در شمال سمرقند، محل حکومت خود، برپا کند. این رصدخانه کتابخانه‌ای داشت مملو از کتب مختلفی که امروزه نمونه‌ای از آنها باقی نمانده است (آژند، ۱۳۸۷: ۱۲۴). نسخ شناخته شده‌ای که در نیمه اول قرن نهم‌ه.ق در دربار وی تهیه شد، صورالکواکب با موضوع علم نجوم (رهنورد، ۱۳۸۶: ۶۱) و زیج گورکانی در زمینه مبانی ستاره‌شناسی است (سودآور، ۱۳۸۰: ۶۷). در دوره شاهرخ و فرزندانش طراحی و ساخت باغ یا حفظ و حراست باغ‌های احداثی توسط تیمور از مهم‌ترین اقدامات شاهرخ و فرزندانش در زمینه معماری بود. همانگونه که شرح داده شد، ساخت کتابخانه، رصدخانه، مدرسه و بطور کل مراکز علمی و هنری از دیگر اقدامات سلاطین تیموری بود که نتیجه فعالیت‌های این مراکز پرورش هنرمندان و دانشمندان و نیز تهیه نسخی در راستای تامین اهداف شاهان و شاهزادگان بود. مزارات و بقاع متبرکه، مساجد، خانقاه‌ها و بناهایی همچون حمام، آب‌انبار و کاروانسرا که جنبه کاربردی و عمومی داشتند، از دیگر بناهایی است که در این زمان به ساخت آنها اهتمام می‌شد. باید توجه داشت که در راستای اهمیت دادن به معماری توجه به انواع هنرهای تزیینی برای آرایش بنا بسیار رواج یافت. علاوه بر معماری، تهیه نسخ نیز از علایق شاهان تیموری بود که با قدرت و شدت بسیار دنبال می‌شد. به جرات می‌توان گفت که نسخ برجای مانده از این زمان از بهترین و بی‌نظیرترین نسخ مصور تاریخ هستند. در تهیه کتب هنرهای بسیاری دخیل بودند اما توجه به نقاشی و خوشنویسی از همه بیشتر بود. با اندکی مطالعه در منابع و توجه به اسامی هنرمندان خوشنویس و نقاش صاحب‌نام این دوره حمایت از این دو هنر در کتابخانه‌های شاهی آشکار می‌شود. کتابخانه شاهرخ نسخه معراجنامه میرحیدر و مجمع‌التواریخ تولید شدند که اگرچه در ویژگی‌های سبک‌شناسی نقاشی از دوره ایلخانی تبعیت می‌کردند اما سرآغاز حرکتی نو در نگارگری شدند همچنین تحت حمایت بایسنغر شاهنامه بایسنغری و کلیله و دمنه که از نسخ بی‌همتا هستند، مصور گردید.

ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ، در نوشتن اقلام سته سرآمد بود بطوریکه خط او را از خط یاقوت مستعصمی تشخیص نمی‌دادند. آوازه او در هنرپروری و حمایت از هنر کمتر از خوشنویسیش نیست (صحراگرد، ۱۳۸۷: ۹۰). او نیز مانند برادرش بایسنقر در ادبیات استعداد داشت (رهنورد، ۱۳۸۶: ۵۰) بدین سبب در رقابت با بایسنقرمیرزا شاهنامه‌ای را پدید آورد که یکی از نسخ زیبای تیموریان است (آژند، ۱۳۸۷: ۹۵). کارگاه هنری او محصول سنت‌های هنری آل‌اینجو و آل‌مظفر و اسکندر سلطان بود (آژند، ۱۳۸۸: ۹۰). وی در کتابت نسخ به دو مسئله توجه داشت: طرح آبا و اجدادی خود که ریشه در عنصر ترکی و جغتایی داشت و توجه به آرمان‌های تاریخی ایران. دو نوع نسخ بسیار مورد علاقه او بود یکی قرآن به دلیل تمایل زیاد به دین اسلام و دیگری گلچین‌سازی

(آژند، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۴). این امیرزاده علاوه بر اهتمام به هنرهای مرتبط با کتاب‌آرایی، دستور ساخت دو مدرسه با نام‌های دارالصفا و دارالایتام[۶] در شیراز را داد (صحراگرد،۱۳۸۷: ۹۰). اگرچه تعداد بناهای احداثی توسط ابراهیم میرزا کم بود اما اهمیت این دو بنا بسیار زیاد است. در این دو مدرسه نسخ بسیاری در زمینه‌های گوناگون کتابت شد که بیشتر جنبه علمی و دینی داشتند (صحراگرد، ۱۳۸۷: ۹۱). اسکندر سلطان، فرزند عمر شیخ و برادرزاده شاهرخ، نیز حامی هنر بود. وی برجسته‌ترین هنرمندان را در شیراز گردآورد و به یاری وی گام نخست در تحول کتاب‌نگاری تیموری برداشته شد. بدین ترتیب شیراز نخستین مرکز معتبر هنری در کشور گردید (رهنورد، ۱۳۸۶: ۴۹ و ۵۰). اسکندر هنرمندان جلایری را بر هنرمندان محلی شیراز ترجیح می‌داد (رهنورد، ۱۳۸۶: ۵۳). او مشوقی برای نشر کتب مذهبی محسوب می‌شد. در این زمان ظریف‌ترین کارهای نقاشی ایرانی اجرا شد که این یا ناشی از سلیقه او بود یا نتیجه سخاوتی که نسبت به هنرمندان روا می‌داشت (رهنورد، ۱۳۸۶: ۵۴). مهمترین دستاورد وی در عالم کتاب‌آرایی پشتیبانی از گلچین‌سازی بود. علاقه او به شعر و نثر فارسی و علومی چون نجوم و طب موجب شد که هنرمندان کارگاه هنری او چندین گلچین برای وی فراهم کنند (آژند، ۱۳۸۷: ۹۵) که بعدها این گلچین‌ها جزء برترین آثار این دوره محسوب گردیدند.

سلطان حسین بایقرا پس از مدتی رکود در امور فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به قدرت رسید. در زمان وی رونق اقتصادی و آرامش و امنیت بوجود آمده پس از یک سلسله ناآرامی‌ها، موجب درخشش هنر در این عصر شد. در دربار سلطان حسین حمایت از هنرمندان، دانشمندان، شاعران و نویسندگان در حد اعلا صورت می‌گرفت بطوریکه خواندمیر در کتاب حبیب‌السیر عنوان می‌کند که در دربار سلطان حسین دویست تن فرهیخته و هنرمند حضور داشتند (۱۳۵۳، ج۴، ۶۳-۳۲۱). دربار سلطان حسین از اشرافیت زمیندار تشکیل شده بود و همین فضا موجب همکاری اعیان و اشراف در پیشبرد اهداف هنری و فرهنگی هرات گردید. در این زمان زراعت توسعه یافت و کسانی که سیورغال داشتند و به امور فرهنگی رسیدگی می‌کردند، از مالیات معاف می‌شدند و همین امر موجب پیشرفت بیشتر هنری گردید (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۲) که مختص یک شاخه هنری نبود بلکه پیشرفتی روزافزون در معماری، هنرهای زیبا و صنایع ظریفه همچون نقاشی، خوشنویسی و سایر هنرهای مربوط به کتاب‌آرایی، کاشی‌کاری، گچبری و کتیبه‌نگاری صورت گرفت (کاوسی، ۱۳۸۹: ۲۱). علت دیگر رونق هنری برپایی مجالسی در دربار یا منازل اعیان و اشراف حول محور نقد هنری و ادبی بود (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۴). همه این امور در سایه هنرمندی و هنردوستی سلطان رخ می‌داد چراکه مورخان وی را فردی ادیب، شاعر و حامی دانشمندان و هنرمندان و درکل حامی بلامنازع علم و ادب و هنر معرفی کرده‌اند (کاوسی، ۱۳۸۹: ۲۱).همگامی تصوف و تشیع و تاثیر هریک بر روی هنرمندان سبب پیدایش آثار ادبی تحت تاثیر این دو مقوله شد بطوریکه در اواخر این دوره کمتر شاعری فاقد احساس عرفانی در اشعار خود بود (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۵ و ۱۸۶).

در کنار شاهان و شاهزادگان تیموری، وزرا و امیرانی حضور داشتند که خود هنرمند و حامی هنر بودند. حامیان وزیر و امیر با اعمال خود در حیطه هنر به ایجاد فضایی هنری و شکوفایی هنرها کمک نمودند. امیرعلیشیرنوایی از کودکی همدرس و همدم سلطان حسین بود و بعدها وزیر سلطان گردید. او که خود شاعر بود و از ذوق هنری بهره‌مند، همه تلاش خود را در راه حمایت از هنرها و هنرمندان بکار بست. با هنرمندان همه رشته‌ها ارتباط مستقیم داشت (کاوسی، ۱۳۸۶: ۹۹). این حمایت بگونه‌ای بود که اگر در تمامی دوره تیموری کسی به غیر از او از هنر حمایت نمی‌کرد همو بدین منظور کافی بود. (کاوسی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) وی علاوه بر حمایت از هنرمندان از علما و صاحبان فضل بود که همانان نسخ بسیاری را تالیف نمودند. علاقه زیادی به ادبیات مخصوصا شعر داشت و از ادیبان بسیاری پشتیبانی می‌کرد. خود به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود و چند جلد کتاب تالیف نموده است (کاوسی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). لسان‌الطیر، چهل رباعی و محبوب‌القلوب از جمله آثار ادبی وی هستند (فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۱: ۵۴-۶۰). معماری، موسیقی، هنرهای صناعی و خوشنویسی هنرهایی هستند که حمایت از آنها توسط علیشیر نوایی صورت می‌گرفت (کاوسی، ۱۳۸۶: ۱۰۲-۱۰۵). مدرسه اخلاصیه و خانقاه خلاصیه را که به ترتیب محل آموزش و تهذیب در هرات بود را علیشیر نوایی در کهنسالی به تقلید از ربع رشیدی ساخت (صحراگرد، ۱۳۸۷: ۹۲).

به سبب سلوک عمومی دربار سلطان حسین بایقرا در حمایت از انواع هنرها، حتی امیران نظامی به پشتیبانی از هنرهای گوناگون پرداختند. امیرعلی‌برلاس یکی از فرماندهان سپاه در زمان سلطان حسین بایقرا بود که دستی بر آتش تصویرگری نسخ مصور داشت. نمونه‌ای زیبا از خمسه نظامی به تاریخ ۹۰۰ه.ق موجود در کتابخانه بریتانیا در لندن به حمایت وی تصویرگری شد. این نسخه به سبب وجود نگاره‌هایی منسوب به بهزاد و شاگردانش همچون قاسم‌علی چهره‌گشا و عبدالرزاق، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی به دستور سلطان حسین مدتی حاکم کاشان گردید و سپس جزء دسته نظامیان درآمد و در تمامی قشون‌کشی‌ها همراه سلطان بود (آژند، ۱۳۸۷: ۱۹۳). علاوه بر امیرعلی فارسی برلاس، امیر شیخ احمد سهیلی امیر دربار سلطان حسین که در شعر سهیلی تخلص می‌کرد و به فارسی و ترکی شعر می‌سرود، از حامیان این دوره محسوب می‌شود. مهمترین اثر به جای مانده از او مثنوی لیلی و مجنون است که به سلطان حسین اهدا نمود. در مجالس هنری به کرات شرکت می‌نمود و خود از برگزارکنندگان اینگونه مجالس بود. نام او به سبب حمایت بی‌دریغ از هنر، بارها در بدایع‌الوقایع آمده است (آژند، ۱۳۸۷: ۱۹۰). از دیگر بزرگان حامی هنر در این روزگار خواجه قوام‌الدین نظام‌الملک خوافی وزیر دیوان مالی، خواجه مجدالدین محمد از زبدگان دیوانی دربار

سلطان حسین، خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید نویسنده کتاب شرفنامه و عبدالرحمن جامی شاعر معروف ایران بودند (Subtenly,1998: 479).

در عهد تیموری به سبب رشد و پرورش حاکمان در قلمرو فرهنگ ایرانی–اسلامی و علاقه آنان به کسب اعتبار سیاسی از طریق اعتبار فرهنگی، بزرگان بسیاری برای رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر تلاش کردند. حامیان هنری این عهد به دو سلطانی و غیرسلطانی تقسیم می‌شد که دسته سلطانی شامل شاهان و شاهزادگان و دسته غیرسلطانی شامل وزرا و امیران درباری می‌گردید. . حمایت هنری از پادشاهی تیمور با حمایت ویژه وی از معماری آغاز گردید. پس از تیمور حمایت از امور هنری توسط فرزندانش مخصوصا شاهرخ و همچنین فرزندان شاهرخ ادامه یافت. شاهرخ و فرزندش، بایسنقر میرزا، بطور همزمان در هرات به فعالیت‌های هنری پرداختند که بارزترین آنها ساخت کارگاه‌های تولید نسخ مصور بود که موجب پرورش و پیشرفت هنرهای بسیاری شدند. الغ‌بیک در سمرقند با ساخت رصدخانه‌ای به کمک غیاث‌الدین جمشید کاشانی، ابراهیم سلطان و اسکندر سلطان در شیراز علاوه بر ساخت بناهایی تاثیرگذار در راه تعلیم علم و هنر به تهیه نسخ بی‌همتایی پرداختند. اوج حرکت فرهنگی و هنری این عهد در زمان سلطان حسین بایقرا بود. به دلیل علاقه وی به فرهنگ و هنر ایران چنین شکوفایی رخ داد. در این زمان رشد هنر همچون زمان شاهرخ و بایسنقر یا ابراهیم و اسکندر سلطان، تنها مخصوص هنر کتاب‌آرایی و معماری نبود بلکه شامل انواع هنرهایی چون‌نقاشی، خوشنویسی، کاشی‌کاری، گچبری، کتیبه‌نگاری می‌شد. امیران و وزرای عهد تیموری نیز مانند شاهان این عصر توجهی خاص به هنر نشان می‌دادند. علیشیر نوایی که خود نادره‌ای در هنرمندی و هنرپروری بود، امیرعلی برلاس و شیخ احمد سهیلی از جمله این حامیان بودند.

۷- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که، اقدامات انجام شده در دوره‌های ایلخانی و تیموری برای ایجاد بستری مناسب در جهت شکوفایی و رشد انواع هنرها نسبتا مشابه است و شامل ایجاد ثبات سیاسی، شکوفایی اقتصادی، آزادی مذهبی و توجه به تصوف، ساخت کارگاه‌ها–کتابخانه‌ها، جمع‌آوری هنرمندان در کارگاه‌ها، مختاربودن شاهزادگان و وزرا در انجام فعالیت‌های هنری، وقف، معافیت مالیاتی، توسعه کشاورزی و تولید آثار هنری در اندازه‌های بزرگ می‌شود. تنها تفاوت مشاهده شده در تشکیل مجالسی با حضور هنرمندان و حامیان و واگذاری سیورغال است که تنها در عصر تیموری صورت می‌گرفت البته در بحث شکوفایی اقتصادی باید گفت که نحوه عملکرد سلاطین در دو دوره ایلخانی و تیموری برای رسیدن به اقتصادی پویا متفاوت بود. باید توجه داشت که شدت اهتمام به این اقدامات در دو دوره یکسان و مشابه نیست و برخی اقدامات در هر دوره با شدت و اهتمام بیشتر صورت می‌گرفتند متلا توجه به ساخت آثار هنری در اندازه‌های بزرگ که در عصر ایلخانی تقریبا تا انتهای این زمان رعایت می‌شد اما در عهد تیموری تنها تیمور به شدت به این اقدام مبادرت می‌ورزید. اهداف مدنظر حامیان هنری نیز نسبتا مشابه هستند. شرح قدرت و عظمت خویش، ماندگار نمودن نام و نشان خود در تاریخ، ایجاد مشروعیت در میان جامعه غنی ایران و حمایت از دین، اهداف مشترک دو دوره بودند. اما در عصر تیموری ارضای حس هنردوستی حامیان و در عصر ایلخانی حفظ و حراست فرهنگ و هنر ایران از خطر نابودی توسط وزرای ایرانی تفاوت بارزی در اهداف دو دوره است.

حمایت هنری در دوره ایلخانی توسط سه گروه صورت می‌گرفت. گروه دیوانیان و سیاستمداران، گروه دانشمند و روحانی و گروه سوم، صاحب‌منصبان وابسته به دربار، که در شهرهایی دورتر از پایتخت از هنرهای گوناگون حمایت می‌کردند. این وزرای ایرانی هیچیک هنرمند نبودند و کار حمایت هنری را تنها به سبب حفظ و احیاء سنت‌های هنری و انتقال آنها به نسل‌های آتی و رسوخ به فرهنگ و هنر قوم مهاجم صورت می‌دادند. این هدفی است که ایشان در طول خدمت خود با جدیت تمام به آن اهتمام می‌ورزیدند. ذکر این نکته لازم است که اگرچه شاهان ایلخان خود به امور هنری نمی‌پرداختند و هنرمند نبودند اما نه‌تنها از فعالیت‌های وزرای ایرانی جلوگیری به‌عمل نمی‌آوردند بلکه همواره از آنان حمایت می‌کردند، در عملکرد آنان دقیق بودند و خود مشوق خوبی برای این وزرا بودند. در عهد تیموری حامیان هنری شامل دو دسته سلطانی و غیرسلطانی می‌شدند. دسته اول، شاهان و شاهزادگان بودند که اکثرا خطاط و نقاش و شاعر و در یک کلام هنرمند بودند و به امور هنری مبادرت می‌ورزیدند، گروه دوم درباریان یعنی امیران و سرلشگران. این دسته نیز امر حامی‌گری را به نحو احسن انجام می‌دادند و از آنجا که از نظر تمکن مالی قدرتمند بودند و همچنین علاقه بسیار به تولید آثار هنری داشتند، همواره به اینگونه امور می‌پرداختند. درنهایت می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که این دو دوره از منظر فعالیت‌ها و اقدامات حمایتی و همچنین اهداف موردنظر حامیان تشابهات بسیاری دارند اما به جهت نوع حامیان هنری تفاوت‌ها بسیار محسوس است.

پی‌نوشت

۱- سیورغال زمین‌هایی بود که به اطرافیان شاه داده می‌شد تا آباد کنند.

۲- مجموعه سلطانیه با بخش‌های مختلف در اندازه‌های بزرگ همچون گنبد آن که ۲۵ متر عرض و ۵۰ متر ارتفاع دارد یا قرآن سی جلدی مجموعه سلطانیه در قطع بغدادی که ۷۰ سانتی متر طول صفحات آن بود، نمونه‌هایی از آثار هنری ایلخانان در اندازه‌های بزرگ است (Blair, 2003:27).

۳- Poetry, Geometry And The Arabesque Notes on Timurid Aesthetic (نام اصلی مقاله به زبان انگلیسی که در منابع اطلاعات کامل آن آورده شده است)

۴- مهمترین نسخه‌ای که در کارگاه-کتابخانه مراغه تحت سرپرستی خواجه تهیه گردید، کتاب است با نام زیج ایلخانی که منجمان احوال و حرکات افلاک و کواکب را از آن معلوم می‌کنند. این نسخه به سبب مرگ زود هنگام خواجه به اتمام نرسید اما نمی‌توان تلاش‌های وی را نادیده انگاشت (شکوری، ۱۳۹۱: ۸۵ و ۸۶).

۵- علاوه بر رصدخانه مراغه و ربع رشیدی، کارگاه-کتابخانه دیگری به نام شنب غازان نیز در زمان ایلخانان راه‌اندازی شد که شهرت بسیاری در تاریخ دارد.

۶- به سبب آنکه مشهور است مادر ابراهیم سلطان به نام طوطی‌بیگم در ساخت این بنا شرکت داشته است، نام دیگر آن را مدرسه بیگم گذاشته بودند. در تایید این مطلب حسن‌بیک روملو در احسن‌التواریخ نام این مدرسه را بیگم ذکر کرده است (ج۱۲: ۹۸).

مراجع

- آژند، یعقوب، سیاست هنری تیمور، شناخت، شماره ۳۴، ۱۳۸۱، صص ۳۹-۵۶
- آژند، یعقوب، کارگاه هنری سلطان حسین بایقرا، هنرهای زیبا، شماره۱۲، ۱۳۸۱، صص ۸۹-۹۹
- آژند، یعقوب، هنرپروری و هنروری در دوره شاهرخ، تاریخ (دانشگاه تهران)، شماره۳، ۱۳۸۱، صص ۷۵-۹۰
- آژند، یعقوب،۱۳۸۷، مکتب نگارگری هرات، تهران، متن
- آژند، یعقوب، کارستان هنری و هنرپروری ابراهیم سلطان، هنرهای زیبا، شماره۳۷، ۱۳۸۸، صص ۸۷-۹۴
- امیرخانی، غلامرضا، بازشناخت جریانهای فرهنگی هرات در عصر شاهرخ، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره۶، شماره۲، ۱۳۹۳، صص ۲۱-۳۸
- بلر، شیلا، الگوهای هنرپروری و آفرینش هنریدر ایران دوره ایلخانیان(مورد خواجه رشیدالدین)، کاوسی، ولی‌الله، گلستان هنر، شماره۱۳، ۱۳۸۷، صص ۳۲-۴۷
- بیانی، شیرین،۱۳۷۱، دین و دولت در عهد مغول، جلد دوم(حکومت ایلخانی: نبرد میان دو فرهنگ)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- بیدهندی، مهرداد، حمایت و هنرپروری و زوایای پنهان در تاریخ هنر ایران، گلستان هنر، شماره۱۳، ۱۳۸۷، صص۵-۷
- پاکباز، رویین،۱۳۸۷، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، زرین و سیمین
- پورچنگیز، صدیقه، بررسی تطبیقی نگاره‌های جامع‌التواریخ ایلخانی و مجمع‌التواریخ تیموری، ۱۳۹۵، کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا
- پورصفر، غلامرضا، تاریخ جهانگشای جوینی و اهمیت آن، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۸۱ و ۸۲ و ۸۳، ۱۳۸۳، صص۱۳۰-۱۳۵
- ترکمنی آذر، پروین، مراکز علمی ایران در دوره ایلخانان، تاریخ اسلام، شماره ۲۹، ۱۳۸۶، صص۷-۳۲
- خواندمیر،۱۳۵۳، حبیب‌السیر، ج۴، تهران، خیام
- دبیری‌نژاد، بدیع‌الله، یاقوت مستصمی و هنر خوشنویسی، هنر و مردم، شماره ۱۰۶، ۱۳۵۰، صص۳۴-۳۸
- روملو، حسن‌بیک، ۱۳۵۷، احسن‌التواریخ، عبدالحسین نوایی، ج۱۲، تهران، اساطیر
- رهنورد، زهرا،۱۳۸۶، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: نگارگری، تهران، سمت
- سودآور، ابوالعلا،۱۳۸۰، هنر دربارهای ایران، ناهید محمد شمیرانی، تهران، کارنگ
- غفرانی، علی، رشیدالدین فضل‌الله و اندیشه آبادگری در قلمرو ایلخانان، مطالعات اسلامی، شماره ۷۱، ۱۳۸۵، صص ۱۸۷-۱۹۰
- شکوری، نوشین، نسخه‌برگردانی از زیج ایلخانی، کتاب ماه علوم و فنون، شماره۶۸، ۱۳۹۱، صص ۸۴-۸۹
- کاوسی، ولی الله، علیشیرنوایی در مقام حامی هنر، گلستان هنر، شماره۷، ۱۳۸۶، صص۹۹-۱۰۶
- کاوسی، ولی‌الله، ۱۳۸۹، تیغ و تنبور؛ هنر دوره تیموریان به روایت متون، تهران، شادرنگ
- گرابار، الگ، ۱۳۸۳، مروری بر نگارگری ایران، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، فرهنگستان هنر

- گودرزی، مرتضی، ۱۳۸۴، تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، تهران، سمت
- فرهانی منفرد، مهدی، نوایی در حکومت تیموریان، ضمیمه فرهنگستان، شماره ۱۲، ۱۳۸۱، صص ۴۸-۶۱
- صحراگرد، مهدی، ابراهیم سلطان (بانی مجموعه دارالصفای شیراز)، گلستان هنر، شماره ۱۳، ۱۳۸۷، صص ۹۰-۹۳
- ماه‌وان، فاطمه، هنر درباری ایران، پاژ، شماره۲۲، ۱۳۹۵، صص ۱۵۶-۱۶۲
- مهرابی، بهنام، مسجدی، حسین، شاهنامه بایسنقری شاهکار نگارگری ایران، دانش مرمت و میراث فرهنگی، پیش شماره۴، ۱۳۸۸، صص ۹۱-۹۸
- یزدی، شرف‌الدین علی، ۱۳۳۷، ظفرنامه، به کوشش محمد عباسی، جلد۲، امیرکبیر، تهران
- Blair, Shelia, The Arts of the Mongols, Saudi Aramco World, 2003, Volume54, Number1, p.p: 24-33
- Carboni, Stefano(2002), "Synthesis: Continuity and Innovation in Ilkhanid Art," in Linda Komaro and Stefano Carboni, eds. The Legacy of Genghis Khan, New York, New Haven, and London, pp. 196-225.
- Carboni, Stefano, Book Illustration in the Il-khanids period, Encyclopedia Iranica,2004, volume, pp. 658-664
- Hillenbrand, Robert, The Arts of The Book in the Ilkhanid Iran, New York, Metropolitan Museum of art, 2002, pp: 135-166
- Kianush, Katy, 1998, A brief history of Persian miniature, iran Chamber society, 2020/01/04, https://www. Iranchamber.com
- Melvill, Chales(2002), The Mongols in Iran, In Linda Komaro and Stefano Carboni, eds. The Legacy of Genghis Khan, New York, New Haven, and London, pp.36-61
- Okane, Bernard(1995), Poetry, Geometry And The Arabesque Notes on Timurid Aesthetic, in Studies in persian Art and Architecture, The American University in Cairo Press, pp. 63-78
- Subtenly, E.M, Socioeconomic Bases of Cultural Patronage Under the Late Timurids, IJMES, Number 20, 1998, p.p: 479-505

A comparative study of art patronage in Ilkhanid and Timurid periods

Abstract

This research compares proceedings, goals and different kinds of art patronages in Ilkhanid and Timurid period. So this research proves that there are similarities between proceedings and targets for growing and improving work of art in two periods. Proceedings like developing agriculture, gathering artists from whole part of empire regions and constructing workshops. But types of patronages are different. Art patronages of Ilkhanid dynasty are divided in three groups; Divani viziers, scientist-religious viziers and officials who are related to court in some cities where were far from capitals like Baghdad or Maragha. In Timurid time, we face with two kind of sponsors; kings and princes are located into first group and viziers and emirs situate in second group. The goal of this research is studying various kind of art patrons, proceedings, goals and introduce several art patrons of each period. Investigative question this research is; what kind of differences and similarities is there between Ilkhanid and Timurid from the aspect of proceedings, goals and different kinds of art patronages? This essay is done with descriptive-analytic method and use of library sources. Research conclusions specify that in Ilkhanid time, producing work of art was performed by three groups; Divani viziers, scientist-religious viziers and officials who are related to court. Main target of these vizier was protection and preservation of Iranian culture, art and civilization that for achieving this main goal, they did several activities which were unexampled until that time. In Timurid time, the act of art patronage fulfilled with more power and intension because kings and princes, viziers and emirs who was two groups of art patrons, grew in Iranian culture so they don't want to preserve this culture rather they try to achieve their goals with doing and sponsoring art work. Goals like eternize their name in history and demonstrate their power. Finally, we can conclude that similar proceedings and goals existed in two periods but art patrons were differed.

Key words: art patronage, Ilkhanid art patronage, Timurid art patronage

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

جغرافیای تاریخی خراسان در ادوار تاریخ

شهرام بی‌باک[۱]

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۷
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۹
کد مقاله: ۵۹۲۶۹

چکـیده

خراسان بزرگ، در دوره‌ای از حیات تاریخی–اجتماعی خود شامل سراسر مناطق شرقی ایران و در پاره‌ای از زمان‌ها شامل استان‌های کرمان و حتی قسمت‌های از افغانستان می‌شد و حتی قبل از آخرین تغییرات (۱۳۸۳ش) استانی در شمال شرقی ایران به مساحتی قریب ۳۱۳۳۳۵ کیلومترمربع و تقریباً یک پنجم مساحت کل ایران را داشت. اما امروزه متشکل از سه استان خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی است. این استان یکی از قدیمی‌ترین نقاط سکونت‌گاهی در ایران با قدمت ۸۰۰ هزار پیش تا به امروز هست. و طی این دوران دستخوش تغییرات مرزی و حاکمیتی بوده. و هیچ‌گاه خالی از سکنه نبوده، فقط مرزهای زیستی آن در ادوار تاریخ بنابر حسب حکومت‌ها تغییر کرده. اما در دوران اسلامی بخاطر موقعیت خاص جغرافیایی و مرقد مطهر امام علی بن موس الرضا(ع) بیشتر مورد توجه خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس و حتی حکومت‌های ملی–مذهبی قرار گرفته. هدف از نگارش این مقاله معرفی اجمالی جغرافیای تاریخی خراسان در طی این ادوار می‌باشد.

واژگـان کلـیدی: خراسان، جغرافیای تاریخی، ادوار تاریخی ایران

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی *Salsaal90@gmail.com*

۱- مقدمه

کشور پهناور و باستانی ایران جزوء شانزدهمین کشور بزرگ جهان، در نیمکره شمالی در قاره آسیا و در قسمت غربی فلات ایران و جزو کشورهای خاور میانه است. در مدار۴۴۵ شرقی ازغربی‌ترین نقطه ایران و نصف النهارشرقی از ۶۳۱۳۸ شرقی ترین، نقطه ایران عبور می‌کند. هم چنین مدار ۲۵۳ شمالی، از جنوبی‌ترین نقطه ایران و مدار ۳۹۴۷ شمالی از شمالی‌ترین، نقطه ایران می‌گذرد ایران با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومترمربع از شمال با ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان از شرق با افغانستان و پاکستان از غرب با ترکیه و عراق و از جنوب با خلیج فارس و دریای عمان همسایه است. براساس آخرین تقسیم‌بندی جغرافیایی ایران در سال ۱۳۹۴، از ۳۱ استان ۴۲۹ شهرستان و ۱۰۵۷بخش و ۲۵۸۹ دهستان و ۱۲۴۵ شهر ۲۸۷۸ آبادی تشکیل یافته. (www. Amar. org ۹۴)

استان خراسان شرقی‌ترین استان کنونی ایران است که در طی ادوار تاریخ با توجه به موقعیت حکومتها تغییر مرز داده، اما استان خراسان کنونی کلیه‌ی شمال شرقی ایران را اشغال نموده است، و طول آن در حدود ۴۴۷ کیلومتر وعرض آن در حدود ۳۰/۲۱ درجه تا ۳۸/۱۷ درجه عرض شمالی و ۵۵/۲۸ درجه تا ۶۱/۱۴ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. (الهوردیان طوسی، حسن، ۱۳۷۱: ۲۱)

در فرهنگ لغت دهخدا آمده است که واژه «خراسان» واژه‌ای پهلوی است که در متون کهن به معنی مشرق (خاور) در رو به روی (باختر) به کار رفته است [۱] و در منابع دیگر نیز خراسان در زبان کهن فارسی به معنی خاور زمین مورد استفاده قرار گرفته است. جغرافی‌دانان عرب در قرون وسطی سراسر مناطق شرقی ایران را به نام «خراسان» می‌خواندند. ولی این نام در عصر ما فقط به ایالت شرقی ایران اطلاق‌می‌شود.مناطق شمالی خراسان رارشته جبالی که از مغرب به مشرق‌کشیده، فراگرفته است. این‌رشته جبال به سلسله‌های کوچک‌تری که تا سرحد دشت امتداد دارد، منشعب شده‌است. ارتفاع کوه‌های‌خراسان روی هم رفته متوسط است. از این رو خراسان در میان مناطق شرقی و غربی خود که درآن کوه‌های البرز و هندکوش سر برآسمان کشیده‌اند، معبر نسبتاً سهل و آسانی است.

هجوم طوایف و اقوام آسیای مرکزی به ایران، به طور کلی از این راه صورت گرفته است. ارتفاع کوه‌های شرقی خراسان، به نوبه‌ی خود از جبال شمالی آن کمتر است. این کوه‌ها معمولاً شمالی- جنوبی، و طبق بررسی‌های دقیق اخیر، به احتمال زیاد، دنباله‌ی سلسله جبال «سیبری- روسیه» و کوه‌های اورال می‌باشد. امتداد کوه‌های شمالی خراسان، عمود بر هم و مناطق جنوبی خراسان، مجموعه‌ی یکنواختی از دشت‌های هموار و مسطح است. صحرای موحش مرکزی-شرقی ایران یعنی «کویر لوت» از همین نقاط شروع می‌شود.

مردم خراسان جنوبی و شرقی، عشایری بوده، ولی مردم خراسان شمالی، شهرنشین هستند. در طول قرن نوزدهم میلادی، مناطق شمالی خراسان در معرض تاخت و تاز راهزنان ترکمن بود، ولی از هنگامی که ترکستان به دست روس‌ها افتاد، مردم مناطق مزبور تا حدی روی آسایش به خود می‌بینند. اینک دشت‌های مرتفع این ایالت به صورت مراکز تولید گندم و پنبه و برنج و ابریشم در آمده و تریاک و میوه‌های آن شهرت زیادی پیدا کرده است. کشت چغندر به طور محسوس افزایش یافته و به طور کلی کشاورزی آن در جهت رونق و شگفتگی پیش می‌رود.

در خراسان نیز مثل دیگر ایران، تعدادزیادی شهرهای کهن و نیمه مخروبه وجود دارد. از آن جمله می‌توان شهر طوس، مولد شاعر شهیر قرن دهم، یعنی فردوسی و همچنین از نیشابور پایتخت سابق ساسانیان که معادن فیروزه‌ی آن شهره‌ی آفاق است، نام برد. مشهد تنها شهر خراسان می‌باشد که شهرت خود راه نوزاز دست نداده است. مشهد یکی‌از معروفترین مراکز مذهبی ایران و سر منزل مقصود عده‌ی بی‌شماری از زوار مسلمان است. از این گذشته نقش تجارتی و صنعتی و فلاحتی آن نیز به جای خود بسیار قابل توجه است. قالی‌های خراسان و محصولات کشاورزی آن، رشته‌های مهمی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند (بوینفاسیو، آ،۱۳۹۰: ۳۲) درمورد پیشینه سکونت در خراسان هم طبق آخرین تحقیات باستان‌شناختی درحاشیه‌ی رودخانه کشف‌رود در استان خراسان(خراسان رضوی) باستان شناسان موفق به شناسایی ۷ محوطه رو از پارینه سنگی و نزدیک به ۸۰ قطعه دست افزار انجامید، شدند (Ariai and Thibault:1975) از مهم‌ترین این محوطه‌ها می‌توان به دو محوطه‌ی بغ بغو و ابروان اشاره کرد. ابروان با ۳۹ قطعه دست افزار بزرگ‌ترین محوطه‌ی این بررسی است. از سوی دیگرآریایی و تیبو با بررسی زمین‌شناسی پادگان‌های حاشیه‌ی کشف رود سه لایه را به ترتیب از بالا به پایین مزبوط به پیلئستون زیرین، میانی و زبرین مشخص کردند و با در نظر گرفتن مکان قرار گیری دست افزارها در لایه‌ی شماره ۱، از منظر زمین شناسی نیز دست افزارها را به پارینه سنگی قدیم منتسب کردند و قدمتی نزدیک به ۸۰۰ هزار سال برای آن‌ها درنظر گرفتند (وحدتی‌نسب، حامد، شاهین آریامنش، ۱۳۹۴: ۱۴۶)

۱- لغت‌نامه دهخدا، ذیل ماده خراسان

۲- پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه نام خراسان، مواردی که در متون آمده اکثراً به یک تعریف مشترک می‌رسند: « خراسان در حقیقت «خورآسان» و از دو کلمه تشکیل شده است. خور که مخفف و به معنی خورشید است، و در بعضی از متون کهن آسان به معنی ظاهر شدن و نمایان شدن است. چون این ایالت، شرقی‌ترین ایالات ایران است و طلوع خورشید را زودتر از سایر نقاط می‌بینند، چنین نامی به خود گرفته است. البته منظور از سایر نقاط، نقاطی هستند که طلوع خورشید را نسبت به خراسان دیرتر می‌بینند، یعنی در مغرب خراسان واقع شده‌اند. (نهچیری، عبدالحسین، ۱۳۷۰: ۳۰۸) در «فرهنگ معین» خراسان به معنی مشرق آمده است. (معین، محمد، ج۵، ۱۳۶۴: ۴۷۶) برهان قاطع خراسان بضم اول، به معنی مشرق است که در مقابل مغرب باشد– نام ولایتی هم هست مشهور و چون آن ولایت در مشرق فارس و عراق واقع است بنا بر آن بدین نام خوانده‌اند– و نام نغمه‌ای هم هست از موسیقی. (تبریزی، محمد حسین بن خلف، ج۲، ۱۳۶۱: ۷۲۳) همچنین «فخرالدین اسعد گرگانی» شاعر قرن پنجم هجری در منظومه‌ی ویس رامین بهترین معنی و تعریف را از این نام ارائه داده:

خوشا جیا برو بوم خراسان/ درو باش و جهان را میخور آسان
زبان پهلوی هرکو شناسد / خراسان آن بود کز وی خور آسد
خور آسان را بود معنی خور آیان / کجا از وی خور آید سوی ایران

اما در مورد پیشینه تاریخی نواحی مربوط به بلاد ایران (جغرافیای تاریخی) بهترین و تقریباً کامل‌ترین کتابی که می‌توان نام برد جغرافیای حافظ ابرو است. که در سال ۸۲۰ هجری قمری به دستور شاهرخ، حافظ ابرو مجموعه‌ی حوادث عالم و وقایع را که تا زمان سلطنت او رخ داده بود، به تحریر در آورد. حافظ ابرو با اضافه کردن قسمت‌های تاریخی به جغرافیای خود در سال ۸۲۳ هجری قمری آن را به پایان رساند و تقدیم شاهرخ کرد. پس از آن به امر شاهرخ به تدوین وقایع سال ۷۰۳ هجری قمری به بعد، که خواجه رشیدالدین فضل الله کتاب جامع التواریخ خود را در آن سال به پایان رسانده بود، پرداخت. از جمله آثار ارزشمند حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو توأم با تاریخ است. در سال ۸۱۷ هجری قمری نسخه‌هایی از جغرافیا به زبان عربی به نام المسالک و الممالک و صورالاقالیم به شاهرخ بهادر عرضه داشته شد و شاهرخ به حافظ ابرو مأموریت داد تا جغرافیای کاملی به زبان فارسی تحریر کند.

خراسان نام مملکت است و این مملکت، عرصه‌ی وسیع دارد. حد شرقی آن، منبع آمویه و جبال بدخشان و کوههای تخارستان و بامیان و اعمال بلاد غزنی و کابل ماورای جبال الغور که منبع هیرمندست. حد غربی آن، بیابانی که فاصله است میان خوارزم و خراسان، و حدود دهستان و جرجان تا بحر خزر و بعضی از حدود قومس (و بیابانی که میان خراسان و حدود قومس) و ری افتاده است. حد شمالی خراسان منتهی می‌شود به جیحون که آموی بر کنار آبست، و به جهت آن که گذر مشهور در زمان سلطنت سامانیان تختگاه بخارا بود، آن بوده است که این آب را، آب آمویه خواندند و از آن طرف آب را، بلاد ماوراءالنهر خوانند. جنوبی خراسان حدود سند است، کابل و غزنی و اعمال سجستان و بیابانی (که فاصله است میان کرمان و خراسان و بیابان) فارس. زمین خراسان در طول از بسطام است تا غزنی که تخمیناً دویست فرسخ باشد. و در عرض از سجستان تا آب آمویه که تقریباً صدو پنجاه فرسنگ باشد والخ .... (عبدالله خوافی، شهاب‌الدین، ۱۳۷۰: ۲-۱۲)

اما در سفرنامه‌ها هم می‌توان از اسامی و شهرهای استان خراسان متونی را یافت. «اصطخری» میگوید: « .... و شهرهای خراسان کی بر اعمال جمع کنند و آن را نام برند و باز گویند، چهار شهرست، نیشابور و مرو و هرات و بلخ و دیگر کوره‌ها هست قوهستان و طوس و نسا و بارود و سرخس و اسفراین و بامیان و تخارستان و زم آمل.» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۰۳) «مقدسی» گوید: «خراسان را به نُه خوره و هشت ناحیت بخش نموده‌ام و آنها را در این فصل به ترتیب اندازه‌هایشان و هنگام گزارش به ترتیب مرزهایشات مرتب نموده‌ام. مثلاً نخستین آنها در سمت جیحون و بلخ است و از نظر اندازه پس از آنها نیشابور.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۲۰) مؤلف «حدود العالم» درباره‌ی خراسان چنین نوشته است: « ناحیت مشرق وی، هندوستان است و جنوب وی بعضی از حدود خراسان است و بعضی بیابان کرکس کوه، و مغرب وی نواحی گرگان است و شمال وی رود جیحون است و این ناحیتی است بزرگ با خواسته بسیار و نعمتی فراخ و نزدیک میانه‌ی آبادی جهان است و اندر وی معدنهای زرست و سیم و گوهرهایی که از کوه برخیزد» (نهچیری، عبدالحسین، ۱۳۷۰: ۳۱۰)

«ابن بطوطه» جهانگرد مراکش در نیمه‌ی اول قرن هشتم ه.ق می‌گوید: «از هرات به شهر جام (تربت جام) رفتم و از جام به طوس رفتم. این شهر از بزرگترین مراکز خراسان است. ابوحامد غزالی از مردم این شهر بود و قبر او هم آنجاست. از طوس به مشهدِ رضا آمدیم که آن نیز شهری بزرگ و پر جمعیت است و میوه‌ها و آبها و آسیاب‌های زیادی دارد. والخ...» (ابن بطوطه، رحلهٔ، ۱۳۶۱: ۴۴۰-۴۴۱) حمدالله مستوفی می‌گوید «طوس را جمشید پیشدادی ساخت. بعد از خرابیش، «طوس نوذر» تجدید عمارتش کرد و به نام خود منسوب گردانید. از مزار عظما قبر امام معصوم «علی بن موسی‌الرضا بن جعفر (ع)» در دیه «سناباد» به چهار فرسنگی طوس است، مشهد طوس از مشاهیر مزارات متبرکه است و آن موضع اکنون شهرچه می‌باشد. در جانب قبلی طوس

دروازده‌ای است که سه هزار ولی «ابوبکر» نام در مزارات این دروازه آسوده‌اند. در جانب شرقی، قبر «محمد غزالی» و «فردوسی» و «معشوق طوسی» است. مردم طوس نیکو سیرت و پاک اعتقاد و غریب دوست باشند.» (نزهۀ القوب، ۱۳۳۶ : ۱۸۵)

«ابن حوقل» می‌گوید: «نیشابور در زمین هموار و بناهایش از گل و نیز گسترده در حدود یک فرسخ در یک فرسخ است. نیشابور حاکم نشین و کهندژ و ربض دارد، هر دو آبادند. مسجد جامع آن در ربض و در جایی موسوم به «معسکر» قرار دارد و «دارالاماره» در میدان «حسین» و زندان نزدیک دارالعماره می‌باشد. والخ... (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۶-۱۶۸)

۳- روش تحقیق

مقاله پیش رو از نظر هدف کاربردی به روش توصیفی تحلیلی نگارش شده است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته و از آن جایی که اسناد و مطالب مربوط به این مقاله بیشتر سفرنامه‌ها و گزارش‌های سفر بوده، و بیشتر این سفرنامه‌ها به دلیل وجود مرقد مطهر علی‌ابن موسی الرضا در این استان حول محوریت شهر مشهد الرضا نگارش یافته نگارنده از شرح و تفصیل بیش از اندازه دوری جسته و فقط به چند نمونه اکتفاء نموده؛ همچنین در مورد آمار و ارقام ارائه شده در مقدمه از جدیدترین داده‌های آماری استفاده گردیده است.

۴- جغرافیای تاریخی خراسان

فلات مرکزی ایران یکی از وسیع‌ترین مناطق فرهنگی پیش از تاریخ ایران بوده است. ویژگی مهم این منطقه موقعیت جغرافیایی آن است: زیرا در طول دوران‌های تاریخی مسیر اصلی ارتباط میان بین‌النهرین و غرب ایران با شمال شرق ایران، افغانستان و در نهایت چین از طریق فلات مرکزی انجام می‌پذیرفت. در دوره‌های اسلامی این راه به عنوان مهمترین مسیر تجاری‌کشور، با نام «جاده‌ی ابریشم» یا «جاده‌ی بزرگ خراسان» شناخته می‌شد (مجیدزاده، یوسف،۱۳۶۶: ۲).

حرکت آرین‌ها از قسمت شمالی ایران از همان راهی بوده که در قدیم شاهراه عمده از آسیای غربی یعنی از طول دامنه جنوبی جبالی که سرحد شمالی فلات ایران تشکیل می‌دهد بعضی از خطوط سیر ممکن است مولد این حدس باشند که که قسمتی ازاین راه در زمان قدیم شمالی‌تر واقع بوده چنانکه مطابق قول ایزدوخاراکسی راه ازولایت قومیسنه(اعراب قومس گویند) که دامغان و سمنان از بلاد آن بودند رو به شمال هیرکانیا یعنی به سواحل رود گرگان که به بحر خزر می‌ریزد می‌رفت و ازآنجا متوجه ولایت پارتها می‌شد که قدیمی‌ترین پایتخت‌های آنان یعنی استاکاویا ارساکا که درمحل خبوشان دوره اعراب یا قوچان کنونی واقع بود و نسایا که عربها نسا گویند و خرابه‌های آن امروزه در نزدیکی عشق آباد نمایان است در سمت شمالی شاهراهی که بعد دائر شد قرار گرفته بودند احتمال دارد که مهاجرت آرین‌ها با سواحل گرگان هم تماس داشته است. اما پس از ورود آریائیان به فلات ایران و در دوران هخامنشیان ایران به کشورهای پیرو (ملوک الطوایفی) بخش می‌شده و هر کشوری زیر فرماندهی حاکمی به خشترپاون (پارسی باستان) یا شتروپان (پهلوی) اداره می‌شده است و این نام به یونانی ساتراپی می‌باشد، ایالت شانزدهم (شامل پارت‌ها، خوارزمی‌ها هروی‌ها (هراتی‌ها) و سغدی‌ها) با شمال خراسان کهن برابر است و از طرف مغرب در دربند دریای گرگان با ساتراپی ماد همسایه بوده است. مرکز ساتراپی پرشوه، شهر توس بوده است که ویشتاسب، پدر داریوش؛ ساتراپ آنجا بوده و جایگاهش در این شهر بوده است. به گفته هرودت: " پارت‌ها و خوارزمیان و سغدی‌ها و آرین‌ها (هروی‌ها) در یک ساتراپی قرار داشته‌اند و در تمام کتیبه‌های میخی در ذکر اسامی ولایات مملکت، پارت جدا نام برده شده و پاسیان در موقع سیاحت و گردش در ممالک خود سعی می‌کردند تا آنجا که شود زودتر از پارت بگذرند. زیرا ولایات مزبور به واسطه فقر و بی‌چیزی قادر نبودند آذوقه موکب پرجمعیت شاهان را فراهم سازند.

بعد از سقوط دولت هخامنشی پارتها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده و حتی با احراز موفقیت حملات جهانگیرانه روم را دفع کنند جبال بلخان بزرگ وکوچک و کوه کورن داغ و کپت داغ و جبال خراسان که امروزه سرحد بین ایران و روسیه است سرحد طبیعی بین ترکستان و حوضه بحر خزر را تشکیل میدهند (بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۳۸-۱۴۳) پس از پارتها ساسانیان گستره‌ی خود را به چهار بخش تقسیم کردند که یکی از آن بخش‌ها خراسان به معنای «سرزمین خورشید بود (التون، دانیل، ۱۳۶۷: ۱۲) در مورد حدود و موقعیت خراسان در دوره‌ی ساسانیان کریستین بر پایه‌ی کاوش‌های هرتسفلد می‌نویسد: دروازه‌های کاسپین نزدیک ری، کوه‌های البرز، گوشه جنوب شرقی بحر خزر، دره اترک خطی که از صحرای تجن گذشته و در زیر قرقی به جیحون می‌رسد موافق مسکوکات سکایی ساسانی که به دست آمده این خط سرحدی از قلل سلسله جبال حصار گذشته به پامیر می‌رسد و از آنجا به سمت جنوب مایل گشته و به امتداد قطعه‌ای از جیحون که بدخشان را در میان گرفته سیر کرده به قطعه هندوکش می‌رسیده است از آن نقطعه سرحدی به سمت مغرب برگشته و در امتداد سلسله هندوکش و ملحقات آن به جنوب ترشیز و خاف و قهستان (کوهستان) را قطع کرده، باز به دروازه‌های کاسپین می‌پیوسته است (کریستین سن، آرتور، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۵۰).

در اوائل قرون وسطی بطور کلی بر تمام ایالات اسلامی که در سمت خاور کویر لوت تا کوههای هند واقع بودند «خراسان» اطلاق می‌گردید و باین ترتیب تمام بلاد ماوراءالنهر را در شمال خاوری باستثنای سیستان و قهستان در جنوب شامل می‌گردید. حدود خارجی خراسان در آسیای وسطی بیابان چین و پامیر و از سمت هند جبال هندوکش بود ولی بعدها این حدود هم دقیق‌تر و هم کوچکتر گردید تا آنجا که می‌توان گفت خراسان که یکی از ایالات ایران در قرون وسطی بود از سمت شمال خاوری از رود جیحون به آن‌طرف را شامل نمی‌شد ولی همچنان تمام ارتفاعات ماورای هرات را که اکنون قسمت شمال باختری افغانستان است در برداشت. مع الوصف بلادی‌که در منطقه علیای رود جیحون یعنی در ناحیه‌ی پامیر واقع بودند در نزد اعراب قرون وسطی جزء خراسان یعنی داخل در حدود آن ایالت محسوب می‌شدند. ایالت خراسان در دوره‌ی اعراب یعنی در قرون وسطی به چهار قسمت یعنی چهار ربع تقسیم می‌گردید و هر ربعی بنام یکی از چهار شهر بزرگی که در زمانهای مختلف کرسی آن ربع یا کرسی تمام ایالت واقع گردیدند و عبارت بودند از نیشابور و مرو و هرات و بلخ خوانده می‌شد (لسترنج،۱۳۶۴: ۴۰۸-۴۱۰) پس از فتوحات اول اسلامی کرسی ایالات خراسان مرو و بلخ بود ولی بعدها امراء سلسله‌ی طاهریان مرکز فرمانروائی خود را به ناحیه‌ی باختر برده نیشابور را که شهر مهمی در غربی‌ترین قسمتهای چهارگانه بود مرکز امارت خویش قرار دادند (اصطخری، ابواسحق ابراهیم،۱۳۴۰: ۲۵۳-۲۵۴).

نیشابور دومین شهر خراسان رضوی (امروزی) در ۱۲۰ کیلومتری جنوب باختری مشهد و در مسیر مشهد سبزوار قرار دارد، شهرت عمده نیشابور مدیون دوره اسلامی آن است چنان که پس از مرو به عنوان پایتخت ایالت خراسان از عظمت و وسعت زیادی برخوردار شد تا جایی که در برهه‌ای طاهریان و صفاریان آن را به عنوان پایتخت برگزیدند. این شهر با فرازو فرودهای زیادی که داشته، هیچ‌گاه خالی از ستقرار نگردید و هر بار بر روی خرابه‌ها یا در مجاورت آن شهری نو سر برکشید. مهم‌ترین عامل پیوستگی استقرار در نیشابور را باید در شرایط زیست محیطی مناسب و پایدار آن جستجو کرد.

مورخان و جغرافیانگاران، تاریخ ساخت این رابه قبل از دوره ساسانی نسبت داده‌اند. حاکم نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۳۳۹: ۱۷۷) معتقد است نخستین کسی که شهرنیشابور را بنا نهاد، انوش بن شیث بن آدم بود. فردوسی قدمت نیشابور را به کیکاووس و برخی به تهمورث دیوبند رسانیداند که به دست افراسیاب تورانی و اسکندر مقدونی خراب شد. گروه دیگری از جغرافیانگاران ساخت این شهر مسطتیل شکل را در زمان شاپور اول دانسته‌اند. ابوالفداء ازقول اللباب آورده است (ابوالفداء، ۱۳۳۹،۵۲۱) از این رو به این نام (نیشابور) خوانده شد، چون شاپورشاه آنجا رابدید گفت: نیکو جایی است، شهری شود. در آن زمان در آنجا نیزاری بود. فرمان داد تا نی‌ها را بریدند و به جای آن شهری بنا کردند و نیشابورش نامیدند. مرکب از دو کلمه نی و شاپور. نیشابور مقصد بازرگانان است من می‌گویم امروز نیزنشاوورمعروف است ونیشابور فراموش شده (مهرآفرین، رضا، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۷) دومین ربع خراسان، یعنی ربع مرو، درامتدادمرغاب یا مرو رود واقع است. این رود از جبال غور واقع در شمال خاوری هرات سرازیر گردیده به مروکوچک می-رسد و از آنجا به سمت شمال منحرف می‌شود و به طرف مروبزرگ می‌رود و آنجا به نهرهای بسیار منشعب گردیده بالاخره در ریگستان بیابان غز ناپدید می‌گردد. این ریگستان با مرداب تجندرا رودخانه هرات در یک عرض جغرافیائی است ولی هفتاد میل در سمت خاوری آن است.

مرو بزرگ در قرون وسطی معروف بود به «مروشاهجان» تا بامروالرود که مرو کوچک است اشتباه نشود. ظاهراً شاهجان معرب شاهگان فارسی و به معنی شاهانه و شاهوار است. مرو چنانکه اصطخری و ابن حوقل و مقدسی ذکر کرده‌اند مشتمل بود برقلعه‌ی داخلی یعنی قهندوزی که در مکانی مرتفع جای داشت و باندازه‌ی یک شهر بود. گرداگرد قهندز شهر داخلی قرار داشت و دارای چهار دروازه بود و بیرون این شهر حومه‌ی پهناوری که تا کنار نهرهای بزرگ کشیده می‌شد واقع بود. این چهار دروازه موسوم بودند به دروازه‌ی شه(درجنوب باختری) که براه سرخس منتهی می‌شد، دروازه‌ی سنجان (در جنوب خاوری)که به حومه‌ی بنی‌ماهان و نهر اسعدی می‌رفت، دروازه‌ی درمسکان (درشمال خاوری) که از آنجا به ماورالنهر می‌رفتند و بالاخره دروازه‌ی بالین (درشمال باختری) (لسترنج، ۱۳۶۴: ۴۲۲)

ربع هرات خراسان تماماً در افغانستان کنونی واقع است وقسمت عمده‌ی آن از رود هرات یعنی هریر رود مشروب می‌شود. این رود ازکوهستان غور سرچشمه می‌گیرد و ابتدا مسافتی به طرف باختر سیر می‌کند. برای آبیاری‌کشتزارهای دره‌ی هرات چندین نهر از آن جداکرده‌اند که برخی بالای شهر هرات و بعضی پائیین آن شهر واقعند. مقدسی هفت نهر از این‌ها را اسم می‌برد که ولایت حول وحوش کرسی هرات را آب می‌داده‌اند. رود هرات ابتدا از خاور به سمت باختر جاری گردیده هفت میل دورتر از دروازه‌ی جنوبی شهر هرات از نزدیکی شهر مالن عبور می‌کند. آبادی و رونق هرات تا زمانی که مغولها برآن استیلا یافتند باقی بود. یاقوت که درسال ۶۱۴ یعنی چهارسال قبل از حمله مغول در آنجا بوده است گوید: در خراسان شهری بزرگتر و مهمتر و نیکوتر و با رونق‌تر و پرجمعیت‌تر از هرات ندیده‌ام، باغهای بسیار و آب فراوان دارد. ناحیه‌ی بزرگ کوهستانی در سمت خاور و جنوب غرجستان معروف بود به غور و غورستان و از هرات تا بامیان و حدود کابل و غزنه امتداد داشت، و غزنه امتداد داشت، که ازمنطقه‌ی جنوب رودخانه‌ی هرات باشد. پس از زوال دولت سلطان محمودغزنوی امراء غور که سابقاً ازاعوان و یاران وی بودند استقلال یافتند و

قلعه‌ی فیروز کوه را مرکز فرمانروائی خود قرار دادند. فیروز کوه قلعه بزرگی بود در کوهستان ولی امروز محل آن معلوم نیست. (اصطخری،ابواسحق ابراهیم، ۱۳۴۰: ۲۷۱-۲۷۲) امراء غور ازنیمه قرن ششم هجری تا سال ۶۱۲ که خوارزمشاه بساط حکومت آنها را درهم پیچید استقلال داشتند و چند سال بعد از آن فتنه مغول یکباره دولت آنان را برانداخت، ولی پیش از آن تاریخ، یعنی در سال ۵۸۸ امراء غور توانستند قسمت عمده‌ی شمال هندوستان را تسخیر نموده سلطنت خود را درسر تا سر بلادی که از دهلی تاهرات امتداد داشت بسط دهند. در اواخر قرن هشتم چون امیر تیمور بر هرات استیلا یافت باروی آن را خراب کرد و اکثر صنعتگران آن شهر را به شهر سبز که آن را تازه در ماوراءالنهر بنا کرده بود کوچانید. (همان: ۴۳۳-۴۴۴)

بلخ ملقب به «ام البلاد» چهارمین ربع خراسان است. بلادی در این ربع که از حدود کرسی آن خارج است بدو قسمت می‌شود: قسمت باختری جوزجان و قسمت خاوری طخارستان است که هرکدام ولایتی پهناورند. در قرن سوم یعقوبی درباره‌ی بلخ گوید شهر بزرگ خراسان است و در ازمنه‌ی سابق سه بارو وسیزده دروازه داشته است.(لسترنج، ۱۳۶۴: ۴۴۶)

در دوره خلفا استان خراسان مهمترین استانهای ایران به شمار می‌رفت و شامل همه شمال شرقی ایران تا مرز چین بود(نفیسی، سعید۱۳۸۳: ۳۶۳) خراسان نزدیک به مدت ۲۰۰ سال زیر نظر حکومت‌های عرب بنی‌امیه و عباسیان اداره می‌شد تا این که درسال ۲۰۵ هجری قمری به دست سلسله طاهریان استقلال یافت. اما نخستین زمزمه‌های خلع خلافت و سرکشی علیه حکومت ستمگر بنی‌امیه به سال ۹۴ ش ۹۶ ق در خراسان آغاز شد که در واقع می‌توان آن را نطفه و نخستین جرقه‌های جنبش مردمی قیام ابومسلم خواند و داعیان بنی عباس را براین اندیشه واداشت تا خراسان را به عنوان کانون قیام خود برگزینند. (ماهوان، احمد، ۱۳۸۳: ۴۰) در رمضان سال ۱۲۹ق ۱۲۶ش ابومسلم به سفیذنج که روستایی خزاعی و جایگاه «سلیمان بن کثیر» بود حرکت کرد، ابومسلم دعوت خود را آشکارا درمیان مردم شایع ساخت، هواداران، سپس انجمنی ساختند تا ببینند که شورش را از کجا باید آغاز کنند و شورش از مرو آغاز شد. البته پس از این شورش‌هایی هم کم و بیش انجام می‌گرفت، یکی از مهم‌ترین این شورش‌ها، شورشی بود که در زمان حکومت علی بن عیسی بن ماهان بر خراسان به وقوع پیوست ،شورش رافع بن لیث در سال ۱۸۵ش ۱۹۰ق می‌باشد. درسال ۱۸۷ش ۱۹۲ق هارون خود برای دفع شر رافع بن لیث عازم خراسان گردید. و در پنجم شعبان از بغداد بیرون شد. و پسرش مأمون راکه همراه او بود به همراه فضل بن سهل به حکومت خراسان منصوب کرد. و طی جنگهایی این شورش را سرکوب کرد اما به علت بیماری در شب شنبه سوم جمادی الاول سال ۱۹۳ق ۱۸۸ش بعد از ۲۳سال و ۲ ماه و ۱۸ روز خلافت در سناباد توس درگذشت و در وسط باغ حمیدبن قحطبه دفن شد که بعدها مأمون بقعه و گنبدی برآن نهاد. و با دفن هارون در خراسان و با کمک‌هایی که به مأمون شد خراسان وارد فضایی شد که دستخوش تغییرات اساسی و حیاتی شد که مرکزیت اسلام به سمت خراسان چرخید و مأمون درآخرین روز از ماه صفر ۲۰۳ با مسوم کردن امام علی بن موسی الرضا(ع)، دفن ایشان در مشهد الرضا، خراسان را برای تمام ادوار تاریخ بعد از خود جاودانه کرد.

خراسان از قرن سوم تا هفتم هجری دستخوش حکومت‌های محلی و متقارن باهم بود که حاکمیت در آن دست به دست می-شد، آغازگر این حکومت‌های محلی مستقل از سرباز زدن نام خلیفه در قرائت خطبه نماز روز جمعه طاهر بن حسین بن مصعب پوشنگی شروع شد و طی آن‌حکومت‌های، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان شکل گرفت سپس با هجوم مغولان در قرن هفتم باعث به وجود آمدن حکومتهایی غیر محلی و حتی غیر ایرانی شد. البته قیام‌هایی نیز از طرف مردم برضد حکومت ستمگر مغولان در گوشه کنار انجام می‌گرفت که مهمترین آنها در قیام سربداران در باشتین از توابع بیهق یا سبزوار برضد حاکم محلی مغول خراسان بود. از دیگر حکومتهای منتصب به مغولان در قرن هشتم حکومت تیموریان بود که به دست حکومت شیعی مقتدر صفویه از بین رفت.

شاه اسماعیل درسال ۸۸۰ ش ۹۰۷ق در تبریز تاجگذاری نمود و خود را رسماً شاه ایران خواند و پس از نهصد سال مجدداً یک حکومت مستقل سراسری مذهبی ملی در ایران به قدرت رسید زیرا حکومت‌های محلی و متقارن بعد از اسلام غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان تا حمله مغول و بعد از آن همگی اشغال‌گر و وابسته بودند که اصالت ملی و ایرانی نداشتند و در واقع مهاجمان صحرا گردی بودند که به علت روح سلحشوری و جنگاوری پس ازضعف خلافت عباسی جرأت تجاوز یافته و یکی پس از دیگری ابتدا در خراسان و سپس در سراسر خاک ایران به قدرت می‌رسیدند. دولت صفویه نخستین حکومت شیعی مقتدر متعصب افراطی از نوع جدید است که روش مذهبی آنان با حکومتهای پیشین شیعی سربداری خراسان و شاهرخی فرق داشت. اولین اقدام شاه اسماعیل در خراسان و شرق کشور سرکوبی و دفع همین قبایل صحرا گرد ترک زبان در فرارود (ماوراءالنهر) بود که به طور مستمر به خراسان حمله می‌کردند.

محمدخان شیبانی یا شیبک خان [شاهی بیک] که نسبش به چنگیز خان می‌رسید با از میان برداشتن بقایای حکومت تیموریان که بر خراسان و افغانستان تسلط یافته بود بنای مخالفت با شاه اسماعیل را گذارد و مکرراً نامه‌های تحقیر آمیز به شاه ایران می-نوشت و او را به جنگ می‌خواند و از شدت غرور او رافقط اسماعیل داروغه خطاب می‌کرد. در سال ۸۹۱ ش ۹۱۸ق شاه اسماعیل با لشگر بسیار به طرف خراسان حرکت کرد تا به مشهد رسید، شیبک خان که در هرات بود متوحش شد و به طرف مرو رفت شاه اسماعیل پس از انجام زیارت امام رضا(ع) به سمت مرو حرکت کرد و در نبرد سختی شیبک خان با گروهی از همراهانش کشته

شدند. پس از شکست شیبک خان سراسر خراسان، ولایت هرات، مرو، قندهار تا رود جیحون به ممالک شاه اسماعیل رسید. در اواخر دوران صفویه به واسطه ضعف دولت مرکزی و اختلاف و نفاق، حکومت صفوی رو به انحطاط رفت و در ولایات، حکام و متمردین کوس جدایی و استقلال زدند در خراسان هم ملک محمود سیستانی حاکم تون (فردوس) و طبس، مشهد را به تصرف در آورده بود و دم از استقلال زده مدعی تاج و تخت ایران شد تا در سال ۱۱۰۶ش ۱۱۳۹ق که نادر وارد مشهد شد ملک محمود تسلیم نادر گردید(ماهوان، احمد ،۱۳۸۳ : ۱۶۵-۱۹۰)

اسکندر بیک ترکمان در کتاب عالم آرای عباسی درباره تهاجمات ازبکیه به خراسان می‌نویسد: در آن هنگام که سلطان حسین بایقرا تیموری در ممالک خراسان، مرو شاه جهان، خوارزم، طخارستان، زابلستان و قندهار تا حدود کابل و بدخشان فرمانروا بود چون با ممالک جدید صفوی همسایه شده بود همواره اظهار محبت و دوستی می‌نمود و پادشاه صفوی نیز احترام آخرین بازمانده تیموری بجا می‌آورد و در آغاز کشور گشایی معترض ممالکی که در حوزه تصرف سلطان حسین بایقرا بود نشد ولی بعد از فوت آن پادشاه از بی‌کفایتی و بی‌اتفاقی فرزندان خصوصاً بدیع الزمان میرزا چنان چه در تاریخ حبیب السیر آمده اختلال به احوال آن سلسله آمده و محمدخان شیبانی از تبار شیبان پسر جوجی پسر چنگیز خان که از مرتبه نوکری سلطان احمد میرزا پسر سلطان ابوسعید گورکان وای خطه فرارود به مقام والای سلطنت ترقی کرده ودراین ممالک پادشاه نافذ فرمان شده بود از عدم وفاق و اتحاد شاهزادگان تیموری در خراسان به طمع به ممالک آنان کرده ودر سال ۸۸۶ ش ۹۱۳ ق لشگر به خراسان کشید و برفرزندان بی‌تدبیر سلطان بایقرا پیروز گشت و دود از دودمان بایقرایی برآورده و خاندان تیموری را منقرض ساخت، محمد شیبانی از اقصای ترکستان تا حدود عراق [عراق عجم، اراک] را در حوزه تسخیر خود کشید و با ممالک دولت جدید صفوی همسایه گشت و جمعی از لشگریان را از راه بیابان بر سر کرمان فرستاد. شاه اسماعیل چندین نوبت جهت رفع فتنه و ستیز نزد حاکم ازبک فرستاد. اما سرانجامشان به جنگ کشیده شد.

شاه طهماسب دوم درپی شکست از ملک محمود سیستانی در خراسان یکی از فرماندهان خود به نام حسن علی خان معیرالممالک را برای یاوری گرفتن نزد نادرقلی که به تازگی در خراسان شهرت یافته بود فرستاد و از او در مقابل ملک محمود سیستانی کمک خواست، نادر در ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۱۰۶ ش ۱۱۳۹ ق به دستور شاه طهماسب دوم به مشهد لشگر کشید و در ۱۶ ربیع‌الثانی همان سال مشهد را فتح نمود (همان: ۲۰۹) بعد از قتل نادر تا شروع حکومت کریم خان خراسان و مشهد به دست حکمرانان محلی بود. تا اینکه کریم خان پس از مبارزه طولانی با مدعیان سلطنت بر رقیبان پیروز شد و شیراز را به عنوان مقر حکومت خود برگزید و از سال ۱۱۲۰تا ۱۱۵۸ش ۱۱۶۳تا ۱۱۹۳ ق مدت ۳۰ سال حکومت کرد، و چون جانشینی برای خود تعیین نکرده بود خاندانش به علت نزاع بر سر حکومت قدرت چندانی نیافتند. لطف علی‌خان زند همواره گرفتار جنگ و گریز با خان قاجار آغامحمدخان بود و سرانجام از پایتخت خود شیراز رانده شد و طی چندین جنگ که در برخی غالب و دربرخی مغلوب بود در خراسان به حاکم طبس پناه برد، و سرانجام با خیانت حاکم بم طومار زندیه بسته شد. در دوران اقتدار زند کریم خان زند که حکومت خود را بر سراسر ایران توسعه داده بود به پاس احترام نادرشاه برای برانداختن پادشاهی نوادگان نادر که درخراسان حکومت محدودی داشتند به خراسان لشکرنکشید و خراسان در دوران حکومت زندیه هم چنان در دست نوادگان نادرشاه و شاهرخ به صورت حکومتی خود مختار و حایل میان ایران و افغان باقی بود(همان ۲۶۶).

آغا محمد خان قاجار بعد از براندازی حکومت شاهرخ افشاری در خراسان و دست‌یابی به خزائن نادری در حکومت شاهرخ، چون سپاه روس به قفقاز حمله کرده بود با عجله خراسان را ترک گفت و حکام قدیمی خراسان که هنوز به خاندان افشاری و حکومت ضعیف شاهرخ علاقه‌مند بودند در انتظار حوادث جدید نشستند. زمان شاه درانی پادشاه افغانستان که نادر میرزا به او پناهنده شده بودبرای آن که در برابر نفوذ و قدرت سلطنت قاجار در ایران موقعیت خود را در هرات مستحکم سازد و بهانه‌ای برای حمله به خراسان داشته باشد نادر میرزا فرزند شاهرخ را بعد از انتشار خبر کشته شدن آغا محمد خان با سپاهی روانه مشهد نمود. نادر میرزا مجدداً به مشهد دست یافت و برخی از حکام خراسان را با خود همراه نمود و این پیش آمد سبب لشگرکشی فتحعلی شاه به خراسان گردید. نادر میرزا تاب مقاومت نیاورده تسلیم شد و حکام محلی خراسان جعفر خان بیات حاکم نیشابور، ممیش خان حاکم چناران همگی در سال ۱۱۷۹ش ۱۲۱۴ تسلیم سپاه قاجار شدند. فتحعلی شاه حسن‌علی میرزا ملقب به شجاع السطنه حاکم تهران را درسال ۱۱۹۶ش ۱۲۳۲ق به ولایت خراسان منصوب نمود ولی چون حکام هرات و خوارزم بر او شوریدند، فتحعلی شاه قاجار از بیم فتنه و آشوب خراسان و اندیشه و مقاصد خوانین ازبک، درسال ۱۱۹۷ش ۱۲۳۳ق خود با سپاه جرار رهسپار خراسان شد و سراسر ایالت پهناور خراسان را تا کرانه‌های رود جیحون قرین امنیت و رفاهیت نمود. حکومت حسنعلی میرزا شجاع السطنه در خراسان طولی نکشید و در اثر اختلاف میان او و خوانین خراسان مجبور به استعفا شد و شاهزاده علی‌نقی میرزا ملقب به حجت السلطنه حاکم قزوین در سال۱۲۳۸ ق۱۲۰۱ش به ولایت خراسان منصوب گردید و او هم پس از یک سال از حکومت خراسان استعفا داده و بار دیگر شجاع السلطنه به حکومت خراسان آمد. از این تاریخ به بعد حمله وهجوم و حوادث مهمی تافتنه و آشوب سالار در مشهد رخ ننمود ولی حوادث و دسایسی برای جدائی سرزمین‌های پهناورخراسان از خاک ایران به وقوع پیوست و همان-

گونه که در سلطنت فتحعلی شاه قاجار که درغرب کشور شهرهای گنجه، ایروان، تفلیس و...به موجب عهدنامه‌های گلستان و ترکمان‌چای از ایران جداگردید در شرق کشور شهرهای مهمی چون هرات، مرو، بلخ از ایران جدا شد و در این میانه شهر مشهد مکرراً شاهد حضور سربازان و لشکریانی که برای سرکوبی متمردین و متقلبین افغان، ازبک، ترکمن که برای تصرف و تسخیر و اعاده هرات و مرو به حاکمیت ایران از مرکز گسیل می‌شدند بود ولی با تحریکات و دخالت‌های دو امپراتوری بزرگ روس و انگلیس بعد از لشکرکشی و فتح و پیروزی سرانجام حکومت بی‌کفایت قاجاریه تن به طعم تلخ شکست می‌داد. (همان ۲۷۰-۲۷۷)

۵- نتیجه

با این که خراسان امروز براساس آخرین تقسیم‌بندی جغرافیایی ایران به سه استان شمالی و مرکزی و جنوب تقسیم شده اما باز از نظر وسعت، بزرگترین استان ایران است و علاوه بر مشهد که مهمترین شهر خراسان رضوی به حساب می‌آید تقریباً شانزده شهرستان دیگر نیز دارد. اما خراسان در قدیم بسیار بزرگتر از امروز بوده و علاوه بر خراسان امروزی، شهرهایی از افغانستان و ترکمنستان و حتی شهرهایی از ماوراءالنهر نیز جزء آن محسوب می‌شد. اما به طور کلی مرز جغرافیایی خراسان از زمان پهلوی تا سال ۱۳۸۳ تثبیت شده بود. و در جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۳ به خاطر وضعیت معیشتی مردم و خدمت‌رسانی بهتر به سه استان خراسان جنوبی به مرکزیت بیرجند، خراسان مرکزی به مرکزیت مشهد الرضا (خراسان رضوی) و خراسان شمالی به مرکزیت بجنود تقسیم گردیده ست. با توجه به جغرافیای تاریخی خراسان در طول ادوار تاریخی یاد شده این نکته را نباید فراموش کرد که مردمان سلحشور خراسان طی دست به دست شدن‌های حکومتهای قبلی چه مشقتهایی که نکشیده‌اند. البته در مدت یک قرن اخیر که حکومت مستقل و قدرتمند بر راس امور بوده هم مردم این استان در دوران پهلوی از تجاوزات روس‌ها و انگیس‌ها در دوران اشغال توسط متفقین و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۸ سال دفاع مقدس در امان نبود.

منابع

۱. ابن بطوطه، رحله، (۱۳۶۱) «سفرنامه ابن بطوطه»، محمد علی موحد، چاپ سوم، تهران، نشر آگه،
۲. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، (۱۳۵۴) «صورة الارض» ، جعفر شعار، چاپ اول، تهران امیرکبیر
۳. ابوالفداء، اسماعیل بن علی،(۱۳۴۹) « تقویم البلدان» عبدالحمید آیتی، تهران ، بنیاد فرهنگ ایران
۴. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۴۰) « مسالک و ممالک» ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشرکتاب
۵. الهوردیان طوسی طوسی،(۱۳۷۱) ، «سفر به خراسان» ، چاپ اول مشهد، کتابکده
۶. التون، ل. نیل، (۱۳۶۷)، «تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان» ، مسعودرجب‌نیا، چاپ اول، تهران، علمی فرهنگی
۷. بارتولد، استاد (۱۳۰۸) ، «تذکره جغرافیای تاریخی ایران» ، حمزه سردادور، چاپ اول، تهران، اتحادیه
۸. بو ینفاسیو،آ، (۱۳۹۰)، «تمدنی به قدمت بشریت تاریخ ایران، به کوشش جمعی از ایران‌شناسان اروپا»، جواد.م کاظم عابدینی مطلق، چاپ اول، تهران، آئینه دانش
۹. تبریزی، محمد حسین بن خلف، (۱۳۶۱)، «برهان قاطع»، محمد معین، تهران، امیر کبیر،
۱۰. حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، (۱۳۳۶)، «نزهة القوب» ، تهران، حدیث امروز
۱۱. عبدالله خوافی، شهاب‌الدین،(۱۳۷۰) « جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو»، غلامرضا ورهرام، تهران، اطلاعات،
۱۲. کریستین سن، آرتور،(۱۳۸۷)، «ایران در زمان ساسانیان»، رشید یاسمی، چاپ دوم، تهران، نگاه
۱۳. لسترنج، (۱۳۶۴) « جغرافیایی تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی»، محمود عرفان، چاپ دوم، تهران، علمی فرهنگی
۱۴. ماهوان، احمد، (۱۳۸۳) « تاریخ مشهدالرضا» ، چاپ اول، مشهد، ماهوان(ماه نشر)
۱۵. مجید زاده، یوسف، (۱۳۶۶) «سنگ لاجورد و جاده‌ی بزرگ خراسان» ، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال اول شماره‌ی دوم، بهار وتابستان
۱۶. مقدسی، محمد ابن احمد شمس الدین،(۱۳۶۱) « احسن التقاسیم فی معرفـة الاقالیم» علینقی منزوی، تهران، کومش
۱۷. مهرآفرین، رضا، (۱۳۹۳) « شهرهای ساسانی» چاپ اول، تهران، سمت
۱۸. معین، محمد، ۱۳۶۴، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران
۱۹. نفیسی، سعید، (۱۳۸۳) « تاریخ تمدن ایران ساسانی» تهران، اساطیر،
۲۰. نهچیری، عبدالحسین، (۱۳۷۰) جغرافیای تاریخی شهرها، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه،
۲۱. وحدتی نسب، حامد، شاهین آریامنش، (۱۳۹۴) « باستان‌شناسی پارینه سنگی ایران» پاپ اول، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی
22. Ariai, A, and C.Thibault. 1975. Nouvelles Precisions a Propos del outillage Paleolithigue avcient sur galets du Khorassan (Iran). Paleorient. 3: 101-108
23. www.Amar.org

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

تعیین بهترین کانسپت طراحی پلان خانه‌های مسکونی اقلیم گرم و خشک بر اساس فرم‌های معماری سنتی شهر سمنان

محمدحسین باغبان[۱]

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۷
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۰
کد مقاله: ۱۰۷۹۹

چکـیده

بعد از گذر از دوران سنت و ورود به مدرنیته روزبه‌روز بر میزان آلودگی‌های موجود در سطح کره‌ی زمین افزوده‌شده است. با توجه به آلودگی‌هایی که انسان در طی سالیان وارد کره زمین کرده است و همچنین پیدایش پدیده گرمایش جهانی کره زمین، تخریب‌های گسترده محیط‌زیست و از بین بردن منابع موجود، اندیشمندان این حوزه راهکار توسعه پایدار را ارائه داده‌اند. پیدایش چنین معضلاتی در دوران مدرن سبب گردید تا پژوهشی در خصوص هم‌راستایی معماری سنتی با معماری پایدار امروزی صورت بگیرد. در ابتدا با بررسی‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای اصول معماری پایدار و راهکارهای معماری آن مشخص گردیدند سپس رابطه‌ی معماری پایدار و معماری سنتی موردمطالعه راهکارهای معماری سنتی که به‌منظور نیل به یک معماری پایدار بوده است جداسازی شد. در ادامه با کمک بررسی‌های میدانی فرم‌های اصلی معماری خانه‌های سنتی شهر سمنان مشخص گردید و با کمک نرم‌افزارهای شبیه‌سازی مورد تحلیل و بررسی انرژی قرار گرفتند. شبیه‌سازی به کمک نرم‌افزار sefaira که بر اساس چالش معماری ۲۰۳۰ به‌منظور کاهش تدریجی مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای در محیط ساخت‌وساز شهری می‌باشد انجام‌گرفته است. بعد از مرحله شبیه‌سازی مشخص گردید تعدد خانه‌هایی با پلان گودال باغچه نشان از هوش و ذکاوت و همچنین درک معماران سنتی از انرژی ساختمان داشته است. بهترین فرم پایدار در شبیه‌سازی متعلق به طرح خانه‌هایی با گودال باغچه و عدد ۹۱ درصد بوده است و رتبه‌های بعدی به ترتیب به خانه‌هایی با طرح U، L و در انتها خانه‌هایی با طرح I قرار می‌گیرند.

واژگـان کلـیدی: معماری پایدار، معماری سنتی، سمنان، معماری انرژی، گودال باغچه

۱- کارشناس ارشد مهندسی معماری (Baghban.arch@gmail.com)

۱- مقدمه

بحران انرژی، مشکلات زیست‌محیطی، گرمایش جهانی کره زمین، روزبه‌روز نیاز به توسعه پایدار را بیشتر می‌کند. معماری پایدار جزئی از توسعه پایدار می‌باشد که می‌تواند با کمک راهکارهای معمارانه اصول کلی توسعه پایدار را ارائه دهد. ابتدا با مشخص نمودن قواعد اصلی معماری پایدار و مطالعات صورت گرفته در خصوص معماری اقلیم گرم و خشک راهکارهای معماری سنتی فلات مرکزی ایران که در راستای اصول معماری پایدار بوده است مشخص گردیدند سپس به کمک مطالعات میدانی عناصر معماری پایدار سنتی شهر سمنان مشخص می‌گردد. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در طراحی ساختمان‌های سنتی مبحث فرم و شکل بنا بوده است. در هر بافت سنتی از فرم‌های متنوعی جهت ساخت‌وساز ابنیه استفاده می‌شده است. با بررسی‌های میدانی ۵ الگوی اصلی برای خانه‌های مسکونی شهر سمنان مشخص گردید. در ادامه با کمک نرم‌افزار معماری SEFAIRA که مناسب بررسی انرژی ساختمان در خصوص کانسپت و فرم کلی است هر ۵ نمونه فرم شبیه‌سازی و نتایج در جدولی ارائه شد.

۲- توسعه پایدار

توسعه پایدار از ادغام دو مفهوم کاملاً متفاوت توسعه و پایداری شکل‌گرفته است توسعه در معنای عام خود رشد و گسترش و پایداری و در لغت به معنای بادوام بودن مانا و جاودان بودن معنا می‌شوند اما توسعه پایدار مفهومی بیشتر از معنای لغوی را در خود جای‌داده است. توسعه پایدار یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده هست که معانی متفاوت و بسیاری دارد که این گستردگی معانی سبب واکنش‌های مختلف صاحب‌نظران گشته است. «هدف از طراحی پایدار کاهش آسیب آن بر روی محیط ازنظر انرژی و بهره‌برداری از منابع طبیعی است کاهش مصرف منابع غیر تجدید پذیر توسعه محیط طبیعی یا کاهش مصرف مواد سمی و یا آسیب‌رسان به طبیعت در صنعت ساختمان هست.» (مهدی زندیه ، سمیرا پروردی نژاد, ، ۱۳۸۹, ص. ۵) . مفاهیم بسیار زیادی در مقالات بسیار گسترده‌ای از توسعه پایدار گفته‌شده است که از حوصله این بحث خارج است اما تعاریف متعدد را می‌توان به‌صورت زیر ارائه داد : ارتقاء کیفیت زندگی در ضمن در نظر گرفتن ظرفیت تحمل محیط‌زیست و پاسخگویی به نیازهای نسل حاضر بدون آن‌که توانایی و امکانات نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود محدود شود.

۳- معماری پایدار

معماری پایدار به آن‌گونه معماری گفته می‌شود که ملاحظات زیست‌محیطی و سازگاری با اقلیم را مدنظر دارد و بر اساس بهره‌برداری مؤثر از منابع طبیعی طراحی و ساخته می‌شود. معماری پایدار سعی بر آن دارد که از اثرات منفی معماری بر محیط‌زیست کاسته شود. از ویژگی‌های بنای پایدار در طرح جهانی کاهش تأثیرات مخرب بر محیط‌های ساخته‌شده طبیعی مجاور ناحیه اطرافشان و همچنین زمینه کلی ذکرشده است با همین هدف ساخت محیط‌های مصنوعی بایستی با توجه به منابع طبیعی موجود و صرفه‌جویی در مصرف منابع تجدید ناپذیر نظیر سوخت‌های فسیلی و حفظ آن برای آیندگان انجام گیرد

۴- ضرورت معماری پایدار

عوامل گوناگونی برای استفاده از معماری پایدار و نگاهی کلی‌تر توسعه پایدار وجود دارد؛ اما آنچه باید موردتوجه قرار گیرد ضرورت جهانی ایجادشده می‌باشد. «بحران انرژی در دهه هفتاد میلادی و در ادامه آن، مشکلات زیست‌محیطی بر بسیاری از فعالیت‌های انسانی، سایه افکند و باعث شد حوزه طراحی معماری به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در مصرف بالای انرژی با چالشی سخت مواجه گردد.» (روح اله عشریه، مائده امیری رسکتی, ۱۳۹۱, ص. ۲) ازاین‌رو نیاز مبرم جهانی به حفظ محیط‌زیست ، حفظ انرژی‌های تجدید ناپذیر و از طرفی کمبود انرژی‌های تجدید ناپذیر سبب روی آوردن معماران و صاحب‌نظران به سمت‌وسوی معماری پایدار گردید .

۵- اصول معماری پایدار

«یکی از اهداف مهم پایداری جبران مافاتی است که انسان در طی صنعتی شدن و پیشرفت ظاهری ازدست‌داده است و انسان امروزی را به فکر حفاظت از اکوسیستم‌ها و استفاده بهینه از استعدادهای موجود در طبیعت به‌منظور بقا و حفظ آن‌ها برای نسل‌های آینده واداشته است تا در عین آسایش و ارتقای کیفیت زندگی بشر، از تخریب آن‌ها نیز جلوگیری به عمل آورد» (روح اله عشریه، مائده امیری رسکتی, ۱۳۹۱, ص. ۴) . اصول کلی معماری پایدار عبارت‌اند از

۱ – حفظ انرژی.

۲ – هماهنگی با اقلیم

۳ – کاهش استفاده از منابع جدید

۴ – احترام به کاربران

۵ – احترام به سایت

۶ – کل‌گرایی: یک ساختمان باید بتواند با کمک تمامی اصول معماری سبز و پایدار و به‌کارگیری آن‌ها به یک ساختمان پایدار تبدیل شود. (خشایار کاشانی جو ، مهدی بهادری, ۱۳۹۲, ص. ۱۲) (اس ام ویلر، تی بیتلی, ۱۳۸۴, ص. ۳۱۰)

۶- استانداردهای جهانی معماری پایدار

در سالهای بعد از پیدایش ایده‌ی معماری پایدار کشورهای توسعه‌یافته شروع به تدوین آیین‌نامه‌ها، قوانین و استانداردهایی به‌منظور کاهش تأثیرات مخرب انسان بر محیط‌زیست نمودند. " از آن جمله می‌توان به اولین سیستم امتیازدهی زیست‌محیطی ساختمان‌ها در سال ۱۹۹۰ بانام سیستم BREEAM در انگلستان اشاره کرد که در ادامه سیستم HQE در فرانسه و پس‌ازآن LEED توسط ایالات‌متحده در سال ۲۰۰۰ و CASBEE در ژاپن در سال ۲۰۰۱ و STAR GREEN در استرالیا در سال ۲۰۰۲ تنظیم گردیده است. روند تکامل سیستم‌های رتبه‌بندی در کشورهای دیگر عمدتاً بر اساس سیستم‌های مذکور، تاکنون ادامه دارد که از آن جمله می‌توان به تأثیر LEED در سیستم امتیازدهی ساختمان‌ها در کشور امارات، هندوستان و STAR GREEN در آفریقای جنوبی (Reed et al, ۸،۲۰۰۹) و همچنین تواما LEED و CASBEE در کشور چین اشاره نمود ". (زهرا رئیسی، مرتضی نیکروان, ۱۳۹۵, ص. ۲) اما متأسفانه آنچه بسیار خودنمایی می‌کند عدم حضور و استفاده از چنین سیستم‌های امتیازدهی متناسب با اقلیم کشور ایران می‌باشد .

۷- معماری ۲۰۳۰ و اصول آن

معماری ۲۰۳۰ سازمان غیرانتفاعی و مستقل است که جهت پاسخگویی به بحران تغییرات اقلیمی، با اهدافی چون کاهش سریع مصرف انرژی و انتشار گلخانه‌ای در محیط ساخت‌وساز شهری و مدیریت تغییرات اقلیمی به‌وسیله‌ی توسعه‌ی محیط ساخت‌وساز انطباق پذیر با اقلیم، در سال تأسیس شد. این اهداف بر طرح کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه تغییرات اقلیمی UNFCCCکه در سال ۲۰۱۵ در پاریس مورد تائید عموم کشورها قرار گرفت، تمرکز دارد؛ که در آن به‌ضرورت توجه به نقش محیط‌های ساخت‌وساز در انتشار و انجام اقدامات لازم جهت انتشار می‌پردازد تا بتوان تا سال ۲۰۵۰ افزایش میانگین دمای جهانی را زیر ۲ بالاتر از سطح پیش صنعتی نگاه داشت.

معماری ۲۰۳۰ این مأموریت را دارد که محیط‌های ساخت‌وساز شهری که عامل اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای در نظر گرفته می‌شوند را به مرکز اصلی راه‌حل بحران تغییرات اقلیمی تبدیل کند.

«معماری ۲۰۳۰ دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: ۱- کاهش تدریجی مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای در محیط ساخت‌وساز شهری، از طریق تغییر درروشی که ساختمان‌ها، شهرها و برنامه‌های توسعه‌ای آن‌ها، برنامه‌ریزی، طراحی و ساخته می‌شوند. ۲. توسعه محیط ساخت‌وساز انطباق پذیر با اقلیمی که بتواند اثرات تغییرات آب‌وهوا، حفاظت از منابع طبیعی و دسترسی به منابع انرژی‌های تجدید پذیر کم‌هزینه را مدیریت کند.» (مهدی همایی ،محمد شجاعی, ۱۳۹۵, ص. ۳)

۸- نرم‌افزارهای تحلیل انرژی

امروزه محاسبات دستی و اندازه‌گیری‌های انسانی جای خود را به نرم‌افزارهای کامپیوتری با دقتی بسیار بالاتر از محاسبات انسانی داده است. حوزه معماری نیز از این روند روبه‌جلو بی‌بهره نبوده است. علاوه بر تصویرسازی و نقشه‌کشی‌ها امروزه محاسبات انرژی و پایداری نیز با نرم‌افزارهای مختلف قابل‌محاسبه است. نمونه‌های مختلفی از این نرم‌افزارها در بازارهای جهانی موجود است. برخی از این نرم‌افزارها عبارت‌اند از

۱ – نرم‌افزار DESIGN BUILDER، این نرم‌افزار قابلیت محاسبه بار سرمایش و گرمایش مصرف انرژی و نور ساختمان را دارد.

۲ – نرم‌افزار ECO TECT از قدیمی‌ترین نرم‌افزارهای محاسبه انرژی ساختمان می‌باشد.

۳ – نرم‌افزار ENERGY PLUS که برای طراحی بهینه یک ساختمان ازنظر انرژی ساخته‌شده است.

۴ – نرم‌افزار SEFAIRA این نرم‌افزار میزان انرژی و دسته‌بندی انرژی و روشنایی ساختمان را محاسبه می‌کند.

۹- معرفی نرم‌افزار sefaira

این نرم‌افزار به‌صورت افزونه بر روی سایر نرم‌افزارهای طراحی سه‌بعدی معماری اضافه می‌شود. افزونه sefaira بیشتر به‌منظور بررسی و آنالیز اولیه طرح در مرحله‌ی انتخاب کانسپت مناسب است. این نرم‌افزار با توجه به موقعیت جغرافیایی پروژه برای بهره‌گیری بیشتر از منابع طبیعی و تجدید پذیر و کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی برای تأمین انرژی موردنیاز برای رسیدن به منطقه آسایش مورداستفاده قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خاص این افزونه تطبیق و ارائه نتایج بر اساس اصول چالش ۲۰۳۰ معماری می‌باشد. گراف‌های ارائه‌شده در این نرم‌افزار نشان‌دهنده میزان نزدیکی طرح به اصول معماران ۲۰۳۰ به‌منظور رسیدن به یک معماری پایدار و کاهش اثرات زیست تخریبی انسان بر محیط‌زیست می‌باشد. همچنین میزان بهره‌گیری ساختمان از نور طبیعی به‌منظور رسیدن به محدوده آسایش را نیز مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

۱۰- معماری سنتی

معماری سنتی ایران دارای ویژگی‌هایی منحصربه‌فردی بوده که ضمن توجه به محیط‌زیست پاسخگوی نیازهای اقلیمی هر منطقه نیز می‌باشد که متأثر از شرایط آب و هوایی و جغرافیایی منطقه بوده است. به دلیل ادغام دو کلمه سنت و معماری با یکدیگر و تعاریف و تعابیر مختلف استنباط شده از این دو کلمه سبب شده است تا تعریف جامع و مشخصی از معماری سنتی قابل‌بیان نباشد و هر یک از محققان و صاحب‌نظران بر اساس پژوهش‌های خود این کلمه را تعریف نموده‌اند؛ اما به‌طور حتم آنچه در بافت های سنتی مشاهده می‌شود این است که معماری سنتی ایرانی، ضمن بهره‌گیری از شرایط زیست‌بوم و زیست‌محیطی بر اساس اصول و ارزش‌های فرهنگی شکل‌گرفته است. این ارزش‌ها ریشه در اعتقادات و باورهای آسمانی و معنوی ایرانیان دارد. (علی خاکی ، سیده اشرف سادات ، اسماعیل ضرغامی, ۱۳۹۴, ص. ۱۶) یکی از تعاریف موجود در خصوص معماری سنتی بیان می‌کند معماری سنتی به معماری اطلاق می‌شود که دارای سه خصیصه زیر باشد :

۱- معماری سنتی محصول روشی سنتی در طراحی و ساخت است.
۲- معماری سنتی دارای الگوهایی است که تبلور فرهنگ جامعه است، در طول زمان استمرار یافته و دست‌به‌دست گشته و منتقل‌شده است.
۳- معماری سنتی با امری مقدس مرتبط و گونه‌ای معماری باارزش و بامعناست. (ناهید صادق پی, ۱۳۸۸, ص. ۱۵)

۱۱- توسعه پایدار سنتی

با توجه به بررسی آثاری که از گذشتگان باقی‌مانده است ویژگی‌هایی مانند مردم‌داری پرهیز از بیهودگی نیازش و خودپسندی و درون‌گرایی توازن و تعادل کمال و وحدت. به‌عنوان شاخصه‌های بارز معماری پایدار ایرانی در بنا کاملاً نمایان است (سادات، ۱۳۹۴, ص. ۱۷) معماری ایرانی به‌صورت ارگانیک به معنای شکل‌گیری خودبه‌خود است بلکه با مفهوم طبیعی بودن و از طبیعت برآمدن پا گرفته در شکل معماری بومی برخی روابط اجتماعی و اقتصادی با محیط. طبیعی و نمادهای فرهنگی ماهرانه انعکاس می‌یابد این معماری جوابگوی نیازهای یک جامعه در ارتباط با عوامل طبیعی و خواسته‌های معنوی انسان‌ها می‌باشد استفاده بهینه. از انرژی و بهره‌برداری اکولوژیک از انواع انرژی‌های پایدار از خصوصیات این معماری به شمار می‌رود معماری بومی با مردم همزاد و با محیط همساز است استفاده از امکانات محیطی و هماهنگی. طبیعت در معماری بومی نمایان است به‌کارگیری فنون محلی و استفاده از مصالح بوم آورد و اغلب فرآیندی نسبتاً ساده داشته و به‌راحتی بخشی از نیازهای عملکردی ساکنان را بر آب. می‌کرده است در معماری بومی نه‌تنها می‌توان به مفاهیم فرمیک توجه نمود بلکه اصل الهام گیری در به کار بردن جوانب مثبت. برای رسیدن به آسایش است. (رسکتی، ۱۳۹۱, ص. ۴)

خانه ایرانی یک معماری پایدار است چراکه این خانه به دست استادکار ماهر و با تأثیر از فرهنگ و ادب. منطقه خودساخته شده است و ضمن تطبیق با اصول و ارزش‌های فرهنگی خانواده‌های ساکن شرایط اقلیمی و معضلات آن را به‌خوبی در خود حل نموده است هماهنگی با طبیعت و آوردن. طبیعت در دل خود جهت رفع نیازهای اکولوژیکی خود و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و همچنین استفاده بهینه از انرژی خورشید پاسخی درست به بسیاری از مسائل نیازهای انسان بود. مصالح خانه‌های ایرانی همگی بیاورد بوده و همیشه با انعطاف‌پذیری فضایی خود جوابگوی نیازهای روز ساکنانش بوده است و موجب پایداری خواهد شد". (شفیعی، ۱۳۹۱, ص. ۴) به‌طورکلی معماری سنتی ایران همواره در تمامی سطوح معماری متقابل با اقلیم و پاسخگوی نیازهای آسایش ساکنین بوده است و عناصر به‌کاررفته شده در این معماری بسیاری از. مفاهیم نوین در عرصه معماری پایدار را در بردارد. (مکفی، ۱۳۹۴, ص. ۴)

۱۲- استراتژی معماری پایدار سنتی

توسعه پایدار دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد که حفاظت از محیطزیست یکی از جنبه‌های مهم در دنیا امروز می‌باشد که زیرمجموعه‌ای از توسعه پایدار تحت عنوان پایداری محیطی به این مسئله می‌پردازد. پایداری محیطی با دو بعد حفاظت از محیطزیست و کاهش آلودگی‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا می‌توان راهکارهایی را مورد جستجو قرارداد تا بتوان با کمک آن به توسعه‌ای پایدار در راستای حفاظت از محیطزیست رسید. این راهکارها را می‌توان در دودسته راهکارهای معماری سنتی و راهکارهای معماری مدرن بررسی جداسازی و تحلیل نمود. در دیاگرام زیر می‌توان چگونگی پیمایش از توسعه پایدار تا راهکارهای سنتی مرتبط با یک معماری پایدار را مشاهده کرد.

جدول (۱): عناصر معماری سنتی برای دستیابی به معماری پایدار

	نام مقاله	نویسنده	سال	ناشر	عناصر معماری سنتی برای دستیابی به معماری پایدار
۱	توسعه پایدار و مفاهیم آن در معماری مسکونی ایران	زندیه و پروردی نژاد	۱۳۸۹	نشریه مسکن و محیط روستا	چهار صفه – حیاط – نارنجستان – شوادان ها – بهارخواب – بام – اتاق کرسی – سرداب – حوض‌خانه – بستان – شناشیل ها – آب‌سراها – کنده – بادگیر – ایوان – سایبان
۲	فضاهای زیرزمینی در معماری بومی اقلیم گرم و خشک ایران	خدابخشیان و مفیدی شکیرانی	۱۳۹۱	نشریه هویت شهر	فضاهای زیرزمینی – سرداب‌ها – زیره
۳	عناصر باارزش معماری بومی منطقه سیستان بر مبنای مؤلفه‌های اقلیمی معماری پایدار	مولانایی و سلیمانی	۱۳۹۳	نشریه باغ نظر	سورک – دورچه – کولک – خار خانه – احتکن
۴	توسعه پایدار شهری رویکرد جهانی با راهکارهای محله	محمدی سنگ لی و قرشی	۱۳۹۵	نشریه مطالعات هنر و معماری	حیاط مرکزی – بادگیر – حوض آب
۵	بازخوانی نقش گم‌شده حیاط مرکزی در دستیابی به معماری پایدار	احمدی	۱۳۹۱	نشریه شهر و معماری بومی	حیاط مرکزی – وضع خورشید – حوض – استفاده از اختلاف دمای شب و روز – مصالح بومی – آجرفرش – عمق زمین – گیاهان و محیط – حس تعلق
۶	بررسی الگوهای معماری پایدار در اقلیم گرم و خشک نمونه موردی خانه‌های سنتی شهر کاشان	سجاد زاده، کارخانه و مکفی	۱۳۹۴	همایش ملی عمران و معماری با رویکرد توسعه پایدار	سقف گنبدی – گودال باغچه – شیشه‌رنگی – هواکش و نورگیر – پوشش گیاهی – ایوان‌ها – آجرکاری – بادگیر – فضای زیرزمینی – مصالح با ظرفیت حرارتی بالا – احجام مکعبی – دیوار ضخیم – کاهش مساحت جانبی
۷	بررسی الگوهای پایدار در معماری سنتی ایران و چگونگی نمود آن در معماری حال	عشریه و امیری رسکتی	۱۳۹۱	نشریه شهر و معماری بومی	درون‌گرایی – مصالح – حیاط مرکزی – حوض‌خانه – حداقل بازشو – ارتفاع زیاد – انحنای سقف – بادگیر– زمستان و تابستان نشین – ۳ دری و ۵ دری –
۸	معماری زمین پناه مسیری به سمت معماری پایدار	مدی و جعفری	۱۳۹۷	فصلنامه علمی معماری سبز	گودال باغچه هل – پوشش‌های نهایی بام
۹	تأثیر استفاده از مصالح بومی در طراحی معماری پایدار شهرهای کویری	سلیمی و اسدیان	۱۳۹۴	کنفرانس عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری	آجر سفال – آجر معمولی – تراورتن – گرانیت در نماسازی‌ها
۱۰	تأثیر مصالح و الگوهای معماری بومی اقلیم گرم و خشک در پایداری	روبیاتی و فروزانفر	۱۳۹۶	سومین کنفرانس پژوهش‌های معماری شهرسازی و مدیریت شهری	حیاط – نخیر و نهاز ها – سرداب‌ها – درختان – پیوستگی – ضخامت دیوار – طاق و گنبد – بالاتر بودن ارتفاع سقف – سقف دوپوسته – مصالح – بادگیر –

۱۳- فرم و شکل

فرم و شکل یک ساختمان تأثیر زیادی در میزان نورگیری و انرژی مصرفی آن دارد. همان‌گونه که از مطالعات انجام‌شده در خصوص معماری سنتی مشخص است شکل ساختمان یکی از مواردی بوده است که معماران سنتی در راستای ایجاد یک محدوده آسایش برای ساکنان به آن توجه می‌کرده‌اند؛ اما در هر شهر فقط از یک فرم و شکل برای ساختمان‌سازی استفاده نمی‌شده است و هم‌زمان از طرح‌های گوناگون برای معماری متنوع کمک گرفته می‌شده است. از همین رو با بررسی خانه‌های سنتی شهر سمنان سعی شده است که الگوی این فرم‌ها مشخص شود و در ادامه هر یک مورد تحلیل انرژی و نور قرار گیرند.

۱۳-۱- فرم و شکل خانه‌های سمنان

به‌منظور دستیابی به الگوهای سنتی خانه‌های سمنان با کمک بررسی نمونه‌های موردی خانه‌های سمنان به پنج الگوی ساخت رسیدیم که نتایج بررسی‌ها به همراه ذکر نام خانه‌های موردبررسی در جدول زیر قابل‌مشاهده می‌باشد.

جدول (۲): تقسیم‌بندی فرم خانه‌های سنتی سمنان

ردیف	نوع طرح	دیاگرام طراح	نمونه‌های موردی
۱	خانه‌هایی با طرح گودال باغچه		خانه‌های رجبی، تدین، رنجبران، ناظمیان، خطیبی، فانی، فامیلی، نظری، بیدختی
۲	خانه‌هایی با طرح I از یک‌سو باز		خانه‌های منشی الاطبا، خانه عبدوس
	خانه‌هایی با طرح I از دو سو باز	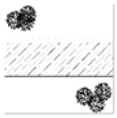	عمارت جعفری
۳	خان‌هایی با طرح		خانه‌های ادب، ترابی
۴	خانه‌هایی با طرح		خانه‌های شمالی بازار سمنان

۱۴- تحلیل انرژی فرم خانه‌های سمنان

در ادامه بعد از به دست آمدن الگوی فرم‌های طراحی خانه‌های سنتی شهر سمنان هر یک از این الگوها در نرم‌افزار شبیه‌سازی و موردبررسی قرار گرفت. همان‌طور که از جدول زیر مشخص می‌شود طرح گودال باغچه با به دست آوردن ۹۱ درصد امتیاز چالش ۲۰۳۰ بهترین فرم طراحی پلان خانه‌های مسکونی شهر سمنان می‌باشد و الگوی I دو سو باز با عدد ۶۴ درصد کمترین امتیاز را در این چالش به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۳): شبیه‌سازی کامپیوتری فرم معماری خانه‌های سمنان

ردیف	نوع طرح	دیاگرام طراح	سه‌بعدی طرح	بررسی شدت نور وارده به قسمت‌های ساختمان	عدد به‌دست‌آمده در شبیه‌سازی	درصد پایداری انرژی
۱	طرح گودال باغچه		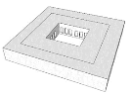	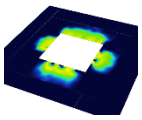		٪۹۱
۲	طرح I از یک‌سو باز		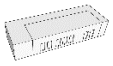	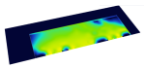	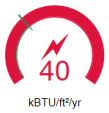	٪۶۸
	طرح I از دو سو باز	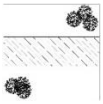	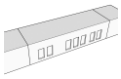	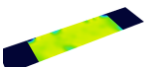		٪۶۴
۳	خان‌هایی با طرح L		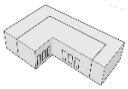	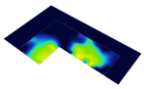	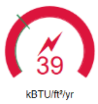	٪۶۹
۴	خانه‌هایی با طرح		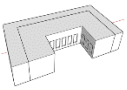	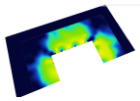		٪۸۵

۱۵- نتیجه‌گیری

تعدد خانه‌هایی با طرح گودال باغچه در بافت سنتی شهرهای کویری و همچنین خانه‌هایی با طرح U نشان از هوش و ذکاوت معماران سنتی داشته است. این مسئله بیانگر این مهم است که معماران سنتی درک بسیار بالایی از چگونگی صرفه‌جویی انرژی، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و همچنین کاهش اثرات مخرب بر روی محیطزیست داشته‌اند. در دورانی که هیچ‌گونه نرم‌افزار و محاسباتی در خصوص انرژی برای ساختمان‌ها مطرح نبوده است معماران ایرانی توانسته بودند با درک عمیق خود از معماری بهترین فرم طراحی در اقلیم گرم و خشک را مشخص و از آن برای ساخت‌وسازهای عمده شهری بهره ببرند. به کمک شبیه‌سازی فرم‌های معماری خانه‌های سنتی شهر سمنان فرم گودال باغچه با به دست آوردن امتیاز ۹۱ در چالش معماران ۲۰۳۰ بهترین عملکرد و در رتبه‌های بعدی به ترتیب طرح U با امتیاز ۸۵، طرح L با امتیاز ۶۹، طرح I از یک‌سو باز با امتیاز ۶۸ و درنهایت طرح I از دو سو باز با امتیاز ۶۴ قرار می‌گیرند؛ اما یکی از قابل‌توجه‌ترین مسائل این است که خانه‌هایی بافرم I از دو سو باز نیز توانسته بودند عدد قابل قبولی را در این چالش به خود اختصاص دهند. این امر نشان می‌دهد که معماری سنتی توجه زیادی به انرژی مصرفی ساختمان و چگونگی تطبیق آن با محیطزیست داشته است و این امر از انتخاب آگاهانه آن‌ها در خصوص فرم کلی ساختمان کاملاً مشخص می‌باشد.

منابع

۱. روح اله عشریه، مائده امیری رسکتی. (۱۳۹۱). بررسی الگو های پایدار در معماری سنتی ایران و چگونگی نمود آن در معماری حال. نشریه شهر و معماری بومی.

۲. اس ام ویلر، تی بیتلی. (۱۳۸۴). نوشتارهایی در مورد توسعه شهری. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

۳. حسین سجاد زاده، وحید کارخانه، نیلوفر مکفی. (۱۳۹۴). بررسی الگوهای معماری پایدار در اقلیم گرم و خشک نمونه موردی خانه‌های سنتی شهر کاشان. همایش ملی عمران و معماری با رویکرد توسعه پایدار.

۴. حسین مدی، الهام جعفری. (۱۳۹۷). معماری زمین پناه مسیری به سمت معماری پایدار به‌ویژه در اقلیم گرم و خشک. فصلنامه علمی تخصصی معماری سبز.
۵. خشایار کاشانی جو، مهدی بهادری. (۱۳۹۲). شناخت الگوهای معماری پایدار در بناهای مسکونی مناطق کویری ایران. همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، ۱۲.
۶. خشایار محمدی سنگ لی، سیده صدیقه قرشی. (۱۳۹۵). توسعه پایدار شهری رویکرد جهانی با راهکارهای محله مطالعه موردی : بررسی معیارهای پایداری درمعماری سنتی شهر یزد. نشریه مطالعات هنر و معماری.
۷. رحمان روبیاتی، فرید فروزانفر. (۱۳۹۶). تأثیر مصالح و الگوهای معماری بومی اقلیم گرم وخشک در پایداری مطالعه موردی معماری بومی استان خراسان جنوبی. سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری شهرسازی و مدیریت شهری.
۸. زهرا احمدی. (۱۳۹۱). بازخوانی نقش گم‌شده حیاط مرکزی در دستیابی به معماری پایدار. نشریه شهر و معماری بومی.
۹. زهرا رئیسی، مرتضی نیکروان. (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه سیستم‌های امتیازدهی ساختمان‌ها بر اساس شاخص پایداری و مقایسه با مقررات ملی کشور. نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، ۲.
۱۰. زینت سلیمی، مصطفی اسدیان. (۱۳۹۴). تأثیر استفاده از مصالح بومی در طراحی معماری پایدار شهرهای کویری نمونه موردی اقلیم گرم و خشک شهر قم. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری.
۱۱. صلاح‌الدین مولانایی، سارا سلیمانی،. (۱۳۹۳). عناصر باارزش معماری بومی منطقه سیستان بر مبنای مؤلفه‌های اقلیمی معماری پایدار. نشریه باغ نظر.
۱۲. علی خاکی، سیده اشرف سادات، اسماعیل ضرغامی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی معماری پایدار و مطابقت آن با معماری بومی خانه‌های سنتی در شهر ایرانی – اسلامی. نشریه معماری شهر پایدار.
۱۳. مقدی خدابخشیان، سید مجید مفیدی شکیرانی. (۱۳۹۱). فضاهای زیرزمینی در معماری بومی اقلیم گرم و خشک ایران. نشریه هویت شهر.
۱۴. مهدی زندیه، سمیرا پروردی نژاد،. (۱۳۸۹). توسعه پایدار و مفاهیم آن در معماری مسکونی ایران. نشریه مسکن و محیط روستا.
۱۵. مهدی همایی، محمد شجاعی. (۱۳۹۵). بررسی استراتژی‌های معماری ۲۰۳۰ به‌عنوان نقشه راهی جهت رسیدن به انتشار صفر در محیط‌های ساخت‌وساز شهری. سومی کنفرانس بین اللملی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، ۱-۳.
۱۶. ناهید صادق پی. (۱۳۸۸, بهار و تابستان). تأملی در معماری سنتی. صفه، ۱۵.

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

از نارسایی تعریف اختلاس تا ناکارآمدی شروط تحقق آن

شیما سادات حسینی مقدم[۱]

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۵
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۱
کد مقاله: ۵۸۵۸۹

چکـیده

اختلاس یکی از جرائم مهمی است که در گروه جرائم علیه اموال و مالکیت مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و طی سال‌ها دچار تغییراتی شده و در حال حاضر دارای ناکارآمدی‌هایی در قانون است. ابهاماتی که در این زمینه در قانون وجود دارد و این امر موجب شده رویه قضایی‌های متفاوتی درباره‌ی رسیدگی به پرونده‌های اختلاس ایجاد شود. مثلاً موجب شده بعضی این عمل را خیانت در امانت بگیرند و بعضی‌ها این عمل را اختلاس بگیرند. پژوهشگر در این مقاله بر آن است که ضمن بررسی جرم اختلاس در شناسایی خلأهای قانونی و تعریف این جرم راهکار نوین ارائه و مفهوم جدید از جرم اختلاس و شروط تحقق این جرم را آسیب‌شناسی کند و در نهایت ماده قانونی متناسب با اصلاحات مدنظر را پیشنهاد دهد؛ و در آخر این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا کارمندان بانک خصوصی هم می‌توانند مرتکب اختلاس شوند یا نه؟ محقق این مطالب را بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد ازآن‌جهت که آن کارمندان مأمور به خدمت عمومی محسوب می‌شوند لذا مرتکب جرم اختلاس نیز می‌شوند.

واژگـان کلـیدی: نارسایی‌های تعریفی، جرم اختلاس، شروط تحقق

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه غیر انتفاعی ارشاد دماوند

۱- مقدمه

این جرم بارزترین مصداق فساد و پرکاربردترین جرائم محسوب می‌شود. اختلاس اموال عمومی، همزاد با تشکیل حکومت‌ها مطرح بوده است؛ و قدمتی به‌اندازه خود دولت‌ها دارد. اختلاس از جمله تعدیات کارمندان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا سایر مأموران به اختلاس خدمات عمومی است که نسبت به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر، صورت می‌گیرد. یا به‌عبارت‌دیگر اختلاس، خیانت مأمورین و مستخدمین دولتی نسبت به اموالی که به مناسبت وظیفه به آن‌ها سپرده شده است تحت عنوان اختلاس مورد بحث واقع می‌شود. امروزه برای اداره‌ی جامعه و سامان بخشیدن به روابط اجتماعی و بهره‌مندی مردم از مواهب و نعمات موجود در طبیعت، بخش عظیمی از سرمایه‌ها و اموال موجود در یک کشور در اختیار کارکنان دولت قرار می‌گیرد. مسئله‌ی اختلاس در چرخه‌ی اقتصادی دولت‌ها از جمله کشور ما سیر سعودی بسیار زیادی پیدا کرده است. لذا برای حل این معضل اقتصاددانان ازیک‌طرف و حقوقدانان از طرف دیگر و سایر مسئولین ذی‌ربط سعی کرده‌اند تا هر چه بیشتر در مقابل این پدیده بایستند و از افزایش آن جلوگیری کنند و آن را درمان نمایند. نکته حائز اهمیت این است که علی‌رغم تشدید مجازات مرتکبین جرم اختلاس، ارتکاب این جرم در سطح وسیعی همچنان ادامه دارد؛ و روزبه‌روز آمار مرتکبین به این جرم بیشترمی گردد. در این تحقیق سعی نموده است به نارسایی تعریف جرم اختلاس و شروط تحقق آن و اختلاس در نظام بانکی پرداخته شود.

۲- مفهوم شناسی و اصطلاحات

۲-۱- اختلاس

اختلاس، واژه‌ای عربی است از باب افتعال و ریشه‌ی آن (خلس) است. از نظر لغوی، اختلاس به معنای ربودن، دزدیدن، پولی را پنهانی و بدون حق از صندوق بنگاه یا اداره ای برداشتن می باشد؛ و در اصطلاح ادب، بیان کردن معنی مدح است در غزل یا معنی غزل در مدح و در اصطلاح تجوید، یکی از اقسام وقف است. (حسن، عمید، ۱۳۹۰، چاپ دوم، ص۹۷) اختلاس در لغت نامه دهخدا به معنای زود ربودن و سلب کردن آمده است؛ و در اصطلاح تجوید، یکی از اقسام وقف است. (علی اکبر، دهخدا، لغتنامه دهخدا،۱۳۷۲، جلد اول، ص۱۲۷۲)

مفهوم فقهی اختلاس به معنای لغوی آن نزدیک تر است. در اصطلاح فقهی، اختلاس به معنی مالی را از محل غیر حرز و به طور مخفی ربودن است (علی اکبر، دهخدا، ۱۳۷۲، جلد اول، ص ۱۲۷۳). مرحوم آیت الله خویی در تعریف اختلاس بیان می کند: مختلس کسی است که مال را به صورت پنهانی و با استفاده از غفلت صاحب مال می رباید. مختلس مستوجب حد نیست بلکه باید تعزیر شود. (خویی، ۱۳۶۹، جلد دوم، ص۲۳۴) شیخ طوسی، مختلس را کسی می داند که چیزی را به صورت علنی در جاده ها و راه ها می رباید و بر او حد قطع نباید جاری کرد بلکه باید مجازاتی بازدارنده به کیفیتی که امام یا شخص منصوب از طرف او صلاح می داند درباره اش اجرا شود. (طوسی، بی تا، جلد۲، ص۷۴۳) در هر حال در فقه شیعی، اختلاس را ربودن (قاپ زنی) آشکار می نامند که به جای اجرای حد، مرتکب تعزیر می‌شود، چون چنین شخصی مسئول حمایت و حفاظت از اموال دولتی است و مختلس محسوب می گردد.

اما قانون گذار اختلاس را در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام این گونه تعریف کرده است که هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها یا شوراها و یا شهرداری ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهاد های انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و یا غیر رسمی، وجوه و یا مطالبات و یا حواله ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آن ها سپرده شده است به نفع خود و یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب می شوند.

۲- کارمندان دولت: افرادی هستند که طبق قانون استخدام کشوری با داشتن شرایط خاص به استخدام دولت در می آیند و از بودجه عمومی کشور استفاده می کنند و دارای سمت و عناوین رسمی سازمانی هستند. در حالی که مؤسسات عمومی که مأموریت انجام کارهای عام المنفعه عمومی را به عهده دارند مانند شهرداری ها و سایر نهادها از نظر استخدامی و بودجه و تشکیلات به نحو خاصی اداره می شوند، اما اقدام آن‌ها در انجام وظیفه محوله نسبت به اموال سپرده شده به علت اعتماد عمومی به آن‌ها در صورت خیانت، به عنوان اختلاس شناخته می‌شود. (احمد امین، بک، جلد۱، ص۸۰) درلغت، کارمند دولت کسی است که در اداره کار می کند و به عنوان عضوی از اداره تعریف شده است.

۳- مستخدم رسمی: کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از پست های سازمانی وزارتخانه ها یا مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری شده باشد.

۴- بانک: نهادی اقتصادی است که وظیفه هایی چون تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارزها، نقل و انتقال وجوه، پرداخت بدهی مشتریان، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان، انجام وظیفه قیومیت برای مشتریان، انجام وکالت خرید و فروش را به عهده دارد.

۲-۲- تعاریف حقوقدانان

بعضی از حقوقدانان در زمینه اختلاس تعاریفی را بیان کرده اند که اختلاس بر عملی اطلاق می‌شود که قصد مرتکب در تغییر دادن نحوه ی تصرف در مال سپرده شده به او باشد، یعنی قصد تصرف ناقص به تصرف کامل که از آن به (نیت تملک) تعبیر می‌شود؛ اما اگر اندکی به این تعریف دقت کنیم متوجه می شویم که این تعریف نقض بزرگی در خود دارد و آنکه این تعریف فاقد قید وصف و خصوصیت مرتکب می باشد در حالی که یکی از عناصر اختصاصی و کلیدی که این جرم را از سایر جرائم مشابه و هم صنف آن جدا می سازد وصف مرتکب جرم می باشد.

گروهی از حقوقدانان بر این نظر هستند که اختلاس یعنی اقدام موظف خدمات عامه یا شخصی که در حکم آن باشد به تصاحب و از آن خود ساختن اموال منقول و یا اوراق و یا اشیای دیگری که به سبب وظیفه در اختیار و تصرف او قرار داده شده بدون آنکه حقی نسبت به آن‌ها داشته باشد می باشد. بعضی دیگر از حقوقدانان بیان می کنند که اختلاس عبارت است از پنهان نمودن اموال دولت یا اموال افراد است که من حیث وظیفه به موظف خدمات عامه سپرده شده باشد، نکاتی که در این تعریف مهم می باشد و ضرورت به تحلیل دارد عبارت است از اختلاس یا پنهان نمودن و اموال می باشد.

۲-۳- اختلاس یا پنهان نمودن

واژه اختلاس بر حسب اصطلاح قانونی به این معنا است که شخص مال دیگری را که در حیازت او می باشد به ملکیت شخصی خود اضافه می نماید یعنی مختلس مالی که به سبب وظیفه به او سپرده شده است تصاحب و در آن تصرف مالکانه بنماید.

در حقیقت جوهره ی اختلاس به تغییر نیت موظف خدمات عامه بر می گردد که حیازت ناقص به اعتبار موظف خدمات عامه بودن به وی داده شده است به حیازت کامل تغییر داده است که در همین مفهوم خود پنهان نمودن را نیز شامل می‌شود؛ یعنی هدف ما از اختلاس برداشتن شی نمی باشد چون که برداشتن شی به اخذ شی از حیازت شخص دیگری، معنا می دهد؛ در حالی که هدف و قصد ما در بحث اختلاس این است که شی مورد اختلاس، در حیازت موظف خدمات عامه می باشد با اندکی دقت درمی‌یابیم که هدف از آوردن کلمه پنهان در این تعریف بیان کردن خصوصیت طلق بودن جرم است.

اموال: در این تعریف اموال را به طور عام ذکر کرده است که دربرگیرنده (اموال منقول و غیر منقول) می باشد. آیا می توان مال غیر منقول هم موضوع جرم اختلاس واقع شود یا خیر؟

از نظر حقوقی، به چیزی مال گفته می‌شود سه شرط اساسی باشد:

۱- مفید باشد و نیازی را برآورده کند خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی.

۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا اشخاص معین باشد.(عبدالرزاق، اسنهوری، ۱۹۶۷، جلد۸، ص۹)

۳- به طور مسلم این شی دارای ارزش اقتصادی و قابل داد و ستد باشد.

به طور خلاصه می توان گفت که مال عبارت است از عین یا حقی است که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد.(محمد جعفر، حبیب زاده،۱۳۸۵، ص۱۰۶)

اگر اختلاس را در زمره جرائم علیه اموال بیان کنیم (حق مالکیت) محسوب می‌شود که حسب مورد ممکن است به دولت یا اشخاص تعلق داشته باشد و مختلس با ارتکاب جرم، به این حق، تعدی و تجاوز می کند و حرمت مالکیت غیر را که به موجب قانون محترم شناخته شده زیر پا می گذارد. با توجه به قید پنهان نمودن که در این تعریف آمده برای ما مشخص می‌شود که فقط مال منقول موضوع جرم اختلاس قرار می‌گیرد چون تصور اختلاس و پنهان کردن در مورد مال غیر منقول وجود ندارد.

بعضی از حقوقدانان در تعریف اختلاس بیان می کنند که اختلاس اموال عمومی در همه حالاتش یک جرم عمدی است، علاوه بر آن باید قصد خاص نیز باشد؛ بنابراین اگر کارمند دولت در محافظت از مالی که به سبب وظیفه به او سپرده شده است، کوتاهی کند و در نتیجه مال از بین برود جرم اختلاس به چنین کارمندی صدق نمی کند. (محمود، نجیب حسنی، ۱۹۸۸، ص۱۰۳)

۲-۴- وضوع جرم اختلاس

در این رابطه دو نظریه متفاوت بین حقوقدانان ایران وجود دارد. الف) عده ای بر این عقیده اند که اختلاس چنانکه در مورد مال منقول واقع می‌شود، در مورد مال غیر منقول نیز واقع می‌شود. در حالی که در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء،

اختلاس و کلاهبرداری علاوه بر وجوه و مطالبات اشاره به (سایر اموال متعلق به دولت) کرده است بنابراین می توان نتیجه گرفت که جرم اختلاس هم شامل اموال منقول و هم غیر منقول می‌شود و اگر یکی از کارکنان وجوه عمومی یا اموال منقول و غیر منقول را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مشمول جرم اختلاس قرار خواهد گرفت.(هوشنگ، شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص۱۳۶)

ب) در مقابل نظریه فوق، برخی از حقوقدانان دیگر بر این باورند که هر چند واژه سایر اموال به طور مطلق ذکرشده ولی به نظر این ها موضوع جرم اختلاس فقط اموال منقول است. وجوه، مطالبات، حواله، سهام و اوراق بهادار هر کدام مصداقی از مال منقول است و به نظر می‌رسد باید در این مورد به قدر متیقن اکتفاء کرد و از توسعه دامنه مقرره جزایی جلوگیری کرد و موضوع جرم اختلاس را فقط شامل اموال منقول دانست.

و بالاخره به نظر این عده، بزه اختلاس هم مانند سرقت در مورد مال غیر منقول مصداق ندارد؛ زیرا غیر منقول را نمیتوان ربود و با توجه به معنای لغوی اختلاس (ربودن) و مفهوم اصطلاحی آن در فقه (ربودن مال از غیر حرز) و این که در قانون ما اختلاس نوعی خاص از خیانت در امانت است و مال موضوع بزه خیانت در امانت منقول می باشد و همچنین اموال غیر منقول را نمیتوان برداشت کرد، می گویند جرم اختلاس تنها شامل اموال منقول می‌شود.(عباس، خویباری، ص۵۸ و یزدانی نجف آبادی، فائزه، ۱۳۵۴،۱۳۵۳ص۵۵) اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۱۳۷۳/۷/۴۲۱۸،۲۴/۷ اشعار می دارد: که اختلاس شامل اموال غیر منقول نمی‌شود و منصرف به اموال منقول است.(بهمن، کشاورز،۱۳۷۵، ص۱۵۱)

۳- سابقه قوانین جرم اختلاس

۳-۱- اختلاس

برای اولین بار جرم اختلاس در ماده ۱۵۲ (۱) قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ پیش بینی شده است. در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۰۶، قانون مجازات مختلسین اموال دولتی به تصویب رسیده که ماده ۲ آن مربوط به اختلاس بود سپس در سال ۱۳۰۸، ماده واحده متمم قانون جزای عمومی دولت به تصویب رسید و وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ را تعریف کرد. در سال ۱۳۰۷، قانون محاکمات نظامی به تصویب رسید که ماده ۲۷۱ آن ناظر بر جرم اختلاس بود. این قانون در سال ۱۳۱۸ با تصویب قانون دادرسی و کیفر ارتش نسخ گردید که در ماده ۴۰۰ قانون اخیر، جرم اختلاس مورد اشاره واقع شده بود؛ و در سال ۱۳۵۲، قانون مجازات عمومی اصلاح شد و برای اولین بار جرم اختلاس را از تصرف غیر قانونی تفکیک گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری در سال ۱۳۶۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید؛ و اختلاس در ماده ۱۷ کنوانسیون مریدا و در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تایید ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و در ماده ۱۱۹ مجازات جرائم نیروهای مسلح و در مواد ۱۲۱تا ۱۲۴ تعزیرات بیان شده است.

۳-۲- مستخدم دولت

مستخدم دولت در حقوق اداری به گونه های مختلف تعریف شده است و از زوایای مختلف به وضعیت حقوقی او نگریسته می‌شود و گاه الفاظ به کار برده شده در نصح قانون عده خاصی از مستخدمین را شامل می‌شود و در مواردی به صورت کاملاً گسترده به آن نگریسته شده است، به گونه ایی که شامل بسیاری از کسانی می گردد که از دیدگاه حقوق اداری نمی توان آن ها را مستخدم به حساب آورد. (عبدالحمید ابوالحمد، جلد ۴، ۱۳۷۰، ص۳۸،۳۵و۱۱ و منوچهر مؤتمنی، جلد۲، ۱۳۷۴، ص۱۵۳،۱۶۵ و رضا موسی زاده، ۱۳۷۷، ص۱۷۳،۱۷۶) در قوانین و مقررات جزایی، قانون گذار با الفاظ و تعبیرات مختلف از مستخدم دولت یاد کرده است و همواره یک مفهوم و معنای خاص را مدنظر نداشته است از جمله ماده ۷ قانون مدیریت کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ که این ماده کارمند دستگاه اجرایی را فردی می‌داند که براساس ضوابط و مقررات مربوطه، به موجب حکم و یا قرار داد مقام صلاحیت دار در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می‌شود؛ و در ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات نیز کارمند دولت را تعریف کرده است و در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری هم مستخدم دولت را تعریف کرده است.

اما این ایراد دارد که در قوانین مختلف کارمند دولت را به یک شکل تعریف کرده است و ما باید یک تعریف جامع و کاملی را از مستخدم دولت داشته باشیم.و از تبعات این که در قوانین مختلف کارمند دولت را تعریف کرده موجب شده بعضی مقامات را از قلم بیندازد.[1]

۱- وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون کیفر همگانی نه تنها وظیفه ای است که به موجب قانون با نظام نامه اداری تعیین می شود بلکه هر کاری یا وظیفه ای که مستخدم رستمی یا غیر رسمی عملاً به امر مافوق انجام می دهد وظیفه او باید شناخته شود.

۳-۳- آسیب‌شناسی ماده ۵ قانون تشدید

مرتکب جرم اختلاس باید از کارکنان و یا کارمندان مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری باشد؛ بنابراین کارمندان شرکت‌های خصوصی یا کارمندان بخش خصوصی که در اموال، مرتکب خیانت می شوند یا اشخاص عادی که به دلایلی اموال دولتی در اختیارشان قرار می‌گیرد و آن ها را تصاحب می کنند از شمول این ماده خارج می باشند؛ و این ایراد است و این ماده باید به این شکل اصلاح شود که هرگاه هر یک از کارکنان دولت اعم از رسمی، پیمانی، آزمایشی و قرار دادی که برحسب وظیفه اموال منقول مربوط به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت به امانت سپرده شده است را در اختیار داشته و آن‌ها را عالماً و عامداً به نفع خود یا شخص ثالثی برداشت یا تصاحب نمایند مختلس محسوب می شوند.(الهی منش و مرادی او جقاز، ۱۳۹۳)

ایراد بعدی این است که یک سری از مقامات را از قلم انداخته است و ما می توانیم آن را به یک سری از مقام های دولتی دیگر هم تسری بدهیم.

یک اشکل دیگر نیز این است که مجازات های مذکور در این ماده برای اختلاس با توجه به ارزش مالی است که اختلاس شده است و این احتیاج به متناسب سازی و به روزآمد کردن دارد.

به نظر می آید آوردن واژه (برداشت) در تعریف جرم اختلاس موردی ندارد، زیرا یکی از شرایط تحقق جرم اختلاس، سپردن مال در اختیار مستخدم دولت می باشد و وقتی چنین شد دیگر برداشت معنایی ندارد بلکه معیار، همان تصاحب و تغییر جهت دادن مال می باشد زیرا وقتی مال در اختیار کسی می باشد دیگر برداشت مجدد معنا ندارد و همین که مالی که به طور امانی و به عنوان کارمند دولت بودن در اختیارش قراردارد را به ملک شخصی خود یا دیگری وارد کند اختلاس صورت گرفته است. در حقیقت چون جرم اختلاس برگرفته شده از حقوق فرانسه می باشد، در حقوق فرانسه واژه اختلاس به کار رفته است مقنن ایرانی نیز همین واژه را در عنصر قانونی جرم اختلاس آورده اند.

۳-۴- مقایسه برداشت و تصاحب

در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، واژه برداشت و تصاحب را با حرف (واو) در کنار یکدیگر قرار داده است در حالی که در ماده ۷۵ قانون تعزیرات این دو واژه با حرف (یا) در کنار هم قرار گرفته اند. واژه ی برداشت مصدر مرخم و مخفف برداشتن است. برخی از لغویین آن را به آنچه دکاندار یا یکی از دو شریک از نقود حاضر بهر خود برگیرد، معنا می کنند، برداشت کردن را به دخل یا صندوق مشترک و یا انحصاری مبلغی به نام خود تصرف کردن، معنا می کنند. (علی‌اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا زیر نظر دکتر محمدمعین و دکتر سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۲، جلد۳، ص۳۹۳۷)

اما تصاحب یعنی مالکیت و صاحب شدگی، صاحب و مالک شمردن و شدن است. تصاحب کردن مصدر مرکب به معنای مالک شدن، در تصرف خود در آوردن می باشد.(علی‌اکبر دهخدا، لغت نامه ی دهخدا زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۳، جلد۴، ص۵۹۲۳)

۳-۵- شروط تحقق جرم اختلاس

جرم اختلاس بر پنج محور استوار است: ۱، ویژگی مرتکب ۲، عمل اختلاس ۳، نوع اشیاء اختلاس شده ۴، تسلیم این اشیاء به جانی به سبب وظیفه ۵، قصد (احمد امین، بک، جلد۱، ۱۳۷۰، ص۸۰)

در کنار سایر شروط از جمله شروط ضرری برای تحقق جرم اختلاس این است که مرتکب از کارمندان و کارکنان دولت یا مؤسسات مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری باشد این ماده با عبارت (هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها.....) شروع می‌شود. لذا اصل این است که اختلاس، ناظر بر جرائم کارکنان دولت بوده و مرتکب نیز بایستی درحین برداشت یا تصاحب (کارمند دولت) باشد. همچنین به طور استثنا، دخل و تصرف در اموالی که بر حسب وظیفه به کارمندان دولت سپرده شده نیز در حکم اختلاس است و بزهی که در بخش دولتی مثل شرکت دولتی، اختلاس نام دارد در بخش خصوصی مثل شرکت‌های خصوصی ممکن است ازمصادیق سرقت، کلاهبرداری و یا خیانت در امانت باشد.(الهی منش و مرادی اوجقاز،۱۳۹۳، ص ۱۸۲،۱۸۳) کارمند بخش خصوصی از آن جهت که آن ها مأمور به خدمت عمومی محسوب می شوند لذا مرتکب جرم اختلاس نیز می شوند.(بهنام، رمسیس، ص۶۹،۷۰)

قانون گذار ما در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، کارمند دولت بودن را یکی از عناصر تحقق جرم اختلاس می‌داند.

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز طی دو نظریه مشورتی براین باور می باشد که:

اولا اصل بر این است که تصرف وتصاحب در اموال متعلق به دولت از مصادیق جرم اختلاس است و استثنائاً دخل و تصرف در اموالی که بر حسب وظیفه به کارمندان دولت سپرده شده در حکم اختلاس است.(غلامرضا، شهری و ستوده جهرمی، سروش، نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱ ناشر روزنامه رسمی کشور، ص۴۶۴)

ثانیا" بزهی که در بخش دولتی اختلاس نام دارد در بخش خصوصی ممکن است از مصادیق خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا سرقت باشد. (غلامرضا، شهری و ستوده جهرمی، سروش، نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱ ناشر روزنامه رسمی کشور ص۴۶۵)

مال مورد اختلاس باید متعلق به دولت یا مردم ولیکن در اختیار دولت باشد.

شرط دیگر تحقق بزه اختلاس، سپرده شدن موضوع جرم به مرتکب است. از دیگر شرایط تحقق جرم اختلاس این است که مال موضوع جرم باید قبلا به مرتکب تسلیم یا سپرده شده باشد بنابراین، موضوع جرم باید برحسب وظیفه و به اعتبار شغل و سمت اداری به مرتکب (کارمند) سپرده شده باشد. مقنن در این خصوص در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مقرر می دارد: (... که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است) همچین مراد از سپرده شدن، تسلیم مال به مرتکب است. (ایرج، گلدوزیان، ۱۳۸۸، ص۲۷۴)

مرتکب اختلاس باید مال را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب و اتلاف عمدی کند و اختلاس از جمله جرائم عمدی است و برای تحقق عمد، لازم است که تصاحب و یا از بین بردن مال متعلق به دولت که در ید امانی مرتکب بوده است معلول قصد آگاهانه کارمند باشد.

اما اگر بر اثر بی احتیاطی یا اشتباه در محاسبه از ناحیه صندوق داران مبلغی از وجوهی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است کسری حاصل گردد این اندازه اقدام مرتکب به علت فقدان قصد مجرمانه اختلاس محسوب نمی‌شود.(ولیدی، محمدصالح، ۱۳۷۳، ص۳۱۵)

اتلاف عمدی: حقوقدانان تلف کردن را به از بین بردن معنا کرده اند؛ و نحوه ی تلف کردن در ماهیت امر موثر نیست، بلکه نفس تلف کردن موضوعیت دارد بنابراین، تخریب و آتش زدن می تواند از مصادیق تلف کردن باشد.(حسین، میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص۱۴۸، ۱۴۷، ۱۳۸، ۱۳۷) بنابراین، اتلاف مال عبارت است از ارتکاب رفتاری که مال را از حیز انتفاع خارج کند یا نقصی فاحش به آن وارد سازد که ارزش اولیه خود را از دست دهد.(محمود، نجیب حسنی،۱۹۸۴، ص۴۹۱،۴۹۰)

شرط دیگر این است که همه ی این اعمال باید بر حسب وظیفه باشد یعنی وقتی جرم اختلاس تحقق می یابد که مال دولت یا اشخاص دیگر به حسب وظیفه در اختیار وی باشد بنابراین اگر کارمند دولت باشد اما قبل از حیازت بر مال و یا بعد از حیازت بر مال، اموال را تصاحب کند مختلس شمرده نمی‌شود.(نجیب حسنی، محمود، ۱۹۸۸ص۹۷)

برای تحقق جرم اختلاس لازم است وقوع جرم و سوء نیت و یا اتلاف عمدی احراز شده باشد. در جرم اختلاس همانند سایر جرائم لازم است که مرتکب دارای سوءنیت عام و خاص باشد.

سوءنیت عام: در جرم اختلاس همان قصد برداشت و تصاحب و اتلاف عمدی اشیاء به نفع خود یا دیگری است و سوءنیت خاص تحصیل منفعت برای مرتکب و اضرار به دولت می باشد.در واقع باید بین عمل مرتکب و حصول نتیجه که همان تحصیل مال یا نفعی است رابطه علیت موجود باشد.(شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۵، ص۱۳۸)

اداره حقوقی قوه قضاییه با تاکید بر لزوم احراز سوء نیت می گوید: مأمورین و مستخدمین دولتی که اموال، وجوه و یا سایر اشیاء دولتی که بر حسب وظیفه به ایشان سپرده شده است هر گاه این اموال مذکور را به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نمایند مشمول مقررات تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری خواهند بود؛ و در صورت عدم احراز سوء نیت وقوع جرم با توجه به مسئولیت ناشی از امانت و مقررات قانون مسئولیت مدنی با آن ها رفتار می‌شود.(کشاورز، بهمن، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص۱۵۳)

دیگر شرط تحقق این جرم این است که لازم است قصد مجرمانه یا سوء نیت خاص وجود داشته باشد و این قصد در همه حالات، آگاهی مرتکب به وجود ارکان جرم از جمله علم وی به این که مال، مال دیگری است را طلب می کند.(محمود، نجیب حسنی۱۹۸۸، ص۱۱۹)

۴- اختلاس در نظام بانکی

از جمله بانک های دولتی شامل بانک های تجاری دولتی مثل بانک ملی ایران، بانک سپه و پست بانک ایران است و بانک های تجاری نیمه دولتی شامل بانک تجارت و بانک ملت و بانک صادرات ایران است و بانک های تخصصی دولتی شامل بانک توسعه صادرات ایران و بانک صنعت و معدن و بانک کشاورزی و بانک مسکن و بانک توسعه تعاون می باشد و بانک های تخصصی نیمه دولتی شامل بانک رفاه کارگران است.

و بانک های خصوصی شامل بانک اقتصاد نوین و بانک پارسیان و بانک کار آفرین و سامان و پاسارگاد و سرمایه و سینا و بانک شهر و بانک گردشگری و بانک ایران زمین و بانک قوامین و بانک آینده و بانک دی و بانک انصار و بانک حکمت ایرانیان می باشد؛ و بانک قرض الحسنه شامل بانک قرض الحسنه مهر ایران و بانک قرض الحسنه رسالت می باشد.

اما در سال‌های اخیر خیلی از بانک ها خصوصی شدند از جمله بانک صادرات و بانک تجارت که بانک صادرات از سال ۸۸ خصوصی شد؛ اما بانک ملی دولتی محسوب می‌شود؛ و یکی از خبرهای اصلی رسانه ها و جرائم اعلام اختلاس های مختلف از نهادها و سازمان های مختلف دولتی تا بانک ها و موسسات مالی بوده است گذری سطحی به انواع اختلاس های رخ داده طی چند سال اخیر، نشان می دهد نظام بانکی ایران به دلایل مختلف، به طور متوسط هر ماه شاهد اختلاس هایی بوده که در مواردی رقم آن ها به بیش از هزار میلیارد تومان هم رسیده است.

اختلاس مشهور سه هزار میلیاردی مه آفرید خسروی، اختلاس چند هزار میلیاردی بابک زنجانی، اختلاس در بانک صادرات، بانک ایران و ونزوئلا، اختلاس در صندوق ها و موسسات مختلف و اخیرا هم اختلاس در بانک ملت و صندوق بازنشستگی فرهنگیان، اینها برخی از موارد متعددی است که در این سال‌ها مورد تایید قوه قضائیه قرار گرفته و اعلام شده است. درتمام این موارد، نقص سیستم بانکی کشور عامل اصلی یا بخشی از فرآیند اختلاس بوده است.

سئوالی که به ذهن می‌رسد این است که دلیل این تعداد اختلاس با این ارقام نجومی چیست ؟ آیا مشکل از قوانین و ساختار بانکی ایران است یا مدیران و کارمندان این سیستم مشکل آفرین هستند و راهکار جلوگیری و برخورد با این اختلاس ها چیست ؟

با بررسی نظریه کارشناسان چند علت اصلی را می توان معلول اختلاس در سیستم بانکی اعلام کرد:

۱، ضعف دستگاه نظارتی و بازرسی. ۲، مدیریت های طولانی. ۳، عدم برخورد فوری و کافی مسئولان بانک ها با این پدیده. ۴، وجود روابط ناسالم اداری در میان مسئولان و کارکنان با مشتریان. ۵، شگردهای مخصوص برخی مشتریان بانک برای آلوده کردن کارمندان. ۶، ضعف اطلاع رسانی. ۷، سوء مدیریت ها و تعدد ارکان تصمیم گیری.۸، عدم احراز شرایط مناسب برای انتصاب و انتخاب مدیران.

۵- راهکارهای جلوگیری از اختلاس

۱، نهادینه شدن نظارت بر سیستم بانکی ۲، دفاع از حقوق افراد جامعه ۳، شفافیت سیستم بانکی و نظارت کافی بر آن ۴، تقویت مدیریت خرد وکلان ۵، وجود ابزار دقیق نظارتی و انتخاب افراد شاسته و سالم در نظام بانکی کشوراست. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چارچوب های حقوقی مقابله با فساد مالی)

۵-۱- اختلاس توسط کارمندان بانک خصوصی

امروزه با توجه به سیاست های خصوصی سازی اصل ۴۴ خیلی از سازمان ها به سمت خصوصی سازی رفتن پس مهم که در مورد اختلاس تعیین و تکلیف کنیم.چرا باید وحدت در رویه وجود نداشته باشد یک سری از کارمند بانک خصوصی که مرتکب اختلاس می شوند را خیانت در امانت می گیرند و یک سری ها را اختلاس می گیرند. در یک پرونده ای یکی از شعب بانک خصوصی شکایتی تحت عنوان اختلاس علیه کارمند خود مطرح نموده است به این شرح که متهم به عنوان کاربر بانک، چک های مشتریان که در سامانه متمرکز (جام) سامانه چکاوک بانک مرکزی که به بانک سپرده شده بوده را تصاحب کرده و وجوه آن را به حساب شخصی خود یا اعضاء خانواده اش واریز نموده است. دادگاه کیفری ۲ به استناد ماده ۵ قانون تشدید متهم به اتهام اختلاس محکوم می نماید، اما دادگاه تجدید نظر با این استدلال که این بانک خصوصی است از اعداد بانک های دولتی خارج شده به جهت عدم تحقق ارکان بزه اختلاس، رأی بدوی را نقض و حکم به برائت محکوم علیه صادر نموده است. مهم ترین موضوع ماهوی موجود در رأی مورد بحث، صدور حکم برائی متهم از اتهام اختلاس است.

اختلاس یکی از تعدیات مأمورین دولتی نسبت به اموال و وجوه متعلق به دولت و بیت المال است. این جرم مختص کارمندانی است که اموال دولتی را به قصد تحصیل منفعت برداشت می کنند. (محمد صالح، ولیدی، جلد ۵، ۱۳۷۳، ص۳۱)

یکی از محوری ترین تفاوت های جرم اختلاس با جرائم دیگر به ویژه خیانت در امانت، شخصیت مرتکب می باشد، جرم اختلاس عبارت است از خیانت در امانت کارکنان دولت در اموال دولت یا اموال شخصی که نزد دولت سپرده شده باشد. (صادق، منتی نژاد، ۱۳۸۶، ص۲۷۷) برخی از اساتید حقوق این جرم را از فروض جرم خیانت در امانت دانسته اند. (حسین، میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص۱۸۴) و برخی جرم اختلاس را مصداق مشدد جرم خیانت در امانت دانسته اند.(عوض، نور زاد، ۱۳۸۳، ص۱۳۱،۱۰۶)

نکته مهم در بزه اختلاس این است که اختلاس عبارت است از تصاحب مال موضوع جرم و خارج نمودن آن از تملک دولت، به‌عبارت‌دیگر مادامی که عملیات اجرایی، موجب تصاحب مال نگردد، مشمول جرم اختلاس نبوده و ممکن است در قالب جرم های دیگر نظیر، استفاده غیر مجاز قرار گیرد.(صادق منتی نژاد، ۱۳۸۶، ص۲۹۳) استدلال دادگاه تجدید نظر در صدور رأی مورد نقد عام بوده که با توجه به غیر دولتی بودن این بانک محکومیت متهم به اتهام اختلاس فاقد وجاهت قانونی است. این استدلال و رأی صادره از جهات زیر مورد انتقاد می باشد. مرتکب بزه اختلاس، بر طبق ماده ۵ فوق الذکر، کارمندان دولت، شورا ها، شهرداری‌ها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و همچنین مأمورین به خدمات عمومی می باشد، این مأمورین به خدمات عمومی در قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵/۰۲/۰۹ آمده است.

ماده ۳ این قانون: مأمورین به خدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات زیر خدمت می کنند:

۱- مؤسسات خیریه که به حسب ترتیب وقف یا وصیت، مسئولیت آن‌ها با حاکم عصر است.

۲- مؤسسات خیریه و مؤسسات عام المنفعه که دولت یا شهرداری اداره می کند و یا تحت نظردولت اداره می‌شود.

۳- مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات دیگر که تحت نظر دولت اداره می‌شود.

باعنایت به توضیحات فوق، به نظر می‌رسد بانک های خصوصی مؤسسات انتفاعی هستند که تحت نظر دولت (بانک مرکزی) اداره می‌شود. پس مشمول بند سوم ماده فوق الذکر می باشد. طبق ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۰۴/۱۸ تأسیس بانک و اشتعال به عملیات بانکی و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسات اعتباری فقط طبق مقررات این قانون ممکن است و تأسیس بانک در ایران موکول به اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از بانک مرکزی ایران است.

بنابراین بانک ها چه دولتی و چه خصوصی هر دو به عنوان مؤسسات تحت نظارت دولت بوده که با شعب گسترده و متعدد در سطح کشور به ارائه خدات عمومی می پردازند؛ و از حیث خدمات عمومی بانک های خصوصی حتی از برخی بانک های دولتی گسترده تر عمل می نمایند؛ و از آن جهت که بانک خصوصی با کمک مستمر دولت اداره می‌شود مشمول ماده ۵ سابق الذکر خواهد بود.

صرف نظر از درستی یا نادرستی از تصمیم دادگاه تجدید نظر در خصوص اختلاس نداستن عمل مرتکب، به نظر می‌رسد بهتر بود این دادگاه به ماهیت رفتار ارتکابی متهم به طور کلی رسیدگی و نسبت به آن اظهار نظر می کرد.(مطابق ماده ۲۸۰ قانون آ. د.ک ۱۳۱۴ عنوان اتهامی که در کیفر خواست ذکر می‌شود مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست.)

نظر دادگاه تجدید نظر چنانچه معتقد به ارتکاب بزه اختلاس توسط کارمند بانک خصوصی نبود، می توانست با اجازه حاصل از ماده ۲۸۰ قانون مذکور حداقل متهم را به عنوان یک شخص عادی که اموال بانک نزد وی امانت بوده و خیانت کرده در نظر می گرفت و بر طبق ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۱ آن را به اتهام خیانت در امانت یا حتی تحصیل مال از طریق نامشروع (موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری) محکوم می نمود، چرا که اصل تصاحب وجوه توسط متهم محرز و ادله کافی برای انتساب بزه وجود داشت.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادها

در تعریف اختلاس بیان شده که اختلاس یکی از تعدیات کارمندان دولت و مأموران به خدمات عمومی است و برداشت غیرقانونی اموال دولتی و غیر دولتی که توسط کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت انجام می‌گیرد، گفته می‌شود .اختلاس به صورت برنامه ریزی شده و منظم و پنهان بدون رضایت و آگاهی دیگران انجام می پذیرد. آنچه در اختلاس صورت می‌گیرد عبارت است از برداشتن مبالغ از محل، مالی که مالکان بی اطلاع هستند. مثل حسابهای بانکی(راکد یا غیر راکد) و وارد کردن آن در امور سرمایه گذاری که در اکثر موارد افراد، اختلاس کننده اصل وجه را به حساب یا محل قبلی بر می گردانند و سود حاصل شده را مالک می شوند. در تعریف اختلاس در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری بیان شده است که مرتکب جرم اختلاس باید از کارکنان و یا کارمندان مذکور در این ماده باشد و حتی در شرایط تحقق جرم اختلاس کارمند دولت بودن را از جمله شروط ضروری برای تحقق جرم اختلاس می داند بنابراین کارمندان شرکت‌های خصوصی یا کارمندان بخش خصوصی مثلاً کارمندان بانک خصوصی که اموال به آن ها سپرده شده مرتکب خیانت می شوند یا اشخاص عادی که به دلایلی اموال دولتی که در اختیارشان قرار می‌گیرد و آن ها را تصاحب می کنند از شمول این ماده خارج می باشند در حالی که بیان شد که این با ایراد مواجهه است و ماده باید به این شکل اصلاح شود که، هر گاه هر یک از کارکنان دولت اعم از این که کارمند بخش دولتی باشد یا کارمند بخش خصوصی باشد اعم از رسمی، پیمانی، آزمایشی و قراردادی، بر حسب وظیفه اموال منقول مربوط به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت به امانت سپرده شده است را در اختیار داشته و آن ها را عالماً و عامداً به نفع خود یا شخص ثالثی برداشت یا تصاحب نمایند مختلس محسوب می شوند؛ و از آن جهت که کارمند بخش خصوصی مأمور به خدمت

عمومی هستند می‌توانند مرتکب اختلاس شوند می توان دایره این جرم را به اموال بانک های خصوصی شرکت‌های سهامی غیر دولتی، تعمیم داد.

منابع

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دوم، انتشارات شهرزاد، ۱۳۹۰
۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ اول از دوره ی جدید ۱۳۷۲
۳. خویی، سیدابوالقاسم، مبانی تکلمه المنهاج – جلددوم، انتشارات مطبعه العلمیه، ۱۳۶۹
۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا
۵. بک، احمد امین، شرح قانون العقوبات الاهلی، الدار العربیهّ الموضوعات، جلد۱،۱۳۷۰
۶. اسنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ۱۹۶۷، جلد۸
۷. حبیب زاده، محمد جعفر، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال) – چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵
۸. نجیب حسنی، محمود – جرائم الاعتداء علی الاموال، بیروت، دارالنهضه العربیه، ۱۹۸۴
۹. شامبیاتی، هوشنگ، جرائم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۱۰. خویباری، عباس، پایان نامه، بررسی بزه خیانت در امانت، اختلاس، تصرف غیر قانونی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و یزدانی نجف آبادی، فائزه، مطالعه تطبیقی تعدیات ماموران دولت نسبت به دولت در حقوق ایران و فرانسه، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی – سال۱۳۵۳،۱۳۵۴
۱۱. کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات –گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۵
۱۲. ابوحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، جلد۴، تهران، توس، ۱۳۷۰
۱۳. طباطبایی، موتمنی، منوچهر، حقوق اداری، جلد۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴
۱۴. موسی زاده – رضا، حقوق اداری، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۷
۱۵. ۱۶، الهی منش، محمد رضا ومرادی او جقاز، محسن – حقوق جزای اختصاصی۲ (جرائم علیه اموال و مالکیت) – انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۳
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد سوم، چاپ اول از دوره جدید۱۳۷۲
۱۷. الهی منش، محمد رضا و مرادی اوجقاز، محسن، پیشین، ص۱۸۳،۱۸۲
۱۸. رمسیس، بهنام، الجرایم المضرهّ بالمصلحهّ العمومیهّ –منشأ المعارف بالاسکندریهّ،
۱۹. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، ناشر روزنامه رسمی کشور، چاپ دوم، ۱۳۷۷ –ص۴۶۴، نظریه اداره حقوقی شماره ۳۷/۷تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۷
۲۰. گلدوزیان، ایرج، جرائم علیه تمامیت جسمانی و صدمات معنوی و اموال و ملکیت و امنیت و آسایش عمومی، چاپ هفتم، مؤسسه ی انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۰
۲۱. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد پنجم، تهران، نشرخیام، چاپ اول، ۱۳۷۳
۲۲. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۵
۲۳. نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ۱۹۸۸و احمد ابورالروس – قانون الجرایم التزییف و التزویر و الرشوه و اختلاس المال العام من الوجهه القانونیه والفنیه ۱۹۹۷
۲۴. شامبیاتی، هوشنگ، جرائم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۲۵. نظریه شماره ۱۴۵۹/۷، مورخ ۱۳۷۰/۶/۱۳ نقل از کشاورز بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات ۱۳۷۵، گنج دانش، چاپ اول
۲۶. منتی نژاد، صادق، حقوق کیفری مالی(جرائم مالی علیه دولت)، چاپ اول، تهران، ناشر دیوان محاسبات کشور، ۱۳۸۶
۲۷. نورزاد، عوض، بررسی جرائم اختلاس و تصرف غیر قانونی در اموال دولت، انتشارات آریان، ۱۳۸۳

ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی
سال چهارم، شماره ۹ (پیاپی: ۲۳)، اسفند ۱۳۹۸

بررسی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه

ملوک صفرپورفیضی[۱]

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۳/۰۴
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۷
کد مقاله: ۲۸۰۸۹

چکـیده

دوره متوسطه اول از حساس‌ترین دوره‌های زندگی افراد به شمار می‌رود. در این دوره آموزش و تربیت اخلاقی نقش مهمی در رشد روانی – اجتماعی نوجوانان دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی (امانت‌داری، صداقت، محبت، قناعت و ساده زیستی، مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران) در کتاب‌های تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول است. روش مورد نظر تحلیل محتوای آمیخته و جامعه آماری آن کتاب درسی تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه در سال ۹۷-۱۳۹۶ است.

واژگـان کلـیدی: اخلاق، تربیت اخلاقی، تحلیل محتوا، کتاب درسی تفکر و سبک زندگی

۱- کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)

۱- مقدمه

دوره نوجوانی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی دانش آموزان به شمار می‌رود. اوج بحران‌های روحی و روانی به دلیل پدیده بلوغ در این دوران تشدید می‌شود حس استقلال شوق پیوستن به گروه، کاهش نیاز به حمایت‌های خانواده، عدم توجه به قوانین موضوعه جامعه در این سنین نمود پیدا می‌کنند و در صورتی که نظام آموزش و پرورش برنامه ویژه‌ای برای هدایت استعدادهای دانش آموزان در مسیر صحیح زندگی نداشته باشد، یقیناً با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. سلامت روحی، آرامش و شادابی انسان در زندگی فردی و خانوادگی حتی سلامت و امنیت اجتماع، بیش از هر چیز دیگر، در گروی رعایت هنجارهای اخلاقی است. شاید به دلیل نقش مهم اخلاق در سعادت فردی و اجتماعی است که خداوند نیز تهذیب اخلاقی را یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران قرار داده تا انسان به واسطه طهارت درونی و سلامت نفس در مسیر کمال حقیقی خود قرار گیرد سخن پیامبر اکرم (ص) بهترین گواه این مدعاست. "همانا مبعوث شدم تا اخلاق حسنه را به کمال برسانم. مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی بخصوص در دوران معاصر با رشد و پیشرفت سریع علم و تکنولوژی باعث شده است که انسان در عصر جدید تنها برای امور مادی و اقتصادی ارزش قائل شده و امور معنوی و اخلاقی را به دست فراموشی بسپارد. امروزه این کم توجهی به امور و ارزش‌های اخلاقی و معنوی انسان‌ها نمودهای ناخوشایند و منفی به خود گرفته است. تا جایی که در بسیاری از کشورهای جهان، تلاش‌های گسترده‌ای در جهت آموزش‌های اخلاقی صورت گرفته است تا شاید خلا معنوی موجود در جامعه خود را به نحوی برطرف کنند و از آثار و عواقب آن بکاهند. در این راستا بر اساس یافته‌های زان[1] و وجی[2] (۲۰۰۷)، در چین کتاب‌های درسی از سال ۲۰۰۳ در حال بازنگری هستند. در این بازنگری آموزش اخلاق نقش عمده‌ای در متون درسی دارد. بوگه[3] (۲۰۰۶)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در مدارس دانمارک آموزش اخلاق نمی‌تواند به‌عنوان موضوع جداگانه در کنار یا به‌عنوان جایگزینی برای آموزش مذهبی کارآیی داشته باشد. بااین‌حال در این کشور در دهه ۱۹۷۰، نیاز به معرفی یک برنامه منظم آموزش اخلاقی در مدارس به رسمیت شناخته شد. تربیت اخلاقی موضوعی میان‌رشته‌ای است که از یک‌سو، با روانشناسی و از سوی دیگر با علوم تربیتی و اخلاق ارتباط دارد. علم اخلاق ارزش‌های مقبول را در اختیار تربیت اخلاقی قرار می‌دهد و به او می‌گوید چه ارزش‌هایی را باید به دانش آموزان بیاموزد. روانشناسی ماهیت رشد اخلاقی، مراحل رشد اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن را بیان می‌کند و در نهایت علوم تربیتی اصول و روش‌های عام تربیت را در اختیار این موضوع قرار می‌دهد (داودی، ۱۳۹۶). یکی از مهم‌ترین مباحثی است که با آفرینش انسان‌ها همواره با وی بوده است. ارتقاء سطح رشد اخلاقی افراد، یکی از اساسی‌ترین اهداف نظام تعلیم و تربیت غالب جوامع است و سعی آن‌ها بر این است که انسان‌هایی متعهد، مسئولیت‌پذیر، عدالت‌خواه، نیک منش و متخلق به اخلاق تربیت نمایند (نجاتی پور، ۱۳۹۲). حسنی (۱۳۹۱) معتقد است برنامه درسی تربیت اخلاقی عبارت است از برنامه‌ریزی برای چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی قابلیتهای اخلاقی و همچنین توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی، به منظور نیل به فضائل عالی اخلاقی و دوری از رذیلتها و نابود کردن آنهاست. این برنامه‌ریزی شامل محتوای رسمی و غیر رسمی، شیوه های تدریس، شیوه ارزشیابی و فضاهای تربیتی، مدارس علاوه بر اینکه تصوراتی را درباره اصول اخلاقی در کودکان ایجاد می‌کنند باید به تربیت اخلاقی و آموزش اخلاق به طور مستقیم نیز بپردازند. این آموزش ها می تواند از طریق محتوای برنامه درسی، روش‌های یادگیری و مطالعه موجود در مدارس صورت گیرد. به هر حال این نکته روشن است که مدارس تاثیر مستقیم بر آموزش اخلاقیات در دانش آموزان در تمام مقاطع تحصیلی دارند. گلستانی (۱۳۸۰) معتقد است که گرچه موضوع تربیت اخلاقی سالها مورد توجه فلاسفه و دانشمندان اسلامی و غربی قرار گرفته است، اما با تلاش‌های زیادی که تا کنون انجام شده، پیشرفت چشمگیر و قابل توجهی در تربیت و تعالی انسان‌ها دیده نمی‌شود. بد اخلاقی ها، بی بندوباری ها، قتل و غارت، خشونت، بی احترامی نسبت به حقوق دیگران، ساختن سلاحهای مرگبار، ترور دانشمندان و شخصیت های علمی و مذهبی دلیلی بر بی توجهی جهانیان بر مقوله تربیت اخلاقی است. در سال (۲۰۱۸) سازمان شفافیت بین المللی[4] لیست شاخص فساد در کشورهای مختلف جهان را با شاخص بین صفر و صد ارزیابی و اعلام کرده است. در این ارزیابی وضعیت وجود فساد در کشورهای حوزه آسیا – پاسیفیک رو به افزایش، کشورهای حوزه صحرای آفریقا رو به وخامت و در حوزه اروپا و آسیای مرکزی رو به کاهش گزارش شده است. کمترین فساد در کشورهای اروپایی شمالی نیوزیلند با رتبه یک، دانمارک و فنلاند با رتبه دو و نروژ با رتبه سه، بیشترین این فسادها در کشورهای سومالی صد و هشتاد، سوریه صد و هفتاد و هشت، افغانستان صد و هفتاد و هفت است. ایران در این جدول در رده صد و سی ام قرار دارد.

بررسی ها نشان داده است که میزان وقوع جرایم برحسب سن، جوان تر شده و بزهکاری و جرم و از جوانان به نوجوانان به شدت در حال گسترش است (رجبی پور، ۱۳۸۸). دبیر انجمن حمایت از سلامت و بهداشت روان جامعه می‌گوید: آمار و ارقام نشان می‌دهد که بزهکاری از سنین پایین و به ویژه نوجوانی شروع می‌شود و با افزایش سن از ۱۸ سال به بالا ۹۰ درصد، این بزهکاری

1 Zhan
2 Wujie
3 Bugge
4 Trans parency international

رها می‌شود و ۱۰ درصد که باقی مانده با توجه به سوابقی که در دوران نوجوانی دارند، تبدیل به بزهکارانی خطرناک می شوند. گزارش دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد: ایران دارای بیشترین معتاد نسبت به جمعیت، در بین کشورهای جهان است، آمارهای داخلی معتادان از ۲ میلیون تا ۴ میلیون متغیر است (دفتر مقابله با مواد و جرم سازمان ملل، ۲۰۰۷).

در همین راستا روسو معتقد است که هر فرد در مقاطع سنی مختلف دارای استعدادها و تواناییهای خاص است. پس در امر تربیت خصوصا تربیت اخلاقی باید به نوع هوش، بنیه و خلق و خوی افراد توجه نمود. وی معتقد است که هر ذهنی شکلی خاص دارد و نیازمند است که متناسب با آن اداره شود. (شاتو، ترجمه شکوهی، ۱۳۹۶). همچنین او معتقد است که با شروع دوره جوانی، تربیت اخلاقی در ردیف اول قرار می گیرد؛ زیرا در این دوران نخستین جرقه های عقل در جوان پدیدار می گردد (گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۳۹۵). در مورد آموزش اخلاقی و نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی پیاژه معتقد است که تحول اخلاقی کودکان متناسب با تحول شناختی است. در تحول شناختی، فرد نقش اساسی را ایفا می‌کند. به نظر او "اخلاق مانند هوش طی مراحلی رشد می‌کند که تحولی است و به رشد شناختی کودک وابسته است و هر مرحله جدید از تحول شناختی، سطح بالاتری از آگاهی اخلاقی را به دنبال دارد. او در بحث های شناختی خود معتقد است که کودک موجودی است ذاتاً فعال و علت اولیه اعمال ذهنی او عمل خود اوست؛ بنابراین هر گونه شناخت در کودک از جمله شناخت ارزش‌های اخلاقی از طریق تعامل فعال او با محیط خارج به وجود می آید"(کدیور،۱۳۹۶، ص ۸۰). لارنس کلبرگ معتقد است که مرحله ای بودن رشد اخلاقی را همچون پیاژه قبول دارد و تعیین مراحل رشد اخلاقی در هر فرد را براساس توانایی های ذهنی و شناختی او می پذیرد، ولی او معتقد است مراحل رشد اخلاقی پس از دوازده سالگی نیز ادامه دارد (کریمی، ۱۳۹۰). شیوه تربیت اخلاقی بر پایه رویکرد کلبرگی، برطرح معما ها و قرار دادن فراگیر در معضلات و تنگنا های واقعی و غیر واقعی اخلاقی متکی هستند که طی آن تلاش می‌شود نحوه تصمیم گیری یا شیوه های مناسب استدلال و تفکر جهت بر طرف ساختن تعارض از مسایل اخلاقی آموزش داده شود (حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷). بندورا معتقد است معیارهای اخلاقی از طریق تعامل فرد با الگوها رشد پیدا می‌کند، در رابطه با اخلاق افرادی چون والدین قواعد و مقررات اخلاقی سرمشق و الگویی برای کودکان خود قرار می دهند. رفتارهایی که مورد سرمشق قرارداده شده و تایید می‌شود مورد تقلید قرار می گیرد. در حالی که رفتارهایی که مورد سرمشق قرار داده نشده و تنبیه می‌شود کمتر مورد تقلید واقع می‌شود. به بیان دیگر رفتارهای اخلاقی که پاداش داده می‌شود با فروانی بیشتر و آن‌ها که تنبیه می‌شود با فراوانی کمتری روی می‌دهد. (بیابانگرد، ۱۳۹۰). در مورد آموزش اخلاقی و نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی گلاسر(۱۳۹۴) معتقد است که در این مقطع سنی با توجه به سن نوجوانان و مشکلات روحی – روانی آنان، آموزش ارزش‌های اخلاقی می تواند به پیشگیری از آسیب های هیجانی و اجتماعی نوجوانان کمک کند. (نراقی زاده، ۱۳۹۶).

گلستانی (۱۳۸۰) بیان می‌کند که زندگی ماشینی و دنیای صنعتی نظام ارزشی پیشین را در ابعاد گوناگون فرو ریخته است یک بازنگری در بنیادهای اخلاقی ضرورت دارد. این بازنگری از یک سوی با الهام از میراث فرهنگی به ویژه متن کتاب آسمانی یعنی قرآن مجید و احادیث نبوی و سخنان حکیمانه علی (ع) در نهج البلاغه میسر است و از سوی دیگر بهره گیری از آرای فیلسوفانی که بنیادهای مستحکمی بر نظام ارزشی ارائه داده اند و این مهم در اندیشه فلاسفه نامدار اسلامی همچون ابن سینا، خواجه نصیر و ملاصدرا مشهود است. جامعه ایران هم اکنون و بی تردید در سالهای آینده بیش از هر چیز دیگر نیازمند توجه به پرورش انسان‌ها یا به عبارتی شهروندانی که پایبند به ارزش‌های اخلاقی است می باشد. درصورتی که بتوان با گنجاندن برنامه های ویژه تربیتی در برنامه درسی زمینه استقلال شخصی، اعتمادبه نفس، نحوه تعامل با افراد مطمئناً قدم بزرگی در تربیت اخلاقی آن‌ها برداشته ایم. نظر به اینکه انسان و جامعه انسانی برای زندگی فردی و اجتماعی خویش باید به صورتی تربیت شود که به کمال مطلوب دست یابد، یقیناً در این راستا نیاز به راهنما و مربی شایسته آگاه دارد. تا او را به پرورش صحیح به صراط مستقیم هدایت کند. مدرسه به مثابه مجموعه ای از اجزاء و مؤلفه ها در امر تربیت اخلاقی دانش آموزان تاثیر دارد. برنامه درسی و یکی از مؤلفه های مهم آن یعنی کتاب‌های درسی که در مدرسه مورد تدریس واقع می‌شود، از جمله این عوامل است. کتاب‌های درسی محملی برای درگیری دانش آموزان با مفاهیم و موضوعات ارزشی و اخلاقی است. نشر فرهنگ اسلامی و نهادینه سازی ارزش ها و باورهای دینی در ضمیر افراد از جمله مهم‌ترین وظایف نظام تعلیم وتربیت است. برای انجام این امر خطیر نظام آموزشی کشور بیش از هر چیز نیازمند توجه دقیق و علمی به محتوای کتاب‌های درسی، خصوصاً کتابهای درسی تفکر و سبک زندگی است. این درس ارتباط مستقیمی با مقوله اخلاق و آموزش ارزشها دارد و دانش آموزان را برای زندگی و رفتار مسئولانه از لحاظ اجتماعی آماده می‌کند و تعامل اجتماعی صحیح، لاجرم بر پایه اخلاق صورت می گیرد. در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره متوسطه اول ایران برنامه درسی تفکر و سبک زندگی برای پایه های هفتم و هشتم تدوین شده است. این کتابها به علت ماهیت موضوع و ارتباط محکم با مباحث اجتماعی با هنجارها و ارزش های اجتماعی می توانند سهم قابل ملاحظه ای در فراگیری ارزش‌های اخلاقی داشته باشند. کتب درسی و محتوای آن‌ها یکی از عناصر مهم آموزش و پرورش، به ویژه در نظام های آموزشی متمرکز که کشور ما نیز در آن رده جای دارد، قرار گرفته است. باورها و ارزش های اخلاقی و رفتاری از جمله اموری هستند که معلول ساختار و محتوای نظام

آموزشی اند لذا فقدان طرحها و مدلهای روشن برای رویکردها و روشهای تربیت اخلاقی از یکسو به اصل و ضرورت تربیت اخلاقی خدشه وارد می‌کنند و از سوی دیگر امکان تحقق واقعی و سودمندانه آن‌ها را زیر سوال می برد.

نتایج پژوهش صفرپورفیضی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که میزان توجه «متن، تصاویر و پرسش» کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره متوسطه اول به مولفه های احترام به خود، قناعت، ساده زیستی، صداقت، صله ارحام و امانتداری کمترین توجه و به مولفه های مسولیت پذیری بیشترین توجه شده است. نتایج پژوهش نورالهی (۱۳۹۵) نشان می‌دهدکه به مؤلفه های ارتباط عاطفی بین معلم و دانش آموز، احساس مسئولیت و نوعدوستی بیشتر پرداخته شده است؛ و به مؤلفه های مانند مهربانی، حسن همکاری و تعاون کمتر توجه شده است. نتایج پژوهش حقیقت (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که میزان توجه «متن و پرسش» کتاب هدیه های آسمانی به بعد اجتماعی تربیت اخلاقی بیشتر از بعد فردی است. ولی در مقوله تصاویر بیشتر به بعد فردی توجه شده است.

– افکاری (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به این نتایج رسید بیشتر مطالب، به شکل پند و اندرز ارائه شده و برای ارتباط مولفه های تربیت اخلاقی با زندگی روزمره دانش آموزان فعالیتی پیش بینی نشده است. همچنین، از شیوه های تدریس متناسب با رده سنی کودکان دبستانی، در جهت ارتقای شناخت ارزش های اخلاقی و در نهایت، التزام به آموزه ها اخلاقی با رویکرد اسلامی کمتر بهره برده شده است.

– لیسویک[1]، آندرونی[2] (۲۰۱۶) در پژوهشی به ارزیابی کارایی معلمان از تکنیک های اجرا شدن ارزش ها در آموزش اخلاق به این نتیجه رسیدند که استفاده از تکنیک های روشن شدن ارزش ها به ساخت محیط یادگیری لذت بخش تر و در ایجاد انگیزه به دانش آموزان کمک می‌کند.

– تورنبرگ[3] و آوگوز[4] (۲۰۱۶) به بررسی اهداف آموزشی اخلاقی و شهروندی در ارزش آموزش ها: یک مطالعه طولی از دانشجویان معلم سوئدی و ترکیه ای پرداختند و به این نتیجه رسیدند که دانشجویان معلم ترکیه ای به نسبت دانشجویان معلم سوئدی ارزش های اخلاقی بیشتر اجرا می‌کنند

– یافته‌های هانتر[5] (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که داستان سرایی، می تواند قدرت تشخیص و دور نگری را در دانش آموزان ایجاد و فرصتی برای معلمان فراهم کند تا پیچیدگی جهان اخلاقی کودکان را بهتر درک نمایند. به همین ترتیب، داده ها نشان می‌دهد که با به چالش کشیدن فهم ساده را بهتر درک نمایند. به همین ترتیب، داده ها نشان می‌دهد که با به چالش کشیدن فهم ساده اخلاقی جوانان مشکلات آن‌ها در تصمیم گیری های روزانه اخلاقی آشکار خواهد شد. نتایج پژوهش های صفرپورفیضی (۱۳۹۷)، افکاری (۱۳۹۳)، حقیقت (۱۳۹۵)، خدایار (۱۳۹۲)، شجاعی فرد (۱۳۹۲)، درامامی (۱۳۹۰)، نورالهی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی به مؤلفه های تربیت اخلاقی توجه نشده است. در این راستا گولکان[6] (۲۰۱۵) نیز معتقد است اخلاق نقش مهمی در تمامی سطوح روابط انسانی بازی می‌کند. او در پژوهش خود به اهمیت آموزش اخلاق در مدارس اشاره کرده است. بر اساس پژوهش کم[7] (۲۰۱۲)، آموزش اخلاق در مدارس باید به شیوه نوین و متفاوتی ارائه شود. آموزش اخلاق باید به‌عنوان یک جنبه مهم و ضروری در برنامه درسی به مدارس باشد. تدریس اخلاق بیانگر آن است که، چگونه یک چارچوب اخلاقی متناسب با روند آموزشی موجود است. همچنین بر اساس یافته‌های زان[8] و وجی[9] (۲۰۰۷)، در چین کتاب‌های درسی از سال ۲۰۰۳ در حال بازنگری هستند. در این بازنگری آموزش اخلاق نقش عمده‌ای در متون درسی دارد. بوگه[10] (۲۰۰۶)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در مدارس دانمارک آموزش اخلاق نمی‌تواند به‌عنوان موضوع جداگانه در کنار یا به‌عنوان جایگزینی برای آموزش مذهبی کارآیی داشته باشد. با این حال در این کشور در دهه ۱۹۷۰، نیاز به معرفی یک برنامه منظم آموزش اخلاقی در مدارس به رسمیت شناخته شد.

۲- ضرورت و اهمّیت پرورش تفکّر و تعقّل

با گسترش سریع حوزه های مختلف علوم و رشد فزاینده فنّاوری های ارتباطات و اطّلاعات، بیشتر کشورهای جهان به پرورش همه جانبه کودکان و نوجوانان برای آماده سازی آنان جهت ورود به عرصه های مختلف زندگی فردی و جمعی توجّهی ویژه کرده‌اند. برنامه ریزان این کشورها براساس تعریف خود از انسان و جامعه و همچنین شناسایی چالش های پیش رو، به برنامه‌ریزی برای شکوفایی هرچه بیشتر استعدادها و ارتقای قابلیت های فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان توجّه کنند. چنین موضوعی از

1 Lisievici
2 Andronie
3 Thornberg
4 Oguz
5 Hunter
6 Gulcan, y.
7 Cam, p.
8 Zhan
9 Wujie
10 Bugge

این رو اهمیت دارد که حفظ هویت فرهنگی و ملّی جوامع در گرو انتقال صحیح آن به نسل های بعدی با در نظر گرفتن اقتضائات آینده است .نکته مهم این است که شکوفایی استعدادها و ارتقای قابلی تنها منحصر به پردازش اطّلاعات و یادگیری داده های علوم فنی، تجربی و انسانی نیست، در واقع، هدف نهایی صرفاً این نیست که کودکان و نوجوانان انسان‌هایی نخبه و متخصّص در یک فن یا رشته بار آیند؛ زیرا به دلیل تفاو تهای فردی و محیطی، همه افراد جامعه به طور تخصصی توان مشارکت در تولید علم و اثرگذاری در رشد، پیشرفت و توسعه علمی کشور را ندارند اما می توان جامعه ای را ترسیم کرد که در کنار تربیت متخصّصان و نخبگان علمی برای پیشرفت و توسعه علمی و آبادانی کشور، همه افراد آن از سطح بسیار خوبی از روابط صحیح اجتماعی و انسانی برخوردار باشند و انسا نهایی سودمند و مؤثّر برای جامعه تلقی شوند .از چشم انداز بیست ساله، نقشه جامع علمی کشور و همچنین سند تحوّل بنیادین در این خصوص چنین برداشت می‌شود که هدف، ساخت جامعه ای است که افراد آن با تعقّل و تفکّر مبتنی بر فطرت، به تنظیم روابطشان در عرصه های ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت بپردازند تا از رهگذر آن هویّت و فرهنگ خود را بازیابی، بازآفرینی و متعالی کنند .چنین جامع های، خردمحور، خردورز و خردمندپرور خواهد بود (راهنمای برنامه درسی سبک تفکر و زندگی، ۱۳۹۳).

۳- جایگاه تفکّر و تعقّل در برنامهٔ درسی ملّی جمهوری اسلامی ایران

سند تحوّل بنیادین، تغییر در شش زیر نظام آموزش و پرورش را برای ایجاد تحوّل در آن ضروری دانسته است .این شش زیرنظام عبارت اند از :برنامه درسی، رهبری و مدیریت تربیتی، تربیت معلّم و منابع انسانی، فضا و تجهیزات و فناوری، تحقیق و ارزشیابی، تأمین و تخصیص منابع مالی. برنامه درسی ملی براساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به‌عنوان اولین و مهم ترین سند از مجموعه اسناد تحولی زیرنظام های آموزش و پرورش با رویکرد فطر تگرایی توحیدی به منظور تربیت انسان‌هایی متفکّر و عاقل، با ایمان و باور، اهل علم، عمل و اخلاق، در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت با محوریت ارتباط با خدا طراحی شده و برآن است که افراد با کسب این شایستگی ها بتوانند به مراتبی از حیات طیبه دست یابند. (راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۳).

۴- هدف های کلّی برنامهٔ درسی تفکّر و پژوهش دورهٔ اوّل متوسطه در عناصر تربیتی

هدف های کلّی دوره اوّل متوسطه براساس الگوی هدف گذاری برنامه درسی ملّی در پنج عنصر تفکّر و تعقّل، ایمان و باور، علم، عمل و اخلاق به شرح زیرند.

- تفکّر و تعقّل: توانایی تفکّر درباره منابع و ابزار شناخت
- ایمان: ایمان به وجود روابطی ماوراء روابط ظاهری امور و پدید ه ها و کشف ملکوت آن‌ها
- علم: آگاهی از حقایق و قوانین حاکم بر هستی، فهم ارز شها و معیارهای دینی، آشنایی با روش انجام فعّالیت های مطالعاتی و پژوهشی، شناخت صحیح نسبت به یافته‌های علم و فنّاوری
- عمل: توانایی به کارگیری روش‌های مناسب در فعّالیت های مطالعاتی و پژوهشی، در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق، خلقت خود یادگیری و خودسازی مستمر و مادام العمر؛ توانایی برقراری ارتباط فردی و میان فردی
- اخلاق: شناخت بایدها و نبایدهای رفتار انسان و درونی سازی ارزش های اخلاقی و پرهیز از رذایل، رعایت اصول اخلاق در عمل؛ توسعه و شکوفایی گرایش های الهی در انسان نظیر حقیقت جویی، خیر و فضیلت خواهی(راهنمای برنامه درسی، ۱۳۹۳).
-

۵- سوالات پژوهش

۱- به چه میزان مؤلفه های تربیت اخلاقی در کتاب تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه (پایه هفتم) مورد توجه قرار گرفته اند؟

۲- به چه میزان مؤلفه های تربیت اخلاقی در کتاب تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه (پایه هشتم) مورد توجه قرار گرفته اند؟

۶- روش پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی[1] است واز لحاظ هدف در زمره پژوهش کاربردی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه پژوهشگر درصدد است تا به بررسی مولفه های تربیت اخلاقی کتاب‌های درسی تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه بپردازد درنتیجه ابزار پژوهش تحلیل محتوا به صورت کمی و کیفی (آمیخته) است. جامعه آماری این تحقیق، کتاب‌های درسی دوره اول متوسطه است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نمونه‌گیری هدفمند قصد پژوهشگر انتخاب مواردی است که با توجه به هدف تحقیق، اطلاعات زیادی داشته باشند. از آنجا که هدف کلی این پژوهش شناسایی میزان به کارگیری مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی دوره اول متوسطه سال ۹۷-۱۳۹۶ است، با استفاده از روش تحلیل محتوا که در این پژوهش کتاب‌های درسی به‌عنوان ابزار پژوهش انتخاب شده‌اند. روند جمع‌آوری اطلاعات نیز به این صورت که ابتدا مبانی نظری این پژوهش از طریق روش کتابخانه‌ای از منابع موجود در زمینه تربیت اخلاقی جمع آوری گردید و با استفاده از آمار فراوانی درصد مولفه ها بدست آمده، بخش دیگر از اطلاعات نیز با استفاده از تحلیل محتوای مورد تفسیر قرار گرفته است.

۷- یافته‌های پژوهش

سوال اول: به چه میزان مؤلفه های تربیت اخلاقی در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم، توجه شده است؟

جدول ۱- مولفه های تربیت اخلاقی در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم سال تحصیلی ۹۷-۹۶ (نگارنده، ۱۳۹۸)

مولفه‌ها	متن وتصاویر	جمع
	فراوانی	درصد
رعایت حقوق دیگران	۱۸	۰/۴۷
قناعت و ساده زیستی	۰	۰
امانتداری	۳	۰/۰۷۹
مسولیت پذیری	۸	۰/۲۱
محبت	۴	۰/۱۱
صداقت	۵	۰/۱۳
جمع	۳۸	۰/۹۹۹

همان طوری که در جدول ۱-۱ ملاحظه می‌شود در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم ۳۸ مرتبه به مؤلفه های تربیت اخلاقی اشاره شده است که رعایت حقوق دیگران با ۱۸ مقوله (۰/۴۷) در رتبه اول و مولفه مسئولیت‌پذیری با ۸ مقوله (۰/۲۱)، صداقت با ۵ مقوله (۰/۱۳)، محبت با ۴ مقوله (۰/۱۱)، امانتداری با ۳ مقوله (۰/۰۷۹)، قناعت و ساده زیستی۰ درصد کمترین توجه شده است.

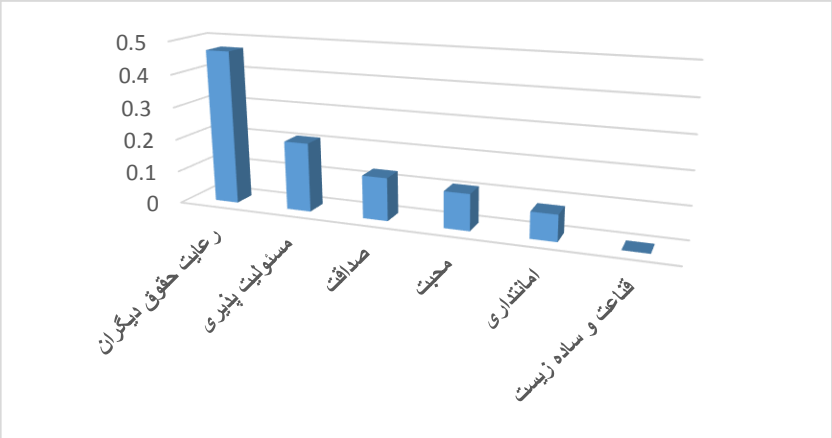

شکل ۱- فراوانی مولفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم سال تحصیلی ۹۷- ۹۶ (نگارنده، ۱۳۹۸)

1. Descriptive Research

جدول ۲- مولفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هشتم سال تحصیلی ۹۷-۹۶ (نگارنده، ۱۳۹۸)

مولفه ها	متن وتصاویر	جمع
	فراوانی	درصد
رعایت حقوق دیگران	۱۵	۰/۲۶
قناعت و ساده زیستی	۰	۰
امانتداری	۶	۰/۱۰
مسولیت پذیری	۲۰	۰/۳۴
محبت	۸	۰/۱۴
صداقت	۹	۰/۱۶
جمع	۵۸	۰/۱۰۰

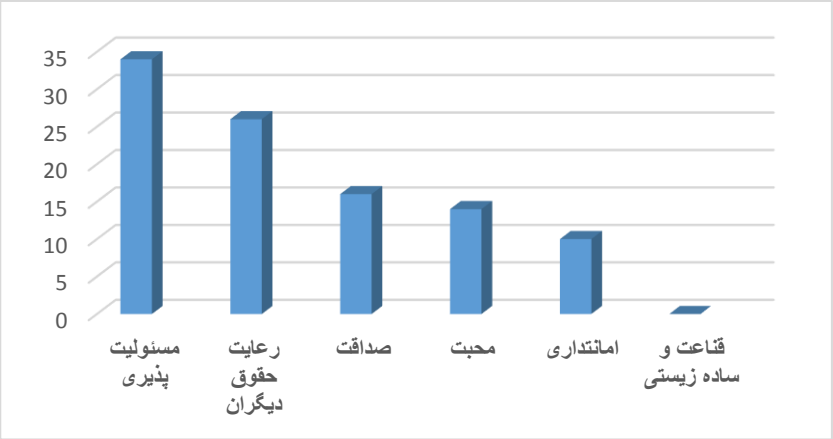

شکل ۲- فراوانی مولفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هشتم سال تحصیلی ۹۷- ۹۶ (نگارنده، ۱۳۹۸)

نتیجه گیری

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به نوعی به‌عنوان قانون اساسی نظام تعلیم و تربیت ایران است در مقدمه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است، "تحقق ارزش ها و آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی است. احراز عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیر ساخت های تعالی پیشرفت همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که درآن طی مسیر منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده است. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام گیری از اسناد بالا دستی و بهره گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود" (سند تحول راهبردی، ۱۳۹۰).

نتایج تحلیل این پژوهش نشان داد که در کتاب‌های درسی تفکر و سبک زندگی دوره اول متوسطه به مسئله مهمی چون تربیت اخلاقی که اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند ملی برنامه درسی، راهنمای برنامه درسی مطالعات اجتماعی و مصوبه ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش دوره اول متوسطه است، مطرح نشده است. لذا توصیه می‌شود که مؤلفه های تربیت اخلاقی در کتب درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه گنجانده شوند.

از آنجا که هدف کلی تربیت اخلاقی، تربیت انسان معتقد و مسلمان است که بتواند در ابعاد اجتماعی، سیاسی، زیستی، فرهنگی، علمی و هنری رشد یابد، این ابعاد باید در کنار هم وجود داشته باشند. وجود اهداف مختلف نظام اخلاقی و تربیت هنری ناظر بر مجموعه فعالیت ها، برنامه ها و طرح هایی هستند که به تحقق هریک از مجموعه اهداف مصوب کمک می‌کنند. در جامعه ای که به دنبال ارزش‌های والای انسانی و دینی هستیم، تربیت اخلاقی مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به آن است. به عقیده بسیاری از صاحب نظران از طریق تربیت اخلاقی و آموزش ارزش ها می توان به نحو موثری از انحرافات اخلاقی و بزهکاری ها پیشگیری کرد؛ به همین جهت یکی از تلاش های یونسکو (۲۰۰۳)، ترویج ارزش های اخلاقی در نظام های مختلف آموزشی بود. ضعف و نارسایی ها در برنامه درسی تربیت اخلاقی باعث اتلاف بسیاری از سرمایه ها در نظام آموزشی می‌شود. سازمان شفافیت بین

المللی۱ لیست شاخص فساد در کشورهای مختلف جهان در سال (۲۰۱۸) را با شاخص بین صفر و صد ارزیابی و اعلام کرده است؛ که ایران در این جدول در رده صد و سی ام قرار دارد. بالا بودن این آمار در ایران نشانگر غفلت به اخلاق و مؤلفه های تربیت اخلاقی در جامعه است.

مقطع آموزشی متوسطه از حساس ترین دوره های زندگی دانش آموزان به شمار می رود. اوج بحران‌های روحی و روانی به دلیل پدیده بلوغ در این دوران تشدید می‌شود حس استقلال، شوق پیوستن به گروه، کاهش نیاز به حمایتهای خانواده، عدم توجه به قوانین موضوعه جامعه در این سنین نمود پیدا می‌کنند و در صورتی که نظام آموزش و پرورش برنامه ویژه‌ای برای هدایت استعدادهای دانش آموزان در مسیر صحیح زندگی نداشته باشد، یقیناً با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. عواملی چون اعتیاد، بزهکاری و قانون گریزی معلول عدم توجه به نیاز عاطفی و اجتماعی و اخلاقی دانش آموزان در این سنین می باشد. حسنی (۱۳۹۴)، شواهد نشان می‌دهد که جامعه ایران هم اکنون و بی تردید در سالهای آینده بیش از هر چیز دیگر نیازمند توجه به پرورش انسان‌ها یا به عبارتی شهروندان متخلق به ارزش‌های اخلاقی است. درصورتی که بتوان با گنجاندن برنامه های ویژه تربیتی در برنامه درسی زمینه استقلال شخصی، اعتمادبه نفس، نحوه تعامل با افراد مطمنا قدم بزرگی در تربیت اخلاقی آن‌ها برداشته ایم. نظر به اینکه انسان و جامعه انسانی برای زندگی فردی و اجتماعی خویش باید به صورتی تربیت شود که به کمال مطلوب دست یابد، یقیناً در این راستا نیاز به راهنما و مربی شایسته آگاه دارد. تا او را به پرورش صحیح به صراط مستقیم هدایت کند. مدرسه به مثابه مجموعه ای از اجزاء و مولفه ها در امر تربیت اخلاقی دانش آموزان تاثیر دارد. برنامه درسی و یکی از مولفه های مهم آن یعنی کتاب‌های درسی که در مدرسه مورد تدریس واقع می‌شود، از جمله این عوامل است. کتاب‌های درسی محملی برای درگیری دانش آموزان با مفاهیم و موضوعات ارزشی و اخلاقی است.

همانگونه که نتایج این پژوهش نشان داد که به مؤلفه های مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، صداقت و محبت بیشترین توجه و به مولفه های قناعت و ساده زیستی، امانتداری و کمترین توجه شده است.

اولین مولفه ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته است قناعت و ساده زیستی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به مؤلفه قناعت کمتر توجه شده است. قناعت یکی از فضایل ارزشمند اخلاقی است که مانع حرص ورزی و زیاده خواهی است؛ و یکی از اصول ارزشی اخلاق اقتصادی در اسلام به حساب می آید، تمایل افراطی و شدید انسان به مادیات و لذات زود گذر دنیایی منشاء رذایل اخلاقی در جامعه می‌شود و باعث پایمال شدن حقوق انسان‌ها و باعث از بین رفتن سرمایه های مادی و منابع طبیعی می‌شود. یکی از راه های توسعه اقتصادی و پیشرفت همه جانبه جامعه ترویج فرهنگ ساده زیستی و قناعت است. بهترین الگوی ساده زیستی در قرآن و تعالیم دین مبین اسلام حضرت پیامبر (ص)، ائمه معصومین (ع) و سایر اولیای الهی هستند. امام خمینی (ره)، می فرماید: «این خوی کاخ نشینی اسباب این می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا شود، اکثر این خوی‌های فساد، از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است.» زاهدی (۱۳۹۲)، از نظر اسلام ساده زیستی یک ارزش معنوی است. پیشوایان دینی، ساده زیستی و قناعت را ارزشی والا می دانستند و افراد ساده زیست را می‌ستودند. ساده زیستی مورد نظر در اسلام عبارت است از: عدم دلبستگی به مظاهر دنیا و رهایی از تجملات و تشریفات زاید زندگی و بی پیرایه بودن که مقابل آن تجمل گرایی است.

دومین مؤلفه‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته امانتداری است. امـانـت در نظر اسلام، از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است، به طـوری کـه نمونه های فراوانی از سفارش‌ها و توجهات الهی قرآن و احادیث و روایات ائمه معصومین(ع) به چشم می‌خورد. خداوند متعال که خود بهترین و بزرگ ترین امین و نگهبان است، از هـر گـونـه دغل بازی و خیانت پاک و مبرا می باشد. امام علی (ع): «برترین درجات ایمان یک انسان، امانت داری و امین بوده اوست.». پیامبر اسلام (ص) در شناخت انسان‌ها تنها به زیادی نماز و روزه شان و نیز به زیادی حج و زکاتشان و به معروف بودن و شهرت شان (در خوبی) و شب زنده‌داری های شان توجه نکنید، بلکه صداقت و امانت‌داری آنان را در نظر بگیرید (بحارالأنوار، ج۷۵، ص ۱۱۵). افراد با ایمان کسانی هستند که به امانت‌ها و پیمان‌های خود وفا دارند (سوره مؤمنون آیه ۸). از رسول اکرم (صلّی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که فرمود: کسی که امانتدار نیست ایمان ندارد (بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶). امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمود: از خیانت بدور باش که بی‌گمان خیانت از بدترین گناهان بوده و همانا خائن در آتش جهنم معذب خواهد شد (مستدرک‌الوسائل، ج۲، ص ۵۰۶). امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: میزان ارزش و خوبی انسان رکوع و سجده‌های طولانی نیست چرا که او به این اعمال عادت کرده است بطوری که اگر ترک نماید وحشت‌زده می‌شود، بلکه میزان و معیار، راستگوئی و امانت‌داری او است (نورالثقلین، ج۱، ص ۴۹۶)..

مؤلفه دیگری که کمتر به آن پرداخته شده، محبت است. مطهری (۱۳۹۲) معتقد است که برای عشق و محبت نه تنها در عرصه روابط بین زوجین، دوستان، شهروندان و حتی همنوعان موجب استواری و استحکام بنیاد رابطه‌ها شده و در کاهش آمار آسیب های اجتماعی، اختلافات خانوادگی و چالش‌های فرساینده بین اقشار و طبقات مختلف اجتماعی نقش بسیار مهم و مؤثری را داشته و دارد، بلکه در اداره امور مملکتی و ثبات و ادامه حیات دولت و ملت و تربیت و تزکیه مردم بویژه نسل جوان کشور تأثیر

1 - Trans parency international

فوق العاده مهمی دارد. بهترین اجتماع ها آن است که با نیروی محبت اداره شود. محبت زعیم و زمامدار به مردم و محبت و ارادت مردم به زعیم و زمامدار. علاقه و محبت زمامدار عامل بزرگی است برای ثبات و ادامه حیات حکومت و تا عامل محبت نباشد رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند ولو این که عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه ها ست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشند. قرآن خطاب به پیغمبر می‌کند که "ای پیغمبر! نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری... به موجب لطف و رحمت الهی، تو برایشان نرم دل شدی که اگر تند خوی سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌گشتند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن." (آل عمران /۵۹).

اهمیت و ضرورت پرداختن به تربیت اخلاقی در عصر ما به مراتب بیشتر است، چرا که در آن از یک سو با بحران هویت و ارزش‌های اخلاقی روبرو هستیم و از سوی دیگر با فزونی انگیزه های فساد و انحراف بشر امروزی ناگزیر است برای تحقق جامعه سالم و ایجاد تعادل روانی در افراد، آسودگی وجدان اخلاقی، جلب اعتماد و تایید متقابل انسان‌ها به ارزش‌های اخلاقی روی آورد. با توجه به مشکلات پرورش همه جانبه افراد در داشتن مشکلات اخلاقی از جمله افزایش خشونت و نداشتن صبر و بردباری و داشتن فقر و وجود نابرابری ها و تبعیضات اقتصادی، جنسیتی و مشکلات مربوط به بهداشت جسمی و روانی و گسترش آسیب های اجتماعی نظیر سوء استفاده مصرف مواد و دیگر مشکلات که انسان‌ها با آن‌ها روبرو هستند این مساله که برای ما به وجود آمده است که در محتوای کتابهای درسی بخصوص مطالعات اجتماعی که مسئولیت پرورش شهروندی دارند که دارای تربیت اخلاقی باشند مورد توجه و تاکید قرار گیرد. نشر فرهنگ اسلامی و نهادینه سازی ارزش ها و باورهای دینی در ضمیر افراد از جمله مهترین وظایف نظام تعلیم وتربیت است. برای انجام این امر خطیر نظام آموزشی کشور بیش از هر چیز نیازمند توجه دقیق و علمی به محتوای کتاب‌های درسی، خصوصاً کتابهای درسی تعلیمات اجتماعی است. یکی از برنامه های درسی که در بیشتر کشورها عرضه می‌شود مطالعات اجتماعی است. این درس ارتباط مستقیمی با مقوله اخلاق و آموزش ارزشها دارد و دانش آموزان را برای زندگی و رفتار مسئولانه از لحاظ اجتماعی آماده می‌کند و تعامل اجتماعی صحیح، لاجرم بر پایه اخلاق صورت می‌گیرد. کتب درسی و محتوای آن‌ها یکی از عناصر مهم آموزش و پرورش، به ویژه در نظام های آموزشی متمرکز که کشور ما نیز در آن رده جای دارد، قرار گرفته است. باورها و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری از جمله اموری هستند که معلول ساختار و محتوای نظام آموزشی اند لذا فقدان طرحها و مدلهای روشن برای رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی از یکسو به اصل و ضرورت تربیت اخلاقی خدشه وارد می‌کنند و از سوی دیگر امکان تحقق واقعی و سودمندانه آن‌ها را زیر سئوال می برد. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه حاکی از آن است که مولفه های تربیت اخلاقی به صورت متوازن در تدوین محتوای کتاب‌های یاد شده مورد استفاده قرار نگرفته اند. در حقیقت محتوای این کتابها نتوانسته است که آن گونه که بایسته و شایسته است حق مطلب را در ارائه محتوای اخلاقی به دانش آموزان ادا نماید. چنین امری نقطه ضعف بزرگی برای نظام آموزشی و پرورش کشور محسوب می‌شود؛ بنابراین لحاظ نمودن مفاهیم اخلاقی در محتوای این کتابها در درونی نمودن آن‌ها بسیار تاثیر گذار و مفید خواهد بود.

نتیجه این پژوهش نیز نشان داد که باید به عناصر برنامه درسی در تربیت اخلاقی دانش آموزان توجه شود. برنامه‌ریزی تربیت اخلاقی شامل محتوای رسمی و غیررسمی، شیو های تدریس، شیوه های ارزشیابی و فضای تربیتی است که از طریق آن برای فراگیران امکان شناخت توانایی های خویش را هدفمند می سازند. یکی از ابعاد برنامه درسی هدف یا آرمان برنامه درسی است. ارزش هر برنامه به هدفی است که آن را تعقیب می‌کند. هدف تربیت اخلاقی، افزایش مراتب و درجات قلبی است که در سایه معرفت الهی، تحصیل علم و آگاهی از انچه باید به آن متخلق شویم و تقویت و گرایش نسبت به چیزهایی که متخلق شدن به آن‌ها لازم است و از بین بردن موانع تکامل و عوامل سقوط انسان. معلم یکی دیگر از عناصر برنامه درسی و موثرترین عنصر تعلیم وتربیت است. دانش آموزان از اخلاق و رفتار معلم، از طرز اداره کلاس، از رعایت عدل و انصاف در نمره دادن، از وقت شناسی و رعایت نظم، از دلسوزی و مهربانی، از خوشرویی و فروتنی، از دینداری و التزام به ضوابط شرعی، از اخلاق خوش و ادب او، از خیر خواهی و نوع دوستی معلّم درس ها می آموزند همچنین از اخلاق و رفتار و کردار او متأثر می‌شوند و خود را با او همسان می سازند؛ بنابراین، معلّم فقط یک آموزگار نیست بلکه مهم تر از آن، یک مربی و یک الگوی با نفوذ است. معلم و استاد نمی تواند نسبت به اخلاق و رفتار خود آزاد و بی‌تفاوت باشد، زیرا محدوده اخلاقیاتش فراتر از خود اوست. او تنها مسئول خودش نمی باشد بلکه مسئولیت تعدادی از انسانهای معصوم را نیز بعهده گرفته بررسی‌های علمی نیز نشان می دهد که ۳۵درصد کودکان در هفت سال دوم زندگی دوست دارند همانند معلّم خود باشند. از این‌رو اگر معلمان، دانش آموزان را به رفتارها، صفات و نگرش هایی خاص دعوت کنند ولی خود در عمل به آن‌ها پایبند نباشند آموزش‌های شفاهی آنان نیز تأثیر نخواهد گذاشت.

فراگیران یکی دیگر از مهترین عنصر برنامه درسی هستند که باید تربیت شوند. برنامه درسی تربیت اخلاقی متناسب با سن، علاقه،زندگی واقعی فراگیران باشد و آن‌ها نقش فعالی داشته باشند. یکی از راهکارهای موثر در تربیت اخلاقی، پیش بینی دروس

اختیاری، به تناسب سن، مقطع تحصیلی، علایق و انگیزه های فراگیران باشد. به این معنا که این دروس در عرصه زندگی فردی، اخلاقی و اجتماعی فرد مفید باشد.

یکی دیگر از عناصر برنامه درسی محیط و فضا در برنامه درسی است. مدرسه و کلاس درس، به وجود آورنده فضایی است که دانش‌آموزان در آن تربیت می‌شوند. دانش‌آموزان، همان‌طور که در مدرسه از معلم الگوبرداری می‌کنند، از فضا و محیط مدرسه نیز تأثیر می‌پذیرند.. دانش‌آموزان بسیاری از گرایش‌ها و ارزش‌ها را از فرهنگ حاکم بر مدرسه می‌آموزند. منظور از «فرهنگ»، معارف، گرایش‌ها و ارزش‌های رایج در محیط مدرسه است؛ بنابراین، برنامهٔ درسی، ساختار اداری، فیزیکی و ظاهری مدرسه، تعامل معلم با دانش‌آموزان و نیز تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر در مدرسه، نقش جدی در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این تأثیر می‌تواند در بُعد منفی و یا در بُعد مثبت باشد.

راهبردهای تدریس: برای تدریس مطلوب یک برنامه درسی نمی توان به طور دقیق مشخص کرد که از چه راهبردهای تدریس استفاده شود. راهبردهای تدریس اغلب به منزله بخش جدایی ناپذیر از فعالیت های دانش آموزان و با توجه به همان الگویی که برنامه درسی طراحی می‌شود، طرح ریزی می‌شود. با توجه به سن، مقطع تحصیلی، علاقه و انگیزه فراگیران برخی از راهبردهای شیوه‌های تربیت اخلاقی اشاره می کنیم: ۱- با استفاده از الگو برداری و سرمشق گیری ۲-روش طرح معماهای اخلاقی ۳- روش تشویق و تنبیه، ۴- مشارکت فعال فراگیران، ۵- محبت، ۶- ایجاد انگیزه

یکی از عناصر دخیل و تأثیرگذار در مطلوبیت برنامهٔ درسی، «ارزشیابی» است. هدف از ارزشیابی این است که ارزشیابی اغلب به‌عنوان مرحلهٔ پایانی کار به حساب می‌آید و هدف از آن، کسب آگاهی از میزان موفقیت برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و شناسایی خطاها و کمبودهای فرایند یاددهی–یادگیری است با توجه به مبانی و اصول تربیت اخلاقی، نگاه و هدف در ارزشیابی برنامهٔ درسی باید فراتر از هدف فوق باشد. ارزشیابی در نظام برنامه درسی تربیت اخلاقی، علاوه بر این‌که سطح‌شناختی فراگیران نسبت به مفاهیم اخلاقی را می‌سنجد، باید به گونه‌ای طرح‌ریزی شود که سطح بینش و نگرش، ایجاد انگیزه و علاقهٔ درونی به ارزش‌های اخلاقی و تمام عناصر دخیل در انجام رفتار اخلاقی اختیاری در فراگیران را نیز بسنجد؛ زیرا آنچه در برنامهٔ درسی تربیت اخلاقی مهم می‌باشد، «رشد اخلاقی» دانش‌آموزان است که منجر به رفتار اخلاقی آنان می‌شود.

منابع

۱. افکاری، فرشته (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم ابتدایی از منظر توجه به مولفه های تربیت اخلاقی . رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی
۲. حسنی، محمد؛ همکاران (۱۳۹۱). مدرسه و تربیت اخلاقی. تهران: انتشارات مدرسه
۳. حسنی، محمد (۱۳۹۴). رویکردهای نوین در تربیت اخلاقی. انتشارات: مدرسه
۴. حقیقت، پریسا (۱۳۹۵). بررسی تحلیل محتوای کتاب هدیه های آسمانی پایه چهارم بر اساس توجه به مؤلفه های تربیت اخلاقی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۵. حقیقت، شهربانو؛ مزیدی، محمد (۱۳۸۷). بررسی و ارزیابی زمینه فلسفی و روش‌های آموزشی چهار رویکرد تربیت اخلاقی معاصر. اندیشه دینی، شماره ۲۶، ص ۱۳۴-
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه العروسی. نورالثقلین، جلد اول
۷. خدایار، نصرالله (۱۳۹۲). بررسی میزان توجه به مولفه های تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمانی پایه ششم دوره ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد مرودشت
۸. داوودی، محمد (۱۳۹۶). اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم. قم: دفتر نشر معارف
۹. درامامی، نرگس (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب‌های بخوانیم، مدنی، هدیه های آسمانی و قرآن پایه های سوم تا پنجم ابتدایی به منظور بررسی برخی مقوله های تربیت اخلاقی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی
۱۰. دفتر مقابله با مواد و جرم سازمان ملل (۲۰۰۷). گزارش جهانی مواد مخدر در سال (۲۰۰۶). ترجمه پروین رئیس اسفهلان، جمعیت مبارزه با اعتیاد
۱۱. رجبی پور، م (۱۳۸۸). بزهکاری دانش آموزان و امکان پیشگیری اجتماعی رشد مدار (از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش)، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، ش ۲، ص ۱۲۸-۱۵۸
۱۲. زاهدی، عبدالرضا (۱۳۹۲). زهد و ساده زیستی ونقش آن در رشد فردی و اجتماعی از منظر آیات و روایات. معرفت اخلاق. سال چهارم، شماره ۲- پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۴۰-۲۳
۱۳. راهنمای برنامه درسی پایه هشتم، ۱۳۹۳
۱۴. سازمان بین المللی شفاف سازی (۲۰۱۸).

۱۵. شاتو، ژان (۱۳۹۶). مربیان بزرگ. ترجمه: غلام حسین شکوهی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
۱۶. شجاعی فرد، محمد (۱۳۹۲). بررسی میزان توجه به مولفه های تربیت اخلاقی در کتب ادبیات فارسی دوره متوسطه اول. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد مرودشت
۱۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۱۸. صفرپورفیضی، ملوک (۱۳۹۷). بررسی میزان توجه به مولفه های تربیت اخلاقی در کتابهای درسی مطالعات اجتماعی دوره متوسطه اول. پایانامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س).
۱۹. کدیور، پروین (۱۳۹۶). روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت
۲۰. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۰). مراحل شکل گیری اخلاق در کودک، با تاکید بر رویکرد تحولی. تهران: نشر عابد
۲۱. –علامه مجلسی، بحارالانوار. موسسه الوفاء بیروت، لبنان ۱۴۰۴ق. جلد۷۵، ص ۱۱۴
۲۲. گلستانی، هاشم (۱۳۸۰). نقد و تحلیل تربیت اخلاقی از نظر برخی متفکران اسلامی. دانش و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان شماره ۷، ص ۱۳۰– ۱۱۵
۲۳. گوتک، جرالدآل (۱۳۹۵). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه: محمد جعفر پاک سرشت، تهران: انتشارات سمت
۲۴. مقدس نیا، سیدمحمد؛ محمدی، محمد مهدی (۱۳۷۹). آداب معاشرت. قم: مرکز تحقیقات سپاه
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). اسلام و نیازهای زمان. تهران؛ انتشارات صدرا
۲۶. نجاتی پور، حسین (۱۳۹۲). روان شناسی رشد (کودک– نوجوانی). تهران: بیکران
۲۷. نراقی زاده، افسانه (۱۳۹۶). مسائل نوجوانان و جوانان. انتشارات مهر اندیش تهران
۲۸. نورالهی، فریبا (۱۳۹۵). تحلیل محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی پایه ششم ابتدایی از منظر توجه به تربیت اخلاقی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۲۹. نوری، میرزاحسن، مستدرک الوسائل جلد دوم
۳۰. نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه دشتی، محمد. قم: انتشارات ائمه

31. Bugge, K.E (2006). Moral Education in Denmark: problems and possibilities. In: journal of Moral Education
32. Cam, Philip (2012). Teaching Ethics in schools: A new approach to moral education. ACER press, melburne, VIC
33. -Gulcan, y (2015). Discussing the importace of teaching Ethics in Educational.in: science Direct. Volum 174,12 Fes. 2015. Pages 2622- 2625
34. Hunter, (2011), Cheryl; Eder, Donna Multicultural Perspectives2010) v12 n4 p223-228.
35. unesco,(2003). Living values for 714
36. Petrus Lisievici, Mihai Andronie (2016). " Teachers assessing the Effectivenss of values clarification techniques in moral education" Volum 217, 5 February 2016, pages 400-406
37. Robert Thornberg, Ebru Oguz (2016)" Moral And citizenship educational goals in values education: Across-cultural study of Swedish and Turkish student teachers preferen" Volum 55, April 2016, Pages110-121
38. Zhan, w.& Wujie, N (2007). The moral education curriculum for junior high schools in 21 st century China. In journal of moral education, Volume 33, 2004- lssue4

پژوهش در هنر و علوم انسانی

ظرفیت نو شبکه‌های اجتماعی مجازی در گفتمان‌سازی ایمان به وعـده‌های الهـی
روح‌الله آهنگران، شبنم رضایی عباسی

تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر میزان هـزینه‌های پـژوهش و توسعه شرکت‌ها
سیدمهدی هاشمی فیض‌آبادی، اکرم فیض‌آبادی

تحلیل پوسترهای استفان زاگ مستر از منظر فلسفه هنر نیچه
پریسا طاهری راد، محسن صحتی، نادیا معقولی

مطالعه تطبیقی حامیان هنری دوره‌های ایلخانی و تیموری
الهام کشاورزی

جغرافیای تاریخی خراسان در ادوار تاریخ
شهرام بی‌باک

تعیین بهترین کانسپت طراحی پلان خانه‌های مسـکونی اقلیم گرم و خشک بر اساس فرم‌های معماری سنتی شهر سمنان
محمدحسین باغبان

از نارسایی تعریف اختلاس تا ناکارآمدی شروط تحقق آن
شیما سادات حسینی مقدم

بررسـی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های تفکر و سـبک زندگی دوره اول متوسطه
ملوک صفرپورفیضی